

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی

پایان نامه کارشناسی ارشد معماری

معماری برای زندگی همگانی؛ بررسی تأثیرگذاری فضاهای باز عمومی کوچک
مقیاس بر روابط اجتماعی و تعامل میان شهروندان
(نمونه موردی: فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود)

نگارنده: رضا فاتحی

استاد راهنما

دکتر حمیدرضا اطلس باف

شهریور ۱۴۰۰



مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

فرمهای ارزشیابی پایان نامه کارشناسی ارشد
مربوط به ورودی‌های ۹۴ به بعد

شماره: ۳۷/۹۸۱
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷
برایش:

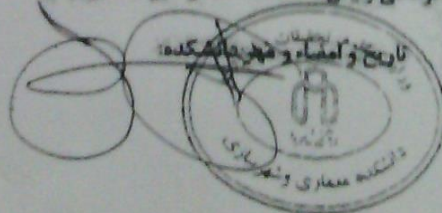
فرم شماره (۳) صورتجلسه نهایی دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

با نام و یاد خداوند متعال، ارزیابی جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای رضا فاتحی با شماره دانشجویی ۹۷۰۰۱۹۴ رشته مهندسی معماری گرایش معماری تحت عنوان معماری برای زندگی همگانی؛ بررسی تأثیرگذاری فضاهای باز عمومی کوچک مقیاس بر روابط اجتماعی و تعامل میان شهروندان نمونه‌سودی: فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود که در تاریخ ۹۴۰۰/۰۶/۲۷ با حضور هیأت محترم داوران در دانشگاه صنعتی شاهرود برگزار شد به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

الف) درجه عالی: نمره ۲۰-۱۶ ☒		ب) درجه خیلی خوب: نمره ۱۸-۱۸/۹۹ ☐	
ج) درجه خوب: نمره ۱۷/۹۹-۱۶ ☒		د) درجه متوسط: نمره ۱۵/۹۹-۱۴ ☐	
ه) کمتر از ۱۴ غیر قابل قبول و نیاز به دفاع مجدد دارد ☐			
نوع تحقیق: نظری ☐ عملی ☐			

عضو هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱- استاد و اهدای اول	دکتر حمیدرضا اعلی‌یوسف	استادیار	
۲- استاد و اهدای دوم			
۳- استاد مشاور			
۴- استاد داور اول	دکتر امیرمحسن نیکزاد	استادیار	
۵- استاد داور دوم	دکتر مسعود طاهری شهرآئینی	استادیار	
۶- نماینده تحصیلات تکمیلی	مهندس امیرمسعود جعفری	مربی	

نام و نام خانوادگی رئیس دانشگاه: دکتر امیر محسن نیکزاد



بانهایت خضوع این اثر تقدیم می شود به

پیشگاه مقدس منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج)

و

شهادی راه اسلام

خداوند را سپاسگزارم که بار دیگر بر من منت نهاد و این توفیق را نصیبم نمود تا فصلی دیگر از زندگی خود را در سایه می عنایتش به پایان برسانم.

در اینجا بر خود واجب می دانم تا از زحمات و راهنمایی های استاد کرامت در جناب آقای دکتر اطلس باف که صبورانه و دلسوزانه مراد مسیر تدوین این پایان نامه راهنمایی کردند نیز قدردانی نمایم.

اینجانب **رضافاتحی** دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته **مهندسی معماری** دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه صنعتی شاهرود نویسنده پایان نامه معماری برای زندگی همگانی؛ بررسی تأثیرگذاری فضاهای باز عمومی کوچک مقیاس بر روابط اجتماعی و تعامل میان شهروندان (نمونه موردی: فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود) تحت راهنمایی دکتر حمیدرضا اطلس باف متعهد می-شوم.

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهش های محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه صنعتی شاهرود می باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه صنعتی شاهرود » و یا « Shahrood University of Technology » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تأثیرگذار بوده اند در مقالات مستخرج از پایان نامه رعایت می گردد.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافت های آن ها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده است) متعلق به دانشگاه صنعتی شاهرود می باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود. استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد.

چکیده

انسان‌ها فارغ از محیط و بستر جغرافیایی که در آن رشد کرده و زندگی می‌کنند دارای مجموعه‌ای از نیازهای ثابتی می‌باشند که مهم‌ترین آن برقراری روابط و تعاملات اجتماعی با دیگران است. فضاهای باز کوچک مقیاس به عنوان مکان‌هایی که دارای ارتباطی پیوسته و نزدیک با مردم و شهروندان می‌باشند قادر خواهند بود تا زمینه‌ی شکل‌گیری این مراودات و تماس‌های اجتماعی میان آن‌ها را فراهم نمایند. پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای باز سرزنده و انسانی و میزان کاربرد و نقش آن‌ها در افزایش تعاملات اجتماعی میان مردم در شهر شاهرود به عنوان نمونه موردی شکل گرفته است. از این رو در مسیر پژوهش ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به شناخت و طبقه‌بندی دیدگاه‌ها و نظریات صاحب‌نظران پیرامون اصول و معیارهای کالبدی سازنده‌ی فضاهای باز انسانی پرداخته شد. سپس با استفاده از مشاهده‌ی فعال از طریق ثبت تصاویر فضاها، قابلیت اجتماع‌پذیری فضاهای باز کوچک مقیاس در نمونه‌ها تعیین گردید. در نهایت نیز با تبیین و توصیف عوامل مؤثر بر ایجاد تعاملات اجتماعی در این گونه فضاها، نقش عوامل کالبدی و کارکردشان در آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج این پژوهش بر حضور پررنگ مؤلفه‌هایی چون محصوریت، مقیاس و تناسبات انسانی، نفوذپذیری، وضوح و خوانایی و همچنین انعطاف‌پذیری و بهره‌گیری از فرم‌های محرک و تفسیرپذیر در ساختار کالبدی فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود و ایجاد قابلیت جمع‌پذیری و حضورپذیری افراد در آن‌ها دلالت دارد. همچنین از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به همبستگی و هم‌پوشانی بالای میان شاخصه‌ها و اصول بکار رفته در فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود و نمونه‌موردی‌های گردآوری شده از سراسر نقاط جهان اشاره کرد. این امر نشان دهنده‌ی فرامنطقه‌ای بودن این اصول و معیارها و ایفای نقش آن‌ها در سطحی مناسب و فارغ از هرگونه وابستگی‌های سرزمینی و فرهنگی می‌باشد.

کلمات کلیدی: تعاملات اجتماعی، فضاهای باز کوچک مقیاس، شاهرود، مؤلفه‌های کالبدی، جمع‌پذیری

پیش‌گفتار

فضاهای باز عمومی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی پویایی و سرزندگی شهرها از گذشته تاکنون مورد توجه بسیاری از طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار داشته است. در این میان فضاهای باز کوچک مقیاس به سبب گستردگی و تنوع کالبدی و کارکردی خود و همچنین ارتباط نزدیک و پیوسته‌ای که با مردم و شهروندان دارند نقش اساسی و قابل ملاحظه‌ای را در افزایش کیفیت زندگی و احساس رضایت ایشان نسبت به محیط پیرامون خود ایفا می‌نمایند. این فضاها در صورتی که به شکل مناسب و همسو با نیازهای افراد طراحی و ایجاد گردند می‌توانند با فراهم نمودن زمینه‌ی حضور آنها، موجبات ظهور و بروز بسیاری از کنش‌ها و فعالیت‌ها میان ایشان را مهیا نمایند. یکی از عوامل اصلی و اثرگذار در ترغیب افراد به حضور در محیط بیرون از خانه کیفیت کالبدی فضاهای باز شهری می‌باشد که به عنوان وجه عینی و نمود بصری این فضاها شناخته می‌شود. رشد و توسعه‌ی شهرها و افزایش تردد خودروها در آنها موجب پدید آمدن شکل جدیدی از فضاهای شهری و تحول اساسی در کالبد و ساختار آنها گردید. این امر به نحوی‌ست که با از میان رفتن کارکرد اصلی این فضاها به عنوان مکان‌های جمع‌پذیر به محیط‌هایی صرفاً حرکتی و تقسیم‌کننده تبدیل شده‌اند. لذا افراد کمترین تمایلی را برای توقف و مکث در آنها از خودشان نمی‌دهند.

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای باز سرزنده و انسانی و میزان کاربرد و نقش آنها در افزایش تعاملات اجتماعی میان مردم در شهر شاهرود به عنوان نمونه موردی شکل گرفته است. در این پژوهش ابتدا به تبیین دیدگاه‌ها و آرا اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه پیرامون شاخصه‌ها و مؤلفه‌های دخیل در کیفیت کالبدی فضاهای شهری پرداخته شد. در ادامه با تحلیل و ارزیابی فضاهای باز کوچک مقیاس که از سراسر نقاط جهان گردآوری شده‌اند نحوه‌ی حضور و نقش این مؤلفه‌ها در آنها مورد مطالعه قرار گرفت. در فصل چهارم نیز با توجه به برداشت‌های میدانی صورت گرفته در حوزه‌ی فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود، با تبیین و توصیف مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر جمع‌پذیری و شکل‌دهی به

روابط و تعاملات اجتماعی در آنها، نقش عوامل کالبدی و کارکردشان در این فضاها مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرد. در نهایت در فصل پنجم با مقایسه‌ی نتایج حاصل از تحلیل نمونه‌موردی‌های صورت‌گرفته در فصل سوم و نتایج بدست‌آمده از مطالعات میدانی و تحلیل و بررسی فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود، نقش مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای باز سرزنده و انسانی در آنها مورد ارزیابی واقع می‌گردد.

فهرست مطالب

فصل ۱: کلیات پژوهش

- ۱-۱ مقدمه ۲
- ۲-۱ بیان مسأله ۳
- ۳-۱ ضرورت انجام تحقیق ۵
- ۴-۱ اهداف و سوالات پژوهش ۶
- ۵-۱ پیشینه‌ی موضوع ۷
- ۶-۱ روش تحقیق ۱۴

فصل ۲: مطالعات پایه و مرور ادبیات پژوهش

- ۱-۲ مقدمه ۱۸
- ۲-۲ بخش اول: تعاملات اجتماعی ۱۹
 - ۱-۲-۲ تعامل اجتماعی و اهمیت آن ۱۹
 - ۲-۲-۲ رابطه‌ی میان انسان و محیط ۲۰
 - ۳-۲-۲ انواع فعالیت افراد در فضاهای شهری ۲۳
 - ۴-۲-۲ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط اجتماعی و تعامل میان افراد ۲۶
 - ۱-۴-۲-۲ خلوت ۲۶
 - ۲-۴-۲-۲ قلمروپایی ۲۸
 - ۳-۴-۲-۲ فضای شخصی ۲۹
 - ۴-۴-۲-۲ فرهنگ و ویژگی‌های فردی ۳۰

- ۳۱ ۵-۲-۲ کاربرد طراحی جهت ایجاد تعاملات اجتماعی
- ۳۲ ۱-۵-۲-۲ گردآوردن یا پراکندن
- ۳۳ ۲-۵-۲-۲ تلفیق کردن یا جدا کردن
- ۳۴ ۳-۵-۲-۲ دعوت کردن یا راندن
- ۳۵ ۴-۵-۲-۲ گشودن یا بستن
- ۳۷ ۳-۲ بخش دوم: فضاهای شهری
- ۳۷ ۱-۳-۲ فضای شهری و ضرورت شکل‌گیری و تقویت آن
- ۴۰ ۲-۳-۲ فضاهای باز شهری
- ۴۲ ۳-۳-۲ تحولات طراحی شهری و مؤلفه‌های اصلی سازنده‌ی فضا
- ۴۶ ۴-۳-۲ اصول و معیارهای کالبدی سازنده‌ی فضاهای شهری مطلوب و انسانی
- ۴۶ ۱-۴-۳-۲ محصوریت فضا
- ۴۹ ۲-۴-۳-۲ مقیاس و تناسبات انسانی فضا
- ۵۱ ۳-۴-۳-۲ تباین فضایی
- ۵۲ ۴-۴-۳-۲ حریم و قلمرو
- ۵۳ ۵-۴-۳-۲ هم‌پیوندی و هماهنگی بناها و عناصر شهری
- ۵۴ ۶-۴-۳-۲ نفوذپذیری
- ۵۵ ۷-۴-۳-۲ وضوح و خوانایی
- ۵۷ ۸-۴-۳-۲ ترکیب (کمپوزیسیون) و وحدت
- ۵۸ ۹-۴-۳-۲ انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی بودن فضا
- ۶۰ ۱۰-۴-۳-۲ دوام و پایداری فضاهای شهری
- ۶۱ ۴-۲ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل ۳: مطالعات تطبیقی و تحلیل نمونه‌های موردی

۱-۳	مقدمه	۶۶
۲-۳	تحلیل و بررسی نمونه‌موردی‌ها	۶۷
۱-۲-۳	شهر چونگ‌کینگ، کشور چین	۶۷
۲-۲-۳	شهر لیسبون، کشور پرتغال	۶۹
۳-۲-۳	شهر نیویورک، کشور آمریکا	۷۱
۴-۲-۳	شهر فیلادلفیا، کشور آمریکا	۷۳
۵-۲-۳	شهر استکهلم، کشور سوئد	۷۵
۶-۲-۳	شهر اسیله، کشور مراکش	۷۷
۷-۲-۳	شهر دمشق، کشور سوریه	۷۹
۸-۲-۳	شهر ملبورن، کشور استرالیا	۸۱
۹-۲-۳	شهر جوداپور، کشور هند	۸۳
۱۰-۲-۳	شهر اسیله، کشور مراکش	۸۵
۱۱-۲-۳	شهر تونس، کشور تونس	۸۷
۱۲-۲-۳	شهر ملبورن، کشور استرالیا	۸۹
۱۳-۲-۳	شهر ونیز، کشور ایتالیا	۹۱
۱۴-۲-۳	شهر طنجه، کشور مراکش	۹۳
۱۵-۲-۳	شهر رم، کشور ایتالیا	۹۵
۱۶-۲-۳	شهر تهران، کشور ایران	۹۷
۱۷-۲-۳	شهر کیش، کشور ایران	۹۹
۱۸-۲-۳	شهر پاریس، کشور فرانسه	۱۰۱
۱۹-۲-۳	شهر تهران، کشور ایران	۱۰۳

- ۱۰۵..... ۲۰-۲-۳ شهر جوداپور، کشور هند
- ۱۰۷..... ۲۱-۲-۳ شهر تهران، کشور ایران
- ۱۰۹..... ۲۲-۲-۳ شهر لندن، کشور انگلیس
- ۱۱۱..... ۲۳-۲-۳ شهر سائوپائولو، کشور برزیل
- ۱۱۳..... ۲۴-۲-۳ شهر لندن، کشور انگلستان
- ۱۱۵..... ۲۵-۲-۳ شهر فلورانس، کشور ایتالیا
- ۱۱۷..... ۳-۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فصل ۴: یافته‌های پژوهش

- ۱۲۰..... ۱-۴ مقدمه
- ۱۲۱..... ۲-۴ معرفی شهر شاهرود
- ۱۲۴..... ۳-۴ فضاهای باز عمومی شهری شاهرود
- ۱۲۵..... ۱-۳-۴ معابر و مسیرهای تردد و حرکتی
- ۱۲۶..... ۲-۳-۴ میادین شهری با عملکردهای مختلف
- ۱۲۷..... ۳-۳-۴ پارک‌ها و توده‌های سبز محلی و شهری
- ۱۲۸..... ۴-۳-۴ رودخانه و کانال شاهرود
- ۱۲۹..... ۴-۴ فضاهای کوچک مقیاس شهری و انواع آن در شاهرود
- ۱۳۰..... ۱-۴-۴ مفاصل و آستانه‌های ورودی
- ۱۳۷..... ۲-۴-۴ پله‌های شهری و محلی
- ۱۴۱..... ۳-۴-۴ درختان و عناصر سبز
- ۱۴۲..... ۱-۳-۴-۴ درختان و عناصر سبز تقسیم و جداکننده‌ی فضا
- ۱۴۵..... ۲-۳-۴-۴ عناصر سبز احاطه‌کننده فضا
- ۱۴۸..... ۳-۳-۴-۴ درختان و عناصر سبز با قابلیت توقف و مکث

- ۱-۳-۳-۴-۴ درختان منفرد با خصلت توقف‌های کوتاه در کوچه‌های بن‌بست ۱۴۸
- ۲-۳-۳-۴-۴ درختان منفرد با خصلت توقف‌های کوتاه در مجاورت مسیرها و معابر ۱۵۱
- ۳-۳-۳-۴-۴ درختان عمودی و منفرد همراه با عناصر چند ظرفیتی جهت نشستن ۱۵۴
- ۴-۳-۳-۴-۴ درختچه‌ها و عناصر طبیعی با قابلیت توقف و مکث ۱۵۶
- ۴-۳-۴-۴ عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیوارها ۱۵۹
- ۴-۴-۴ گذرها و کوچه‌های بن‌بست ۱۶۴
- ۱-۴-۴-۴ کوچه‌های بن‌بست با قابلیت توقف و مکث ۱۶۵
- ۲-۴-۴-۴ کوچه‌های بن‌بست بدون قابلیت توقف و مکث ۱۷۱
- ۵-۴-۴ معابر و خیابان‌ها ۱۷۵
- ۱-۵-۴-۴ معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت توقف و مکث ۱۷۶
- ۲-۵-۴-۴ معابر و مسیرهای ممتد و باز بدون قابلیت توقف و مکث ۱۸۳
- ۵-۴ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۸۶

فصل ۵: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- ۱-۵ مقدمه ۱۹۰
- ۲-۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۹۱

فهرست دیاگرام و نقشه ها

دیاگرام ۱-۲ مکانیزم دستیابی به خلوت مناسب	۲۷
نقشه ۱-۴. آستانه های ورودی روباز و نامسقف	۱۳۴
نقشه ۲-۴. آستانه های ورودی مسقف و بدون عناصر تفسیرپذیر و چند ظرفیتی	۱۳۵
نقشه ۳-۴. آستانه های ورودی همراه با فرم های تفسیرپذیر	۱۳۶
نقشه ۴-۴. پله های شهری و محلی شاهرود	۱۴۰
نقشه ۵-۴. درختان و عناصر سبز تقسیم کننده ی فضا	۱۴۴
نقشه ۶-۴. عناصر سبز احاطه کننده فضا	۱۴۷
نقشه ۷-۴. درختان منفرد با خصلت توقف های کوتاه در کوچه های بن بست	۱۵۰
نقشه ۸-۴. درختان منفرد با خصلت توقف های کوتاه در مجاورت مسیرها و معابر	۱۵۳
نقشه ۹-۴. درختان عمودی و منفرد همراه با عناصر چند ظرفیتی جهت نشستن	۱۵۵
نقشه ۱۰-۴. درختچه ها و عناصر طبیعی با قابلیت توقف و مکث	۱۵۸
نقشه ۱۱-۴. عناصر سبز روی لبه ها و مجاور دیوارها در معابر باز و ممتد	۱۶۲
نقشه ۱۲-۴. عناصر سبز روی لبه ها و مجاور دیوارها در کوچه های بن بست	۱۶۳
نقشه ۱۳-۴. کوچه های بن بست با قابلیت توقف های کوتاه ناشی از فرم های محرک و چند ظرفیتی	۱۶۷
نقشه ۱۴-۴. کوچه های بن بست با قابلیت توقف های کوتاه ناشی از هندسه فضا و شکستگی در جداره ها	۱۶۸
نقشه ۱۵-۴. کوچه های بن بست با قابلیت توقف های طولانی و جمع پذیری ناشی از هندسه فضا و شکستگی جداره ها	۱۶۹
نقشه ۱۶-۴. کوچه های بن بست با قابلیت توقف های طولانی و جمع پذیری ناشی از فرم های محرک و وسعت مناسب فضا	۱۷۰
نقشه ۱۷-۴. کوچه های بن بست سواره رو بدون قابلیت توقف و مکث	۱۷۳
نقشه ۱۸-۴. کوچه های بن بست پیاده رو بدون قابلیت توقف و مکث	۱۷۴
نقشه ۱۹-۴. معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت توقف و مکث های کوتاه ناشی از شکستگی جداره ها و عقب نشینی از معبر اصلی	۱۷۹

- نقشه ۴-۲۰. معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت توقف و مکث‌های کوتاه ناشی از وجود عناصر و فرم‌های محرک و چند ظرفیتی ۱۸۰
- نقشه ۴-۲۱. معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت جمع‌پذیری و توقف‌های طولانی ناشی از شکستگی جداره‌ها و عقب‌نشینی از معبر اصلی ۱۸۱
- نقشه ۴-۲۲. معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت جمع‌پذیری و توقف‌های طولانی ناشی از وجود عناصر و فرم-های محرک و چند ظرفیتی ۱۸۲
- نقشه ۴-۲۳. معابر و مسیرهای ممتد و باز بدون قابلیت توقف و مکث ۱۸۵

فهرست جداول

- جدول ۱-۲. معیارهای کالبدی سازنده فضاهای شهری سرزنده و انسانی ۶۲
- ادامه‌ی جدول ۱-۲. معیارهای کالبدی سازنده فضاهای شهری سرزنده و انسانی ۶۳
- ادامه‌ی جدول ۱-۲. معیارهای کالبدی سازنده فضاهای شهری سرزنده و انسانی ۶۴

فهرست تصاویر

- تصویر ۱-۲. ارتباط میان کیفیت فضاهای شهری و فعالیت‌های افراد ۲۴
- تصویر ۱-۳. کوچه‌ای در شهر چونگ کینگ
- تصویر ۲-۳. عناصر سازنده‌ی مقیاس انسانی ۶۷
- تصویر ۳-۳. هماهنگی و تناسبات بازشوها
- تصویر ۴-۳. عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر در فضا ۶۸
- تصویر ۵-۳. مرکز همسایگی، شهر لیسبون
- تصویر ۶-۳. تناسبات فضا ۶۹
- تصویر ۷-۳. ترکیب ساده و شطرنجی بازشوها و روزنه‌ها
- تصویر ۸-۳. عوامل ایجاد خوانایی و انعطاف‌پذیری در فضا ۷۰
- تصویر ۹-۳. فضای باز شهری واقع در شهر نیویورک
- تصویر ۱۰-۳. تناسبات میدان ۷۱
- تصویر ۱۱-۳. ایجاد اختلاف سطح نسبت به محیط مجاور
- تصویر ۱۲-۳. ایجاد دعوت‌کنندگی و سلسله مراتب دسترسی نسبت به فضا ۷۲
- تصویر ۱۳-۳. فضای باز شهری، فیلادلفیا
- تصویر ۱۴-۳. تناسبات فضا ۷۳
- تصویر ۱۵-۳. عوامل پدیدآورنده محصوریت و پوشش فضا
- تصویر ۱۶-۳. المان‌های آب‌نما به عنوان نقطه‌ی تمرکز فضا ۷۴
- تصویر ۱۷-۳. فضای باز شهری در استکهلم
- تصویر ۱۸-۳. تناسبات فضا ۷۵
- تصویر ۱۹-۳. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
- تصویر ۲۰-۳. تناسبات بصری جداره‌ها ۷۶
- تصویر ۲۱-۳. مجاورت همسایگی در شهر اسیله
- تصویر ۲۲-۳. تناسبات فضا ۷۷
- تصویر ۲۳-۳. عوامل سازنده حریم و سلسله مراتب دسترسی در فضا
- تصویر ۲۴-۳. تناسبات بصری جداره‌ها ۷۸

- تصویر ۳-۲۵. مجاورت همسایگی، شهر دمشق
- تصویر ۳-۲۶. تناسبات فضا ۷۹
- تصویر ۳-۲۷. عوامل سازنده وضوح و خوانایی فضا
- تصویر ۳-۲۸. تناسبات بصری جداره‌ها ۸۰
- تصویر ۳-۲۹. فضای شهری در ملبورن
- تصویر ۳-۳۰. طرح خطی فضای شهری موجود همراه با عناصر مکث ۸۱
- تصویر ۳-۳۱. استفاده از تناسبات یکسان و نزدیک به هم در بازشوها و روزنه‌ها
- تصویر ۳-۳۲. عوامل سازنده وضوح و خوانایی و مقیاس انسانی در فضا ۸۲
- تصویر ۳-۳۳. فضای شهری واقع در جوداپور
- تصویر ۳-۳۴. عوامل سازنده‌ی مقیاس انسانی در فضا ۸۳
- تصویر ۳-۳۵. فرم و تناسبات نزدیک به هم و مستطیل شکل بازشوها و روزنه‌ها
- تصویر ۳-۳۶. سکوها و اختلاف سطوح به عنوان عناصر تفسیرپذیر ۸۴
- تصویر ۳-۳۷. مجاورت مسکونی در شهر اسیله
- تصویر ۳-۳۸. تناسبات فضا ۸۵
- تصویر ۳-۳۹. تناسبات و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها
- تصویر ۳-۴۰. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا ۸۶
- تصویر ۳-۴۱. مجاورت همسایگی در شهر تونس
- تصویر ۳-۴۲. ترکیب فضای حرکتی و مکث ۸۷
- تصویر ۳-۴۳. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
- تصویر ۳-۴۴. فرم و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها ۸۸
- تصویر ۳-۴۵. میدانگاهی در شهر ملبورن
- تصویر ۳-۴۶. تناسبات فضا ۸۹
- شکل ۳-۴۷. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
- شکل ۳-۴۸. فرم و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها ۹۰
- تصویر ۳-۴۹. معبر شهری در ونیز
- تصویر ۳-۵۰. طرح خطی فضای شهری موجود همراه با نقاط مکث ۹۱
- تصویر ۳-۵۱. عوامل سازنده تباین در فضا
- تصویر ۳-۵۲. فرم و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها ۹۲

- تصویر ۳-۵۳. فضای شهری واقع در شهر طنجه
- تصویر ۳-۵۴. تناسبات فضا ۹۳
- تصویر ۳-۵۵. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
- تصویر ۳-۵۶. فرم و شکل هماهنگ بازشوها و جداره‌ها ۹۴
- تصویر ۳-۵۷. فضای شهری واقع در رم
- تصویر ۳-۵۸. ایجاد مقیاس کوچکتر در میان فضایی بزرگتر ۹۵
- تصویر ۳-۵۹. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
- تصویر ۳-۶۰. تناسبات و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها ۹۶
- تصویر ۳-۶۱. فضای کوچک شهری در محله جماران، تهران
- تصویر ۳-۶۲. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا ۹۷
- شکل ۳-۶۳. عوامل سازنده سلسله مراتب دسترسی در فضا
- شکل ۳-۶۴. تفسیرپذیری و نفوذپذیری فضا ۹۸
- تصویر ۳-۶۵. مجاورت همسایگی، شهر کیش
- تصویر ۳-۶۶. تلفیق فضای حرکتی و مکث ۹۹
- تصویر ۳-۶۷. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
- تصویر ۳-۶۸. تناسبات و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها ۱۰۰
- تصویر ۳-۶۹. مجاورت همسایگی در شهر پاریس
- تصویر ۳-۷۰. تناسبات فضا ۱۰۱
- تصویر ۳-۷۱. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی در فضا
- تصویر ۳-۷۲. نفوذپذیری محیط ۱۰۲
- تصویر ۳-۷۳. مجاورت همسایگی در محله‌ی کن، شهر تهران
- تصویر ۳-۷۴. تناسبات فضا ۱۰۳
- تصویر ۳-۷۵. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی در فضا
- تصویر ۳-۷۶. تناسبات بصری محیط ۱۰۴
- تصویر ۳-۷۷. فضای شهری در جوداپور
- تصویر ۳-۷۸. تلفیق فضاهای حرکتی و مکث ۱۰۵
- تصویر ۳-۷۹. عوامل سازنده تباین و توالی فضایی
- تصویر ۳-۸۰. تناسبات بازشوها و جداره‌ها ۱۰۶

- تصویر ۳-۸۱. فضای باز عمومی در محله‌ی درکه شهر تهران
- تصویر ۳-۸۲. محصوریت و تناسبات انسانی در فضا ۱۰۷
- تصویر ۳-۸۳. تناسبات بصری محیط
- تصویر ۳-۸۴. درخت موجود در این فضا به عنوان نشانه‌ی شاخص محلی و عامل مکث ۱۰۸
- تصویر ۳-۸۵. فضای باز عمومی در شهر لندن
- تصویر ۳-۸۶. خطی و پویایی فضای موجود ۱۰۹
- تصویر ۳-۸۷. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی در فضا
- تصویر ۳-۸۸. تناسبات بازشوها و جداره‌ها در محیط ۱۱۰
- تصویر ۳-۸۹. فضای باز عمومی در شهر سائوپائولو
- تصویر ۳-۹۰. تناسبات فضا ۱۱۱
- تصویر ۳-۹۱. عوامل شکل دهنده‌ی محصوریت فضا
- تصویر ۳-۹۲. عوامل سازنده‌ی تباین و تفکیک حریم فضا ۱۱۲
- تصویر ۳-۹۳. فضای باز عمومی در شهر لندن
- تصویر ۳-۹۴. پویایی و حرکت فضای موجود ۱۱۳
- تصویر ۳-۹۵. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی در فضا
- تصویر ۳-۹۶. ترکیب و تناسبات بازشوها و روزنه‌ها ۱۱۴
- تصویر ۳-۹۷. پلازای شهری واقع در فلورانس
- تصویر ۳-۹۸. تلفیق و مجاورت فضاهای حرکتی و مکث ۱۱۵
- تصویر ۳-۹۹. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی در فضا
- تصویر ۳-۱۰۰. ترکیب و تناسبات بازشوها و روزنه‌ها ۱۱۶
- تصویر ۴-۱. سیر تکامل محلات و هسته‌های اولیه‌ی شهر شاهرود ۱۲۳
- تصویر ۴-۲. باغات و مزارع اطراف شاهرود
- تصویر ۴-۳. عکس هوایی شهر شاهرود ۱۲۵
- تصویر ۴-۴. آستانه‌های ورودی روباز و نامسقف
- تصویر ۴-۵. آستانه‌های مسقف و پوشیده شده
- تصویر ۴-۶. آستانه‌های ورودی دارای فرم‌های چند ظرفیتی و تفسیرپذیر ۱۳۱
- تصویر ۴-۷. عقب‌نشینی آستانه‌های ورودی از معبر اصلی و احاطه توسط بناهای مجاور
- تصویر ۴-۸. تغییر در مقیاس و نوع فضا در ورودی‌ها
- تصویر ۴-۹. عوامل سازنده‌ی سلسله مراتب دسترسی در ورودی‌ها ۱۳۲

- تصویر ۴-۱۰. شکستگی و عقب‌نشینی در فضاها و ورودی
- تصویر ۴-۱۱. ارتباط بصری مناسب میان ورودی و معبر مجاور
- تصویر ۴-۱۲. بکارگیری عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر ۱۳۳
- تصویر ۴-۱۳. محصوریت فضا به واسطه‌ی جداره‌ی بناهای پیرامون
- تصویر ۴-۱۴. رؤیت و نفوذپذیری بصری مناسب محیط‌ها
- تصویر ۴-۱۵. عدم وجود رمپ و مسیر شیب‌دار در مجاورت فضاها ۱۳۸
- تصویر ۴-۱۶. بکارگیری فرم‌ها و عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر در فضا
- تصویر ۴-۱۷. مؤلفه‌های سازنده‌ی سکانس‌های مختلف در فضا
- تصویر ۴-۱۸. عوامل تقویت‌کننده‌ی غنای حسی فضا ۱۳۹
- تصویر ۴-۱۹. تقسیم فضا به دو بخش توسط درختان و عناصر طبیعی
- تصویر ۴-۲۰. طرح خطی فضای شهری موجود همراه با درختان در میانه‌ی آن
- تصویر ۴-۲۱. درختان و عناصر طبیعی به عنوان نشانه‌ای شاخص ۱۴۲
- تصویر ۴-۲۲. فرم و تناسبات مستطیلی و نزدیک به هم روزه‌ها و بازشوها
- تصویر ۴-۲۳. نفوذپذیری مناسب فضا
- تصویر ۴-۲۴. سایه‌اندازی و تقویت غنای حسی فضا توسط درختان ۱۴۳
- تصویر ۴-۲۵. درختان موجود در فضا به عنوان عوامل تقویت‌کننده‌ی محصوریت آن
- تصویر ۴-۲۶. طرح خطی و ممتد فضا
- تصویر ۴-۲۷. بکارگیری فرم‌های مستطیلی در بازشوهای جداره‌های پیرامون ۱۴۵
- تصویر ۴-۲۸. نفوذپذیری مناسب فضا
- تصویر ۴-۲۹. عوامل سازنده‌ی وضوح و خوانایی فضا
- تصویر ۴-۳۰. درختان به عنوان عوامل تقویت‌کننده‌ی خصلت‌های انسانی فضا ۱۴۶
- تصویر ۴-۳۱. وسعت و عرض مناسب فضا
- تصویر ۴-۳۲. درختان به عنوان عاملی محرک جهت توقف و مکث
- تصویر ۴-۳۳. تباین اندک و ضعیف میان اجزاء سازنده‌ی فضا ۱۴۸
- تصویر ۴-۳۴. عدم وجود عوامل سازنده‌ی سلسله مراتب دسترسی به فضا
- تصویر ۴-۳۵. درختان به عنوان نشانه‌ی شاخص محلی
- تصویر ۴-۳۶. توقف‌های کوتاه در مجاورت فضا ۱۴۹
- تصویر ۴-۳۷. طرح خطی و هموار فضاها و شهری
- تصویر ۴-۳۸. تباین اندک و ضعیف موجود در این محیط‌ها
- تصویر ۴-۳۹. عدم وجود عناصر تعریف‌کننده حریم و قلمرو در فضا ۱۵۱

- تصویر ۴-۴۰. عدم هم‌پیوندی و هماهنگی مناسب میان بناهای مجاور
- تصویر ۴-۴۱. رؤیت و نفوذپذیری مناسب فضا
- تصویر ۴-۴۲. درختان موجود در فضا به عنوان نشانه‌ای شاخص و عامل مکث ۱۵۲
- تصویر ۴-۴۳. نقش عناصر چند ظرفیتی در جمع‌پذیری فضا
- تصویر ۴-۴۴. تلفیق فضای حرکتی با عوامل محرک و جمع‌پذیر
- تصویر ۴-۴۵. درخت موجود در فضا به عنوان نشانه‌ای شاخص برای محیط ۱۵۴
- تصویر ۴-۴۶. نقش درختچه‌های افقی به عنوان یک آستانه‌ی ورودی
- تصویر ۴-۴۷. ایجاد مقیاسی کوچکتر در میان فضایی بزرگتر
- تصویر ۴-۴۸. ایجاد فضایی با قابلیت مکث و توقف برای ساکنین ۱۵۶
- تصویر ۴-۴۹. تفکیک حریم و ایجاد سلسله مراتب دسترسی به بنای مجاور
- تصویر ۴-۵۰. عناصر طبیعی موجود در فضا به عنوان یک نشانه‌ی شاخص
- تصویر ۴-۵۱. سایه‌اندازی و تعدیل شرایط محیط توسط عناصر طبیعی ۱۵۷
- تصویر ۴-۵۲. عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیواره‌ها در معابر ممتد و باز
- تصویر ۴-۵۳. عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیواره‌ها در کوچه‌های بن‌بست
- تصویر ۴-۵۴. مؤلفه‌های سازنده‌ی محصوریت و مقیاس انسانی در فضا ۱۵۹
- تصویر ۴-۵۵. عوامل سازنده‌ی تباین در محیط
- تصویر ۴-۵۶. طرح خطی و فارغ از سلسله مراتب دسترسی فضاهای شهری
- تصویر ۴-۵۷. عدم هم‌پیوندی و هماهنگی مناسب میان بناهای مجاور ۱۶۰
- تصویر ۴-۵۸. عوامل تقویت کننده‌ی نفوذپذیری فضا
- تصویر ۴-۵۹. عناصر طبیعی و سبز به عنوان نشانه‌ای محلی و عامل خوانایی محیط
- تصویر ۴-۶۰. عدم وجود عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر در فضا ۱۶۱
- تصویر ۴-۶۱. محصوریت مناسب و تناسبات انسانی محیط
- تصویر ۴-۶۲. تباین ضعیف فضاهای شهری موجود
- تصویر ۴-۶۳. مؤلفه‌های تقویت کننده‌ی نفوذپذیری ۱۶۵
- تصویر ۴-۶۴. وضوح و خوانایی مناسب فضا
- تصویر ۴-۶۵. وجود فرم‌های محرک و تفسیرپذیر در محیط
- تصویر ۴-۶۶. وسعت فضا به عنوان عاملی محدود کننده در جمع‌پذیری آن ۱۶۶
- تصویر ۴-۶۷. عدم وجود فرم‌ها و عناصر محرک و چند ظرفیتی در فضا
- تصویر ۴-۶۸. طرح خطی و صاف فضای شهری موجود
- تصویر ۴-۶۹. نسبت ارتفاع به عرض زیاد کوچه‌های بن‌بست پیاده‌رو ۱۷۱

- تصویر ۴-۷۰. نفوذپذیری مناسب فضا
- تصویر ۴-۷۱. عدم وجود تباین و خوانایی مناسب محیط
- تصویر ۴-۷۲. فضایی پویا و بدون قابلیت توقف و مکث ۱۷۲
- تصویر ۴-۷۳. مؤلفه‌های سازنده‌ی فضاها را جمع‌پذیر
- تصویر ۴-۷۴. عقب‌نشینی از معبر اصلی به عنوان محرکی جهت توقف و مکث
- تصویر ۴-۷۵. محصوریت مناسب به واسطه‌ی احاطه توسط بناهای پیرامون ۱۷۶
- تصویر ۴-۷۶. عوامل سازنده‌ی سکانش‌های مختلف در محیط
- تصویر ۴-۷۷. سلسله مراتب دسترسی ایجاد شده ناشی از شکستگی در جداره‌ها
- تصویر ۴-۷۸. رؤیت و نفوذپذیری بصری مناسب فضا ۱۷۷
- تصویر ۴-۷۹. تعدیل پویایی فضا به واسطه‌ی فرم و هندسه‌ی آن
- تصویر ۴-۸۰. ایجاد فرصت‌هایی جهت مکث و توقف توسط عناصر محرک و تفسیرپذیر
- تصویر ۴-۸۱. تلفیق فضاها را حرکتی و مکث در محیط ۱۷۸
- تصویر ۴-۸۲. عدم وجود فرم‌ها و عناصر محرک و چند ظرفیتی در محیط
- تصویر ۴-۸۳. طرح خطی و پویای فضاها را شهری
- تصویر ۴-۸۴. رؤیت و نفوذپذیری بصری مناسب فضاها ۱۸۳
- تصویر ۴-۸۵. سلسله مراتب دسترسی ضعیف به این فضاها
- تصویر ۴-۸۶. عدم وجود فرم و هندسه‌ی محرک جهت توقف و مکث
- تصویر ۴-۸۷. عدم وجود عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر ۱۸۴

فصل ۱: کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

فضاهای باز شهری همواره در طی ادوار مختلف زندگی بشر به عنوان مکان‌هایی مدنی و اجتماعی که محل ظهور و بروز بسیاری از رویدادها و وقایع شهرهاست شناخته می‌شوند. در این میان فضاهای باز کوچک مقیاس به عنوان بخشی از عرصه‌های عمومی که به شکلی مستقیم و بی‌واسطه با مردم و شهروندان در ارتباط می‌باشند، زمینه‌ی مراودات و تعاملات اجتماعی میان ایشان را ممکن ساخته و در بستر آنهاست که حیات و سرزندگی شهری تجلی می‌یابد.

یکی از مسائل و مشکلاتی که امروزه بیشتر فضاهای باز شهری و به خصوص فضاهای کوچک مقیاس با آن مواجه هستند عدم هماهنگی مناسب میان فرم و ساختار کالبدی آنها با نیازهای مختلف استفاده‌کنندگان و بهره‌برداران خود می‌باشد. فارغ از گسترش شهرها و رشد و توسعه‌ی خودروها در سطح آنها که به پدیده‌ی غالب اکثر شهرهای معاصر تبدیل شده است، عدم شناخت و آگاهی کافی از مؤلفه‌ها و اصول سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی توسط طراحان و برنامه‌ریزان شهری نیز موجب تشدید این مسأله گردیده است.

در این فصل، ابتدا به موضوع تعاملات اجتماعی میان مردم و نقش فضاهای باز کوچک مقیاس در پدید آمدن و ایجاد آن پرداخته می‌شود. سپس موانع و محدودیت‌های شکل‌گیری این امر در فضاهای باز امروزی و به خصوص در سطح شهر شاهرود معرفی می‌گردند. در ادامه با اشاره به پررنگ‌تر شدن نقش خودروها در سطح شهرها و طراحی در مقیاس آنها، عدم توجه به ویژگی‌ها و خصلت‌های انسانی در شکل‌گیری و ایجاد فضاهای شهری و همچنین کمبود بررسی‌های علمی - پژوهشی در این زمینه به خصوص در سطح شهر شاهرود؛ این موارد به عنوان ضروریات انجام تحقیق مطرح می‌شوند. علاوه‌براین، دستیابی و شناخت مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی و نحوه و میزان کاربرد این شاخصه‌ها در فضاهای شهری کوچک مقیاس شاهرود نیز به عنوان اهداف اصلی این پژوهش بیان می‌گردند.

در بخش بعدی نیز با توجه به تحقیقات و پژوهش‌هایی که پیرامون موضوع این پایان‌نامه صورت پذیرفته به بررسی برخی از آن‌ها در سه حوزه کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات پرداخته خواهد شد. در نهایت نیز روش انجام تحقیق و نحوه جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش بیان می‌گردند.

۱-۲ بیان مسأله

انسان موجودی اجتماعی می‌باشد که برای تأمین و برآوردن نیازهای خویش ناگزیر به تعامل با دیگران است. این نیازها که شامل سطوح بنیادین و ابتدایی و همچنین مراتب متعالی و اساسی می‌باشد در بستر این ارتباط و تعامل مرتفع می‌گردد. علاوه بر این، برقراری تعاملات اجتماعی با دیگران سبب کاهش فشارها و تنش‌های روانی ناشی از زندگی می‌گردد. در چنین شرایطی فضایی که شرایط مطلوب برای ایجاد تعاملات اجتماعی میان مردم و شهروندان را دارند سبب تکامل و رشد روانی و اجتماعی انسان می‌شوند. (فیروزگر، ۱۳۹۵، ۲)

فضاهای باز عمومی به عنوان مکانی که انسان‌ها، زمان قابل توجهی از زندگی خود را (به صورت اجباری و یا اختیاری) در آن سپری می‌کنند، دارای این قابلیت است که زمینه‌ساز شکل‌گیری تعامل و تماس‌های اجتماعی گردد. این فضاها که بخش وسیعی از یک شهر را تشکیل می‌دهند با فراهم آوردن زمینه‌ی حضور افراد، نقش پررنگ‌تری را جهت شکل‌گیری و تقویت ارتباط و تعامل میان آن‌ها ایفا می‌کنند. در چنین بستری روابط متقابل و چهره به چهره افراد، تماس و گفتگو با یکدیگر، مشارکت جمعی و عمومی و همچنین مسئولیت‌پذیری و افزایش حس تعلق به محیط زندگی فراهم می‌شود.

به طور کلی در شکل‌گیری و تقویت پیوندها و روابط میان افراد در فضاهای شهری عوامل مختلفی دخیل می‌باشند که از مهم‌ترین آن‌ها به کالبد فضا می‌توان اشاره کرد. فارغ از فعالیت‌های اجباری که نقش کمی را در ایجاد تعاملات اجتماعی میان مردم ایفا می‌نمایند و تحت هر شرایطی افراد ناگزیر به استفاده از آن‌ها می‌باشند، فعالیت‌های اختیاری و تفریحی و بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اجتماعی به شکل قابل ملاحظه‌ای متأثر از کیفیت فضا می‌باشند. این فعالیت‌ها زمانی که شرایط مطلوب نباشد از بین می‌روند و در نواحی که زمینه‌ی آن

مهیا و مناسب باشد رونق می‌یابند. (گل، ۱۳۹۶، ۴۲) همچنین چنانچه فضاهای جمعی تعریف شده، در حوزه قلمروی عرصه‌های خصوصی و سکونتی افراد قرار گیرد یا به تعبیری ایشان فضاهای باز عمومی اطراف محل سکونتشان را بخشی از محیط زندگی خود به شمار آورند موجب کاهش تباهی و ناهنجاری و افزایش حس تعلق ساکنین به آن‌ها می‌گردد. (همان، ۷۸) این مسأله در فضاهای کوچک مقیاس به شکلی ملموس و مشخص خود را نشان می‌دهد. بر خلاف فضاهای وسیع و با مقیاس بزرگ مانند میادین شهری و محدوده‌های سبز با کارکرد منطقه‌ای و شهری، این گونه فضاها، فرصت تجربه‌ای متفاوت را در اختیار افراد قرار می‌دهند. این مکان‌ها از آستانه ورودی بناها تا کوچه‌ها و معابر در سطح بافت‌ها و محلات شهر را شامل می‌شوند. نزدیکی به محل سکونت و استفاده متوالی به شکل‌های مختلف از آن‌ها، همراه با ابعاد و تناسبات کالبدی مناسب و دامنه‌ی کارکردی و طیف بهره‌برداران محدودشان موجب گشته تا ساکنین و مجاورین آن‌ها، این فضاهای باز کوچک مقیاس را بخشی از زندگی و در ادامه‌ی عرصه‌های خصوصی و واحدهای سکونتی خود به‌شمار آورند.

پیشرفت‌ها و دستاوردهایی که امروزه در حوزه‌های تکنولوژی و صنعت به وجود آمده، فارغ از جنبه‌های مثبت و سازنده، سبب افزایش مهاجرت افراد به شهرها و همچنین رشد و توسعه‌ی بی‌رویه‌ی آن‌ها و تغییر بنیادین بسیاری از مفاهیم فضاهای باز عمومی گردیده است. پیامد این امر، تغییر الگوی ساخت فضاهای شهری، سلطه‌ی خودروها بر آن‌ها و همچنین گسترش عرصه‌های وسیع و فاقد مقیاس انسانی می‌باشد. در این شرایط، فضاهای شهری از محلی برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان، تنها به محلی برای گذر اتومبیل‌ها تبدیل شده‌اند.

شاهرود، مانند سایر شهرهای مهاجرپذیر، به واسطه‌ی رشد و توسعه‌ی فزاینده و شتابان، شاهد شکل‌گیری فضاهای شهری نامطلوب و غیرانسانی‌ست. پیامد این موضوع ایجاد تعداد زیادی فلکه و میدان ترافیکی، خیابان و همچنین پارک‌ها و توده‌های سبز وسیع و گسترده و بدون در نظر گرفتن نیازهای اساسی انسان می‌باشد. این فضاها علی‌رغم ایجاد شرایط متمرکز کارکردی و جمعیتی، ارتباطی با نیازهای استفاده‌کنندگان خود ندارند. همچنین طی دهه‌های اخیر نقش فضاهای باز کوچک مقیاس در سطح شهر کم‌رنگ‌تر شده است. علت این امر

تغییر سبک زندگی مردم، پررنگ‌تر شدن حضور خودروها در آن و مهم‌تر از همه عدم بکارگیری اصول و معیارهای کالبدی سازنده‌ی فضاهای باز شهری سرزنده و انسانی‌ست.

علی‌رغم این موضوع، هنوز هم می‌توان آثار فضاهای کوچک مقیاس را در آن مشاهده نمود. گذر زمان تأثیر قابل توجهی بر این فضاها نگذاشته و بکارگیری معیارهای سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی در آن‌ها دیده می‌شود. شناسایی و ارزیابی این فضاها، موضوع این تحقیق می‌باشد.

۳-۱ ضرورت انجام تحقیق

در دهه‌های اخیر با پیشرفت‌ها و تحولات صورت گرفته در حوزه‌ی تکنولوژی و صنعت و همچنین تغییر سبک زندگی مردم، شاهد گسترش شهرنشینی و رشد فزاینده‌ی جمعیت شهرها هستیم. این امر موجب پدید آمدن شکل جدیدی از فضاهای باز عمومی و توسعه‌ی گذرها، معابر و خیابان‌هایی با اولویت حرکت خودروها و کمرنگ شدن نقش آن‌ها به عنوان قرارگاه جمعی و محل ملاقات افراد و ساکنین گردیده است.

از جمله مسائل و مشکلاتی که در این گونه فضاها سبب عدم تحقق نیازهای شهروندان شده است می‌توان به قطع ارتباط میان طراحان و بهره‌برداران، عدم شناخت و آگاهی ایشان نسبت به نیازها و مفاهیم انسانی و نقش فضاهای باز در برآورده کردن آن‌ها، پررنگ‌تر شدن نقش خودروها و همچنین توجه صرف به اصول و مبانی ترافیکی در طراحی و ایجاد فضاهای شهری اشاره کرد. مجموع عوامل ذکر شده و همچنین عدم توجه به اصول و معیارهای کالبدی سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی به عنوان یکی از عوامل دخیل در ترغیب و تشویق حضور افراد در محیط بیرون، موجب کاهش حضور در فضاهای باز و بی‌استفاده ماندن آن‌ها و همچنین گوشه‌گیری و انزوا و ایجاد مشکلات روحی و اجتماعی برای شهروندان گردیده است.

فضاهای باز کوچک مقیاس به عنوان محیطی که افراد بی‌واسطه با آن در ارتباط می‌باشند نقش تعیین کننده‌ای در برطرف کردن نیاز شهروندان به استراحت و گذران اوقات فراغت در بیرون از خانه و همچنین احساس رضایت ایشان از محیط زندگی خود ایفا می‌نمایند.

این گونه فضاها دارای تأثیری چندگانه و بسیار مؤثر در سطح شهر می‌باشند. از آنجا که این فضاها در زندگی روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند، مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت آن‌ها، عابرین، ساکنین و مجاورین‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (وایت: ۱۳۹۲، ۱۲۱) توجه به جایگاه تعاملات اجتماعی به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان و نقشی که فضاهای باز کوچک مقیاس در این ارتباط دارند، لزوم پرداختن به آن را دو چندان می‌نماید.

طی سال‌های اخیر و در شهر شاهرود، رویکردهایی که جهت ایجاد نشاط و پویایی در شهر، افزایش کیفیت محیط زندگی شهروندان و همچنین ترغیب آن‌ها به حضور در فضاهای باز شکل گرفته است بیشتر معطوف به احداث فضاهایی با مقیاس شهری و یا پارک‌ها و بوستان‌های محلی می‌باشد. این محیط‌ها به دلیل عدم تطابق با نیازهای افراد، مسافت زیاد و دور بودن از محل زندگی شهروندان و همچنین عدم حس تعلق‌پذیری ایشان نسبت به آن‌ها نمی‌توانند پاسخی مناسب به نیازهای اجتماعی، فرهنگی و تفریحی مردم ارائه کنند. در مقابل، جایگاه فضاهای باز کوچک مقیاس که ارتباطی نزدیک و پیوسته با مردم و شهروندان دارند هر روز کمرنگ‌تر و به عرصه‌هایی برای تردد و توقف خودروها تبدیل می‌گردند. مجموع عوامل ذکر شده در کنار کمبود بررسی‌های علمی - پژوهشی در این زمینه، اهمیت انجام این طرح را مشخص می‌نماید.

۴-۱ اهداف و سؤالات پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش فضاهای باز کوچک مقیاس بر شکل‌گیری و تقویت روابط و تعاملات اجتماعی میان شهروندان در شهر شاهرود می‌باشد. تحلیل و ارزیابی فضاهای باز شهری این امکان را فراهم می‌آورد که نقاط قوت و ضعف هریک از آن‌ها جهت رسیدن به محیط‌هایی جمع‌پذیر و انسانی شناسایی و مشخص گردد. از سویی دیگر این امر موجب خواهد شد تا با شناخت مؤلفه‌های مثبت و سازنده‌ی بکار رفته در آن‌ها و نحوه‌ی حضور این معیارها در این فضاها، از آن‌ها در طراحی و ایجاد سایر فضاهایی با کارکرد و خصوصیات مشابه نیز بهره‌گیری نماییم. در این پژوهش همچنین سعی می‌شود تا مجموعه‌ای از اصول و معیارهای کالبدی، جهت

شکل‌گیری و ایجاد فضاهای باز شهری سرزنده و انسانی که هم‌سو با خصوصیات و نیازهای مردم و شهروندان می‌باشد نیز ارائه گردد.

لازمه‌ی تحقق و دستیابی به اهداف مذکور، یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های زیر می‌باشد:

- مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی کدامند؟
- نقش این عوامل در حضورپذیری افراد در فضاهای باز شهری و ایجاد تعاملات اجتماعی میان آن‌ها چیست؟
- نحوه و میزان کاربرد این شاخصه‌ها در فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود چگونه است؟

۱-۵ پیشینه‌ی موضوع

با توجه به تغییرات به وجود آمده در کارکرد و کالبد محیط زندگی شهروندان، تجربه‌های جدیدی در حوزه تعاملات اجتماعی و عرصه‌های زندگی جمعی فضاهای باز و زیست‌پذیری آن‌ها شکل گرفته است. در همین راستا، تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری توسط اندیشمندان و پژوهشگران فعال و صاحب‌نظر در این عرصه جهت تبیین ابعاد و ویژگی‌های فضاهای اجتماع‌پذیر به انجام رسید.

در میان صاحب‌نظران و اندیشمندان معماری و طراحی شهری، افراد زیادی به ارائه‌ی نظریات و دستاوردهای خود پیرامون عرصه‌های عمومی و فضاهای باز شهری و همچنین تقویت عملکرد آن‌ها در قالب طراحی با کیفیت و انسان‌مدارانه پرداخته‌اند.

راب کریر^۱ (۱۳۹۴) در کتاب "فضاهای شهری" پس از ارائه‌ی مطالبی پیرامون مفاهیم فضاهای شهری به معرفی دو گونه عمده‌ی آن‌ها یعنی میدان و خیابان پرداخته و ویژگی‌های کارکردی و کالبدی هریک را بیان می‌کند. او الگوهای هندسی فضاهای شهری را به طور عام و برحسب نقشه‌ی همکف آن‌ها به سه گروه مربع، دایره و مثلث تقسیم نموده و معتقد است بسیاری از فضاهای موجود از این فرم‌ها مشتق می‌شوند.

^۱Rob Krier

مؤلف در بخش دیگری از کتاب خویش با ارج نهادن معماری گذشته به انتقاد از شهرسازی مدرن و باغ‌شهرها پرداخته و اعتقاد دارد این‌گونه روش‌ها موجب پراکندگی شهر و عدم یکپارچگی آن گردیده است. کریر همچنین یادآور می‌شود که در شهرسازی مدرن، مفهوم فضای شهری کاربردی نداشته و فضاهای باز مابین ساختمان‌ها فارغ از زیبایی، فاقد هرگونه تفاوت کیفی و تداوم می‌باشند که برای فضا و جهت‌یابی افراد و شهروندان لازم است. او با اشاره به شیوه‌ی بازسازی فضاهای شهری تخریب شده‌ی شهر اشتوتگارت، آن را به عنوان الگویی برای دیگر شهرها معرفی می‌نماید و در این میان راهکارها و اصول شهرسازی خویش را نیز بیان می‌کند. از جمله‌ی این شاخصه‌ها می‌توان به پیوستگی فضاهای شهری، ادغام کاربری‌ها و عملکردهای مختلف، مقیاس انسانی و استفاده از شیوه‌های طراحی ساده اشاره کرد.

هرمن هرتزبرگر^۱ (۱۳۹۴) نیز در کتاب خود با عنوان "درس‌هایی برای دانشجویان معماری" پس از بحث پیرامون مفاهیم فضاهای عمومی و خصوصی به معرفی هر یک و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت آن‌ها می‌پردازد. او همچنین در ادامه به ارتباط متقابل عرصه‌های عمومی و خصوصی با یکدیگر و نقش معماران و ابزارهای معماری در ایجاد تعادل میان این دو حوزه اشاره می‌نماید. مؤلف در بخش دوم کتاب خویش به تأثیر متقابل فرم و عملکرد فضا نیز می‌پردازد. او در این فصل فرم را عامل مؤثر در نوع کاربری و تجربه‌های مختلف در فضا معرفی می‌کند که خود تا جایی که بتوان سلاقی شخصی و تفاسیر مختلف بهره‌برداران را در آن اعمال نمود تحت تأثیر این دو (فرم و تجربه‌های مختلف صورت گرفته در فضا) می‌باشد. ایشان همچنین معتقد است که طراحی و ایجاد فضاهای معماری و شهری باید به گونه‌ای صورت پذیرد که یک هدف و کاربرد مشخص را در پیش بگیرند. این فضاها می‌باید انعطاف‌پذیر و قابل تفسیر بوده و در طی زمان و شرایط مختلف قابلیت انطباق با آن را داشته باشند.

هرتزبرگر در بخش سوم این کتاب بیان می‌کند یک اثر معماری علاوه بر انعطاف‌پذیری باید به نوعی در کاربر انگیزه ایجاد نماید و یا با درک نیازها و احساس مردم، کنش آن‌ها را برانگیزد که ایشان این ویژگی را تحت

^۱Herman Hertzberger

عنوان «فرم محرک» معرفی می‌کند. او برای دستیابی به این هدف و همچنین شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی خودانگیخته میان افراد، بکارگیری فرم‌های چندظرفیتی و عناصر ثانویه نشستن، ابعاد و تقسیم‌بندی مناسب فضا، ایجاد اختلاف سطح و توالی فضایی در آن و همچنین دید مناسب به مردم و فعالیت‌های جاری در محیط را به عنوان عوامل مثبت و سازنده ارائه می‌نماید.

ویلیام وایت^۱ (۱۳۹۲) در کتابی تحت عنوان "زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک" به ارائه‌ی نتایج و دستاوردهای خویش پیرامون مطالعه بر روی فضاهای شهری به خصوص فضاهای کوچک مقیاس می‌پردازد. او در این کتاب با طرح شواهد و مستندات که حاصل بررسی چگونگی رفتار افراد در سطح محیط‌های شهری است علت کارآمدی و یا ناکارآمدی برخی از آن‌ها را شرح داده و آموزه‌ها و درس‌های عملی که می‌توان از آن‌ها گرفت را بیان می‌کند. وایت در ادامه به نقش برخی عوامل همچون بکارگیری و جایگذاری مناسب فضاهای نشستن و بهره‌گیری از عناصر کالبدی و سطوح چند عملکردی در این حوزه، ارتباط مناسب میان عناصر طبیعی (همچون آفتاب، باد، درختان و آب) و فضای کالبدی، قابلیت دسترسی برای همگان در تمام اوقات شبانه روز، ایجاد نماهای شفاف در بناهای مجاور فضا و همچنین وجود برخی فعالیت‌ها و کاربری‌ها همچون سرو غذا در شکل‌گیری فضاهای مطلوب و با کیفیت اشاره می‌نماید. او همچنین معتقد است که ایجاد محیط‌هایی جذاب برای همه علاوه بر پویایی و سرزندگی فضا موجب نظارت همگانی بر آن‌ها و امنیت بیشترشان نیز می‌گردد.

یان گل^۲ (۱۳۹۶) در کتاب خویش با عنوان "زندگی میان ساختمان‌ها؛ کاربرد فضای جمعی" به نقش کیفیت و مطلوبیت فضاهای شهری در حضورپذیری و اجتماع شهروندان می‌پردازد. او در این کتاب ابتدا به بررسی فعالیت‌های افراد در فضاهای شهری پرداخته و آن‌ها را به سه گروه فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی تقسیم می‌کند. سپس با اشاره به جایگاه فضاهای شهری در تقویت و یا تضعیف فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی شهروندان بیان می‌دارد این‌گونه فعالیت‌ها در محیط‌هایی که شرایط مطلوب و مناسب باشد از رونق بیشتری برخوردار است. در ادامه ایشان به نقش فعالیت‌ها و مردم در ایجاد فضاهای شهری سرزنده و انسانی، با قابلیت

^۱William Hollingsworth Whyte

^۲Jan Gehl

شکل دادن به تعاملات اجتماعی و معاشرت‌پذیری پرداخته و برخی اصول اساسی در حوزه‌ی طراحی و برنامه‌ریزی شهری جهت دستیابی به این امر را معرفی می‌کند. این اصول به تأثیرگذاری و چیدمان اجزاء و عناصر شهری و همچنین کالبد و کارکرد فضاهای شهری در شکل‌گیری محیطی مطلوب و اجتماع‌پذیری تأکید می‌کنند. در انتها نیز با اشاره به دو فعالیت عمده‌ی افراد در فضاهای شهری یعنی توقف کردن و مکث و همچنین راه رفتن و حرکت، به بیان مؤلفه‌ها و تسهیلات لازم برای تقویت و بهبود آن‌ها می‌پردازد.

یکی دیگر از افرادی که به پژوهش در این حوزه مبادرت ورزیده فرانسیس تیبالدز^۱ (۱۳۹۶) می‌باشد. او در کتاب "شهرسازی شهروندگرا" به بیان برخی عوامل مؤثر در ایجاد شهرهای انسانی پرداخته است. تیبالدز در این کتاب به جایگاه فضاهای شهری به عنوان یک کل منسجم اشاره داشته و یادآور می‌شود برای دستیابی به این امر باید به توده و فضا به شکلی متوازن و متناسب توجه کرد. او همچنین به موضوعاتی همچون مقیاس انسانی، آزادی عابران پیاده در فضاهای شهری، ایجاد وضوح و خوانایی در مکان‌ها و قابلیت دسترسی برای همگان پرداخته و معتقد است که برای رسیدن به کیفیت مطلوبی از شهروندگرایی در فضاهای شهری می‌باید فعالیت‌ها و کاربری‌ها به شکلی مناسب با یکدیگر ادغام و محیط‌هایی پایدار و ماندگار (با بهره‌گیری از مصالح و شیوه‌های طراحی مناسب که در طول زمان اعتبار و کیفیت خویش را از دست نمی‌دهند) ایجاد شود.

در کتابی با عنوان "محیط‌های پاسخده" که توسط ای‌ین بنتلی و همکاران^۲ (۱۳۹۸) و با هدف کمک و راهنمایی به معماران و طراحان شهری تألیف گردیده، تلاش بر این است که ابعاد مختلف سازنده‌ی یک محیط مطلوب معرفی و شناسانده شود. نویسندگان در این کتاب بر این باورند که محیط‌های ساخته شده از طریق ایجاد و تقویت فرصت‌های مناسب و افزایش گزینه‌های قابل عرضه برای مردم (حق انتخاب‌های زیاد برای شهروندان) می‌توانند یک محیط دموکراتیک برای آن‌ها ایجاد نمایند. این گونه مکان‌ها محیط‌های پاسخده نامیده می‌شوند. مؤلفین در ادامه بیان می‌کنند که طراحی یک محیط از طریق ابعاد مختلفی می‌تواند در شکل‌گیری این امر مؤثر باشد. می‌تواند بر قابلیت دسترسی مردم از مکانی به مکان دیگر تأثیر بگذارد

^۱ Francis Tibbalds

^۲ Bentley, Alcock, Murrain, McGlynn&Smit

(نفوذپذیری). می‌تواند بر تنوع کاربردها و فعالیت‌هایی که به شهروندان عرضه می‌گردد تأثیرگذاری کند (گوناگونی). می‌تواند بر میزان فهم و درک مردم از فضا تأثیر بگذارد (خوانایی). می‌تواند با پاسخگویی به نیازهای مختلف استفاده‌کنندگان و برآوردن انتظارات مختلف آن‌ها از فضا، اثر گذار باشد (انعطاف‌پذیری). می‌تواند به وسیله‌ی کیفیات ظاهری‌اش مفاهیم و مضامین مختلفی را به مردم منتقل و آن‌ها را با حق انتخاب‌هایشان آشنا نماید (تناسبات بصری). می‌تواند با تقویت گزینه‌هایی که مربوط به تجربیات حسی مردم می‌شود بر روی آن‌ها تأثیر بگذارد (غنای حسی). می‌تواند با ایجاد فرصت‌هایی استفاده‌کنندگان را ترغیب به مشارکت در ایجاد و نگهداری محیط پیرامون خویش نماید (رنگ تعلق). نویسندگان همچنین در این کتاب با ارائه‌ی مثال‌های عملی، سعی در نشان دادن نحوه‌ی استفاده از این مؤلفه‌ها جهت ایجاد یک محیط مطلوب و مناسب می‌نمایند.

در حوزه‌ی شناخت مؤلفه‌ها و شاخصه‌های بکار رفته در معماری و شهرسازی ایران نیز محمود توسلی (۱۳۹۵) در کتاب "اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران" به این مسأله می‌پردازد. او با انتقاد از تغییرات کالبدی صورت گرفته در فضاهای شهری امروزی و عدم تداوم و ارتباط مناسب با اصول معماری و شهرسازی گذشته، این امر را ناشی از دخالت دادن سلیقه‌های شخصی و فاقد پشتوانه و همچنین فراموشی این اصول می‌داند. توسلی همچنین در ادامه به ارائه‌ی برخی اصول و روش‌های بکار رفته در فضاهای شهری گذشته‌ی ایران پرداخته و امیدوار است که بتوان از آن‌ها برای ایجاد و ارتقاء فضاهای شهری امروزی بهره‌گیری نمود. این اصول شامل هم‌پیوندی عناصر شهری و واحدهای مسکونی، محصور کردن فضا، مقیاس و تناسبات انسانی، ایجاد فضاهای متباین، حریم و قلمرو، ترکیب و کمپوزیسیون و در نهایت آگاهی از فضا می‌شوند.

جهان‌شاه پاکزاد (۱۳۹۳) نیز در کتاب "راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران" با تقسیم فضاهای شهری به پنج گروه ورودی‌ها، گره‌ها، مسیرها، لبه آب و پله‌ها به تشریح هریک از آن‌ها همراه با زیرگروه‌هایشان می‌پردازد. او در این بخش نقاط قوت و ضعف و موانع و محدودیت‌هایی که تغییر و تحولات شهرها و طراحی شهری امروزی برای آن‌ها ایجاد نموده است را نیز بیان می‌کند. پاکزاد در ادامه با اشاره به توقعات و انتظارات

^۱ فضاهای شهری از دو بخش توده و فضا تشکیل شده است که این اصل بیان‌گر برقراری ارتباط متناسب و مطلوب میان آن دو می‌باشد.

موردی از هر فضا، به ارائه‌ی راهبردها و توصیه‌های کالبدی و کارکردی پیرامون بهسازی و نوسازی آن‌ها جهت تحقق هرچه بهتر اهداف مذکور می‌پردازد.

در میان پایان‌نامه‌ها و طرح‌های دانشگاهی انجام شده، به مواردی می‌توان برخورد که پژوهشگر به موضوع ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای باز توجه نموده است.

شیمای خانیان (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌اش تحت عنوان "بررسی نقش فضای مکث و طراحی و توسعه‌ی آن در افزایش تعاملات اجتماعی در محله‌ی با ارزش ایرانی (نمونه موردی: محله‌ی آقاجانی بیگ شهر همدان)" به بررسی کیفیت محیط‌های کالبدی در شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی میان افراد با تکیه بر نقاط مکث و توقف پرداخته است. او با اشاره به ویژگی‌های محله ایرانی و اجزاء و عناصر سازنده‌ی آن‌ها در بافت‌های سنتی توقعات و انتظارات موردی از هر کدام از این اجزاء را بیان می‌کند. در ادامه با بررسی و ارزیابی محله آقاجانی بیگ همدان، محدودیت‌ها و امکانات موجود در آن را شرح داده و اقدام به تبیین مجموعه‌ای از اصول و ضوابط کالبدی و کارکردی بر مبنای تحقیقات میدانی صورت گرفته می‌نماید. در پایان، خانیان به این نتیجه رسیده است که می‌توان با ایجاد تناسبات بصری مطلوب و مناسب، اختلاط کاربری‌ها، محوطه‌آرایی و بهره‌گیری از عناصر سبز، ایجاد شرایط آسایش اقلیمی و همچنین استفاده از فرم و مصلح بومی موجبات حضورپذیری و افزایش تعاملات ساکنین محله را فراهم نمود.

در پایان‌نامه‌ی دیگری تحت عنوان "برنامه‌دهی الگوهای طراحی فضای باز عمومی با رویکرد سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: میدان تجریش)" احسان میرزابابایی (۱۳۹۵) نقش فضاهای شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی افزایش سطح سرمایه اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. در ابتدا او به بررسی انواع فضاهای شهری و اهداف و کارکردهای اجتماعی آن‌ها می‌پردازد و تأثیرگذاری برخی عوامل کالبدی و عملکردی این‌گونه فضاها در ایجاد و تقویت تعاملات اجتماعی میان افراد از دیدگاه صاحب‌نظران این حوزه بیان می‌کند. در ادامه، میرزابابایی به بررسی این موارد در شهرسازی اسلامی مبادرت ورزیده و ویژگی‌های کالبدی و کارکردی فضاهای شهری سنتی را که بر تقویت روابط و تعاملات اجتماعی میان افراد مؤثر می‌باشند ارائه نموده

است. نفوذپذیری، خوانایی، سرزندگی، تشخص تاریخی، امنیت، تنوع و همچنین همه جانبه بودن از جمله مواردی است که این پژوهش بر اهمیت آن تأکید می‌کند.

شراره شهیدی (۱۳۹۶) در پایان نامه‌اش تحت عنوان "شناسایی عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری، پروژه‌ی عملی: ارائه‌ی الگوی پیشنهادی محله در شهرستان بابلسر" با استفاده از تحقیقات میدانی و بر مبنای نتایج و دستاوردهای حاصل از توزیع و تحلیل پرسشنامه‌ها، میزان رضایت افراد از فضاهای شهری را بررسی و موانع و محدودیت‌های موجود در آن‌ها را نیز شناسایی نموده است. این پژوهش همچنین به ارزیابی و شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رفتار افراد و تعاملات اجتماعی میان آن‌ها نیز پرداخته است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که جهت ارتقاء روابط و تعاملات اجتماعی میان شهروندان در فضاهای شهری می‌باید به عواملی مانند دسترسی و نفوذپذیری، تنوع، زیبایی‌شناختی، عملکرد و کارکرد و همچنین افزایش احساس امنیت افراد نیز توجه شود.

در حوزه‌ی مقالات و طرح‌های پژوهشی صورت گرفته در این زمینه نیز محققین و پژوهشگران بسیاری به بررسی اجتماع‌پذیری فضاهای معماری و شهری و همچنین بازشناسی و سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در آن‌ها و شکل‌گیری فضاهایی انسانی پرداخته‌اند.

علیمردانی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "رشد کیفی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (نمونه موردی خیابان احمدآباد مشهد)" به بررسی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضاهای شهری و با تأکید بر افزایش تعاملات اجتماعی میان افراد می‌پردازند. این پژوهش با مراجعه به آرا و دیدگاه اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه علاوه بر ویژگی‌های فردی نقش عوامل مختلف و متعدد دیگری همچون تنوع، انعطاف‌پذیری، خوانایی، ایمنی و امنیت، نفوذپذیری و همچنین مسائل اقلیمی را در رشد کیفی فضاهای شهری به منظور تقویت تعاملات اجتماعی میان شهروندان مؤثر و مهم می‌داند.

در پژوهشی با عنوان "پاتوق، فضای جمعی شهری و معماری و محل تعاملات اجتماعی و فرهنگی (نمونه موردی شهر برازجان)" که توسط احمد ترکمان و همکاران (۱۳۹۶) انجام گردید به اهمیت نقش فضای جمعی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی و فرهنگی در سطح فضاهای شهری پرداخته می‌شود. همچنین در این پژوهش نقش مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مختلف مؤثر بر ایجاد و ارتقاء کیفیت این‌گونه فضاها نیز مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل کالبدی، اجتماعی، محیطی و اقلیمی، دارای تأثیرگذاری مناسب و مطلوبی بر فضای پاتوق می‌باشند. بر همین اساس، توجه به مؤلفه‌های سازنده‌ی این عوامل و بکارگیری مناسب آن‌ها، سبب افزایش کیفیت فضاهای جمعی و حضورپذیری افراد در آن‌ها معرفی می‌گردد.

دانشپور و چرخچیان (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان "فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی" با اشاره به نقش مهم و ظرفیت گسترده‌ی فضاهای عمومی در پاسخ به نیازهای اجتماعی انسان، به بررسی عوامل مؤثر بر حفظ و تقویت کیفیت اجتماع‌پذیری این‌گونه فضاها پرداختند. آنچه ایشان در این پژوهش به آن رسیدند پررنگ بودن نقش عواملی چون دعوت‌کنندگی، امنیت، مطلوبیت و پاسخگویی فعالیتی در فرایند اجتماع‌پذیری و ارتقاء حیات جمعی در فضاهای عمومی می‌باشد.

۱-۶ روش تحقیق

پژوهش حاضر به بررسی تأثیرگذاری فضاهای باز عمومی کوچک مقیاس بر روابط اجتماعی و تعامل میان شهروندان می‌پردازد. برای دستیابی به این منظور از روش تحقیق کیفی استفاده گردیده است. با توجه به ماهیت چند وجهی روابط و تعاملات اجتماعی و برای درک عمیق‌تر مؤلفه‌های دخیل در این امر و همچنین سنجش نقش فضاهای باز بر شکل‌گیری و تقویت روابط و تماس‌های میان افراد، برداشت میدانی وسیع، قرار گرفتن در کالبد فضا و ایجاد ارتباطی نزدیک با آن لازم و ضروری می‌باشد. به همین منظور با استفاده از مشاهده‌ی فعال از طریق ثبت تصاویر فضاها، امکان اجتماع‌پذیری فضاهای باز کوچک مقیاس در نمونه‌ها تعیین می‌گردد. سپس با

تبیین و توصیف عوامل مؤثر بر ایجاد تعاملات اجتماعی در این گونه فضاها، نقش عوامل کالبدی و کارکردشان در آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

این طرح با استفاده از منابع و مطالعات کتابخانه‌ای به شناخت و طبقه‌بندی آرا و نظریات صاحب‌نظران پیرامون معیارهای شکل‌گیری فضاهای باز انسانی می‌پردازد. در ادامه با استناد به معیارهای بدست آمده، برداشتهای میدانی صورت گرفته در حوزه‌ی فضاهای باز کوچک مقیاس شهر شاهرود مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند.

فصل ۲: مطالعات پایه و مرور ادبیات پژوهش

۲-۱ مقدمه

فضاهای شهری دارای ماهیت پیچیده‌ای می‌باشند که ابعاد و عوامل متعددی در شکل‌گیری آن‌ها نقش ایفا می‌نمایند. ایجاد و احداث این گونه فضاها متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اقلیمی زمینه‌ی قرارگیری و محیط پیرامون خویش است که به عنوان وجه تمایز و عامل افتراق فضاهای شهری از آن‌ها نام برده می‌شود. هدف این پژوهش تمرکز بر روی وجوه کالبدی و تأثیرشان در خلق فضاهایی سرزنده و انسانی می‌باشد که فارغ از هرگونه وابستگی به عوامل مذکور بوده و قابلیت شکل‌دهی و تقویت روابط و تعاملات اجتماعی میان شهروندان را نیز داشته باشد.

با توجه به اینکه در برخورد با شهرها و فضاهای شهری با مقیاس‌های متفاوتی مواجه می‌شویم که هر کدام خصلت‌های خاص خویش را دارا می‌باشد لذا تلاش بر این بوده است تا با نگاهی خرد در حوزه‌ی ابعاد و مقیاس انسانی به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات پژوهش مبادرت گردد. این مقیاس در ارتباط نزدیک با انسان و قابل لمس از طریق حواس اوست. بنابراین کیفیت و یا عدم مطلوبیت فضاهای شهری در این سطح به راحتی برای تمامی افراد و کاربران آن‌ها قابل درک و مشاهده می‌باشد.

در این بخش از تحقیق، ابتدا به بیان برخی مفاهیم و مضامین کاربردی و مرتبط با اهمیت و ضرورت شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی و همچنین نقش عوامل دخیل در آن پرداخته شده است. در ادامه با گردآوری آرا و نظریات اندیشمندان و صاحب‌نظران پیرامون شکل‌گیری فضاهای شهری سرزنده و انسانی سعی در دستیابی به معیارهایی برای شکل دادن و تقویت هرچه بیشتر آن‌ها می‌شود.

در پایان نیز به ارائه‌ی الگویی مناسب در قالب یک جدول همراه با معیارها و ویژگی‌های سازنده‌ی آن‌ها جهت ایجاد و ارتقاء فضاهای شهری با محوریت عناصر کالبدی می‌پردازیم که عمومیت داشته و مختص به فرهنگ و جغرافیای یک سرزمین مشخص و خاص نمی‌باشد.

۲-۲ بخش اول: تعاملات اجتماعی

۱-۲-۲ تعامل اجتماعی و اهمیت آن

تعامل اجتماعی به معنای شکل‌گیری یک ارتباط میان حداقل دو نفر یا بیشتر می‌باشد که منجر به عکس‌العملی میان آن‌ها شود. تمام زوایا و ابعاد این ارتباط برای طرفین واضح و شفاف است بنابراین روابط اجتماعی بدون ویژگی‌های یاد شده در محدوده‌ی این تعریف قرار نمی‌گیرند. (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹) برقراری روابط و تعامل اجتماعی میان افراد می‌تواند با یک نگاه، مکالمه و یا انجام یک عمل مشخص میان آن‌ها صورت پذیرد. این امر، خود متضمن تعریف رویدادهایی متناسب و نقش‌پذیری افراد در فضا و یا شرکت آن‌ها در گروه‌های اجتماعی می‌باشد. (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲) از جمله نمونه‌های این گونه کنش‌ها و روابط اجتماعی میان افراد می‌توان به تغییر حالت چهره و صورت ایشان هنگام مواجهه با یکدیگر، دست دادن و مصافحه و یا ادای احترام افراد شاغل در یک سازمان مشخص (همچون نیروهای نظامی که به واسطه‌ی انجام عملی تعریف شده میان آن‌ها شکل می‌گیرد) اشاره کرد.

مسائل و مشکلات فضاهای شهری در دوران جدید، بیش از هر زمان دیگری توجه طراحان و برنامه‌ریزان را به بررسی و ارائه‌ی راه‌حلهایی پیرامون کاهش سلطه‌ی ماشین‌ها و افزایش ارتباطات انسانی در شهرها جلب کرده است. پژوهش‌ها و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد فضاهای شهری تنها محدود به بعد کالبدی آن‌ها نمی‌گردد. مؤلفه‌های دیگری همچون تعاملات اجتماعی شهروندان نیز به عنوان عامل مؤثر در شکل‌دادن به آن‌ها مطرح می‌باشد. براین اساس، بدون وجود ارتباطات انسانی و فعالیت‌های مرتبط با آن نمی‌توان یک فضای شهری را تصور نمود. (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹) از سویی دیگر شکل‌گیری روابط اجتماعی، در واقع پاسخی به نیاز انسان در پیوند جویی و حس تعلق به یک مکان می‌باشد. همچنین برقراری ارتباط و تماس با افراد دیگر منجر به اجتماعی شدن و رشد شخصیتی فرد می‌گردد. الکساندر معتقد است دیدارهای مکرر و

غیررسمی زمینه‌ساز تقویت دوستی‌ها و تغییر نگرش ذهنی افراد و نزدیک‌تر شدن آن‌ها به یکدیگر می‌شود. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۸۷) علاوه‌براین، حضور انسان‌ها در فضاهای شهری و گذراندن اوقات فراغت، پیاده‌روی و تماس‌های اجتماعی آن‌ها موجب ارتقاء امنیت واقعی در سطح شهر و افزایش حس امنیت در افراد می‌گردد. زمانی که مردم مشغول گردش روزانه در فضاهای شهری می‌باشند، هم فضا و هم مردمی که از آن استفاده می‌کنند به واسطه‌ی نقش‌پذیری و عملکرد خود، معنادارتر شده و در نتیجه حفاظت و مراقبت از آن‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد. (گل، ۱۳۹۴: ۹۹-۹۸) همچنین فضاهایی که مردم در آن‌ها با یکدیگر در حال تعامل و ارتباط می‌باشند و زندگی در جریان است وظایف اجتماعی روشن‌تر و حمایت افراد از یکدیگر بیشتر است. به عنوان مثال در برخی مناطق مسکونی، همسایگان به واسطه‌ی ارتباط و تعامل اجتماعی که با یکدیگر دارند دارای شناخت مناسبی از هم بوده و از حس تعلق مطلوبی نیز نسبت به محیط زندگی خود برخوردار می‌باشند. در این محیط‌ها افراد به خوبی در ایفای نقش همسایگی عمل نموده و در مقابل افراد غربیه و ناآشنا از خود واکنش نشان می‌دهند که این امر موجب افزایش امنیت و ایمنی فضا می‌گردد. البته این موضوع در همه‌ی موارد صادق نبوده و به عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز مربوط می‌باشد. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۸۷)

۲-۲-۲ رابطه‌ی میان انسان و محیط

محیط مجموعه‌ای از عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و به طور کلی رخدادها و پدیده‌هایی است که انسان را در بر گرفته و یا به دست وی ساخته و پرداخته شده‌اند. اگر افراد در محیط آرامش و آسایش را تجربه نکنند و یا هیچ‌گونه تعلق خاطری نسبت به آن نداشته باشند تمایلی به ماندن در آن از خود نشان نمی‌دهند. (نوذری، ۱۳۸۳: ۴۶) روابط انسان و محیط به نحوی است که از یک سو انسان تحت تأثیر شرایط پیرامون خویش قرار می‌گیرد و از سوی دیگر با توجه به نیازها و هدف‌گذاری‌های خویش آن را تغییر می‌دهد. (همان: ۴۶)

از نگاه رفتارشناسان، رابطه‌ی میان محیط و انسان با استفاده از چهار نوع رویکرد اختیاری، امکان‌گرا، احتمال‌گرا و جبری قابل بررسی‌ست. در رویکرد اختیاری آن‌ها معتقدند محیط هیچ‌گونه تأثیری بر رفتار انسان ندارد. با توجه به آن که ویژگی‌های زیست‌شناختی و همچنین برخی شرایط کالبدی و جغرافیایی محدودیت‌هایی را بر روی رفتار انسان اعمال می‌کنند می‌توان گفت این دیدگاه غیر قابل توجیه است. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۱۴) فرصت‌هایی که محیط در اختیار انسان قرار می‌دهد به شکل روشن و مشخصی بر رفتار مردم و توانایی آنچه می‌توانند و یا نمی‌توانند انجام دهند تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال پنجره‌ای که در یک دیوار صلب و بسته قرار گرفته است به افراد این امکان را می‌دهد که مناظر بیرون را تماشا کنند، درحالی که دیوار ممتد نمی‌تواند این فرصت را ایجاد نماید. بنابراین می‌توان گفت رفتار انسان به شکل ذاتی و محسوس متأثر از فرم فیزیکی، عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی محیط پیرامون خویش می‌باشد. (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۲)

از منظر دیدگاه امکان‌گرایی محیط در بردارنده‌ی فرصت‌هایی است که رفتار انسان بر مبنای آن شکل می‌گیرد. با توجه به تحلیل رفتار انسان مشخص می‌شود آنگونه که امکان‌گرایان مطرح می‌نمایند انسان‌ها در رفتار خویش آزادی عمل ندارند. هر فردی شامل برخی از انگیزه‌ها و شایستگی‌هاست که حداقل بخشی از آن توسط محیط‌های جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی تعیین می‌شود. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۱۴) همچنین این تفاوت در شایستگی‌ها که ناشی از ویژگی‌های بستر و زمینه‌ی قرارگیری انسان است می‌تواند ادراک مردم از محیط و چگونگی استفاده از آن را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه‌براین حتی ممکن است که مردم قابلیت‌هایی از محیط را درک کنند ولی به سبب عدم شایستگی و شرایط لازم توانایی بهره‌گیری از آن را نداشته باشند. این محدودیت‌ها می‌تواند ناشی از فشارهای فرهنگی، اجتماعی، کمبود منابع مالی و زمانی باشد. هرچه این موانع بیشتر و یا شایستگی‌های افراد کمتر باشد دامنه‌ی آزادی عمل و حق انتخاب‌های او تقلیل می‌یابد و فرصت‌های رفتاری ایشان محدودتر می‌گردد. (همان: ۱۱۷-۱۱۸)

بر اساس رویکرد جبرگرایی زمانی که انسان گمان می‌کند به صورت آزادانه در محیط عمل می‌کند در واقع تحت تأثیر شرایط آن می‌باشد. این دیدگاه محیط را به عنوان عامل سازنده‌ی رفتار انسان معرفی می‌کند. نهضت

معماری مدرن نیز از این دیدگاه به عنوان عامل شکل‌دهنده‌ی فضاهای معماری و شهرسازی استفاده کرد. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۱۴) به عنوان مثال بسیاری از طراحان بدون در نظر گرفتن تمایلات و ویژگی‌های مردم و شهروندان مدعی شده‌اند فضاهایی را که طراحی می‌کنند می‌تواند به خودی خود نتایج رفتاری منحصر به فردی داشته باشد. با توجه به تفاوت‌هایی که در برخی خصلت‌ها و ویژگی‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افراد وجود دارد این امر غیر قابل توجیه است. (همان: ۱۱۶) به طور کلی تأثیر محیط بر روی رفتار انسان باید به عنوان یک عامل حمایت‌کننده مورد بررسی قرار گیرد تا عاملی اجباری که سبب پدید آوردن یک رفتار خاص در آن گردد. محیط نمی‌تواند فردی را مجبور به انجام کاری کند که هیچ تمایلی به آن ندارد بلکه فقط قادر است شرایط را برای شکل‌دادن به عملی که فرد به آن رغبت دارد تسهیل نماید. به عنوان مثال نیمکت‌ها و فضای نشستن امکان استراحت را فراهم می‌آورند و خیابان‌های باریک و سنگ‌فرش شده از پیاده‌روی و رانندگی با سرعت کم حمایت می‌نمایند. (دورک، ۱۳۹۶: ۱۳۰)

احتمال‌گرایان فرض را بر این گذاشته‌اند که رفتار انسان به صورت اساسی متغیر نمی‌باشد ولی با این حال وی آن‌طور که طراحان و برنامه‌ریزان فضا را ساماندهی و رفتار افراد را در آن پیش‌بینی کرده‌اند ممکن است عمل نکند. این موضوع مبنای بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی انسان و محیط می‌باشد. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۱۴) بر اساس این دیدگاه نقش طراحان در ایجاد فضا به عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده مطرح می‌باشد اما مطلق نیست. آنچه که در هر فضا رخ می‌دهد و نحوه‌ی استفاده از آن به کاربران و بهره‌برداران خویش بستگی دارد. (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱۳)

علاوه بر موارد مذکور، پیرامون رابطه‌ی میان محیط و رفتار انسان، فرضیات و نظریات متعدد دیگری نیز مطرح است. هرکدام از این دیدگاه‌ها به اشکال و طرق مختلف ایجاد این ارتباط اشاره نموده و تأثیرگذاری و نقش محیط و رفتار انسان را در شکل‌گیری آن مورد بررسی قرار می‌دهند.

- ارتباط متقابل

میان رفتار افراد و محیط رابطه‌ای دو سویه برقرار است به نحوی که نه می‌توان رفتارهای افراد را بدون در نظر گرفتن تأثیر محیط مورد ارزیابی قرار داد و نه محیط، جدا از پاسخ و عکس‌العمل رفتاری انسان در آن امکان سنجش پیدا می‌کند. (دورک، ۱۳۹۶: ۱۲۶)

- رفتارهای احاطه شده در محیط

براساس این فرضیه، رفتارهای انسان در محیط، به عنوان یک صحنه‌ی نمایش جای می‌گیرد و محیط بستری برای بروز این رفتارهاست. همچنین در این تعامل، رسیدن به یک توازن و تعادل مناسب میان محیط و رفتار ضروری می‌باشد. (همان: ۱۲۷)

- رفتار و محیط به عنوان عناصری تعاملی و دارای وابستگی درونی

براساس این فرضیه، محیط و رفتار به عنوان مجموعه‌ای از سیستم‌های باز در نظر گرفته می‌شوند که دارای تعامل و وابستگی درونی می‌باشند و عناصر بیرونی و دیگر سیستم‌های محیط - رفتار مشابه می‌توانند بر روی آن اثرگذار باشند. (همان: ۱۲۷)

۲-۲-۳ انواع فعالیت افراد در فضاهای شهری

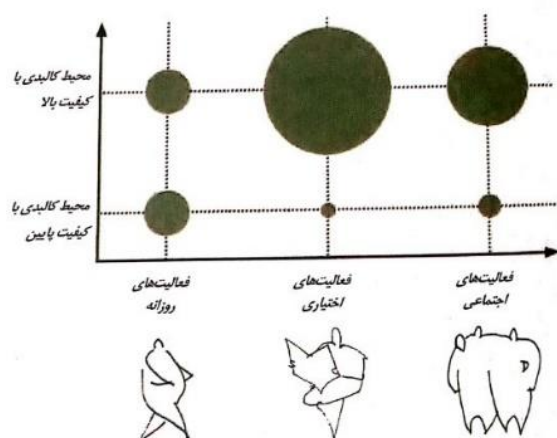
فعالیت افراد در فضاهای شهری را از جنبه‌ی نحوه‌ی وقوع می‌توان به سه دسته‌ی اجباری، اختیاری و اجتماعی تقسیم نمود که چگونگی شکل‌گیری هر یک از آن‌ها متأثر از کیفیت و شرایط فضاهای شهری و محیط فیزیکی بیرون می‌باشد. (تصویر ۲-۱) این عوامل فعالیت‌ها را به درجات مختلف تقسیم و به هر کدام خصلت خاصی را القاء می‌نماید. (گل، ۱۳۹۴: ۱۳)

- فعالیت‌های اجباری، نسبتاً ضروری‌اند که تحت هر شرایط افراد ملزم به انجام آن‌ها می‌باشند. رفتن به محل کار و مدرسه، منتظر ماندن برای اتوبوس و تاکسی از جمله این موارد محسوب می‌شوند که شرایط محیط بیرون کمترین تأثیر را بر انجام آن‌ها دارند. (همان: ۱۳)

- فعالیتهای اختیاری، تنها در صورتی که شرایط محیطی مساعد بوده و همچنین افراد تمایل به انجام آنها داشته باشند به وقوع می‌پیوندند. فعالیتهای اختیاری کاملاً تحت تأثیر شرایط فیزیکی خارجی قرار می‌گیرند، همانند پیاده‌روی برای بهره‌گیری از هوای تازه، نشستن و آفتاب گرفتن. (گل، ۱۳۹۴: ۱۴)

- فعالیتهای اجتماعی، متضمن حضور دیگران در فضاهای عمومی‌اند و به صورت خود به خود میان افراد شکل می‌گیرند. ماهیت آنها با توجه به زمینه‌ای که در آن اتفاق می‌افتند متفاوت است. از جمله‌ی این فعالیت‌ها می‌توان به احوال‌پرسی و گفتگو و بازی کودکان اشاره نمود. این فعالیت‌ها ارتباط و پیوندی محسوس با دو گروه فعالیت دیگر دارد. از آنجا که فعالیتهای اجتماعی حاصل حضور افراد در محیط بیرون می‌باشد بنابراین به صورت خود به خودی شکل‌گرفته و ماهیت آن بسته به زمینه‌ی مورد نظر و شرایط موجود در آن متفاوت می‌باشد. (گل، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۶)

بسیاری از فعالیتهایی که در خیابان‌ها و سایر فضاهای شهری صورت می‌گیرد (همچون دیدن و شنیدن صدای مردمی که در حال رفت و آمد هستند) به صورت موقت و گذرا می‌باشد اما همین فعالیت‌ها نیز برای برخی جذاب و مهیج است. بسیاری از فعالیتهایی که در فضاهای شهری صورت می‌پذیرد متأثر از برنامه‌های فیزیکی از پیش تعریف شده برای آن می‌باشد. اما در کنار این امر کیفیت فضاهای بیرونی نیز در میزان و مدت آن تأثیرگذار است. فعالیتهای اختیاری و اجتماعی از این نوع می‌باشد که تا وقتی شرایط محیط مناسب نباشد رونق چندانی ندارند. (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۶۸)



تصویر ۱-۲. ارتباط میان کیفیت فضاهای شهری و فعالیتهای افراد
 مأخذ: (گل، ۱۳۹۴: ۲۱)

فعالیت‌های شهری را از نظر نحوه‌ی استقرار و قرارگیری می‌توان به دو دسته‌ی فعالیت‌های رسمی و غیررسمی تقسیم کرد. فعالیت‌های رسمی در مکانی معین و از پیش تعریف شده برای آن به وقوع می‌پیوندند. (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۴) همانند تفریح و گذران اوقات فراغت در پارک‌ها و بوستان‌ها و یا خرید و داد و ستد در بازارها و میادین تجاری که از ابتدا توسط برنامه‌ریزان و سیاستگذاران شهری برای این امور در نظر گرفته شده است. فعالیت‌های غیررسمی در فضاهایی با برنامه‌ی فیزیکی از قبل طراحی شده صورت نمی‌گیرند. به طور معمول این فعالیت‌ها از نگاه طراحان و برنامه‌ریزان دور می‌ماند و یا به شکلی آزاد تحت تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زمینه‌ی خود به وجود می‌آیند. فعالیت‌هایی مانند نشستن، خوابیدن، غذا خوردن و لباس پوشیدن که در خیابان‌های شهرهای برخی کشورها دیده می‌شود از جمله نمونه‌های رایج این فعالیت‌ها محسوب می‌شوند. (همان: ۴۴)

در طبقه‌بندی دیگری این فعالیت‌ها را بر حسب عاملین آن‌ها می‌توان در دو گروه اصلی فعالیت‌های فردی و گروهی جای داد. وقوع فعالیت‌های فردی مستلزم وجود تنها یک فرد در فضای شهری می‌باشد (همانند غذا خوردن، فکر کردن و یا تماشای مناظر پیرامون). البته این امر به معنی حذف مطلق حضور دیگران نیست بلکه در این فعالیت‌ها فرد می‌تواند به شکلی مستقل از دیگران نسبت به انجام آن مبادرت ورزد. در فعالیت‌های گروهی می‌باید بیش از یک نفر در انجام آن حضور داشته باشد. افراد دخیل در این امر از نظر تعداد و رابطه با یکدیگر متفاوت‌اند. فعالیت‌هایی مانند سوال کردن، مکالمه و تظاهرات نمونه‌هایی از فعالیت‌های گروهی محسوب می‌شوند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۴۲) به‌طور کلی می‌توان گفت که فعالیت‌های شهری مهم‌ترین وجه از محتوای فضاهای شهری می‌باشند که تنها از طریق شناخت الگوهای شکل‌گیری و پیوندهای میان آن‌ها، بررسی و در فرایند برنامه‌ریزی‌های شهری بکارگرفته می‌شوند. (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۴)

۲-۲-۴ عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط اجتماعی و تعامل میان افراد

یک مبلمان، فضای معماری و یا شهری هر چند از نظر انسان‌سنجی و برطرف نمودن نیازهای فیزیولوژیکی و ایجاد آسایش برای او به درستی طراحی شده باشد اما ممکن است از نظر استفاده‌کنندگان آن مناسب و مطلوب نبوده و توانایی شکل دادن به ارتباطات اجتماعی میان افراد را نداشته باشد که علت آن عدم توجه به وجوه دیگر عوامل دخیل در ایجاد حس مطلوبیت فضا در افراد می‌باشد. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۶۵) در این قسمت معیارهایی چون خلوت، قلمروپایی، فضای شخصی و فرهنگ و ویژگی‌های فردی را به عنوان عواملی که درک راحتی و کیفیت محیط را تحت تأثیر قرار داده و در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی میان افراد نقش سازنده‌ای ایفا می‌کنند مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۲-۴-۱ خلوت

خلوت به مفهومی اطلاق می‌شود که در آن فرد توانایی کنترل و شکل‌دهی یک تعامل دیداری و شنیداری را با افراد دیگر دارا می‌باشد و به نوعی حق انتخابی است برای ایجاد تعامل اجتماعی با فرد مورد نظر. (دیاگرام ۲-۱) اما باید توجه داشت که خلوت منجر به گوشه‌گیری و انزوای افراد از محیط‌های اجتماعی و جمعی نگردد. (همان: ۱۶۶) نیاز به خلوت در فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است و همچنین در بسترهای فرهنگی یکسان نیز این امر بسته به ویژگی‌های روحی و شخصیتی افراد متفاوت می‌باشد. به بیان دیگر شرایطی که برای یک فرد تداعی کننده خلوت است می‌تواند برای فرد دیگری معنای تنهایی و انزوا را داشته باشد و یا شرایطی که برای شخصی معنای شلوغی را داشته، برای فرد دیگری در همان موقعیت مطلوب و مناسب باشد. (عینی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۱۲)

بهره‌گیری از برخی اجزاء و عناصر معماری همچون پرده‌ها، دیوار و نشانه‌گذاری‌ها روش‌هایی هستند که برای حفظ قلمرو و فاصله‌ی فیزیکی میان مردم و شهروندان به میزان زیادی در حدود اختیارات و تحت کنترل طراحان می‌باشد. استفاده از سطوح می‌تواند تبادل اطلاعات میان دو محیط را قطع نماید. یکی از نارضایتی‌هایی

که افراد از محیط‌های ساخته شده دارند عدم تأمین سطح مناسبی از خلوت می‌باشد. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۶۷) تأکید بیش از اندازه بر خلوت موجب گوشه‌گیری و انزوا و تعامل و ارتباطات بیش از حد هم سبب ایجاد ازدحام و از میان رفتن خلوت و حریم شخصی افراد می‌گردد. (عینی‌فر، ۱۳۷۹: ۱۱۲) در ذیل مبحث خلوت می‌توان به دو عامل اساسی دیگر شامل ازدحام و شلوغی اشاره نمود که دارای رابطه‌ی تنگاتنگی با مفهوم خلوت و تعامل اجتماعی می‌باشند.

ازدحام و یا شلوغی با تراکم که در واقع تعداد افراد در واحد سطح می‌باشد متفاوت است. به عنوان مثال تراکم فضای اتاق تعداد افراد حاضر در یک فوت مربع در آن اتاق می‌باشد که به صورت عینی و قابل اندازه‌گیری است. اما شلوغی و ازدحام بیش از آنکه قابل دریافت و سنجش توسط افراد باشد ناشی از تصورات ذهنی آن‌ها می‌باشد. به عنوان مثال اگر در یک کلاس درس حتی بزرگ، تعداد دانشجویان از تعداد صندلی‌های آن بیشتر باشد احساس ازدحام و شلوغی را در افراد ایجاد می‌نماید. (دورک، ۱۳۹۶: ۱۴۶) یکی از علت‌های نامطلوب بودن ازدحام برای مردم، عدم توانایی آن‌ها در کنترل روابط و فواصل خود با دیگران و عدم دستیابی به سطح مناسبی از خلوت می‌باشد در نتیجه طراحان می‌باید محیط‌هایی را پدید آورند که با تمایل افراد به تماس داشتن و یا نداشتن با دیگران و نظارت بر این امر سازگار باشد. (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۳۴)



دیاگرام ۱-۲ مکانیزم دستیابی به خلوت مناسب مأخذ: (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۶۶)

۲-۲-۴-۲ قلمروپایی

قلمروپایی به عنوان مکانیزمی برای فراهم آوردن خلوت و تنظیم حریم میان خود و دیگران با استفاده از نشانه-گذاری یک مکان یا شیء می‌باشد. رفتار قلمروپایی در انسان‌ها غالباً تابع هنجارها و معیارهای فرهنگی‌ست. قلمروهای انسانی از جهت خصوصیت فیزیکی و کالبدی با یکدیگر متفاوت می‌باشند و با طیف وسیعی از موانع و نشانه‌های نمادین علامت‌گذاری می‌گردند. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۷۰-۱۶۹) اشخاص معمولاً در قلمروی خویش آزادانه و راحت‌تر رفتار می‌نمایند تا در فضایی که متعلق به دیگران است. همچنین آن‌ها برای حفظ حریم و قلمرو خود رفتارهایی را انتخاب می‌کنند تا علاوه بر شناساندن آن به دیگران به حریم آن‌ها نیز آسیبی وارد نشود. (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۵۲) حس مالکیت که تمایل طبیعی افراد برای در اختیار گرفتن یک فضا برای خویش می‌باشد واکنشی جهت شکل دادن به قلمرو مکانی محسوب می‌شود. رفتار دانش‌آموزان که تمایل به نشستن بر روی صندلی‌های ثابتی را در کلاس‌های مشابه از خود نشان می‌دهند و یا در کتابخانه‌ها با قرار دادن کتاب و وسایل بر روی میز، افراد جای خویش را برای مدت طولانی محفوظ نگه می‌دارند نمونه‌هایی از شکل دادن به قلمرو مشخص است. (دورک، ۱۳۹۶: ۱۴۲)

در ادامه‌ی بحث قلمروپایی می‌توان به چهار نوع قلمرو مکانی شامل قلمرو پیوسته، مرکزی، حامی و پیرامونی اشاره کرد که هر کدام بخشی از فضاهای مرتبط با افراد را دربر می‌گیرند. قلمرو پیوسته همان حباب فضایی است که متعلق به فرد می‌باشد. قلمروهای مرکزی شامل خانه، اتاق و فضای کار شخصی هستند که کاملاً خصوصی می‌باشند. قلمروهای حامی شکل فضاهای نیمه خصوصی و نیمه عمومی هستند. فضاهای نیمه خصوصی شامل خوابگاه‌ها، محوطه‌های باز همانند ایوان‌ها و بالکن‌ها هستند که بر آن‌ها مالکیت وجود دارد. فضاهای نیمه عمومی هم شامل پیاده‌روهای جلوی منازل، کوچه‌های بن‌بست و ... هستند که مالکیتی خصوصی نسبت به آن‌ها وجود ندارد ولی افراد به نوعی آن را متعلق به خود می‌دانند. قلمروهای پیرامونی هم همان فضاهای عمومی‌اند که متعلق به شخص خاصی نیست ولی افراد و گروه‌های مختلف از آن استفاده می‌نمایند. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۷۱-۱۷۰)

به طور خلاصه می‌توان گفت قلمروپایی در سازماندهی تعاملات اجتماعی، رفع تنش‌ها و فشارهای زندگی، تعیین نقش افراد و تأمین خلوت مناسب نقش مهمی را ایفا می‌نماید. طراحان و معماران باید براساس روابط متقابل اجتماعی، فرصت‌های مناسبی را برای ایجاد تعاملات اجتماعی به وجود آورده و به این ترتیب افراد را از منافع حاصل از آن بهره‌مند نمایند. (ارژمند و خانی، ۱۳۹۱: ۳۴)

۲-۲-۴-۳ فضای شخصی

تأمین فضای شخصی یکی از ساز و کارهای اصلی جهت دستیابی به میزان مناسبی از خلوت در فضاهای معماری و شهری معاصر است که تا اندازه‌ای نیز مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان می‌باشد. فضای شخصی محدوده‌ای نامرئی‌ست که پیرامون افراد شکل گرفته و نقض آن سبب ایجاد ناراحتی و بروز واکنش‌های متفاوتی در آن‌ها می‌شود. جهت طراحی عناصر ثابت محیط و ایجاد فضاهای نشستن باید ویژگی‌های فضاهای شخصی را مد نظر قرار داد. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۶۸-۱۶۷) تفاوت فضای شخصی و یا هاله و حباب با حریم و قلمرو در این است که قلمرو وابسته به مکان بوده و بدون آن معنا پیدا نمی‌کند ولی هاله یا حباب به صورت مستقل از مکان عمل نموده و با انسان تغییر مکان می‌دهد. (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۵۲) یان گل برای درک بیشتر این امر به نقل از ادوارد. تی. هال چهار نوع فاصله‌ی اجتماعی را برای افراد در حوزه‌های فرهنگی اروپای غربی و آمریکا نام می‌برد که تعیین کننده‌ی گونه‌های مختلفی از روابط اجتماعی میان مردم می‌باشد. این فواصل در شرایط مختلف، رابطه‌ی تنگاتنگی با درک ابعاد معمارانه دارند. (گل، ۱۳۹۴: ۸۹) معماران و طراحان شهری می‌توانند جهت شکل دادن به هر فضا متناسب با خصلت و میزان تماس و روابط اجتماعی افراد در آن‌ها از این الگوها بهره‌گیری نمایند. به نظر می‌رسد این فواصل تا حدودی (البته بجز برخی استثنائات موجود در آن) با فرهنگ و روابط اجتماعی مردم ساکن در کشورها و سرزمین‌های آسیای میانه نیز همخوانی و سنخیت داشته و معماران و طراحان این پهنه‌های جغرافیایی می‌توانند از آن‌ها بهره‌گیری نمایند.

- فاصله‌ی صمیمی (۰ تا ۴۵ سانتی متر): فاصله‌ای برای بیان احساسات افراد همچون شفقت، خشم، آسودگی

- فاصله‌ی شخصی (۰/۴۵ تا ۱/۳ متر): فاصله‌ی مکالمه و صحبت میان دوستان صمیمی و اعضای خانواده

- فاصله‌ی اجتماعی (۱/۳۰ تا ۳/۷۵ متر): فاصله‌ی گپ و گفت میان دوستان، همسایگان، همکاران و ...
- فاصله‌ی عمومی (بیشتر از ۳/۷۵ متر): فاصله‌ی بکار رفته در موقعیت‌های رسمی یا زمانی که شخصی بخواهد یک رویدادی را بشنود و یا نگاه کند بدون آنکه درگیر این رویداد گردد. (گل، ۱۳۹۴: ۸۹)

۲-۲-۴ فرهنگ و ویژگی‌های فردی

میان نظام فرهنگی و روابط اجتماعی مردم یک ارتباط متقابل و دو سویه برقرار می‌باشد. از یک سو تعاملات و تماس‌های اجتماعی سبب تقویت و یا تضعیف ارزش‌ها، هنجارها یا فرهنگ جوامع و افراد می‌شود و از طرف دیگر نیز فرهنگ، شرایط و چگونگی روابط اجتماعی را تعیین می‌کند. (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۶۲) یکی از ساختارهای مهمی که تأثیر مستقیم و قابل ملاحظه‌ای بر رشد شخصیتی و نحوه‌ی تعامل اجتماعی افراد دارد بستر فرهنگی است که ایشان در آن‌جا تکامل یافته و تربیت شده‌اند. چشم‌پوشی از این ساختارهای اجتماعی که طی سالیان متمادی پیرامون فرد را احاطه کرده و با او عجین گردیده به راحتی ممکن نیست. هر فرد در کلیت خود یک فرهنگ است و مردم از طریق فرهنگ با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. (یوسف‌زاده اربط، ۱۳۹۵: ۸۵)

فرهنگ به طور مستقیم به واسطه‌ی سازماندهی و هدایت فعالیت‌ها، ارزش‌ها و هنجارها بر فضا و محیط‌های شهری اثر گذاشته و آن‌ها را نیز محصولی فرهنگی می‌کند. (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۵) به سبب آنکه حریم و قلمروی افراد، هاله‌ها، هنجارها و توقعات اجتماعی در فرهنگ‌های مختلف با هم متفاوت می‌باشد لذا رفتار افراد نیز در جوامع گوناگون تحت تأثیر آن با یکدیگر متمایز می‌باشد. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۵۳) به عنوان مثال شهروندان آمریکایی با ریشه‌ی انگلیسی، سوئدی‌ها و بریتانیایی‌ها برای صحبت کردن و گفتگو نسبت به مردم اروپای جنوبی، آمریکای لاتین و اعراب با فاصله‌ی بیشتری از یکدیگر می‌ایستند. همچنین مردم آمریکای لاتین ترجیح می‌دهند برای گفتگوهای غیررسمی کنار هم بنشینند، در حالی که آمریکایی‌ها برخلاف این رویه، ارتباطات چهره به چهره را ارجح‌تر می‌دانند. شاید این مطلب نیز تا اندازه‌ای درست به نظر برسد که افراد ساکن در فضاهای کالبدی با ابعاد و اندازه و شیوه‌ی معماری یکسان و نزدیک به هم به سبب همگونی ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و توانایی‌های خویش از سطح تماس‌ها و تعامل بیشتری با یکدیگر برخوردار می‌باشند. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۸۸-۱۸۶)

در مورد رابطه‌ی میان تعاملات اجتماعی افراد و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها نیز بحث‌های زیادی گردیده است. به طور کلی افراد درون‌گرا نسبت به ایجاد ارتباط با دیگران در مقایسه با افراد برون‌گرا تمایل کمتری را از خود نشان می‌دهند. همچنین افرادی که نیاز به کنترل ندارند نسبت به کسانی که می‌باید تحت نظر باشند تعامل اجتماعی بیشتری دارند. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۸۷) به طور کلی بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد فضاهای معماری و شهری می‌باید براساس الگوهای رفتاری و فرهنگ جامعه و بهره‌برداران آن احداث گردد و الگوبرداری صرف و تعمیم آن به سایر جوامع نه تنها بی‌نتیجه است بلکه زیان‌بار نیز خواهد بود. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۵۵) یکی از نتایج و آثار منفی این امر کاهش حس تعلق مردم نسبت به محیط زندگی و پیرامون خود و همچنین تضعیف روابط و تعاملات اجتماعی میان آن‌ها می‌باشد.

۲-۲-۵ کاربرد طراحی جهت ایجاد تعاملات اجتماعی

افراد در صورتی که نیاز به تعامل و شکل دادن روابط اجتماعی با دیگران را داشته باشند خود زمینه‌ی بروز آن را مهیا می‌سازند. اما این امر در محیط‌هایی که قابلیت شکل‌گیری این تعاملات در آن‌ها وجود دارد راحت‌تر می‌باشد. طراحان می‌توانند با فراهم نمودن بسترهای شکل‌گیری این امر نسبت به تسهیل روابط و تماس‌های اجتماعی افراد اقدام نمایند. از سوی دیگر شکل‌گیری قرارگاه‌ها و مکان‌های رفتاری در ساختمان‌ها و محلات از منظر شکل‌گیری روابط اجتماعی به نحوی است که مکان‌ها یا با توجه به شکل دادن تعاملات اجتماعی در بستر خویش پدید آمده‌اند یا شکل‌گیری این تعامل در آن‌ها ناشی از مقاصد و اهداف کارکردی دیگری می‌باشد که منجر به تعاملات اجتماعی نیز گردیده است. در همین راستا فضاهای شهری را می‌توان به دو دسته‌ی اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز تقسیم نمود که در واقع به قابلیت آن‌ها جهت متمرکز کردن و پراکندن مردم و افراد از پیرامون یکدیگر اشاره دارند. در فضاهای اجتماع‌پذیر امکان تماس چهره به چهره‌ی افراد وجود دارد و همچنین فواصل آن‌ها در حد فواصل اجتماعی می‌باشد. (لنگ، ۱۳۹۸: ۱۸۵ و ۱۸۲)

یان گل با تأکید بر نقش فعالیت‌ها و افراد در شکل‌گیری فضاهای شهری سرزنده و با قابلیت ایجاد و ارتقاء تعامل اجتماعی به چهار اصل اساسی در حوزه‌ی طراحی و برنامه‌ریزی شهری جهت تحقق این امر می‌پردازد.

۲-۲-۵-۱ گردآوری یا پراکندن

با گردآوری و تجمع فعالیت‌ها و افراد می‌توان این انتظار را داشت که به سبب آنکه هر رویداد، رویداد دیگر را تشویق کرده و توسعه می‌دهد شاهد شکل‌گیری و تقویت روابط و تماس‌های اجتماعی مردم و خلق فرصت‌های جدیدی برای تجربه و شرکت در آن‌ها برای ایشان باشیم. (گل، ۱۳۹۶: ۱۰۵) مسائل مربوط به گردآوری یا پراکندن مردم و فعالیت‌ها باید در حوزه‌های مختلفی از برنامه‌ریزی مورد ارزیابی و پایش قرار گیرد. تصمیم‌ها در مقیاس کلان (برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای)، متوسط (طراحی سایت) و کوچک به طرز غیر قابل انکاری با یکدیگر پیوند خورده‌اند به طوری که لازمه‌ی کار در مقیاس کوچک (فضاهای شهری در تراز چشم و ارتباط بی-واسطه‌ی مردم با آن‌ها) اتخاذ تصمیمات و زمینه‌سازی‌ها در حوزه‌های کلان شهری می‌باشد. (همان: ۱۰۸ و ۱۰۵) در مقیاس کلان طراحی و برنامه‌ریزی شهری وقتی فضاهای سکونتی، خدمات عمومی و تجاری به صورت مجزا و منفک از یکدیگر در ساختار شهری قرار گیرند (به طوری که حرکت میان آن وابسته به اتومبیل گردد) مردم و رویدادها دچار پراکندگی و تفرق خواهند شد. نقطه‌ی مقابل این امر ساختارهایی است که مردم و رویدادها را به طور قابل توجهی پیرامون فضاهای عمومی گردهم می‌آورند که چنین ساختاری را می‌توان در همه‌ی شهرهای قدیمی یافت. (همان: ۱۰۸)

در مقیاس متوسط و طراحی سایت، زمانی که بلوک‌های مسکونی با فاصله‌ی زیاد از یکدیگر قرار گرفته‌اند و ورودی‌ها و فضاهای سکونتی به سوی یکدیگر جانمایی نگردیده‌اند مردم و فعالیت‌ها پراکنده‌اند. در مقابل با قرار دادن بناها و عملکردهای مختلف در مجاورت یکدیگر به صورت فشرده و متراکم به نحوی که مسیرهای حرکتی پیاده و تجارب حسی او تا حد امکان کوتاه گردد می‌توان مردم و فعالیت‌ها را گردهم آورده و سبب تقویت تماس‌ها و روابط اجتماعی گردید. (گل، ۱۳۹۶: ۱۰۸)

در مقیاس کوچک و در طراحی فضاهای باز می‌باید توجه طراحان معطوف به عناصر و جزئیاتی باشد که موجب تقویت سرزندگی و تعادل افراد در فضاهای باز و عمومی می‌گردد. با استفاده از ابعاد مناسب و مرتبط با ویژگی‌های انسانی و تعداد کاربران مورد انتظار در فضاهای باز و عمومی می‌توان در جهت گردآوردن رویدادها تلاش نمود. (گل، ۱۳۹۶: ۱۱۷ و ۱۱۵) پرداختن به مسأله‌ی گردآوردن مردم و رویدادها در فضا کافی نیست بلکه باید شرایط مناسب برای حرکت در آن، گردش و نیز شرکت در فعالیتهای اجتماعی وجود داشته باشد. در این زمینه کیفیت فضاهای خارجی نقش حساسی را ایفا می‌نمایند. اگر فضاهای شهری و باز عمومی توانایی حمایت از فعالیتهایی همچون ایستادن، نشستن و پیاده‌روی را داشته باشند، سایر فعالیتهای همچون بازی، ورزش و فعالیتهای اجتماعی نیز به خوبی در آنها شکل خواهند گرفت. (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۷۰ به نقل از گل، ۱۹۸۷)

۲-۲-۵-۲ تلفیق کردن یا جدا کردن

یکی کردن به این معنی است که فعالیتهای مختلف و مردم می‌توانند در کنار یکدیگر به ایفای نقش خویش بپردازند. جدا کردن نیز یعنی عملکردها و فعالیتهایی که با یکدیگر متفاوت (و بعضاً در تضاد) می‌باشند از هم مجزا و منفک گردند. تلفیق فعالیتهای و عملکردهای مختلف در فضاهای عمومی منجر به تشویق و ترغیب هر کدام از آنها می‌گردد و هدف آن نیز معطوف به فضاهایی در مقیاس کوچک می‌باشد. اینکه کارخانه‌ها، سکونت-گاه‌ها، عملکردهای خدماتی و فعالیتهای مختلف به چه میزان نزدیک یکدیگر قرار گرفته‌اند چندان اهمیت ندارد. مهم این است که افراد و گروه‌های مردمی که در ساختمان‌های مختلف کار و زندگی می‌کنند چگونه از فضاهای عمومی استفاده نموده و در فعالیتهای روزانه یکدیگر را ملاقات نمایند. (گل، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۲۹) در میان تمام فعالیتهایی که در فضاهای عمومی شکل می‌گیرد جابه‌جایی افراد و وسایل نقلیه دارای دامنهی گسترده‌تری می‌باشد. در الگوهای رایج ترددی که حرکت افراد پیاده از اتومبیل‌ها جدا شده باشد موجب تفکیک مردم و فعالیتهای می‌گردد. در این شرایط رانندگی، پیاده‌روی و زندگی در مسیر راه‌ها و خیابان‌ها کسالت‌آور و

خسته کننده می‌گردد. در مقابل این سیستم می‌توان به نظام‌های حرکتی مختلط پیاده و سواره (وونرف)^۱ اشاره نمود که در آن اتومبیل‌ها با سرعت کم در قلمروهای حرکتی پیاده تردد می‌نمایند. (گل، ۱۳۹۶: ۱۴۲ و ۱۳۸) توجه به تلفیق ترافیک سواره و پیاده آن‌جا حائز اهمیت می‌شود که در تردد وسایل نقلیه با سرعت کم در کنار حرکت پیاده، بحث جداسازی فضاهای بازی و توقف از محل‌های حرکتی به طور کامل منتفی شده و موجب سرزندگی و حیات هرچه بیشتر فضاهای شهری می‌گردد. (طالبی، ۱۳۸۳: ۱۷۱)

۲-۲-۵-۳ دعوت کردن یا راندن

فضاهای عمومی در شهرها ممکن است دعوت کننده بوده و افراد و رویدادها را به سمت خویش جذب نمایند. در این حالت مردم از فضاهای خصوصی خویش خارج و به سمت فضاهای عمومی متمایل می‌گردند. و یا اینکه آن‌ها به نحوی طراحی شده باشند که دسترسی به آن‌ها دشوار بوده و مانع حضور افراد گردند. جاذب و دافع بودن این فضاها بسته به موقعیت قرارگیری نسبت به فضاهای خصوصی و چگونگی طراحی مرز میان این دو می‌باشد. استفاده از مفاصل به عنوان فضاهای انتقالی که نه کاملاً حضوری‌اند و نه کاملاً عمومی در کنار استفاده از جداره‌های شفاف و همچنین مسیرهای کوتاه و قابل کنترل میان محیط‌های عمومی و خصوصی می‌تواند مصداقی از دعوت و تسهیل حضور افراد در فضاهای عمومی باشد. (گل، ۱۳۹۶: ۱۴۷-۱۴۵)

^۱ وونرف تلاشی برای تلفیق و اختلاط تردد سواره و پیاده ولی با اولویت حرکت عابرین پیاده در سطح خیابان‌ها می‌باشد. این قانون برای اولین بار در کشور هلند ایجاد شد. در این مناطق اتومبیل‌ها قادر خواهند بود تا مقابل درب منازل پیش بروند اما خیابان‌ها به وضوح و آشکارا به عنوان عرصه‌هایی برای عابرین پیاده در نظر گرفته شده‌اند و خودروها مجبورند با سرعتی آهسته میان فضاهای بازی کودکان، محیط‌های تجمع ساکنین و توقف‌گاه‌های ایجاد شده حرکت کنند. (گل، ۱۳۹۶: ۱۴۲)

۲-۲-۵-۴ گشودن یا بستن

ایجاد ارتباط به واسطه‌ی آنچه در فضای عمومی به وقوع می‌پیوندد و آنچه در سکونتگاه‌ها، مغازه‌ها، کارگاه‌ها و ساختمان‌های عمومی رخ می‌دهد سبب غنای امکانات شکل‌دهنده‌ی تجارب در هر دو جهت (گشودن و بستن) می‌شود. گشودن برای ایجاد ارتباط دو طرفه فقط به شیشه‌ها و پنجره‌ها محدود نمی‌شود بلکه فاصله‌ها را نیز دربر می‌گیرد. پارامترهای مربوط به تجارب حسی انسان در تشخیص اینکه یک رویداد گشوده و یا بسته است نقش بسیار مهم و ارزنده‌ای را دارا می‌باشد. به جای استفاده از یک برنامه و الگوی ثابت برای تمام فعالیت‌ها می‌باید به صورت مورد به مورد ضرورت، مزایا و معایب بسته بودن و گشودگی را در آن‌ها مورد سنجش و بررسی قرار داد. به عنوان مثال امکان دید از یک بیمارستان به رخدادهایی که در فضاهای عمومی به وقوع می‌پیوندند می‌تواند سودمند باشد اما برعکس آن چندان مناسب نیست. (گل، ۱۳۹۶: ۱۵۶ و ۱۵۵)

در ادامه می‌توان به تسهیلات و ابزارهایی اشاره کرد که در مقیاس خرد معماران و طراحان شهری با استفاده از آن‌ها قادر خواهند بود تا فضاهایی را پدید آورند که زمینه‌ساز حضور افراد و تقویت روابط و تعاملات اجتماعی گردد. استفاده از این تسهیلات همانند تیغه‌ای دو لبه است که در صورت بکارگیری نامتوازن و نامتناسب آن‌ها سبب کارکرد منفی فضاهای شهری جهت ایجاد فضاهای سرزنده و انسانی می‌گردد. از جمله‌ی آن برخورداری از فضاهای مناسب جهت نشستن می‌باشد همانند سکوها، نیمکت‌ها، پله‌ها و جاهایی که بتوان به آن‌ها تکیه داد. (ترکمان و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۴) فضاهای نشستن مناسب یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در جذابیت و تداوم فعالیت‌های مختلف در فضاهای باز می‌باشد. هنگام طراحی آن‌ها می‌باید به نوع و شکل آن‌ها، جانمایشان متناسب با دیدهای پیرامون، استفاده از انواع مختلف فضاهای نشستن و همچنین مسائل مربوط به سالمندان و معلولان جسمی و حرکتی در کنار شرایط اقلیمی منطقه توجه نمود. (نوذری، ۱۳۸۳: ۵۶) مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد نورپردازی مناسب فضا است. این امر می‌باید به نحوی باشد که تراکم زیاد منابع نوری چشم را اذیت نکند، به تقسیم‌بندی میدان دید نیز کمک نماید و موجب جهت‌یابی مناسب و احساس صمیمیت

در آن گردد. برای این امر می‌توان از رنگ‌های مختلف نوری و انواع متفاوت آن بهره‌گیری کرد. (کنیرش، ۱۳۹۴: ۲۰۷) نورپردازی مناسب همچنین موجب ارتقاء امنیت فضا و استفاده‌ی آن در تمام اوقات شبانه روز می‌گردد.

بهره‌گیری از درختان و عناصر طبیعی به عنوان یکی از مؤلفه‌هایی است که نقش سازنده و تأثیرگذاری را در شکل‌گیری فضاهای شهری سرزنده و انسانی ایفا می‌کند. فضاهای سبز شهری در واقع علاوه بر تأمین سرانه‌ی لازم برای هر فرد منجر به اصلاح مناظر شهری نیز می‌گردند. در شهرهای امروزی که مردم مجبورند بخش زیادی از وقت خویش را در محیط‌های صنعتی، محل کار و همچنین خانه‌های آپارتمانی صرف نمایند، این فضاها به نوعی فرصتی را جهت استراحت و تمدد اعصاب برای ایشان فراهم می‌آورند. (نوذری، ۱۳۸۳: ۵۴)

عناصر طبیعی و سبز به عنوان بخش جان‌دار یک شهر تلقی می‌شوند که در کنار سایر اجزاء و عوامل کالبدی سازنده‌ی آن، بافت کلی و سیمای بصری شهر و فضاهای باز درون آن را پدید می‌آورند. در این حالت فضاهای سبز شهری در نقش اجزاء و سازه‌های نرم ظاهر شده و تأثیر خشک و بی روح سطوح و احجام بی‌جان و صلب را کاهش می‌دهند. (صادقی‌پی، ۱۳۹۱: ۶۳)

از سویی دیگر، درختان و عناصر طبیعی می‌توانند با ایجاد یک پوشش و حایل مطلوب، زمینه‌ی بهبود کیفیت و اصلاح منازری که دارای چشم‌اندازهای ناهمگون و نامناسب می‌باشند را به میزان قابل ملاحظه‌ای فراهم نمایند. (به عنوان مثال می‌توان با استفاده از کاشت درخت، جلوی کنج تیز یک بنا آن را از دید شهروندان مخفی نمود.) علاوه بر این درختان و عناصر سبز با ایجاد یک پوشش و سقفی محدود به تعدیل ارتفاع ساختمان‌های مجاور و ایجاد یک مقیاس و تناسبات انسانی نیز کمک زیادی می‌کنند. همچنین این عناصر را می‌توان به عنوان یک جایگزین مناسب برای سایر مصالح و عناصر صلبی (همچون دیوارها، پارتیشن‌ها و نرده‌ها) که جهت تقسیم فضاها بکار می‌روند در نظر گرفت. (رحیمی‌ساردو، ۱۳۹۹: ۲۴۶-۲۴۷) این فضاها که به واسطه‌ی خصلت‌ها و ویژگی‌های مطلوب و ارزنده‌ی خود، زمینه‌ی حضور افراد را در بستر خویش فراهم می‌آورند، می‌توانند سبب شکل‌گیری و تقویت تماس‌ها و تعاملات اجتماعی نیز گردند.

از دیگر مواردی که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود طراحی و احداث فضاهایی برای تجمع و پاتوق افراد است که در مکان‌هایی مانند دکه‌های اغذیه فروشی و زمین‌های بازی دورهم می‌آیند. همچنین ورودی‌های تعریف شده و دعوت کننده به فضاهای باز شهری، دسترسی‌های مناسب سواره همراه با وضوح و خوانایی آن‌ها جهت هدایت افراد، توجه به مسائل اقلیمی همچون سایه، باد و آفتاب از جمله‌ی این موارد می‌باشند. (قلمبردزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۹)

معماران و طراحان شهری با در نظر گرفتن موارد مذکور در طرح‌ها و برنامه‌های خویش زمینه‌ی حضور و همچنین تسهیل در ارتباطات و تعاملات اجتماعی افراد در محیط‌های شهری را مهیا و فضاهایی سرزنده و انسانی پدید می‌آورند.

۲-۳ بخش دوم: فضاهای شهری

۲-۳-۱ فضای شهری و ضرورت شکل‌گیری و تقویت آن

فضاهای شهری طی دهه‌های اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای هم در کالبد و هم کارکرد خود دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای شده‌اند. ضمن این دگرگونی، دیدگاه‌ها و نظریات مطرح در زمینه‌ی طراحی شهرها نیز متحول گردیده است. (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹) امروزه تنها مفهومی که از عرصه‌های عمومی باقی مانده، صرفاً مسیرهایی جهت ارتباط و تردد میان فضاهای خصوصی و واحدهای سکونتی می‌باشد. این امر خود سبب ترغیب هرچه بیشتر شهروندان به حرکت سریع و بدون مکث، میان فضاهای باز و عمومی شده است. نادیده گرفتن ارزش‌های اجتماعی موجود در فضاهای شهری و عدم توجه به کیفیت‌های محیطی و مؤثر در پیوندها و جابه‌جایی‌های شهری سبب پدید آمدن فضاهایی اجتماع‌گریز در شهرها گردیده که توانایی شکل‌دادن و ایجاد محیطی پاسخگو و منعطف در برابر رفتار شهروندان را ندارند. (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶)

توجه به موضوع فضاهای شهری و ایجاد آن دارای سابقه‌ی طولانی در تاریخ شهرسازی می‌باشد و قدمت آن به عهد باستان باز می‌گردد. در این دوران ساختار کالبدی شهر و فضاهای وابسته به آن حاصل فعالیت‌های

اجتماعی و سیاسی در قلمروی عمومی بود و شهر همان قدر که به عنوان یک محصول زیباشناختی و واجد نظم و هماهنگی شناخته می‌شد امری عملکردی نیز محسوب می‌گردیده است.^۱ از اواخر قرن هجدهم مفهوم فضای شهری دچار تحول گردید و موضوع جدایی فضای ساخته شده از عمل انسانی توسعه یافت. این جدایی عکس‌العملی به گسست مفهوم زندگی عمومی، ناهماهنگی نهادهای جامعه و برتری نهادهای اقتصادی نسبت به سایر نهادها می‌باشد. (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۲)

در ابتدای قرن بیستم با رواج جنبش‌ها و اندیشه‌های گوناگون مفهوم فضای شهری نیز دستخوش تغییرات گسترده گردید. جنبش‌های مدرن با خلاصه کردن شهر به چهار عملکرد اصلی سکونت، کار، تفریح و تردد عملاً زمینه‌ی فراموشی فضای شهری را مهیا نمودند. از ابتدای دهه‌ی ۶۰ قرن بیستم تا امروز، مفهوم فضای شهری با مراجعه به آرای فرهنگ‌گرایان و طرفداران آمایش انسانی در شهر، متکی به این استنباط است که فضای شهری جزئی از نظام شهر است که دارای یک کلیت هماهنگ و پیوسته بوده و از جنبه‌ی فیزیکی نیز دارای بدنه‌ی محصورکننده می‌باشد. این فضا باید دارای نظم و زیبایی بوده، جهت شکل دادن به فعالیت‌های شهر ایجاد گردد و با تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی و فنی آن هم‌سو باشد. (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۳)

از نگاه راب‌کریر (۱۳۹۴) فضاهای شهری همان فضای مابین ساختمان‌ها در شهرها و سایر مکان‌هاست که از نظر هندسی با جداره‌های گوناگون و متنوعی محصور و به واسطه‌ی وضوح و خوانایی ویژگی‌های هندسی و کیفیات زیبایی شناختی آن به ما اجازه می‌دهد فضاهای باز بیرونی را فضای شهری قلمداد نماییم. او همچنین معتقد است که این فضاها در دو قالب میدان و خیابان تجلی یافته‌اند که براساس الگوهای کارکردی و محدودیت‌های فیزیکی‌شان با یکدیگر متفاوت می‌باشند. (کریر، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵) شولتز (۱۳۹۸) نیز در تعریفی مشابه فضاهای شهری را پاسخی برای شکل‌گیری تراکم و گردهم آوردن بیان می‌کند که با استفاده از اصول محصوریت و نظم هندسی می‌توان حیات و سرزندگی را در آن ایجاد نمود. (شولتز، ۱۳۹۸: ۱۰۲ و ۹۷) همچنین

^۱ به عنوان مثال می‌توان به نظام‌های شهرسازی در یونان و روم باستان اشاره کرد. جیمز موریس (۱۳۶۸) در کتاب خود با عنوان "تاریخ شکل شهر؛ تا انقلاب صنعتی" بیان می‌کند شهرها و فضاهای شهری یونانی در دوره‌ی هلنی واجد یک نظم و ارتباط بصری مناسب میان بناها و اجزاء سازنده‌ی خویش می‌باشند. همچنین ایشان شهرسازی این دوره را در واقع هنری عملی می‌داند که در کنار توجه به مباحث بصری و زیبایی‌شناختی به جنبه‌های عملکردی نیز توجه قابل ملاحظه‌ای نموده‌اند. (موریس، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۴)

پاکزاد (۱۳۸۶) فضاهای شهری را بخشی از فضاهای باز عمومی شهرها می‌داند که واجد نظم و سازماندهی مشخص بوده و به عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی و معاشرت شهروندان با یکدیگر ایفای نقش می‌نمایند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۱) در تعریف دیگری فضای شهری را می‌توان ترکیبی از روابط اجتماعی در کالبدی از شهر که در یک زمینه‌ی معنایی پاسخگوی نیازهای شهروندان بوده و بستر ساز تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی آن‌ها می‌باشد دانست. (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵) به طور کلی می‌توان چنین بیان کرد که فضاهای شهری، دسته‌ای از فضاهای عمومی داخل شهرها و خارج از عرصه‌های معماری می‌باشد که دارای ویژگی‌های کالبدی و بصری مطلوب و مناسبی بوده و زمینه‌ساز تعاملات اجتماعی و ارتباطات چهره به چهره‌ی افراد را فراهم می‌آورند. عموم مردم نیز می‌توانند بدون هیچ‌گونه مانعی در تمام اوقات سال و شبانه روز به طور رایگان به آن دسترسی فیزیکی و بصری داشته باشند. (نژادابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳)

در طول تاریخ و طی ادوار مختلف فضاهای شهری به ایفای نقش‌های مختلفی برای شهرنشینان پرداخته‌اند. مهمترین این نقش‌ها، فراهم آوردن بستری برای ملاقات افراد با یکدیگر می‌باشد. مردم در این فضاها یکدیگر را ملاقات و اخبار و رویدادهای مختلف را بایکدیگر تبادل می‌نمودند، هنرمندان خیابانی مردم را سرگرم می‌کردند و همچنین کالاهایی برای خرید و فروش در آنجا عرضه می‌گشت و در مجموع بیشتر رخدادها همچون جشن‌ها، مجازات و حرکت‌های دسته‌جمعی در این گونه فضاها به وقوع می‌پیوست. (گل، ۱۳۹۶: ۲۶)

در شهرهای معاصر نیز همانند ادوار و قرون گذشته به محیط‌هایی جهت گذران اوقات فراغت، تفکر و تماشای افراد و همچنین در خود فرو رفتن به شدت نیازمند می‌باشیم. لازمه‌ی شکوفایی و حیات شهرها وجود فضاهای شهری و مکان‌های دوست داشتنی است که به صورت محور اجتماعات انسانی و مکانی برای برقراری ارتباط، تحرک و استراحت ایفای نقش نماید. (کنیرش، ۱۳۹۴: ۲)

در بیان لزوم رشد کیفی فضاهای شهری باید به این نکته توجه داشت که کیفیت یک فضا به عنوان عاملی دخیل و تأثیرگذار در کیفیت زندگی افراد شناخته می‌شود. از آنجا که این امر متضمن کیفیت اجزاء و عناصر سازنده‌ی فضا می‌باشد لذا شناخت و آگاهی از مؤلفه‌های مؤثر بر رشد کیفی فضاهای شهری برای تقویت و ارتقاء

آن‌ها لازم و ضروری می‌باشد. (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷) علاوه بر این، بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که محیط‌ها و فضاهای شهری به عنوان عاملی تأثیرگذار بر شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی میان افراد ایفای نقش می‌نمایند. انسان نیز با توجه به فرصتی که از محیط به دست می‌آورد در آن به فعالیت و برقراری تعاملات اجتماعی می‌پردازد. بنابراین، هراندازه فضاهای شهری در ایفای نقش خویش موفق‌تر عمل نموده و واجد کیفیات کالبدی و کارکردی مطلوب‌تری باشد ارتباطات و تعاملات اجتماعی بین افراد در این بستر نیز افزایش یافته و تقویت می‌گردد. (همان: ۱۰)

۲-۳-۲ فضاهای باز شهری

فعالیت‌های افراد در فضاهای شهری بسیار متنوع بوده و هرکدام هدف خاصی را دنبال می‌نمایند. این فعالیت‌ها و رفتار افراد و یا مجموعه‌ی آن‌ها یا در فضای باز صورت می‌پذیرد و یا در محدوده‌ای سرپوشیده که تحت عنوان فضای بسته از آن یاد می‌شود. در این میان فضاهای باز عمومی دارای اهمیت بیشتری نسبت به فضاهای بسته می‌باشند. زیرا بخش وسیعی از فعالیت‌های افراد در این فضاها به وقوع می‌پیوندد. همچنین برخلاف فضاهای بسته‌ی عمومی که دارای محدودیت‌های خاصی به لحاظ کالبدی و زمانی برای پذیرش شهروندان می‌باشند فضاهای باز در همه حال از بیشترین امکانات بالفعل و بالقوه جهت حضور افراد برخوردارند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۷۹)

نخستین تعاریفی که از فضای باز طی قرن بیستم ارائه شد نتیجه‌ی نوعی پنداشت «تهی» از فضا و یا عرصه-های باقی مانده میان احجام پر و توده‌ها می‌باشد. فضای باز در آن زمان به قسمت‌های ساخته نشده میان ساختمان‌ها و بناها تلقی می‌شد و به همین خاطر بیشتر در قالب یک فرم شناخته گردید تا به عنوان یک عملکرد معرفی شود. (مظفر و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴)

عملکرد مطلوب و کیفیت فضاهای باز شهری تا حد زیادی متضمن رابطه‌ی میان فضاهای پر و خالی است. در واقع ماهیت این فضاها تحت تأثیر نوع و موقعیت جداره‌ها، مقیاس و عناصر موجود در فضا است. اگر تعادل

توده‌ها نسبت به فضای خالی ضعیف گردد در آن صورت اجزای آن پراکنده شده و خارج از چارچوب و نظم قرار می‌گیرند. فضاهای پر می‌باید به نحوی با یکدیگر ترکیب گردند که فضای خالی را به عنوان یک شبکه‌ی سه بعدی از فضاهای مرتبط به وجود آورند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۰) این فضاها بخشی از محیط‌های شهری می‌باشند که به واسطه‌ی ویژگی‌ها و امکانات خود، چه به صورت بصری و زیباشناختی و چه به شکل دسترسی عمومی و بهره‌برداری همگانی تأثیر مهم و قابل توجهی در سطح شهرها می‌گذارند. (مظفر و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۶)

فضاهای باز شهری به عنوان یک قرارگاه رفتاری نقش سازنده‌ای را در پاسخگویی به نیاز اجتماعی افراد، تعامل آن‌ها با یکدیگر و توسعه‌ی روابط فردی و اجتماعی برعهده دارند. به سبب آنکه تماس‌ها و روابط اجتماعی افراد در فضاهای شهری نمود بیشتری دارد لذا آن‌ها می‌باید به گونه‌ای طراحی و سازماندهی شوند که زمینه‌ی این امر را فراهم آورند. به همین دلیل فضاهای باز شهری با داشتن برخی ویژگی‌های منحصربه‌فرد کالبدی توانایی تأمین نیازهای اجتماعی افراد را دارا می‌باشند. براین اساس برنامه‌ریزی و سازماندهی آن‌ها می‌باید متناسب با ویژگی‌ها و نقش‌های بهره‌برداران و استفاده‌کنندگان آن‌ها شکل گیرد. (فلاح و کلامی، ۱۳۸۷: ۹۰)

بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه‌ی طراحی و برنامه‌ریزی شهری این گونه فضاها را براساس کالبد یا کارکرد خویش به گروه‌ها و دسته‌های مختلفی تقسیم می‌نمایند. لنینچ در یک طبقه‌بندی، پارک‌های منطقه‌ای، میدین، پلازاها، پارک‌های خطی، زمین‌های بایر، زمینه‌ای ماجراجویانه و زمین‌های بازی را به عنوان فضاهای باز نام می‌برد. کمیته‌ی مشاوره و برنامه‌ریزی لندن بر مبنای یک سلسله مراتبی این فضاها را که عمدتاً در قالب پارک‌ها و بوستان‌های شهری جای می‌گیرند به شش دسته‌ی پارک‌های کوچک محلی، پارک‌های محلی، پارک‌های برزنی، پارک‌های کلان شهری، پارک‌های منطقه‌ای و فضاهای باز خطی تقسیم می‌نماید. (برنجی، ۱۳۹۶: ۵) همچنین پاکزاد (۱۳۸۶) نیز آن‌ها را براساس خصلت خویش به ورودی‌ها، مسیرها، لبه‌های کنار رود و ساحل، پله‌های شهری و محلی و همچنین گره‌ها و میدین تقسیم نموده است. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۳)

هرتزرگر (۱۳۹۴) نیز در دسته‌بندی دیگری که به صورت کلی‌تر می‌باشد فضاهای باز عمومی را به دو دسته‌ی خیابان‌ها و میدین تقسیم می‌کند. ایشان این فضاها را نه به عنوان عرصه‌های باقی مانده میان بناها و توده‌های

ساختمانی بلکه محیطی برای حضور و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان معرفی می‌نماید. ایشان همچنین بیان می‌کند در کیفیت و مطلوبیت این فضاها علاوه بر ابعاد و تناسب‌تشان، نقشی که در سطح شهر نیز ایفا می‌کنند تأثیر قابل توجهی دارد. (هرتزرگر، ۱۳۹۴: ۶۴)

همچنین فضاهای باز را براساس میزان خصوصی و یا عمومی بودن آن‌ها می‌توان به سه دسته‌ی فضاهای باز عمومی، نیمه عمومی و خصوصی تقسیم نمود که خود مقیاس‌ها و عملکردهای مختلفی را شامل می‌شود. (مظفر و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۷) در این میان فضاهای باز کوچک مقیاس درون محلات به واسطه‌ی آن‌که شهروندان هر روز در آن‌ها قرار گرفته و یا از آن‌ها عبور می‌نمایند و به طور گسترده توسط گروه‌های مختلف سنی و جنسیتی استفاده می‌شوند نقش مهم و ارزشمندی را در زندگی مردم ایفا می‌کنند. (سالاری فر و معصومی، ۱۳۹۶: ۱۴۷) کیفیت کالبدی و کارکردی این فضاها به عنوان عامل مهمی در احساس رضایت مردم از محیط پیرامون خود و ترغیب به حضور در آن‌ها شناخته می‌شود. ورودی‌های محله، فلک‌ها و میادین محلی، کوچه‌ها و بن‌بست‌ها، گذرها و خیابان‌های محلی، کناره‌های رود و کانال‌ها و همچنین پله‌های محلی از جمله‌ی این فضاهای باز کوچک مقیاس می‌باشند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۳)

۳-۳-۲ تحولات طراحی شهری و مؤلفه‌های اصلی سازنده‌ی فضا

در گذشته شهرها بدون هیچ الگویی و صرفاً براساس نیاز شهروندان طی فرایندی که صدها سال زمان می‌برد تکامل می‌یافتند. در این فرایند شهر ابزاری بود که به واسطه‌ی عملکرد و کارایی خویش شکل می‌گرفت و خود به عنوان یک هدف و غایت مطرح نبود. نتیجه‌ی این فرایند خلق فضاهای شهری بود که حتی امروزه نیز به عنوان عرصه‌های مناسبی برای زندگی انسان مورد استفاده قرار می‌گیرند. (گل، ۱۳۹۶: ۵۳)

شهرهای قرون وسطی غالباً متکی بر جنبه‌های فیزیکی و اجتماعی بوده و کیفیت‌های فضایی و ابعاد و اندازه‌های آن همسو با فعالیت‌های مردم و افراد در بیرون و فضاهای مابین توده‌ها شکل گرفته است. (همان: ۵۲) با این وجود از قرون وسطی تا امروز تغییر و تحولات گسترده‌ای در حوزه‌ی طراحی و برنامه‌ریزی شهرها صورت

گرفت که هرکدام تلقی خویش را از شکل‌دهی به شهرهای مطلوب و ارزنده داشته و بر وجوه خاصی از آن نیز تأکید می‌نمودند. تغییر اول در دوران رنسانس به وقوع پیوست و شهرها از شکل تکامل آزادانه، به شهرهایی برنامه‌ریزی شده تبدیل گردیدند. (گل، ۱۳۹۶: ۵۵) در این دوره فضاهای باز به صورت متوازن و با نظم خاصی شکل گرفتند و از حالت غیررسمی قرون وسطی تا حدودی خارج شدند. همچنین آن‌ها به عنوان نماد وحدت و پیوستگی مطرح بودند که به مرکزیت بصری تأکید می‌نمودند. علاوه‌براین به واسطه‌ی ابعاد و اندازه‌های بزرگ و وسیع این فضاها، انسان در آن به یک خود کوچک‌بینی می‌رسید که درست در جهت عکس فضاهای قرون وسطی پدید آمده بودند. (مصیب‌زاده و نجاتی، ۱۳۹۴: ۵) عناصر اصلی بکار رفته در این دوره که در ابتدای آن توسط شهرسازان بکارگرفته می‌شد عبارتند از خیابان‌های مستقیم، مناطقی با شبکه شطرنجی و فضاهای بسته. این عناصر گاهی با یکدیگر تلفیق و یک طرح مرکب را ایجاد می‌کردند ولی غالباً به صورت پراکنده و جدا از یکدیگر بکار می‌رفتند. (موریس، ۱۳۶۸: ۱۶۸) خیابان‌های مستقیم علاوه‌بر ایجاد ارتباط میان بلوک‌های ساختمانی، امتداد جاده‌های کشور در شهرها نیز بوده و موجبات تسهیل تردد و حرکت میان آن‌ها را مهیا می‌نموده است. رنسانس علاوه‌بر آنکه سبب تغییر و تحولات گسترده در خیابان و عملکرد آن گردید، مفهوم خیابان به عنوان یک تمامیت معماری را مطرح ساخت. شبکه‌های شطرنجی نیز به علت وسعت و پهنای خاص خویش برخلاف خیابان‌های اصلی و فضاهای بسته به صورت ناچیز و اندک در شهرهای دوره‌ی رنسانس قابل مشاهده می‌باشند. شبکه‌های شطرنجی علاوه‌بر کارایی و ایجاد قطعات مساوی در تقسیم زمین؛ با ایده‌آل رنسانس که همان رسیدن به هماهنگی بوده است نیز مطابق می‌باشد. هرچند که مناظر شهری حاصل شده از آن یکنواخت و کسل کننده است. (همان: ۱۷۲-۱۷۱)

فضاهای شهری این دوره بر اساس عملکرد ترافیکی خود به سه دسته تقسیم می‌شدند: فضاهای ترددی که بخشی از شبکه‌ی ارتباطی اصلی شهر بوده و هم توسط ارابه‌ها و هم پیاده مورد استفاده قرار می‌گرفتند. فضاهای مسکونی که هم کارکرد دسترسی محلی را داشته و هم فضای تفریحی مورد نیاز پیاده‌ها را تأمین می‌نموده است و وسایل نقلیه‌ی افرادی غیر از ساکنین واحدهای مسکونی نیز اجازه‌ی تردد به آن را نداشته‌اند. فضاهای پیاده

نیز که تردد وسایل نقلیه در آن‌ها ممنوع بوده است و یا به نحوی سازمان‌دهی می‌گردیدند که اولویت حرکت با پیاده بوده و متأثر از رفت و آمد سواره‌ها نگردند. (مصیب‌زاده و نجاتی، ۱۳۹۴: ۵) به طور کلی در این دوره وجوه بصری ساختمان‌ها به معیاری برای معماری و شهرسازی خوب تبدیل گردید. (گل، ۱۳۹۶: ۵۵)

دومین تغییر تحت عنوان عملکردگرایی رخ داد. در طول این دوره جنبه‌های عملکردگرایی به عنوان بعدی مستقل از برنامه‌ریزی و مکمل زیبایی‌شناسی توسعه یافت. اساس این تغییرات رشد و گسترش دانش پزشکی بود و برخی وجوه معماری فیزیولوژیکی را برای طراحی ساختمان‌ها همچون تهویه مناسب، جهت‌گیری نسبت به خورشید و روشنایی مطرح نمود. در تمام ادوار مختلف تشکیل شهرها، خیابان‌ها و میدان‌ها به عنوان مکان‌های تجمع و گردهمایی مردم ایفای نقش می‌نمودند ولی با ظهور و رواج عملکردگرایی آن‌ها جای خود را به جاده‌ها، مسیرها و محوطه‌های چمن وسیع و گسترده دادند. معماری عملکردگرایانه برخلاف معماری دوران گذشته که با شکل و ابعادشان مردم را به میدان‌ها و خیابان‌ها دعوت می‌کردند باعث جدایی رویدادها و عدم ترغیب افراد به حضور در فضاهای عمومی گردید. (همان: ۶۲-۵۷) به طور کلی مؤلفه‌های سازنده‌ی یک فضای شهری خوب و مناسب در این دوره شامل دو وجه زیبایی‌شناختی (عینی) و عملکردی می‌باشد. (گلکار، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

رویکرد دیگری که در سیر تکامل و تحولات فضاهای شهری می‌توان از آن نام برد طراحی شهری ادراکی است. ویژگی اصلی منظر شهری در این دیدگاه ساختار اجتماعی - فضایی آن است. براساس این نگاه، منظر شهری پدیداری است که از طریق تجربه‌ی انسان و تعامل میان وی و محیط نمود پیدا می‌کند. در این دوره خیابان به عنوان یک عنصر معمارانه و اجتماعی دوباره مورد تأکید قرار گرفته و حفاظت از بافت‌های ارزشمند و تاریخی براساس توجه به اصل حس مکان در دستور کار طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار می‌گیرد. این رویکرد به ایجاد یک منظر شهری زمینه‌گرا نیز کمک شایانی می‌نماید. مؤلفه‌های اصلی سازنده‌ی کیفیت طراحی شهری در این رویکرد شامل زیبایی‌شناختی (عینی)، زیبایی‌شناختی (ذهنی- ادراکی) و عملکردی می‌باشد. از دیدگاه عملکردی پوسته‌های ساختمانی وظیفه‌ی جداسازی محیط بیرون و درون و همچنین تأمین نور و هوای تازه را برعهده دارند. نقش زیباشناختی این منظر شهری نیز طراحی و ایجاد ترکیب‌های بصری هماهنگ با بستر و

زمینه‌ی شکل‌گیری و توجه به ابعاد تاریخی و گذشته‌ی آن می‌باشد. همچنین در این الگو به سبب آنکه منظر شهری به صورت منفک و جدا از تجربه‌ی ادراکی افراد نیست، نقش برجسته‌ی زیبایی‌شناختی (ذهنی- ادراکی) را هم برعهده دارد. به طور کلی وظیفه‌ی طراحی که در حوزه‌ی ادراکی - زمینه‌گرا فعالیت می‌نمایند جستجو و به‌دست آوردن معانی تاریخی، فرهنگی و طبیعی در محیط‌های شهری و نمود آن‌ها در قالب‌های کالبدی و بصری می‌باشد. (گلکار، ۱۳۸۷: ۱۰۸-۱۰۷)

مرحله‌ی متأخر سیر تحولات و تکامل طراحی شهری که به واسطه‌ی افزوده شدن مسائل زیست‌محیطی همچون گسترش روزافزون آلودگی‌ها، افزایش دمای کره‌ی زمین و از بین رفتن منابع و ذخایر طبیعی به مجموعه‌ی دغدغه‌های شهرسازان ایجاد گردید، طراحی شهری پایدار می‌باشد. وجه تمایز میان محتوا و تعریف طراحی شهری در این دوره با تعریف رویکردهای پیشین، اضافه شدن ابعاد زیست محیطی به مؤلفه‌های آن می‌باشد و مسائل مطرح شده در گذشته در این دوره نیز همچنان وجود داشته و مورد توجه قرار می‌گیرد ولی به صورت متوازن‌تر و در چارچوبی جامع این امر صورت پذیرفته است. مؤلفه‌های سازنده‌ی کیفیت طراحی شهری در این دوره که تحت عنوانی همچون طراحی شهری پایدار و یا بوم سازگار از آن نام برده می‌شود شامل مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی (عینی)، زیبایی‌شناختی (ذهنی- ادراکی)، عملکردی و در نهایت زیست‌محیطی می‌باشد. (همان: ۱۷-۱۶)

۲-۳-۴ اصول و معیارهای کالبدی سازندهی فضاهای شهری مطلوب و انسانی

شناخت خصلت‌ها و ابعاد مختلف فضاهای معماری و شهری متضمن بررسی مؤلفه‌های کالبدی و درک ویژگی‌های فضای فضا است. همچنین کیفیت‌های متنوع این فضاها نیز حاصل نسبت‌های مختلف میان توده‌های ساختمانی و فضاهای باز مابین آن‌ها می‌باشد. (فلاح و شهیدی، ۱۳۹۴: ۲۷) در این میان، آنچه فضاهای باز شهری را به عنوان اصلی‌ترین بستر شکل‌گیری حیات جمعی و زندگی اجتماعی فعال کرده و تقویت می‌نماید ابتدا عوامل کالبدی‌ست که می‌تواند زمینه‌ساز ورود شهروندان و توقف و مکث آن‌ها درون فضا باشد. بعد از آن نیز می‌توان به عملکردها و کارکردهای موجود در فضا اشاره کرد که بر ایجاد آسایش و راحتی مردم در استفاده و بهره‌گیری از آن تأثیرگذار است. (قلمبردزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷) در ریخت‌شناسی توده و فضا و تلفیق این دو عوامل بسیاری دخالت دارند، از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به پیوستگی در خطوط اشکال، ترکیب بدنه‌های محصور کننده فضا، چگونگی عقب‌نشینی جداره‌ها و همچنین برخی قواعد و معیارهای کالبدی مانند تقارن، تباین، تناسب، وحدت، هماهنگی و ریتم اشاره کرد که کیفیت و ترکیب مطلوب توده و فضا را تعیین می‌نماید. (توسلی، ۱۳۹۵: ۸۰) به طور کلی فضای شهری مناسب و مطلوب، فضایی‌ست که این عوامل در فرایند شکل‌گیری بدنه‌ها و جداره‌های آن تجلی پیدا کرده باشد. (همان: ۱۳۰)

۲-۳-۴-۱ محصوریت فضا

منظور از محصوریت، محدود شدن یک فضا به وسیله‌ی جداره‌ها می‌باشد به نحوی که انسان احساس نماید درون ظرفی قرار گرفته است و این امر خود به درجات مختلفی تقسیم می‌گردد. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۳) محصوریت فضا به عنوان نخستین اصل حاکم بر فضاهای شهری می‌باشد به طوری که جذابیت و کیفیت یک مکان شهری متضمن محصوریت مطلوب و مناسب آن می‌باشد به نحوی که این اصل در اکثر نقاط جهان و به طرق مختلف و متفاوت بکار رفته است. (توسلی، ۱۳۹۵: ۲۸) این امر تأثیر قابل توجهی بر رفتار افراد و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی میان آن‌ها دارد به طوری که فضاهای محصور موجب تقویت رویدادها و تماس‌های اجتماعی شهروندان

می‌گردند و عدم محصوریت مناسب نیز پراکندگی آن‌ها را در پی خواهد داشت. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۴)

از آنجا که انسان به عنوان محور اصلی فضاهای شهری می‌باشد لذا فضا نیز باید احساسی انسانی را در او برانگیزد به همین سبب وجود مقیاس و تناسبات مطلوب میان اجزاء سازنده‌ی فضا و انسان به عنوان عاملی جهت تقویت این امر مطرح می‌باشد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۲۸) همچنین فضاها زمانی می‌توانند تأثیرگذاری مطلوبی را از خود نشان دهند که به روشنی برای مخاطب تعریف شده باشند. بنابراین ایجاد حس محصوریت و تناسبات مناسب در تجربه‌ی افراد از فضا و میزان مطلوبیت آن نقش سازنده‌ای دارد. (چپمن، ۱۳۸۶: ۱۸۰) محصور بودن یک فضا با فاصله‌ی چشم ناظر از ارتفاع بدنه‌ی محصورکننده و همچنین پیوستگی بدنه‌ها و جداره‌ها ارتباط نزدیکی دارد. وجود فواصل متعدد میان بدنه ساختمان‌ها، اختلاف اساسی و گسترده میان نماها و تغییرات ناگهانی در لبه‌ی قرنیز ساختمان‌ها باعث تضعیف هرچه بیشتر آن می‌شود. (همان: ۳۱ و ۲۹) از دیگر مواردی که بر محصوریت فضا تأثیرگذار است رنگ، بافت و شکل مصالح جداره‌ها و کف می‌باشد. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

تنظیم بدنه‌ها و جداره‌های تعریف کننده‌ی فضاهای شهری و استفاده از فرم‌های هندسی متناسب با ساختار و عملکرد آن‌ها می‌تواند خلاءها و نواقصی که در امر محصور نمودن این فضاها پیش می‌آید را تا حدودی جبران نماید. به عنوان مثال، بدنه‌های منحنی مقعری که پیرامون یک حجم کشیده شده است تأثیر قابل ملاحظه‌ای در محصوریت و احاطه‌ی مناسب فضا دارند. بهره‌گیری از این جداره‌ها خلاءها و کمبود فضاهایی که در آن‌ها نوعی گسستگی و شکاف وجود دارد را تا حدودی برطرف می‌کند. (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۱: ۹۷)

هنگامی که بناها و ساختمان‌های پیرامون فضاهای شهری از یک ارتباط و هماهنگی مناسب برخوردار باشند می‌توان از یک کف‌سازی صاف و ساده که جلب توجه زیادی نکند نیز استفاده نمود. از سویی دیگر اگر بدنه‌ها و جداره‌های این فضاها فاقد یک هم‌پیوندی و هماهنگی مناسب و مطلوب باشند و یا در آن‌ها شکاف و گسستگی وجود داشته باشد می‌توان با استفاده از نوع کف‌سازی آن‌ها، این نواقص را به حداقل رساند. به عنوان مثال با گودتر نمودن کف محیط به اندازه‌ی چند پله، فضایی دیگر را ایجاد نمود که در ترکیب با بدنه‌های ساختمان‌های پیرامون، محصوریت قوی و مؤثری را ایجاد می‌نمایند. (همان: ۹۹) همچنین عدم طراحی مسیر و گذرها به

صورت هم‌محور و هم‌ردیف نبودن ترتیب قرارگیری اجزاء و عناصر محیطی موجود در تقاطع‌ها نیز می‌تواند به تقویت این امر کمک کند. (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۷)

در ارتباط با اصل محصوریت فضا به تعدادی مؤلفه می‌توان اشاره کرد که در شکل‌گیری یک فضای شهری مطلوب نقش سازنده‌ای را دارا می‌باشند.

- رعایت سادگی در طراحی فضاهای محصور

سادگی ترکیب توده‌ی ساختمانی و فضا به عنوان یک اصل اساسی در طراحی فضاهای شهری بخصوص معماری و شهر ایرانی مطرح می‌باشد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۳۶) شکل یک میدان و فضای شهری می‌باید به نحوی باشد که از هر نقطه‌ای درون آن، بتوان فضا را تجربه نمود. سادگی فرمی که به راحتی توسط مخاطب قابل ادراک باشد خود به عنوان یک کیفیت مناسب جهت دستیابی به این امر شناخته می‌شود. درک انسان از کلیت یک فضا تا حدودی به قدرت ذهن او در تکمیل تصویر مقابل خود به واسطه‌ی برداشت ذهنی از فضای پشت سرش بستگی دارد. فرم‌ها و اشکال ساده‌ای که فضا را احاطه می‌نمایند به عنوان یکی از مناسب‌ترین ابزارها در این رابطه می‌باشند. (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۱: ۹۷-۹۶)

- عناصر محصور کننده فضا

همان طور که اشاره شد محصوریت یک فضا به وسیله‌ی بدنه‌ها و جداره‌های پیرامون خود صورت می‌گیرد. این بدنه‌ها می‌توانند صلب یا نرم، شفاف یا کدر و یکنواخت و متنوع باشند. در بیشتر فضاهای شهری مؤلفه‌ها و اجزاء تعریف کننده‌ی فضا شامل درختان و عناصر طبیعی، نرده‌ها، ستون‌ها، دیوار بناهای مجاور و اطراف خود و یا تلفیقی از آن‌ها می‌باشند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۸۸) جهت ایجاد محصوریت مناسب در فضاهای شهری، توسلی (۱۳۹۵) به برخی اجزاء و عناصر محصور کننده اشاره می‌کند که از جمله‌ی آن می‌توان به بخش‌های مسقف یک معبر، جداره‌های کوچه و گذرها، ردیفی از درختان در یک سوی میدان، جداره‌های پیرامون میدان، دو ردیف از درختان در دو سوی یک فضا و همچنین اختلاف تراز و سطح اشاره کرد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۴۴)

- خصوصیت سکون و حرکتی فضاهای محصور

یکی از ساده‌ترین الگوهای رفتاری افراد در فضاهای شهری مکث و حرکت می‌باشد که اتفاقی نبوده و از الگوی خاصی پیروی می‌کند. فضاهایی که از پتانسیل مکث و توقف بیشتری در کالبد خود برخوردار می‌باشند دارای ایستایی بیشتری بوده و جمعیت نسبتاً زیادی را می‌توان در آن‌ها مشاهده نمود. (شکیبامنش و حکیمی، ۱۳۹۶: ۱۰۵) معابر اصلی و فضاهای میدان مانند که به عنوان عوامل پیوند دهنده‌ی فضاهای شهری مطرح می‌باشند واجد خصوصیت پویایی و ایستایی هستند. از لحاظ فرم و شکل؛ میدان‌ها، میدانچه‌ها و مانند آن ایستا و گذرها و معابر پویا می‌باشند و تلفیق و ترکیب مناسب این دو می‌تواند به ایجاد تباین و تقویت کیفیت فضاهای محصور منجر گردد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۵۵)

۲-۳-۴-۲ مقیاس و تناسبات انسانی فضا

منظور از تناسبات رابطه‌ای مستقل به لحاظ اندازه، میان وجوه مختلف یک فضا یا شیء می‌باشد. همچنین منظور از مقیاس نیز رابطه‌ای میان یک فضا یا شیء با اشیاء و فضاهای مجاورش می‌باشد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۵۷) این مفهوم در یک بدنه، شامل همخوانی میان اجزاء در مقایسه با یکدیگر و همچنین نسبت به کل نما و جداره به مثابه یک ساختار و کلیت کوچک می‌باشد. در یک فضای شهری و مجموعه‌ای از بدنه‌ها و نماها نیز ارتباطات میان اجزاء بدنه‌ها با یکدیگر و با سایر عناصر موجود در آن می‌باشد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۱۳۱)

محیط انسانی و آرامش‌بخش، محیطی است که متناسب با مقیاس انسانی باشد و نه اتومبیل و خودروها؛ بنابراین در شرایطی که می‌توان بناهایی با ارتفاع کم و وسیع احداث نمود می‌باید از ساخت برج‌ها و ساختمان‌های مرتفع پرهیز کرد. (تیبالدز، ۱۳۹۴: ۶۳)

در طول قرن بیستم و با حضور گسترده‌تر جاده‌ها و خیابان‌ها در شهرها، الگوی بافت شهری دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای گردید به نحوی که منجر به نمایان‌تر شدن فضاهای خالی، زمین‌های بلامصرف، پارکینگ‌های موقت و ساختمان‌هایی با جهت نادرست نما در شهرها گردید. چنین فضاهایی فاقد مقیاس و تناسبات انسانی و ویژگی‌های سازنده‌ی محیط‌های شهری موفق می‌باشند. (همان: ۶۴)

برای رسیدن به مقیاس انسانی، هر فضا به تنهایی نه باید آن قدر وسیع و گشاد باشد که ارتباط بصری افراد با پیرامون تضعیف گردد و نه خیلی کوچک و باریک که احساس ترس از فضایی محصور و تنگ به انسان القا گردد. البته این امر استثناهایی نیز دارد؛ همانند شهرهای کویری که به سبب مسائل اقلیمی کوچه‌ها و معابر را باریک و تنگ احداث می‌کردند اما رنگ فضا (خاک روشن کاه‌گل) علی‌رغم باریک بودن گذرها به انسان آرامش می‌دهد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۵۹ و ۵۷) از سویی دیگر برای دستیابی به تناسباتی هم‌سو با کارکرد در فضاها می‌باید نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۲، ۱ به ۱، تا ۱ به ۲ در طراحی فضاهایی که عمدتاً حالت حرکت و پویا دارند و نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۲ تا ۱ به ۶ در طراحی فضاهایی که بیشتر حالت ایستا و توقف دارند می‌توان بهره‌گیری نمود. (همان: ۶۹)

هرتزرگر (۱۳۹۴) در کتاب "درس‌هایی برای دانشجویان معماری" درباره‌ی رابطه‌ی میان تناسبات فضا و کارکرد آن چنین بیان می‌کند که در طراحی فضاهای معماری نخست باید به هدف آن توجه نمود و سپس ابعاد و اندازه‌ی مطلوب آن را به دست آورد. همچنین اندازه و فاصله‌ها در یک فضا باید طوری باشد که نه آن قدر زیاد و وسیع که افراد نتوانند به راحتی با یکدیگر تعامل نمایند و نه آن قدر کم که احساس عدم وجود حریم و قلمروی شخصی برای آن‌ها تداعی گردد. (هرتزرگر، ۱۳۹۴: ۱۹۰)

همچنین علاوه بر کارکرد جداره‌ها و محصوریت؛ می‌توان به استفاده از فضاهای سبز و تندیس‌های شهری و آثار هنری در آن اشاره کرد که سبب ارتقاء ابعاد انسانی فضاهای شهری می‌گردد. (تیبالدز، ۱۳۹۴: ۷۲) از سوی دیگر، نماهای پیوسته، یک شکل و تداوم یافته در جداره‌های یک فضا حتی اگر از یک الگوی مشخص تبعیت کنند سبب عدم دستیابی به مقیاس مفید جهت درک ابعاد فضا می‌شود. به همین منظور جهت تعریف مؤثر ارتفاع یک خیابان یا فضای شهری می‌باید نمای ساختمان را در ارتفاع مناسب به اتمام رساند. این به معنی پیش‌آمدگی و عقب‌نشینی در جداره‌ها و بناهایی با ارتفاع نسبتاً زیاد می‌باشد که متناسب با شرایط محیط و ارتفاع بناها می‌باید نسبت به انجام آن مبادرت ورزید. (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۱: ۸۱) اصل جایگذاری فضاهای کوچک در میان فضاهای بزرگتر شیوه‌ی دیگری است برای ادغام فضاهای بزرگ با مقیاس متعادل انسانی که

برای دستیابی به این امر در بسیاری از شهرها و فضاهای شهری قدیمی از رواق‌ها و مسیرهای سرپوشیده بهره‌گیری نموده‌اند. در این گونه فضاها افراد پیاده می‌توانند در فضایی صمیمی و مرزبندی شده و با یک دید مناسب به فضاهای شهری بزرگتر حرکت نمایند. (گل، ۱۳۹۴: ۱۶۵)

۲-۳-۴-۳ تباین فضایی

تباین در لغت به معنای تفاوت، فرق و جدایی میان دو چیز است. این امر در ارتباط یک پدیده یا ساختار با بستر خویش و یا یک پدیده با پدیده‌های پیرامون نمود پیدا می‌کند. تباین باعث تفکیک عناصر و ساختارها از یکدیگر و شکل‌گیری یک محیط شهری سرزنده و جذاب می‌گردد که به واسطه‌ی نوع بکارگیری و ترکیب رنگ، بافت، فرم، شکل و مصالح در یک فضای شهری ایجاد گشته است. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۳۹) تباین یکی از قوی‌ترین ابزارهای طراحی می‌باشد که در صورت استفاده‌ی مناسب و مطلوب از آن می‌تواند فضایی با ویژگی‌های خاص همراه با مرکزیت ایجاد نماید و به واسطه‌ی بهره‌گیری نامناسب، سبب اغتشاش و هرج و مرج و از میان رفتن نظم موجود در فضاهای شهری می‌گردد. (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۱: ۳۲)

فضاهای متباین، فضاهایی هستند که از نظر خصوصیات کالبدی و اجزاء و عناصر محصور کننده با یکدیگر متفاوت می‌باشند و همچنین مانع از یکنواختی فضاهای ارتباط دهنده می‌گردند. (توسلی، ۱۳۹۵: ۷۰)

جهت ایجاد فضاهایی مناسب حرکت پیاده در شهرها که هم به لحاظ فیزیکی و هم بصری خسته‌کننده نباشند می‌توان مسیر را به چند قسمت تقسیم نمود و یا در طول آن پیچ‌ها و شکستگی‌هایی را ایجاد کرد که با این روش افراد از میدانی به میدان دیگر رفته که علاوه بر جلوگیری از خستگی افراد و یکنواختی مسیر، نوعی توالی فضایی را نیز ایجاد می‌نماید. (گل، ۱۳۹۶: ۱۲۷)

یورگن کنیرش (۱۳۹۴) نیز در کتاب خود تحت عنوان "میدان‌های شهری معماری و طراحی فضاهای باز" بیان می‌دارد که سکانس‌های فضایی مختلفی که در یک محیط شهری ایجاد می‌گردید در واقع نشان‌دهنده‌ی نحوه‌ی بهره‌برداری و تجربیات مختلف در محیط‌زیست شهری می‌باشد. عوامل اثرگذار بر روی ایجاد این سکانس‌ها، چشم‌اندازهای مختلف ناشی از باریک و عریض‌تر شدن فضا و نحوه‌ی محصور کردن آن، الگوی بناها و

تراکم ساختمانی حاصل از گوناگونی و انواع فعالیت‌ها و... می‌باشد که موجب غنا و تقویت فضاهای شهری می‌گردد. (کنیرش، ۱۳۹۴: ۱۶۱-۱۶۰)

در مجموع جهت شکل دادن و ایجاد فضاهایی متباین در عرصه‌های شهری روش‌های مختلفی را می‌توان بکار گرفت که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد: (توسلی، ۱۳۹۵: ۷۵)

- تغییر در مقیاس فضا
- تغییر در نوع فضا: فضای خطی مرتبط با میدان
- تغییر در درجه‌ی محصور نمودن فضا: ترکیب دو فضای کاملاً محصور و نیمه محصور
- تغییر در عناصر محصور کننده: جداره‌ای از ساختمان‌ها، درختان و...
- تغییر در شکل بدنه‌های محصور کننده: ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در بدنه‌ها
- تغییر در روشنایی فضا: فضاهایی روباز و مسقف
- تغییر در ترکیب رنگ و مصالح فضا

۲-۳-۴-۴ حریم و قلمرو

انسان به صورت فطری سعی در شناختن و شناساندن حریم و قلمروی فضایی خویش دارد که این قلمرو به دو صورت فضاهای خصوصی و عمومی قابل تفکیک می‌باشد. فضای خصوصی حد و مرز و قلمروی متعلق به یک یا چند نفر را نشان می‌دهد و فضای عمومی متعلق به همگان می‌باشد. البته با نگاه به معماری گذشته به فضایی نیمه خصوصی- نیمه عمومی نیز برخورد می‌نماییم که به صورت بن‌بست و یا هشتی متعلق به چند بنا می‌باشد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۷۶)

جهت حفظ حریم و قلمروی یک فضا می‌توان از فضاهای نیمه عمومی- نیمه خصوصی چنان بهره‌گیری کرد که در عین حفظ استقلال هر دو فضای خصوصی و عمومی، محیطی را با قابلیت تلفیق عملکردهای هر دو گونه فضا ایجاد نمود. برای شکل دادن به چنین امری می‌توان با استفاده از فاصله‌های افقی، تغییر سطح و یا ترکیب این دو لبه‌هایی را میان دو فضای عمومی و خصوصی ایجاد نمود. (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰۰)

همچنین هنگام طراحی فضاها با توجه به شرایط محیط و مجاورت‌های آن می‌توان با استفاده از فرم، مصالح، نور، رنگ و تقسیمات معماری نسبت به تعریف قلمروی فضاها، مورد نظر اقدام نمود و فضایی منسجم و با نظم کلی نیز ایجاد کرد. (هرتزرگر، ۱۳۹۴: ۱۹)

در ذیل مسأله‌ی حریم و قلمرو به این نکته هم باید توجه نمود که ارتباط بین دو فضای عمومی و خصوصی نیز در فضاها، معماری و شهری از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. یکی از مسائل و مشکلات فضاها، شهری و بناهای مسکونی در شهرهای حال حاضر ارتباط ناگهانی ساکنین از فضای خصوصی داخلی به فضای عمومی کوچه و خیابان می‌باشد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۳۲) برای حل این مشکل می‌توان از مفاصل و یا آستانه‌ها استفاده کرد که بهترین راه برای تبدیل فضاها، عمومی و خصوصی به یکدیگر می‌باشد. (هرتزرگر، ۱۳۹۴: ۳۲)

در مجموع جهت تفکیک حریم و قلمروی یک فضا از عناصر و اجزای مختلفی می‌توان بهره‌گیری نمود. ایجاد اختلاف سطح، پیچ در مسیر گذرها، استفاده از عناصر طبیعی و درختان در ابتدای یک فضا و استفاده از ساباط‌ها و عقب‌نشینی از معبر اصلی از جمله این مواردند. (توسلی، ۱۳۹۵: ۸۰)

۲-۳-۴ هم‌پیوندی و هماهنگی بناها و عناصر شهری

هماهنگی به معنای همکاری و مشارکت مجموعه‌ای از عناصر و اجزاء جهت دستیابی به یک کلیت واحد است. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱۱) در فضاها، معماری و شهری، هماهنگی شامل ترتیب، تنظیم و ارتباط متناسب اجزاء و عناصر کالبدی و فضایی با یکدیگر می‌باشد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۱۰۴) در شهرهای قدیمی ایران معماران، بناها و ساختمان‌ها را بر اساس اصولی احداث کردند که در دیگر ساختمان‌های مجاور نیز بکار رفته است. از جمله‌ی این ویژگی‌ها می‌توان به جهت بدنه‌ی اصلی خانه‌ها و اندازه‌ی در و پنجره‌ها اشاره کرد که به صورت مشترک در همه‌ی آن‌ها تکرار گردیده است. (همان: ۲۶)

در طراحی فضاها، شهری امروزه نیز می‌باید این اصل یعنی ارتباط و هماهنگی اجزاء و عناصر سازنده‌ی آن‌ها با سایر عناصر مجاور خویش سرلوحه‌ی کار معماران و طراحان شهری قرار گیرد. به همین منظور جهت دستیابی به این امر می‌توان به جای تقلید صرف، با الهام گرفتن از معماری موجود و ایجاد ارتباط و پیوستگی با آن به

میزان مناسبی از هماهنگی و هم‌پیوندی میان اجزاء و عناصر سازنده‌ی فضاهای شهری دست یافت. (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۱۱) همچنین در بحث هماهنگی و هم‌پیوندی می‌باید دقت نمود که در آن اجزاء بصورت متنوع بوده و هرکدام دارای خصلت منحصر به فرد خویش می‌باشند. همچنین هر جزء نقش خاص خویش را ایفا می‌نماید و اجزاء به شکل منسجم در ارتباط متقابل و هدفمند با یکدیگر قرار دارند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

هدمن و یازوسکی (۱۳۸۱) در ذیل بحث هم‌پیوندی و هماهنگی بناها و عناصر شهری از مفهوم دیگری تحت عنوان طراحی زمینه‌گرا یاد می‌کنند و بیان می‌دارند که میان بناهای موجود و ساختمان‌های جدید و طرح پیشنهادی، ارتباط بصری مناسب و کافی به شکلی پدید آید که نتیجه‌ی آن ایجاد یک کل منسجم گردد. ساختمان‌های جدید می‌باید سبب تقویت ویژگی‌های محیط و یا حفظ الگوهای وحدت بخش گردد. یک ساختمان برای تناسب و هماهنگی با زمینه‌ی خویش و تقویت وحدت بصری نیاز به تقلید جزء به جزء و دقیق فرم و شکل‌های ساختمان پیرامون خویش ندارد بلکه می‌بایست از ویژگی‌های رایج و الگوهای مشترک و اساسی بکار رفته در آن‌ها بهره‌گیری نماید. (هدمن و یازوسکی، ۱۳۸۱: ۱۵)

در مجموع می‌توان چنین بیان نمود که فضاهای شهری جذاب و با کیفیت مطلوب چه در گذشته و چه حال، فضاهایی می‌باشند که به صورت یک کل منسجم نگریسته می‌شوند و تمام عناصر، تغییرات و ساخت و سازها به طور هماهنگ با آن شکل گرفته‌اند. (تیبالدز، ۱۳۹۴: ۱۳۷ و ۳۸-۳۷)

۲-۳-۴-۶ نفوذپذیری

مردم به واسطه‌ی قابلیت دسترسی که یک فضا به آنها می‌دهد دارای حق انتخاب می‌باشند. بنابراین میزانی از قدرت انتخاب که یک محیط به آنها برای جابه‌جایی از مکانی به مکان دیگر می‌دهد به عنوان شاخصی جهت پاسخ‌دهی محیط شناخته می‌شود که این کیفیت نفوذپذیری نامیده می‌شود و خود به دو بخش نفوذپذیری بصری و نفوذپذیری کالبدی تقسیم می‌گردد. (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵)

این موضوع که تمام اقشار جامعه قابلیت دسترسی به مکان‌های گوناگون، فعالیت‌ها و اطلاعات را دارا باشند بسیار مهم است. محیط‌های شهری باید بدون استثنا و توجه به درآمد، سن، توانایی و سوابق، این ویژگی را

برآورده سازند. این محیط‌ها نباید صرفاً در جهت نیازها و خواسته‌های قشر خاصی از جامعه شکل بگیرند.
(تیبالدز، ۱۳۹۴: ۸۵)

جهت تقویت نفوذپذیری (بصری و کالبدی) در یک فضا می‌باید تا آنجا که ممکن است بلوک‌های ساختمانی و شهری را کوچک در نظر گرفت و همچنین تعداد ورودی‌های قابل استقرار را در لبه‌های فضاهای عمومی گسترش داد. افزون‌براین در محیط‌هایی که به عملکرد و محرمیت فضا خدشه‌ای وارد نمی‌شود، برای افزایش نفوذپذیری بصری، نماهای شفاف متعدد و گسترده‌ای را ایجاد نمود. (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۱ و ۱۷)

یان گل (۱۳۹۴) در کتاب "شهر انسانی" برای شکل‌گیری و تقویت نفوذپذیری فضاهای شهری با محوریت افراد پیاده به برخی از عوامل دخیل در امر اشاره می‌کند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به نور کافی، کف‌سازی مناسب و سطوح شیب‌دار و پله‌ها که برای حرکت ایمن عابرین پیاده اهمیت دارد اشاره کرد. عدم کف‌سازی مناسب و استفاده از قلوه سنگ‌ها و تخته سنگ‌های شکسته جهت سنگ‌فرش آن همراه با پله‌های متعدد در یک فضا و اختلاف ترازهای ایجاد شده در آن که بدون استفاده و بهره‌گیری از سطوح شیب‌دار، مانع از حرکت و تردد افراد و به خصوص افراد سالمند و دارای صندلی چرخ‌دار در دراز مدت در آن می‌گردد. (گل، ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۳۳)

۲-۳-۴ وضوح و خوانایی

قابلیتی که یک فرد در محیط بتواند نظم و سازماندهی شکل‌گرفته در فضا را پیش‌بینی نماید تحت عنوان وضوح فضا می‌باشد. در این‌گونه فضاها بیننده به واسطه‌ی تجربه یا منطق و یا مشاهدات و برداشت‌های خویش می‌تواند پیش‌بینی کند که اجزاء و عناصر در کل فضا به چه صورتی قرار گرفته‌اند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۲۶)

چیزی که قابل پیش‌بینی‌ست و در جایی قرار گرفته که انتظار دارند دارای یک جاذبه‌ی منحصربه‌فرد می‌باشد. این جاذبه در مقابل پدیده‌ای غیرمنتظره کم‌رنگ شده و یا از میان می‌رود. برجسته کردن و تراز نمودن به عنوان عواملی جهت وضوح فضا به‌شمار می‌روند که افراد به واسطه‌ی ادراک حسی خویش می‌توانند تعادل و یا عدم تعادل فضا را از این دو طریق به آسانی تشخیص دهند. (همان: ۱۲۶)

در عمل بخشی از حق انتخابی که فضا به افراد می‌دهد متضمن میزان خوانایی آن می‌باشد. این یعنی مردم تا چه حدی می‌توانند نسبت به آن محیط شناخت پیدا کنند. (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷) خوانایی کیفیتی است که موجبات درک بیشتر یک محیط را فراهم می‌آورد و در دو سطح فرم کالبدی و الگوی فعالیت‌ها نقش ایفا می‌نماید. (همان: ۱۱۳)

جهت دستیابی به میزان مناسبی از کیفیت خوانایی در سطح شهرها و فضاهای شهری ابزارها و شیوه‌های متعدد و گوناگونی وجود دارد. توالی فضایی و ایجاد سکانس‌های مختلف در فضا همراه با بکارگیری برخی نشانه‌های شهری می‌تواند به این امر کمک کنند. خط آسمان هم می‌تواند به عنوان معرفی جهت فعالیت‌ها و عملکردهای درون ساختمان‌ها و یا هسته‌ی یک شهر مطرح گردد. علاوه‌براین، ساختمان‌های مجزا همراه با نماسازی ماندگار و مناسب خود، می‌توانند به عنوان یک نشانه برای آن شهر و یا محله، سامان پذیرند. برخلاف این موضوع، در فضاهای سرپوشیده دستیابی به کیفیتی مطلوب از خوانایی دشوار می‌باشد و طراحان ناگزیر به استفاده از تابلوها و علائم راهنمایی جهت هدایت افراد می‌شوند که این عناصر موجب خستگی و سردرگمی مخاطب می‌گردد. (تیبالدز، ۱۳۹۴: ۹۱)

هرچه تقسیم‌بندی فضاها کوچکتر باشد واحدهای فضایی بدست آمده بیشتر می‌گردد و همچنین نقاط تمرکز در آن فضا افزایش می‌یابد. علاوه‌براین، تقسیم فضا موجب برنامه‌ریزی و کنترل بهتر آن و تقویت حس تعلق-پذیری در افراد می‌گردد. بنابراین، تقسیم‌بندی لازمه‌ی درک بهتر فضا و افزایش خوانایی آن می‌باشد. (هرتزرگر، ۱۳۹۴: ۲۰۱ و ۱۹۴-۱۹۳) از دیگر مواردی که موجب وضوح و خوانایی هر چه بیشتر فضاهای شهری می‌گردد می‌توان به پرهیز از ایجاد بناهایی یکسان و یکنواخت و فارغ از تباین و تفاوت، عدم جدایی مسیرهای ترددی پیاده و سواره و همچنین میزان محصوریت مناسب فضا (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۲ و ۱۱۶) در کنار نورپردازی مناسب و خلاقانه‌ی خیابان‌ها، درختان، ساختمان‌ها و همچنین بهره‌گیری از توپوگرافی‌های سایت اشاره کرد. (تیبالدز، ۱۳۹۴: ۹۶ و ۹۳)

۲-۳-۴-۸ ترکیب (کمپوزیسیون) و وحدت

منظور از وحدت، شکل‌گیری یک کل واحد توسط مجموعه‌ای از عناصر متعدد و متنوع می‌باشد که به واسطه‌ی وجود رابطه‌ای نظام یافته و هماهنگ میان اجزاء آن تشکیل یافته است. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱۰) به بیان ساده‌تر وقتی اجزاء و عناصر مختلف معماری به گونه‌ای با یکدیگر ترکیب شوند که یک کل منسجم و واحدی را ایجاد نمایند که همه‌ی اجزاء تابع آن باشند، آن‌گاه می‌توان گفت یک انسجام و وحدت مناسب در فضای معماری و یا شهری ایجاد می‌شود. (هرتزرگر، ۱۳۹۴: ۱۲۶)

براساس این اصل، میان ساختمان‌ها و بدنه‌های احاطه کننده یک فضا لازم است وحدت و هماهنگی شکلی برقرار باشد و با وجود استفاده از جداره‌های مختلف، صورتی پیوسته پیدا نماید. (توسلی، ۱۳۹۵: ۸۱) در فضاهای شهری نمای جداره‌ها به عنوان یک کلیتی تلقی می‌شود که از اتحاد و توافق مطلوب و مناسب اجزاء خود شکل گرفته‌اند. این اجزاء می‌باید به گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار گیرند که نه بتوان چیزی به آن اضافه و کم و یا تغییری در آن اعمال نمود که منجر به گسستگی و از میان رفتن ترکیب و وحدت جداره و نما نگردد. (توسلی، ۱۳۹۵: ۱۳۱) وحدت و کثرت به عنوان دو مقوله‌ی مرتبط و عجین شده با یکدیگر مطرح می‌باشند. علی‌رغم اینکه یک کل می‌تواند شامل تنها یک جزء باشد، اما آن را عنصری واحد تلقی می‌نماییم نه وحدت یافته. بنابراین لازمه‌ی شکل‌گیری وحدت وجود بیش از یک جزء و یا عنصر است که آن را کثرت می‌نامند. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

شکل‌گیری یک وحدت مناسب میان اجزاء سازنده‌ی یک فضای معماری و شهری نتیجه و ماحصل ایجاد نظم در آن است. در حوزه‌ی طراحی نما و توده‌های ساختمانی این امر به واسطه‌ی ایجاد تقارن، تعادل، تکرار و به طور کلی مشخص نمودن چهارچوب ساختاری آن‌ها خود را نشان می‌دهد. در حوزه‌ی طراحی فضاهای باز شهری نیز وحدت از طریق بکارگیری و تکرار شیوه‌ها و سبک معماری موجود، اندازه‌ی ثابت قطعات تفکیکی، الگوهای یکسان در بازشوها، کنترل مصالح و جزئیات شکل می‌گیرد. (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰۵)

جهت شکل‌گیری و تقویت وحدت در جداره‌های یک فضا لازم است طراحان و سازندگان، برخی مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها را که در معماری گذشته نیز به خوبی مورد استفاده قرار گرفته و قابلیت تطبیق با معماری معاصر را دارند سرلوحه‌ی عمل خویش قرار دهند.

در ذیل به معرفی این مؤلفه‌های سازنده می‌پردازیم: (توسلی، ۱۳۹۵: ۹۸-۹۴)

- ترکیب ساده و شطرنجی مبتنی بر خطوط افقی و عمودی در روزنه‌ها و بازشوهای جداره‌های احاطه کننده‌ی فضا

- تقسیمات داخلی متقارن و مبتنی بر محورهای افقی و عمودی در داخل پنجره‌ها و درب‌ها

- ایجاد استحکام بصری در نماسازی از طریق بکارگیری پنجره‌هایی متناسب و متوازن در کل سطح جداره‌ها

- ایجاد تعادل در نماها با استفاده از قرار گرفتن پنجره‌ها و بازشوهایی به طور برابر در دو سوی نما

- ایجاد یک محور قوی در طراحی جداره‌ها با استفاده از ترتیب و جایگذاری مناسب بازشوها

- ترکیب نماهای جداره‌ی بناها در تقاطع دو خیابان مجاور و ایجاد ارتباط بصری پیوسته میان آن‌ها

- ایجاد ارتباط و مجاورت مناسب میان جداره‌های محصورکننده‌ی یک فضا از طریق رابطه‌ای مطلوب از نظر ترکیب رنگ و مصالح، پیوستگی در خطوط نماسازی، تناسبات روزنه‌ها و ورودی‌های آن‌ها

۲-۳-۴-۹ انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی بودن فضا

در بیشتر مواقع هنگام طراحی فضاهای شهری و ساختمانی تمرکز طراح بر روی پاسخگویی به کاربری خاصی می‌باشد تا بتواند به خوبی اهداف و مقاصد کارفرما را برآورده نماید. این امر با گذشت زمان نه تنها از جذابیت و پایداری فضاهای شهری و یا ساختمانی می‌کاهد بلکه نیاز به کاربری قبلی نیز از بین رفته و عملکرد جدیدی مطرح می‌گردد. در شهرهای امروزی شاهد فضاهایی متروک در محلات و یا سطح شهر می‌باشیم که هیچ گونه استفاده‌ای از آن‌ها نمی‌گردد و به فضاهایی ناامن و خطرناک تبدیل شده‌اند که بر محیط پیرامون خویش تأثیر منفی می‌گذارد. در بسیاری موارد نمی‌توان کاربرد جدیدی را برای آن‌ها پیدا نمود و از طرفی نیاز به فضاها و

عملکردهای جدید نیز هر روز افزایش پیدا می‌کند و نمی‌توان برای آن‌ها نیز فضای مناسبی در نظر گرفت. بنابراین طراحان باید توجه داشته باشند که اولین اصل اساسی جهت حمایت از قابلیت تغییرپذیری، ایجاد فضاهایی است که تا حد امکان توانایی پاسخگویی به انواع مختلفی از فعالیت‌ها را داشته باشد. (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۵)

مکان‌هایی که با توجه به هر شرایطی بتوانند قابلیت‌های متنوعی را به خود بگیرند در مقایسه با مکان‌هایی که صرفاً برای یک منظور خاص طراحی و احداث شده باشند حق انتخاب‌های مختلف و متنوعی را به افراد می‌دهند. محیط‌هایی که قابلیت چنین گزینه‌هایی را دارا باشند به عنوان فضاهای انعطاف‌پذیر شناخته می‌شوند. (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۷) یکی از اصول تقویت‌کننده انعطاف‌پذیری این است که در طراحی چیدمان فضا باید تا آنجا که ممکن است طوری عمل شود تا عناصر بدون اینکه جای یکدیگر را بگیرند بتوانند تنوعی از فعالیت‌ها را در فضا ایجاد نمایند. (همان: ۱۷۱) با این وجود در بیشتر شهرهای امروزی، گسترش بی حد و مرز مبلمان‌های شهری و تابلوهای تبلیغاتی در کنار مکان‌یابی نامناسب و بی‌قوارگی آن‌ها موجب گردیده تا فضاهای شهری، تک عملکردی و پر ازدحام گشته و به عنوان شروعی جهت تسلط هرچه بیشتر آن‌ها (مبلمان‌ها و سایر الحاقات موجود) بر شهرها مطرح گردد. (کنیرش، ۱۳۹۴: ۹۹)

در ذیل فضاهای انعطاف‌پذیر به مفهوم دیگری نیز برخورد می‌نماییم که همان فرم‌های چندظرفیتی است. برخی فرم‌ها تنها یک هدف را دنبال می‌کنند یعنی برای یک عملکرد و کاربرد خاص ایجاد شده‌اند نه کمتر و نه بیشتر، اما اغلب آن‌ها علاوه بر کاربرد اولیه و اصلی‌شان توانایی تطبیق با دیگر کاربری‌ها را نیز دارا می‌باشند و پاسخی به سایر نیازهای افراد تحت شرایط مختلف ارائه می‌دهند. سکوها، اختلاف ارتفاع بین دو کف و پله‌ها از نمونه‌های رایج این موضوع‌اند. (هرتزرگر، ۱۳۹۴: ۱۸۰ و ۱۴۸)

۲-۳-۴-۱۰ دوام و پایداری فضاهای شهری

هنگام طراحی و ساخت ساختمان‌ها باید موضوع مصالح مناسب را بیش از گذشته مورد توجه خویش قرار دهیم و در انتخاب آن‌ها باید محل، مقیاس، مصالح مجاور، هزینه و دوام آن را در نظر گرفت. مصالح مقاوم و مناسب در طول زمان هم از نظر عملکردی و کارایی و هم زیبایی بصری به صورت مطلوب باقی خواهند ماند. (تیبالدز، ۱۳۹۴: ۱۰۵)

از سوی دیگر، کیفیت یک فضا و تأثیرگذاری آن به واسطه‌ی سطح رویه‌ای که در آن شکل گرفته (همانند طرح، رنگ، ترکیب مصالح) تعیین می‌گردد. سطح رویه‌ی یک فضا علاوه بر مقاوم بودن باید به لحاظ بصری و حس لامسه برای افراد قابل درک باشد و بافت و رنگ‌های مختلفی را در سطح خویش به نمایش گذارد. (کنیرش، ۱۳۹۴: ۱۷۹ و ۱۷۷) نمونه‌ای از این امر یعنی تأثیر مصالح بر کیفیت فضاهای شهری را می‌توان در محیط‌های شهری روبازی مشاهده نمود که به دلایل مختلفی امکان دریافت نور خورشید را ندارند اما از نورهای بازتاب شده از ساختمان‌های مجاور خویش بهره‌گیری می‌نمایند. (وایت، ۱۳۹۴: ۴۷) همچنین همان‌طور که در مبحث نفوذپذیری نیز به آن اشاره شد استفاده از مصالح غیرلغزنده، صاف و هموار در کف‌سازی معابر و فضاهای شهری علاوه بر ترغیب افراد به پیاده‌روی و افزایش نفوذپذیری آن‌ها موجب ارتقاء کیفیت فضاهای شهری نیز می‌گردد. (گل، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۳۲)

از دیگر موارد مؤثر بر دوام و پایداری فضاهای شهری و یا معماری، نگهداری بعد از ساخت آن‌ها می‌باشد. مبلمان شهری و مصالح کف‌سازی را باید با توجه به استحکام آن‌ها گزینش نمود و در صورت بروز حادثه و یا خرابی در آن‌ها نیز می‌باید به صورت مناسب تعمیر گردند. به عنوان مثال خیابانی که آجر فرش شده را هرگز نباید با آسفالت پوشاند و یا شعارها و آگهی‌های روی دیوارها را باید پاک کرد و یا روی آن‌ها را با رنگ پوشاند. (تیبالدز، ۱۳۹۴: ۱۰۷) علاوه بر این، در طراحی نماها باید از روش‌هایی که به سرعت ارزش خود را از دست می‌دهند پرهیز نمود. همچنین ادغام کاربری‌ها و عملکردها همانند استفاده‌ی چندگانه از مبلمان‌ها و عناصر شهری نیز به تقویت این امر کمک می‌کند. (همان: ۱۰۷)

۲-۴ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انسان‌ها فارغ از محیط و بستر جغرافیایی که در آن قرار دارند دارای مجموعه‌ای از نیازهای ثابتی می‌باشند که در گذر زمان و سیر تکامل جوامع بشری از ارزش و اهمیت آن‌ها کاسته نمی‌گردد. یکی از نیازهای اساسی انسان، تمایل به برقراری تماس‌ها و روابط اجتماعی با دیگران می‌باشد. در شکل‌گیری این امر عوامل بسیاری دخیل می‌باشند که مهم‌ترین آن مؤلفه‌های کالبدی و کیفیت فضاهای معماری و شهری می‌باشد. مردم و شهروندان هر جا شرایط محیط و فضای کالبدی مناسب باشد در آن حضور یافته و به ایفای نقش‌های اجتماعی خود می‌پردازند و هر جا نیز شرایط مطلوب نباشد سعی می‌کنند به سرعت از آن جا عبور نموده و توقف نکنند.

در این میان کالبد فضاهای شهری با ایفای نقش حمایت‌کنندگی از رفتارها و روابط اجتماعی میان مردم از طریق تقویت کیفیات مختلف فضا، زمینه‌ی ورود و توقف شهروندان را در آن فراهم می‌آورند. عوامل کالبدی با تعیین حدود و حریم فضاهای شهری، ایجاد امکانات و تسهیلات لازم در آن‌ها و بهبود وجوه بصری و جنبه‌های زیباشناختی فضا، یک قرارگاه رفتاری مناسب پدید آورده و با ترغیب و تشویق مردم به حضور در آن‌ها بستر لازم برای ایجاد تعاملات اجتماعی میان ایشان را مهیا می‌نمایند. از سوی دیگر، نقش فضاهای باز کوچک مقیاس را در توسعه و یا محدود نمودن روابط و پیوندهای اجتماعی میان شهروندان نمی‌توان نادیده انگاشت. زیرا این فضاها، از جمله فضاهای عمومی هستند که مردم هر روز و به اشکال مختلف از آن‌ها استفاده می‌کنند. این محیط‌ها می‌توانند با برخورداری از خصلت‌های کالبدی مطلوب و مناسب زمینه‌ی جذب مخاطب و جلب رضایت وی را فراهم نموده و فضاهایی سرزنده و انسانی ایجاد نمایند.

به طور کلی می‌توان مجموعه‌ای از اصول و معیارهای کالبدی را نام برد که این قابلیت را دارا می‌باشند جهت ایجاد و ارتقاء فضاهای شهری از آن‌ها بهره‌گیری نمود. محیط‌های شهری و معماری موجود نیز هر کدام بسته به میزان کیفیت و مطلوبیت خویش تمام یا بخشی از این معیارها را در ساختار خود دارا می‌باشند. این مؤلفه‌ها دارای کمترین وابستگی به فرهنگ و حوزه‌های جغرافیایی و سرزمینی می‌باشد و حاصل دیدگاه‌های اندیشمندان این حوزه بوده که در قالب یک جدول همراه با ویژگی‌های سازنده‌ی خویش ارائه گردیده است. (جدول ۲-۱)

جدول ۱-۲. معیارهای کالبدی سازنده فضاهای شهری سرزنده و انسانی - تدوین: نگارنده

معیارهای کالبدی	ویژگی‌های سازنده
محصوریت فضا	- رعایت سادگی در طراحی فضاهای محصور - میزان محصوریت فضا - خصوصیت ایستایی و پویایی فضاهای محصور - دارا بودن مقیاس انسانی در طراحی فضاهای محصور - بهره‌گیری از انواع عناصر محصور کننده فضا - عدم شکل‌گیری مسیرهایی هم‌محور و جایگذاری اجزاء و عناصری هم‌ردیف در تقاطع‌ها - ایجاد اختلاف ارتفاع و گودتر نمودن کف فضاهایی که دارای شکاف و گسستگی در بدنه‌ها و جداره‌های خود می‌باشند
مقیاس و تناسب انسانی	- پرهیز از فضاهای بسیار وسیع و یا باریک و همچنین خطی و یکنواخت - بکارگیری نسبت ارتفاع به عرض متناسب با ویژگی فضاهای شهری (نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۲، ۱ به ۱ تا ۱ به ۲، در طراحی فضاهای حرکتی و همچنین نسبت ارتفاع به عرض ۱ به ۲ تا ۱ به ۶ در فضاهای ایستا) - ایجاد عرض و تراکم مناسب حرکت پیاده - عقب‌نشینی طبقات بالاتر در معابر و فضاهایی که با بدنه‌هایی بسیار بلند محصور می‌گردند - استفاده از عناصر طبیعی و آثار هنری جهت ارتقاء ابعاد انسانی فضا
تباین فضایی	- تغییر در مقیاس فضا - تغییر در نوع فضا (فضای خطی مرتبط با فضای میدان) - تغییر در عناصر محدودکننده (جداره‌ای از ساختمان‌ها، بدنه‌ای از درختان و ...) - تغییر در شکل بدنه‌ها (ایجاد شکستگی و عقب نشینی در بدنه‌ها) - تغییر در روشنایی فضا (فضاهایی روباز و مسقف) - تغییر در رنگ فضا - ایجاد توالی فضایی (پرهیز از مسافت‌های طولانی و مستقیم و ایجاد مسیرهای منحنی و خمیده و همچنین طراحی میدان‌های کوچک در طول مسیر) - طراحی و ایجاد سکانس‌های مختلف برای فضا از طریق چشم اندازه‌ها، تراکم ساختمانی، الگوی بناها و ...

ادامه‌ی جدول ۱-۲. معیارهای کالبدی سازنده فضاهای شهری سرزنده و انسانی- تدوین: نگارنده

معیارهای کالبدی	ویژگی‌های سازنده
حریم و قلمرو	- رعایت سلسله مراتب دسترسی از عمومی به خصوصی و همچنین استفاده از آستانه‌ها و مفاصل - بکارگیری مناسب عناصر تعریف کننده قلمرو و سلسله مراتب - تفکیک قلمروها با استفاده از تقسیمات معماری، شکل و مصالح، رنگ، نور و ... - ایجاد لبه‌های عملکردی با استفاده از فاصله‌های افقی و تغییر سطح و یا ترکیب این دو
هم‌پیوندی و هماهنگی بناها و عناصر شهری	- هماهنگی شکلی و هم‌پیوندی بناها و فضاهای ساخته شده در نتیجه رعایت اصول مشترک معماری سنتی و بومی - طراحی براساس ارتباط با زمینه، تاریخ و محیط اطراف - نگاه منسجم و کل‌گرایانه به فضاهای شهری و عناصر سازنده‌ی آن
نفوذپذیری	- بهره‌گیری از مقیاس ساخت و ساز کوچک (بناها و بلوک‌های کوچک) - ایجاد نماهای شفاف برای نفوذپذیری بصری در محیط‌هایی که واجد این شرایط می‌باشند - افزایش ورودی‌ها و مسیرهای تردد و دسترسی - کف‌سازی مناسب و قابلیت تردد برای پیاده و سواره به واسطه استفاده از پله‌ها و سطوح شیبدار، عرض مناسب معبر و مسیر
وضوح و خوانایی محیط	- ایجاد نشانه‌های شهری خاص و شاخص - طراحی ساختمان‌های مجزا و با تراکم فضایی کم - پرهیز از استفاده گسترده از فضاهای سرپوشیده - پرهیز از ایجاد بناهای یکسان و یکدست و فارغ از تباین و تفاوت - تقسیم‌بندی کوچکتر فضاها و ایجاد نقاط تمرکز در آن‌ها

ادامه‌ی جدول ۱-۲. معیارهای کالبدی سازنده فضاهای شهری سرزنده و انسانی- تدوین: نگارنده

معیارهای کالبدی	ویژگی‌های سازنده
ترکیب (کمپوزیسیون) و وحدت	- ترکیب ساده و شطرنجی مبتنی بر خطوط افقی و عمودی در روزنه‌ها و بازشوهای جداره‌های احاطه‌کننده فضا - توجه به جزئیات در طراحی هم‌سو و در ارتباط با کل فضا - تقسیمات داخلی متقارن و مبتنی بر محورهای افقی و عمودی در داخل درب‌ها و پنجره‌ها - ایجاد استحکام بصری در نماسازی از طریق بکارگیری پنجره‌هایی متناسب و متوازن در کل سطح جداره‌ها - ترکیب نمای بناها در تقاطع دو خیابان مجاور و ایجاد ارتباط بصری پیوسته میان آن‌ها - ایجاد ارتباط و مجاورت مناسب میان جداره‌های محصورکننده یک فضا از طریق رابطه‌ای مطلوب از نظر ترکیب رنگ و مصالح، پیوستگی در خطوط نماسازی، تناسبات روزنه‌ها و بازشوها - ایجاد تعادل با استفاده از قرار گرفتن پنجره‌ها و بازشوها به طور برابر در دو سوی نما - ایجاد یگانگی و تقویت محور مرکزی در نماهای احاطه‌کننده‌ی فضا
انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی بودن فضا	- طراحی و ایجاد فرم‌های محرک و چند ظرفیتی - پرهیز از مبلمان گسترده فضا و مکان‌یابی مناسب مبلمان‌ها در فضاهای شهری - در نظر گرفتن ابعاد و وسعتی متناسب با عملکرد فضا
مصالح مناسب	- کف‌سازی مناسب میدان از طریق مصالح، جنس و رنگ مناسب - استفاده از مصالح غیرلغزنده، صاف و ... در کف‌سازی‌ها - بهره‌گیری از مصالح منعکس‌کننده نور در فضاهای شهری که امکان دریافت مستقیم و تابش خورشید در آن‌ها به دلایل مختلف وجود ندارد

فصل ۳: مطالعات تطبیقی و تحلیل نمونه‌های موردی

۳-۱ مقدمه

در طراحی و ایجاد فضاهای شهری عوامل و محدودیت‌های بسیاری دخیل می‌باشند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی، بستر جغرافیایی و اقلیمی، وضعیت اقتصادی و تکنولوژی ساخت اشاره کرد که به عنوان وجه تمایز فضاهای شهری از یکدیگر شناخته می‌شوند. با این وجود به سبب ثابت بودن بسیاری از خصلت‌ها و نیازهای انسان، ویژگی‌های مشترک بسیاری در این فضاهای باز عمومی و در حوزه‌ی معماری کوچک مقیاس دیده می‌شود. این اصول و معیارهای کالبدی شکل‌دهنده به این فضاهای باز شهری، در هر عصر و مکانی متناسب با ویژگی‌های آن دوره و بستر جغرافیایی نمود پیدا کرده است.

در این فصل تعدادی فضاهای شهری کوچک مقیاس از سراسر جهان و پهنه‌های جغرافیایی بررسی و تحلیل خواهند شد. نمونه‌های انتخاب شده انواع مختلفی از محیط‌های باز و عمومی در مقیاس کوچک همچون یک کوچه و مسیر تردد تا میدانگاه و مجاورت همسایگی را شامل می‌شوند تا به این صورت یک بررسی همه جانبه و جامعی صورت گیرد. در انتخاب محیط‌ها و فضاهای شهری سعی بر آن بود تا مجموعه‌ای حاصل گردد که بتواند خود را به عنوان نمونه‌ای از فضاهای باز شهری موجود که از پراکندگی و گستردگی نسبتاً مناسبی از سرتاسر جهان برخوردار بوده و دارای مؤلفه‌ها و شاخصه‌های سازنده‌ی محیط‌های شهری سرزنده و انسانی می‌باشد معرفی نماید. برای رسیدن به این مقصود دامنه‌ی پژوهش به تمامی قاره‌ها و اکثر کشورهای جهان گسترش پیدا کرد. از جمله‌ی این فضاها می‌توان به معبری در شهر چونگ‌کینگ کشور چین، فضایی باز در شهر نیویورک آمریکا، کوچه‌ای در شهر دمشق سوریه، میدانگاهی در شهر لیسبون پرتغال، فضای باز عمومی در شهر طنجه کشور مراکش و برخی دیگر از آن‌ها اشاره کرد.

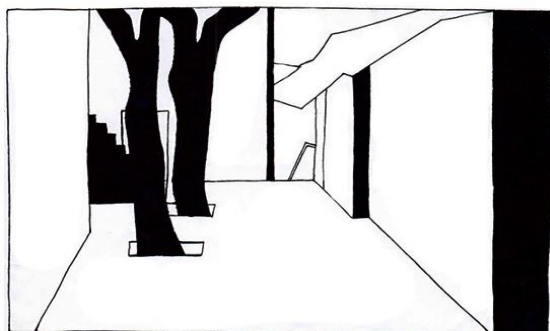
به طور کلی هدف از این کار علاوه بر شناخت بیشتر سایر محیط‌ها و فضاهای باز عمومی و سرزنده، سنجش دوباره‌ی معیارهای کالبدی بدست آمده از مطالعات پایه در فصل گذشته می‌باشد. از این طریق، کارکرد و نقش هریک از این مؤلفه‌ها در فضاهای باز شهری مشخص می‌گردد.

۲-۳ تحلیل و بررسی نمونه‌موردی‌ها

۱-۲-۳ شهر چونگ کینگ، کشور چین

این فضا که در یکی از نواحی قدیمی شهر چونگ کینگ و بر روی بستری ناهموار قرار گرفته است، به صورت یک مکان تلفیقی، از فضاهای حرکتی و مکث ایفای نقش می‌نماید. (تصویر ۳-۱) با این وجود به سبب عرض و وسعت کم و همچنین خطی بودن محیط، بیشتر حس حرکت و پویایی را در مخاطب القا می‌کند. از سویی دیگر وجود تنها یک مسیر ارتباطی و با عرض کم و همچنین قرار داشتن موانع طبیعی و مصنوعی، همچون درختان و سکوهای نشستن در آن درکنار نبود رمپ و مسیرهای شیب‌دار، سبب گردیده دسترسی به این محیط صرفاً به صورت پیاده میسر باشد. افزون‌براین، به واسطه‌ی دارا بودن نسبت ارتفاع به عرض مناسب و همچنین بهره‌گیری از انواع عناصر محصور کننده محیط همچون درختان و مصالح بنایی و رعایت سادگی در طراحی جداره‌های آن، موجب برخورداری این فضا از میزان محصوریتی مناسب و با مقیاس انسانی می‌باشد. (تصویر ۳-۲)

ایجاد توالی فضایی و طراحی سکانس‌های مختلف برای این محیط که به واسطه‌ی استفاده از انواع عناصر محصور کننده‌ی طبیعی و مصنوعی و تغییر در مقیاس فضا به سبب عقب‌نشینی و شکستگی در برخی جداره‌ها و



تصویر ۳-۲. عناصر سازنده‌ی مقیاس انسانی
مأخذ: نگارنده



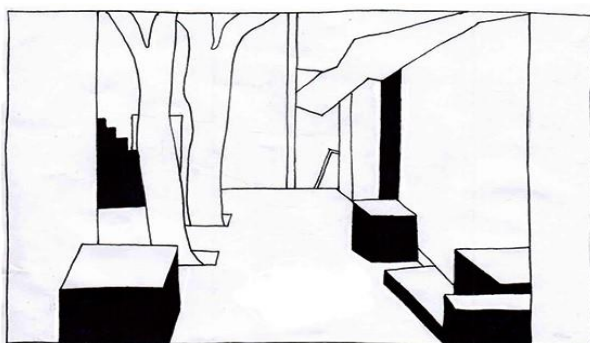
تصویر ۳-۱. کوچه‌ای در شهر چونگ کینگ
مأخذ: ozinchina.com

^۱ پیش‌آمدگی ایجاد شده در سقف بنای مجاور فضا، وجود سکوها و عناصر نشستن، استفاده از درختان با پوشش و سقفی محدود همراه با ارتفاع کم بازشوها و پنجره‌های رو به این فضا سبب تقویت و نزدیک شدن هرچه بیشتر این محیط به سمت مقیاسی انسانی تر گردیده است.

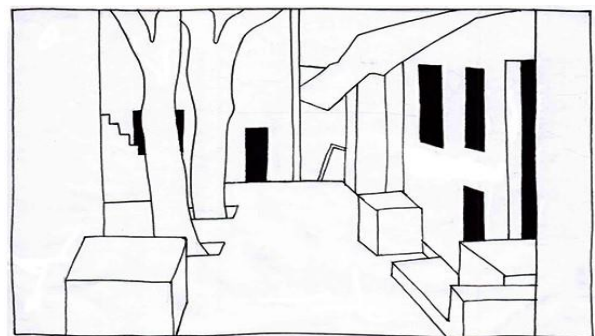
قسمت‌های آن و همچنین ایجاد اختلاف سطح نسبت به سایر فضاهای مجاور خویش شکل گرفته است باعث به وجود آمدن محیطی متباین و غیریکنواخت گردیده است. از سویی دیگر همین تغییر سطوح در کنار ایجاد پیچ‌ها و انحنا در مسیرهای منتهی به این فضا سبب ایجاد سلسله مراتب دسترسی و تعریف مناسب‌تر حریم و قلمروی آن می‌باشد. مقیاس کوچک فضا، پرهیز از استفاده‌ی گسترده از فضاهای سرپوشیده در کنار تراکم ساختمانی کم و همچنین تباین شکل گرفته در فضا موجب خوانایی و نفوذپذیری بصری هرچه بیشتر آن شده است.

در این محیط به سبب استفاده از یک الگوی هماهنگ و مستطیل شکل در بازشوها و روزنه‌ها و همچنین وجود تناسبات نزدیک میان ابعاد و اندازه‌های آن‌ها، در کنار سکوهایی با فرم و شکل یکسان سبب ایجاد یک هم‌پیوندی و ارتباط نسبتاً مناسب میان عناصر و واحدهای سازنده این فضا گردیده است. (تصویر ۳-۳) با این وجود استفاده از مصالح نامتناسب و نامطلوب و همچنین نبود فرم و تقسیمات داخلی هماهنگ و یکپارچه در جداره‌های اطراف، موجب تضعیف ترکیب و وحدت بدنه‌های پیرامون محیط می‌باشد.

از سویی دیگر، طراحی و ایجاد فرم‌های محرک و تفسیرپذیر همچون سکوها و پله‌ها و عدم مبلمان گسترده‌تر محیط همراه با کف‌سازی مناسب و غیرلغزنده آن موجبات انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن این فضا را فراهم آورده است. (تصویر ۴-۳)



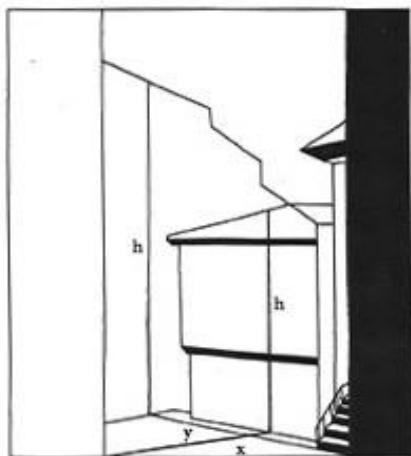
تصویر ۴-۳. عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر در فضا - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۳. هماهنگی و تناسبات بازشوها - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۲ شهر لیسبون، کشور پرتغال

این فضا به عنوان یک مجاورت همسایگی با عملکرد مسکونی در محله‌ی آلفاما از شهر لیسبون و بر روی بستری ناهموار و شیب‌دار واقع گردیده است. (تصویر ۳-۵) دسترسی به این محیط توسط دو معبر و مسیر مجزا، با عرض کم و به صورت پلکانی امکان‌پذیر است که همین امر سبب گشته تردد به آن صرفاً به صورت پیاده مسیر باشد. دارا بودن نسبت مطلوب میان جداره‌های محصور کننده و سطح محیط و رعایت سادگی در طراحی آن‌ها در کنار عرض کم و نامتد مسیرهای منتهی به این فضا سبب شکل‌گیری میزان محصوریتی مناسب و با قابلیت ایستایی شده است. افزون‌براین، ارتفاع کم بناها و ساختمان‌های پیرامون و استفاده از برخی اجزاء و عناصر طبیعی و مصنوعی در آن موجب شکل‌گیری محیطی با مقیاس و تناسبات انسانی می‌باشد. (تصویر ۳-۶) تغییر در شکل بدنه‌ها و ایجاد عقب‌نشینی در آن‌ها به خصوص در طبقات همکف، تغییر در نوع فضا و ارتباط چند معبر و کوچه‌ی باریک و پویا به آن، استفاده از ترکیب رنگ و مصالح متنوع و همچنین ایجاد اختلاف سطح



تصویر ۳-۶. تناسبات فضا^۲ - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۵. مرکز همسایگی، شهر لیسبون
مأخذ: www.pinterest.com

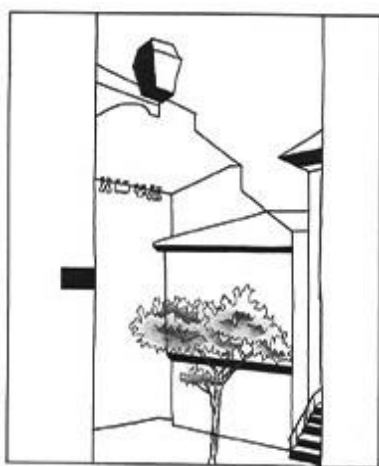
^۱ وسعت و عرض مناسب برای حرکت و توقف افراد در آن همراه با وجود برخی اجزاء و عناصر معماری همچون چراغ روشنایی و پلاکی که با ارتفاع مناسب به دیوار متصل گردیده‌اند و همچنین درختان و عناصر سبز تعبیه شده در محیط سبب شکل‌گیری محیطی با مقیاس و تناسبات انسانی گردیده است.

^۲ به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۱:۲ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت ایستایی و پایداری می‌باشد. $\frac{h}{y} = \frac{h}{x} \sim \frac{1}{2}$

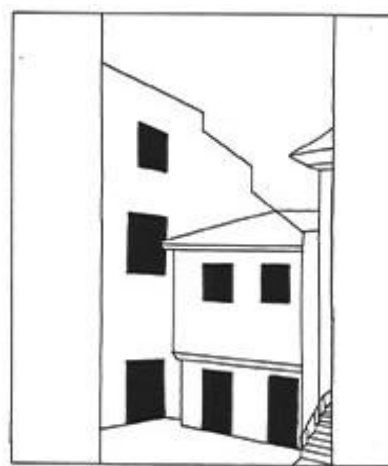
در این فضا علاوه بر شکل‌گیری محیطی متباین و غیریکنواخت سبب ایجاد یک سلسله مراتب دسترسی و تفکیک حریم و قلمروی آن از سایر فضاهای مجاور می‌گردد.

به واسطه‌ی بکارگیری اصول مشترک معماری در طراحی بناها و جداره‌های این فضا و همچنین وجود فرم‌های مربع و مستطیل شکل در درب‌ها و پنجره‌ها و تناسبات نزدیک میان ابعاد و اندازه‌های آن‌ها، همراه با ترکیب مصالح به کار رفته در این محیط، یک هم‌پیوندی و هماهنگی مطلوبی میان اجزاء و عناصر سازنده آن برقرار می‌باشد. همچنین بکارگیری ترکیب ساده و شطرنجی در طراحی بازشوهای جداره‌ها (تصویر ۳-۷) و رعایت تناسبات بصری و ایجاد تعادل در طراحی نماها از طریق بکارگیری متناسب روزه‌ها و پنجره‌ها و توجه به جزئیات در طراحی هر بخش هم‌سو با کل مجموعه مانند تقسیمات داخلی مربع شکل همراه با عقب‌نشینی و ترکیب رنگ و مصالح هماهنگ آن‌ها سبب شکل‌گیری ترکیب و وحدتی مطلوب در سطح محیط گردیده است.

مقیاس کوچک و تراکم کم ساختمان‌ها و بناهای موجود در این محیط، عدم پوشش و مسقف نمودن گسترده آن و همچنین تباین شکل گرفته در این فضا سبب ایجاد وضوح و خوانایی هرچه بیشتر در آن می‌باشد. علاوه بر این وجود فرم‌های محرک و تفسیرپذیر مانند پله‌ها و شکستگی‌ها همراه با استفاده از مصالح مطلوب و غیرلغزنده و با ترکیب رنگ مناسب زمینه‌ی انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن محیط را فراهم آورده است. (تصویر ۳-۸)



تصویر ۳-۸. عوامل ایجاد خوانایی و انعطاف‌پذیری در فضا - مأخذ: نگارنده

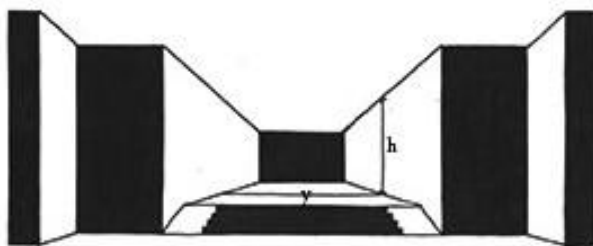


تصویر ۳-۷. ترکیب ساده و شطرنجی بازشوها و روزه‌ها - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۳ شهر نیویورک، کشور آمریکا

به واسطه‌ی قرارگیری این فضا در مجاورت یک خیابان اصلی و با تراکم رفت و آمد نسبتاً زیاد و همچنین شرایط عملکردی خود مجموعه که سبب جذب بیشتر افراد می‌گردد، دارای یک موقعیت منحصر به فرد و خاصی نسبت به سایر بناهای پیرامون خویش می‌باشد. (تصویر ۳-۹) لذا با استفاده از ایجاد شکستگی در جداره‌ها و عقب‌نشینی نسبت به معبر اصلی، سبب شکل‌گیری یک پیش ورودی و جلوگیری از هرگونه تداخل و ازدحام در تردد افراد، همراه با ایجاد دعوت‌کنندگی به آن گردیده است که همین ارتباط و طراحی متناسب با شرایط زمینه و محیط قرارگیری موجب تقویت هماهنگی و هم‌پیوندی میان اجزاء و عناصر سازنده این فضا و محیط پیرامون می‌گردد.

احاطه‌ی این فضا توسط ساختمان‌هایی نسبتاً مرتفع موجب شکل‌گیری محیطی محصور و با مقیاسی نامطلوب و نامتوازن را فراهم آورده است. با این وجود، طراحی جداره‌هایی با ارتفاع کمتر که با استفاده از اختلاف مصالح و رنگ از بدنه‌های مجاور خویش تفکیک گشته در کنار بهره‌گیری از عناصر طبیعی و درختان که سبب ایجاد پوشش و سقفی محدودتر گردیده‌اند، این فضا را به سمت شکل‌گیری مقیاسی انسانی‌تر و ملموس سوق می‌دهند. علاوه‌براین، دارا بودن نسبت ۱:۲ میان جداره‌های محصور کننده و سطح آن که سبب ایجاد محیطی ایستا گشته، (تصویر ۳-۱۰) در کنار استفاده از انواع عناصر محصور کننده طبیعی همچون درختان و گل‌های



تصویر ۳-۱۰. تناسبات میدان^۱ - مأخذ: نگارنده



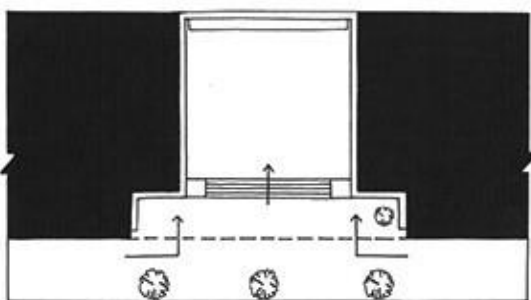
تصویر ۳-۹. فضای باز شهری واقع در
شهر نیویورک - مأخذ: shuhang.bitcron.com

^۱ $\frac{h}{y} \sim \frac{1}{2}$ به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۱:۲ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت ایستایی و پایداری می‌باشد.

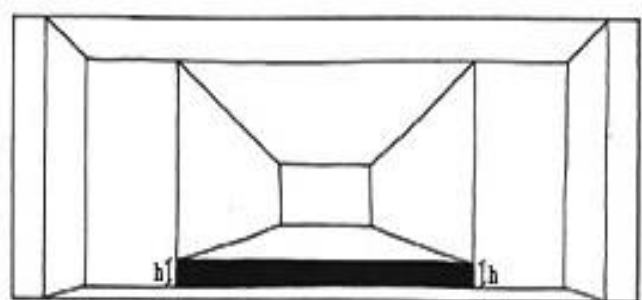
پیچک و رونده و همچنین وجود تناسبات مطلوب میان طول و عرض محیط و ایجاد تراکم مناسب برای حرکت و استفاده افراد، به افزایش و ارتقاء این امر - و تشکیل مقیاس انسانی تر - افزوده است.

به سبب ایجاد مقیاس‌های مختلف برای فضا که ناشی از تغییر در شکل بدنه‌ها و ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در آن‌ها می‌باشد و همچنین استفاده از ترکیب رنگ و مصالح متفاوت از جداره‌های خویش همراه با استفاده از عناصر محصور کننده طبیعی و مصنوعی موجبات شکل‌گیری محیطی متباین و غیریکنواخت را فراهم نموده است.

ایجاد اختلاف ارتفاع نسبت به خیابان (تصویر ۳-۱۱) و همچنین پیش‌ورودی به وجود آمده که ناشی از شکستگی در جداره‌ها و عقب‌نشینی آن‌ها از معبر اصلی می‌باشد به همراه ردیف درختان مقابل این فضا، سبب تفکیک قلمرو و حفظ حریم آن و همچنین ایجاد سلسله مراتب دسترسی به این فضا گردیده است. (تصویر ۳-۱۲) مقیاس کوچک فضا و ایجاد یک ورودی شفاف و همچنین بکارگیری چند مسیر تردد برای معلولین و سایر افراد افزون‌بر خوانایی موجب نفوذپذیری فضا نیز می‌باشد. علاوه بر این، پرهیز از مبلمان گسترده فضا و استفاده از صندلی‌های متحرک و غیر ثابت در کنار کیفیت مناسب مصالح و تناسب آن با فضا موجب انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن محیط نیز می‌گردد.



تصویر ۳-۱۲. ایجاد دعوت‌کنندگی و سلسله مراتب دسترسی نسبت به فضا - مأخذ: نگارنده



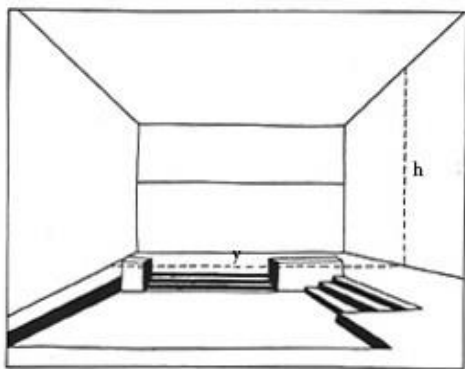
تصویر ۳-۱۱. ایجاد اختلاف سطح نسبت به محیط مجاور ۱- مأخذ: نگارنده

^۱ اختلاف سطح ایجاد شده در این محیط موجب تفکیک حریم و قلمروی آن نسبت به معبر و مسیر مجاور خویش می‌باشد.

۳-۲-۴ شهر فیلادلفیا، کشور آمریکا

این محیط به عنوان فضایی برای گذران اوقات فراغت و برپایی دوره‌می‌های دوستانه و خانوادگی در مجاورت یک خیابان اصلی و در شهر فیلادلفیا قرار گرفته است. (تصویر ۳-۱۳)

احاطه‌ی این فضا توسط بناهایی مرتفع که در مجاورت آن احداث گشته‌اند سبب شکل‌گیری محیطی نامطلوب و نامتوازن گردیده است. اما وجود جداره‌هایی با مصالح مختلف و با ارتفاعی کمتر همراه با استفاده از درختان و عناصر طبیعی که با ایجاد پوشش و سقفی محدود باعث تعدیل این امر می‌باشند، سبب سوق این فضا به سمت مقیاسی انسانی‌تر گردیده‌اند. علاوه‌براین، از دیگر عواملی که موجب تقویت این ویژگی می‌باشند می‌توان به استفاده از جداره‌هایی ساده و بی‌آلایش و همچنین وجود نسبتی نزدیک به ۱:۲ میان عناصر محصور کننده و سطح آن اشاره کرد که موجبات شکل‌گیری محیطی ایستا و با قابلیت مکث و توقف را فراهم آورده است. (تصویر ۳-۱۴ و ۳-۱۵) همچنین استفاده از انواع عناصر محصور کننده محیط مانند دیوارها و درختان، ایجاد اختلاف سطح و شکستگی در کف فضا ناشی از احداث حوضچه و المان‌های آب‌نما و همچنین ترکیب رنگ‌های مختلف در آن سبب شکل‌گیری فضایی متباین و غیریکنواخت می‌گردد. افزون‌براین شکستگی ایجاد شده در کف محیط و خطوط پله‌های آن سبب تقسیم متناسب آن و مانع از ایجاد فضایی گسترده و وسیع شده است.



تصویر ۳-۱۴. تناسبات فضا - مأخذ: نگارنده



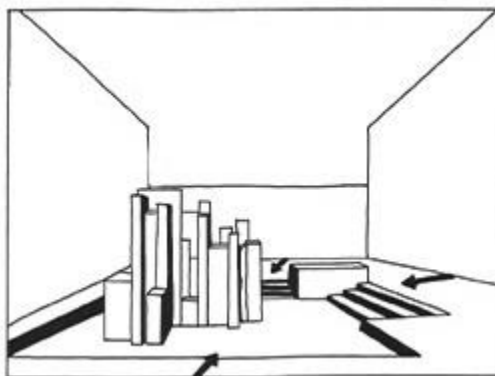
تصویر ۳-۱۳. فضای باز شهری، فیلادلفیا
مأخذ: www.reddit.com

^۱ $\frac{h}{y} \sim \frac{1}{2}$ به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۱:۲ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت سکون و ایستایی می‌باشد.

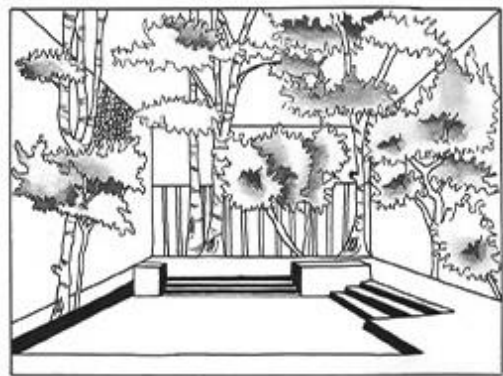
طراحی سلسله مراتب دسترسی از خیابان به محوطه‌ی این فضا و ایجاد اختلاف سطح نسبت به آن و همچنین تفکیک قلمروها با استفاده از تقسیمات معماری و شکستگی در بدنه‌ها و محوطه‌ی آن سبب ایجاد حریم و تفکیک قلمروی این فضا می‌شود.

این فضا به واسطه‌ی هم‌پیوندی و هماهنگی که میان اجزاء و عناصر آن برقرار است دارای یک نظام و کل هماهنگ و یکپارچه می‌باشد. علت این امر را می‌توان رابطه‌ی مطلوب میان تناسبات و اجزاء و اشکال آن، همانند المان‌های آب‌نما، خطوط پله‌ها و همچنین ترکیب رنگ محیط و مصالح دانست. علاوه‌براین، آب‌نمای میانه‌ی فضا به عنوان نقطه‌ی کانونی آن نیز ایفای نقش نموده و مطرح می‌باشد. (تصویر ۳-۱۶)

عدم مبلمان گسترده فضا و همچنین استفاده از فرم‌های چند ظرفیتی و عناصر ثانویه نشستن همچون پله‌های اطراف آب‌نما و لبه‌های باغچه‌ها سبب چند ظرفیتی شدن و تفسیرپذیری این فضا گردیده است. از دیگر ویژگی‌های کالبدی این محیط می‌توان به مقیاس کوچک آن، بکارگیری عناصر شفاف در ورودی محوطه – که موجب وضوح و خوانایی و همچنین نفوذپذیری آن گردیده است – همراه با استفاده از مصالح مناسب به لحاظ کیفیت و متناسب با شرایط مجموعه اشاره کرد.



تصویر ۳-۱۶. المان‌های آب‌نما به عنوان نقطه‌ی تمرکز فضا - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۱۵. عوامل پدیدآورنده محصوریت و پوشش فضا^۱ - مأخذ: نگارنده

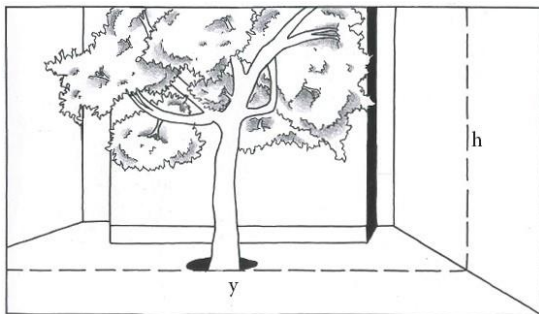
^۱ علاوه‌بر جداره‌ها و دیوارهای صلب، درختان موجود در این محیط با ایجاد یک پوشش و سقفی محدودتر و همچنین احاطه‌ی بیشتر فضا موجب تقویت میزان محصوریت آن و شکل‌گیری مقیاسی انسانی‌تر گردیده‌اند.

۳-۲-۵ شهر استکهلم، کشور سوئد

این میدان به عنوان فضایی جهت تجمع افراد و دیدارهای دوستانه و خانوادگی و در میان بافتی مسکونی و بر روی بستری با شیب ملایم و آرام در شهر استکهلم واقع گردیده است. البته به سبب وجود موقعیت قرارگیری این فضا که در میان دو خیابان و معبر شریانی فرعی و در مجاورت کافه‌ای کوچک واقع گردیده است پذیرای سایر افراد از نقاط دیگر شهر نیز می‌باشد. (تصویر ۳-۱۷)

به سبب احاطه‌ی پیرامون این فضا توسط ساختمان‌هایی نسبتاً مرتفع و همچنین ایجاد پوشش و سقفی محدود که ناشی از شاخ و برگ درخت موجود در مرکز آن می‌باشد محصوریتی مطلوب و مناسب در این میدان شکل گرفته است. (تصویر ۳-۱۸) طراحی و قرار دادن برخی عناصر طبیعی و مصنوعی همچون گلدان‌های اطراف درخت، گل‌های رونده و پیچک متصل به بدنه ساختمان‌ها، درخت موجود در مرکز فضا و همچنین چراغ‌های روشنایی، پرچم‌ها و سایه‌بان کرکره‌ای بالای پنجره‌های کافی‌شاپ در کنار عرض و وسعت مناسب معابر و مسیرهای تردد افراد، سبب خلق فضایی صمیمی و با مقیاس انسانی گردیده است. (تصویر ۳-۱۹)

طراحی و ایجاد سکانس‌های مختلف برای این فضا از طریق بکارگیری معابر و فضاهای خطی مرتبط به آن، استفاده از انواع عناصر محصور کننده فضا، همچون بدنه‌ای از ساختمان‌ها، درختان و گل‌های رونده و همچنین تغییر در مصالح و رنگ بناها و اجزاء سازنده‌ی آن موجب شکل‌گیری فضایی متباین و غیریکنواخت شده است.



تصویر ۳-۱۸. تناسبات فضا - مأخذ: نگارنده



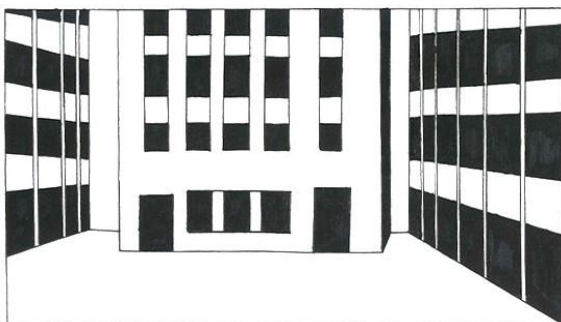
تصویر ۳-۱۷. فضای باز شهری در استکهلم
مأخذ: www.locationscout.net

۱. $\frac{h}{y} \sim \frac{2}{3}$ به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۲:۳ میان ارتفاع جداره‌ها به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت سکون و پایداری می‌باشد.

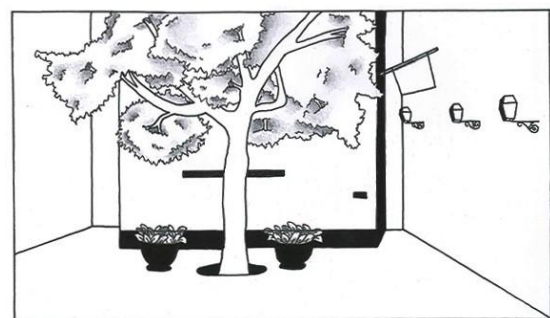
این فضا به واسطه‌ی وجود دو خیابان موازی در دو سوی آن، دچار انفصال در سطح بدنه‌های پیرامون خویش گردیده است که این امر نه تنها از سکون و پایداری آن کاسته بلکه موجب تضعیف حریم و قلمروی آن نیز می‌باشد. همچنین بجز پیچ در معابر منتهی به آن عامل مؤثر دیگری جهت پدید آمدن هرچند اندک سلسله مراتب دسترسی به این میدان وجود ندارد. از سویی دیگر همین مسیرهای تردد و دسترسی چندگانه در کنار بازشوها و روزنه‌های متعدد و پنجره‌های مستطیلی و کشیده‌ی بناهای اطراف و همچنین قرار گرفتن عنصر درخت موجود در مرکز فضا به عنوان یک نشانه شاخص شهری سبب ایجاد نفوذپذیری و افزایش وضوح و خوانایی این میدان می‌شود.

تعادل و استحکام بصری ایجاد شده در نمای جداره‌های پیرامون، که به واسطه‌ی طراحی و جایگذاری متوازن بازشوها در کل سطح آنها و همچنین استفاده از الگوی ساده و مستطیلی در آنها شکل گرفته است، در کنار ترکیب نمای فضاهای منتهی به این میدان با ساختمان‌های موجود در آن موجب خلق یک ترکیب و هم‌پیوندی مناسبی میان اجزاء و عناصر سازنده‌ی آن گردیده است. (تصویر ۳-۲۰)

پرهیز از بکارگیری مبلمان‌های ثابت و گسترده در فضا در کنار مصالح مطلوب و غیرلغزنده در آن سبب انعطاف و تفسیرپذیری آن گردیده است. البته نبود فرم‌های محرک و چند ظرفیتی مطلوب و متناسب با مقیاس و عملکرد فضا، از این امر کاسته است.



تصویر ۳-۲۰. تناسبات بصری جداره‌ها^۱ - مأخذ: نگارنده



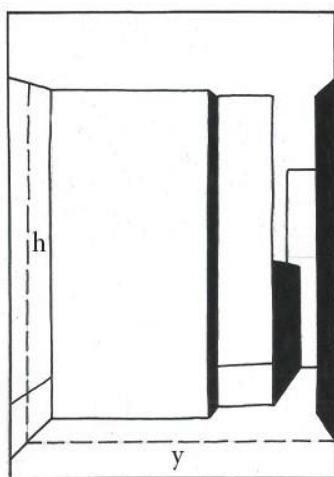
تصویر ۳-۱۹. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

^۱ ترکیب ساده و شطرنجی بازشوها و روزنه‌ها و همچنین استفاده از الگوی مستطیل شکل در آنها

۳-۲-۶ شهر اسیله، کشور مراکش

این فضا که در بافتی مسکونی و در شهر اسیله - کشور مراکش - قرار دارد به عنوان تلفیقی از فضاهای حرکتی و مکث ایفای نقش می‌نماید. دسترسی به آن از دو معبر و مسیر مجزا و با عرض کم امکان‌پذیر است که به سبب همین وسعت کم و همچنین وجود انحنا و شکستگی در طول آن‌ها صرفاً بصورت پیاده می‌توان به آن تردد نمود. (تصویر ۳-۲۱)

پیرامون این مکان را بدنه‌هایی از ساختمان‌های مسکونی و با نسبت ارتفاع به سطح نزدیک به ۱:۱ احاطه کرده، که همین امر سبب شکل‌گیری فضایی با خاصیت پویایی و حرکت در آن می‌شود. (تصویر ۳-۲۲) با این وجود انحنا و پیچ‌های معابر و شکستگی در جداره‌های آن تا اندازه‌ای از پویایی فضا کاسته است، همچنین استفاده از انواع عناصر مصنوعی و طبیعی جهت احاطه‌ی این فضا همچون بدنه‌ای از ساختمان‌ها و پوششی از گیاهان رونده، موجب محصوریت و ارتقاء کیفیت آن می‌باشد. تغییر در نوع و مقیاس محیط که ناشی از وجود فضاهای خطی و معابر منتهی به آن می‌باشد و همچنین استفاده از انواع عناصر محصور کننده‌ی طبیعی و مصنوعی در کنار ترکیب رنگ‌های مختلف بکار رفته در آن سبب ایجاد محیطی متباین و غیریکنواخت می‌گردد.



تصویر ۳-۲۲. تناسبات فضا - مأخذ: نگارنده



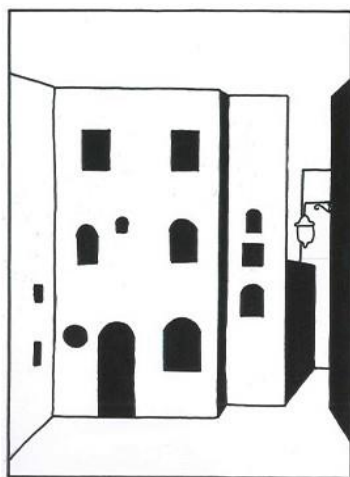
تصویر ۳-۲۱. مجاورت همسایگی در شهر اسیله
مأخذ: mytravelnotions.com

۱. $\frac{h}{y} \sim \frac{1}{1}$ وجود نسبتی نزدیک به ۱:۱ میان ارتفاع جداره‌ها به عرض معبر در این فضا

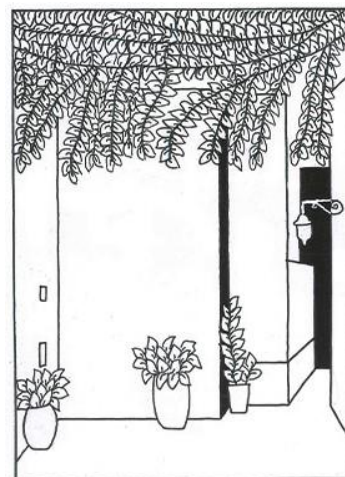
علاوه‌براین، گیاهان رونده متصل به بدنه‌ها، به مثابه یک ساباط عمل کرده و سبب شکل‌گیری یک مدخل و تفکیک حریم و قلمروی آن گردیده است. همچنین پیچ و انحنای شکل گرفته در گذر و معابر منتهی به آن نیز بر تقویت و ارتقای این امر و ایجاد یک سلسله مراتب دسترسی افزوده است. (تصویر ۳-۲۳)

ارتباط و امتداد نماها و جداره‌های داخل این فضا به بدنه‌ها و معابر منتهی به آن و همچنین ایجاد رابطه‌ی مطلوب میان اجزاء و اشکال روزنه‌ها و بازشوها همچون فرم و شکل نزدیک به هم و تقسیمات داخلی متقارن و متناسب آن‌ها در کنار پیوستگی خطوط نما و ترکیب ساده و شطرنجی پنجره‌ها و روزنه‌های آن موجبات شکل‌گیری یک هم‌پیوندی و کمپوزیسیون مطلوب و مناسب در آن را فراهم می‌نماید. (تصویر ۳-۲۴) البته وجود برخی اجزاء و عناصر صلب همچون حفاظ‌های آهنی پنجره‌ها و نرده‌های متصل به دیوارها تاندازه‌ای موجب تضعیف این امر شده است.

در طراحی نماهای این محیط از ترکیب رنگ‌های روشن و سفید بهره‌گیری شده است که سبب بازتاب نور و کاهش جذب آن می‌گردد، همچنین کف‌سازی آن نیز ساده و به صورت غیرلغزنده می‌باشد. علی‌رغم این موارد نبود فرم‌های محرک و چند ظرفیتی و همچنین استفاده زیاد از گلدان‌ها و مبلمان فضا، به وسیله آن‌ها سبب گردیده که از انعطاف و تفسیرپذیری این محیط کاسته شود.



تصویر ۳-۲۴. تناسبات بصری جداره‌ها
مأخذ: نگارنده

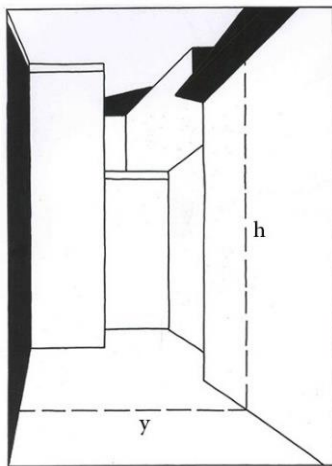


تصویر ۳-۲۳. عوامل سازنده حریم و سلسله
مراتب دسترسی در فضا - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۷ شهر دمشق، کشور سوریه

این فضا در بافتی مسکونی و به عنوان یک مجاورت همسایگی و همچنین حلقه‌ی واسط میان ساختمان‌های موجود در آن و خیابان اصلی ایفای نقش می‌نماید. دسترسی به آن از طریق یک معبر مسطح و البته باریک امکان‌پذیر می‌باشد و همین امر تردد اتومبیل‌ها و سایر وسایل نقلیه‌ی موتوری را محدود می‌نماید. (تصویر ۳-۲۵) به واسطه‌ی آنکه پیرامون این فضا را بناهایی با نسبتی نزدیک به ۲:۱ میان ارتفاع جداره‌ها به عرض معبر آن احاطه می‌کنند و همچنین خطی بودن آن، موجب شده که این فضای محصور دارای خصوصیت پویایی و حرکت باشد، با این وجود ایجاد شکستگی‌ها و عقب‌نشینی در برخی قسمت‌های آن سبب گردیده که تا اندازه‌ای از پویایی فضا کاسته و به سمت سکون متمایل گردد. (تصویر ۳-۲۶)

وجود گیاهان رونده و عناصر سبز و طبیعی موجود در برخی جداره‌های این محیط و همچنین تغییر در شکل بدنه‌ها و ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در آن‌ها در کنار بکارگیری ترکیب رنگ و مصالح متفاوت، سبب شکل‌گیری فضایی متباین و غیریکنواخت شده است. از سویی دیگر همین شکستگی‌ها و عقب‌نشینی بکار رفته در جداره‌ها سبب ایجاد یک سلسله مراتب دسترسی و حفظ حریم و قلمروی آن گردیده است.



تصویر ۳-۲۶. تناسبات فضا - مأخذ: نگارنده

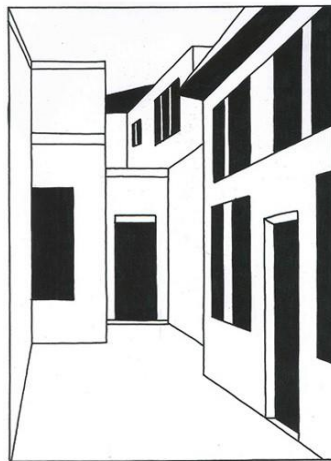


تصویر ۳-۲۵. مجاورت همسایگی، شهر دمشق
مأخذ: www.pinterest.com

۱. $\frac{h}{y} \sim \frac{2}{1}$ به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۲:۱ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت پویایی و حرکت می‌باشد که به واسطه‌ی ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در برخی جداره‌ها، پویایی آن تعدیل و تبدیل به سکون گردیده است.

طراحی نماها و بدنه‌هایی با پنجره‌ها و بازشوهایی متعدد و کشیده و همچنین مسیری هموار و بدون اختلاف سطح و مانع در کنار تباین و مقیاس کوچک فضا، موجب نفوذپذیری و افزایش وضوح و خوانایی آن می‌باشد. (تصویر ۳-۲۷)

ایجاد رابطه‌ی مطلوب میان اجزاء و اشکال روزنه‌ها و بازشوها همچون فرم ساده و مستطیل شکل و تناسبات نزدیک به هم و همچنین بکارگیری تقسیمات داخلی ساده و شطرنجی در آن‌ها در کنار پیوستگی خطوط نما و بازشوها - همچون جایگذاری درب‌ها و پنجره‌ها در یک امتداد و براساس محورهای افقی و عمودی - باعث ایجاد یک وحدت و ترکیب مناسب در نمای جداره‌های این فضا گردیده است. (تصویر ۳-۲۸) البته ترکیب رنگ مصالح نامناسب بکار رفته در آن و عدم تعادل و استحکام بصری در برخی بدنه‌ها به سبب عدم جایگذاری مناسب پنجره‌ها - و قرار گرفتن در یک سمت نما - موجب کاهش این هم‌پیوندی و ترکیب گردیده است. در این فضا به واسطه‌ی نبود فرم‌های محرک و تفسیرپذیر و همچنین وسعت کم و خطی بودن آن همراه با مصالح نامناسب بکار رفته در برخی سطوح بدنه‌های محیط، فاقد انعطاف‌پذیری و چندظرفیتی بودن می‌باشد.



تصویر ۳-۲۸. تناسبات بصری جداره‌ها^۱
مأخذ: نگارنده



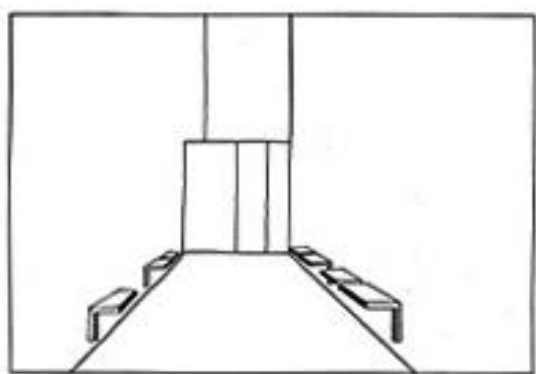
تصویر ۳-۲۷. عوامل سازنده وضوح و خوانایی فضا
مأخذ: نگارنده

^۱ استفاده از الگوی مستطیل شکل و تناسبات نزدیک به هم در بازشوهایی جداره‌ها

۳-۲-۸ شهر ملبورن، کشور استرالیا

این کوچه به عنوان فضایی حرکتی همراه با اجزاء و عناصری جهت توقف و مکث و فارغ از اغراق و پیچیدگی، یکی از چندین کوچه و فضای شهری در ملبورن است که علی‌رغم وسعت و عرض کم، از برخی ابعاد و ویژگی‌های سازنده‌ی فضاهای انسانی و سرزنده برخوردار می‌باشد که زمینه‌ی مناسبی را برای گذران اوقات فراغت و گپ و گفت‌های دوستانه فراهم آورده است. (تصویر ۳-۲۹) طرح این فضا به صورت خطی و باریک می‌باشد که توسط بدنه‌های نسبتاً مرتفع ساختمان‌های مجاور احاطه گردیده است و همین امر موجب محصوریت بیشتر آن و شکل‌گیری خصوصیت پویایی و حرکت در آن می‌باشد. (تصویر ۳-۳۰)

طراحی و ایجاد سکانس‌های مختلف برای این فضا که از طریق تغییر در شکل بدنه‌ها و ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در آن‌ها، استفاده از نقاشی‌ها و ترکیب رنگی پرتراکم و مختلف و همچنین ایجاد مانع و شکل دادن یک ورودی در انتهای آن شکل گرفته، سبب پدید آمدن محیطی متباین و تا اندازه‌ای متنوع گردیده است. از سویی دیگر حریم و قلمروی این فضا صرفاً به واسطه‌ی همین تباین شکل گرفته در محیط از سایر فضاهای مجاور خویش تفکیک شده است و فاقد هرگونه اجزاء و عناصر معماری تعریف کننده‌ی قلمرو و ایجاد سلسله مراتب دسترسی - همچون اختلاف سطح، پیچ و شکستگی در گذرها و معابر و همچنین ساباط و مدخل ورودی - می‌باشد.



تصویر ۳-۳۰. طرح خطی فضای شهری موجود، همراه با عناصر مکث - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۲۹. فضای شهری در ملبورن
مأخذ: www.qantas.com

این محیط دارای یک هماهنگی شکلی و هم‌پیوندی میان بناها و ساختمان‌های مجاور خویش می‌باشد که علت آن را می‌توان استفاده از فرم و تناسبات نزدیک به هم و مستطیل شکل در بازشوها و جداره‌های آن و پیوستگی در خطوط نماسازی همراه با طرح و نقاشی‌های ممتد و پیوسته در دو سوی این فضا دانست. (تصویر ۳-۳۱)

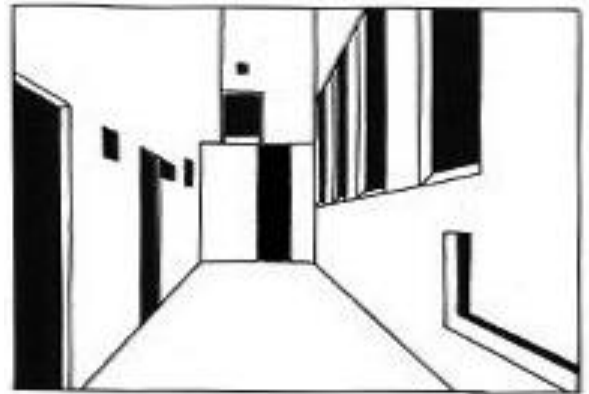
وجود یک مسیر دسترسی صاف و بدون مانع که تردد افراد به صورت پیاده و سواره را میسر می‌سازد در کنار ایجاد نماهای شفاف و طراحی پنجره‌های کشیده و متعدد در آن‌ها و همچنین تباین شکل گرفته در محیط نسبت به فضاهای مجاور موجب نفوذپذیری بیشتر و افزایش وضوح و خوانایی آن گردیده است. (تصویر ۳-۳۲)

استحکام بصری در جداره‌های احاطه‌کننده‌ی فضا از طریق بکارگیری پنجره‌ها و بازشوهایی با ابعاد و فاصله‌ی متناسب و همچنین تقسیمات داخلی شطرنجی مبتنی بر خطوط افقی و عمودی در آن‌ها در کنار توجه به جزئیات و استفاده از بافت و مصالح آجری و یکسان در کل بدنه‌های آن سبب شکل‌گیری ترکیب و وحدتی مطلوب و مناسب در این فضا می‌شود.

پرهیز از مبلمان گسترده فضا و مکان‌یابی مطلوب آن در کنار تفسیرپذیر بودن سکوهایی تعبیه شده در آن همراه با استفاده از مصالح مناسب و غیرلغزنده موجب انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن این فضا می‌باشد.



تصویر ۳-۳۲. عوامل سازنده وضوح و خوانایی و مقیاس انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

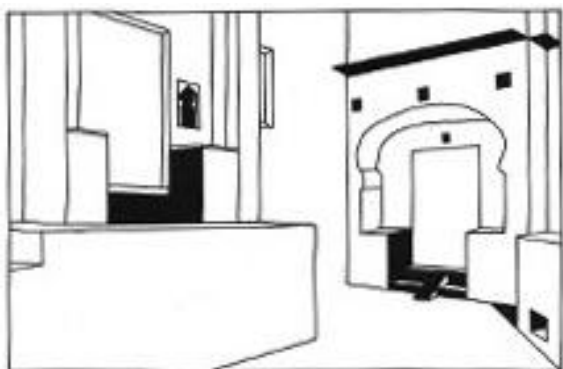


تصویر ۳-۳۱. استفاده از تناسبات یکسان و نزدیک به هم در بازشوها و روزنه‌ها - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۹ شهر جوداپور، کشور هند

این فضا در بافتی مسکونی و در یکی از مناطق اصیل و واجد ارزش شهر جوداپور قرار دارد که دسترسی به آن توسط یک معبر و مسیر هموار و با عرض مناسب امکان پذیر می باشد. (تصویر ۳-۳۳) به سبب آنکه پیرامون این فضا را بناهایی با ارتفاع مناسب احاطه کرده اند، لذا از میزان محصوریت مطلوب و قابل ملاحظه ای برخوردار می باشد. از سویی دیگر به سبب شکستگی در جداره ها و عقب نشینی آن ها و همچنین عدم خطی و یکنواخت بودن آن، لذا دارای ویژگی ایستایی و مکث نیز می باشد.

وجود برخی اجزاء و عناصر سازنده ی محیط همچون سکوها ی پیرنشین، طاقچه ی دیواری، اختلاف سطوح ایجاد شده و همچنین پیش آمدگی های بناهای پیرامون این فضا در کنار عرض و تراکم مناسب برای حرکت افراد پیاده در آن موجب شکل گیری مقیاسی انسانی در آن گردیده است. (تصویر ۳-۳۴) علاوه بر این، همین شکستگی در جداره ها و عقب نشینی آن ها نسبت به معبر اصلی در کنار فرم و تزئینات متفاوتی که در برخی از قسمت های آن همچون پیرنشین و طاقچه های دیواری بکار رفته موجب جلوگیری از یکنواختی و یکدستی محیط می شود. به واسطه ی بکارگیری اصول مشترک معماری سنتی و بومی و ایجاد رابطه ی مطلوب میان ابعاد و اندازه ی اجزاء و همچنین فرم و اشکال بناهای مجاور آن - همچون تناسبات ورودی ها و استفاده از فرم مستطیلی (تصویر ۳-۳۵) و با ابعاد انسانی، ایجاد عقب نشینی و طراحی پیرنشین در آن ها در کنار پیوستگی در خطوط



تصویر ۳-۳۴. عوامل سازنده ی مقیاس انسانی
در فضا - مأخذ: نگارنده

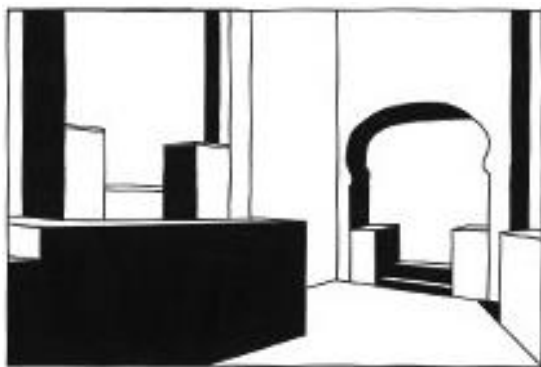


تصویر ۳-۳۳. فضای شهری واقع در جوداپور
مأخذ: www.tripsavvy.com

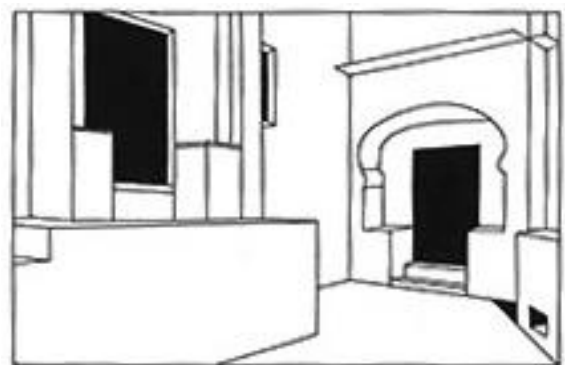
نماسازی بدنه‌ها و همچنین ترکیب رنگ و مصالح نزدیک به هم و یکسان - موجب شکل‌گیری یک هم‌پیوندی مطلوب و مناسب میان واحدها و عناصر سازنده‌ی آن می‌باشد.

رعایت سلسله مراتب دسترسی و حفظ حریم در این فضا، به عنوان یک مجموعه‌ی منسجم و کلی صورت نگرفته است، اما هر کدام از بناهای مجاور آن دارای یک سلسله مراتب دسترسی از عمومی به خصوصی نسبت به معبر مجاور خود هستند که علت آن، ایجاد اختلاف سطح و شکستگی در جداری خویش می‌باشد. علاوه بر این، مقیاس کوچک فضا و بکارگیری بازشوها و روزنه‌های متعدد در جداره‌های احاطه‌کننده‌ی آن در کنار پرهیز از استفاده‌ی گسترده از فضاهای سرپوشیده و همچنین وجود یک مسیر و معبر هموار و بدون مانع موجبات نفوذپذیری و خوانایی آن را فراهم آورده است.

اختلاف سطح ایجاد شده در کنار شکستگی‌ها و عقب‌نشینی‌ها و همچنین سکوها‌ی پیرنشین، به عنوان فرم‌های محرک و تفسیرپذیر ایفای نقش می‌نمایند که علاوه بر نشستن جهت عملکردهای دیگری همچون قرار دادن اشیاء و اجناس برای فروش بکار رفته و سبب پدید آمدن یک فضای انعطاف‌پذیر و چند ظرفیتی گردیده است. (تصویر ۳-۳۶) استفاده از مصالح مناسب و با رنگ روشن - که سبب بازتاب نور و کاهش جذب آن می‌گردد - و همچنین کف‌سازی غیرلغزنده و صاف از دیگر ویژگی‌های آن می‌باشد که به سبب عدم نگهداری مناسب، برخی قسمت‌های آن تخریب شده است.



تصویر ۳-۳۶. سکوها و اختلاف سطوح به عنوان عناصر تفسیرپذیر - مأخذ: نگارنده



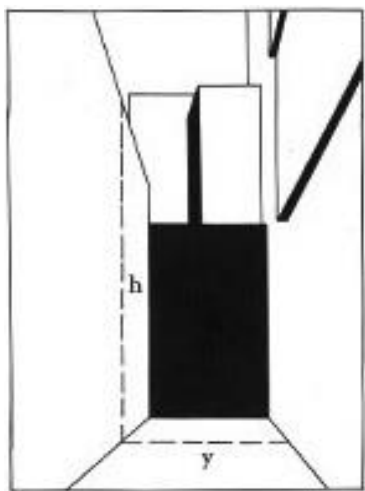
تصویر ۳-۳۵. فرم و تناسبات نزدیک به هم و مستطیل شکل بازشوها و روزنه‌ها - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۱۰ شهر اسیله، کشور مراکش

این فضا که کوچه‌ای بن‌بست و در شهر اسیله از کشور مراکش می‌باشد، به عنوان حلقه‌ی واسط میان فضای درون بناها و معبر اصلی جهت دیدارهای دوستانه و توقف‌های کوتاه مدت ایفای نقش می‌نماید. (تصویر ۳-۳۷)

این محیط دارای یک مسیر دسترسی هموار و بدون مانع و اختلاف سطح است که توسط جداره‌هایی با ارتفاع نسبتاً زیاد نسبت به عرض آن احاطه شده و همین امر سبب گردیده که از میزان محصوریت مناسب و با خصوصیت پویایی و حرکت برخوردار باشد. (تصویر ۳-۳۸)

دارا بودن تقارن در جداره‌های مقابل این فضا، عقب‌نشینی برخی بدنه‌های احاطه‌کننده‌ی فوقانی و وجود شکستگی و پیش‌آمدگی در آن همراه با پنجره‌هایی با ارتفاع و عرض مناسب و استفاده از ترکیب رنگ آبی در قسمت‌های پایینی، سبب شکل‌گیری مقیاسی انسانی در این فضا گردیده است. (تصویر ۳-۳۹) از دیگر مواردی که موجب تقویت این امر گشته است می‌توان به وجود درخت نخل، گلدان‌ها، گیاهان رونده و تخته‌های متصل به بدنه‌ی دیوار که با یک ریتم و فاصله‌ای یکسان در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند، اشاره کرد. از سویی دیگر وجود



تصویر ۳-۳۸. تناسبات فضا- مأخذ: نگارنده



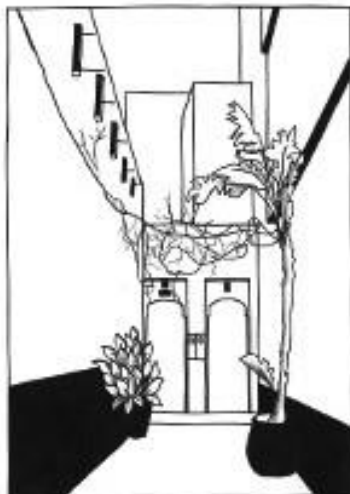
تصویر ۳-۳۷. مجاورت مسکونی در شهر اسیله
مأخذ: mytravelnotions.com

^۱ $\frac{h}{y} \sim \frac{2}{1}$ به سبب وجود نسبتی بیش از ۲:۱ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت پویایی و حرکت می‌باشد. اما به سبب بن‌بست بودن آن و عقب‌نشینی برخی جداره‌های محاط‌کننده، تا اندازه‌ای پویایی آن تعدیل و به سکون مبدل گردیده است.

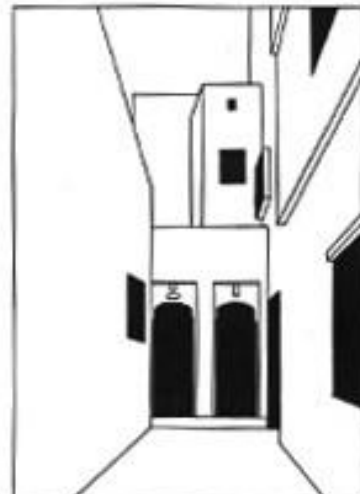
همین عناصر سازنده مقیاس انسانی در این فضا باعث ایجاد تباین و غیریکنواختی و همچنین تفکیک حریم و قلمروی آن نسبت به سایر فضاهای مجاور خویش نیز می‌باشد.

استفاده از اصول معماری بومی و متناسب با شرایط جغرافیایی این منطقه و آفریقا و همچنین رابطه‌ی مطلوبی که میان شکل و ابعاد و اندازه‌ی بازشوها برقرار است همچون فرم مستطیلی و تناسبات نزدیک به هم درب‌ها و پنجره‌ها و ترکیب رنگ و مصالح بکار رفته در عناصر و واحدهای مسکونی سازنده‌ی این محیط، موجب شکل‌گیری یک ترکیب و هم‌پیوندی مناسبی میان آن‌ها گردیده است. علاوه‌براین، بکارگیری درب‌هایی متناسب، متوازن و متقارن در جداره‌ی مقابل این فضا نیز زمینه‌ی شکل‌گیری و تقویت استحکام و تعادل بصری در آن را فراهم نموده است. (تصویر ۳-۴۰)

مقیاس کوچک فضا و بازشوها و پنجره‌های متعدد و رو به آن همراه با وجود یک مسیر و معبر هموار و بدون مانع و همچنین تباین شکل‌گرفته در این محیط، موجب نفوذپذیری و افزایش خوانایی آن گردیده است. به واسطه‌ی عدم مبلمان گسترده‌ی فضا و همچنین بهره‌گیری از کف‌سازی غیرلغزنده و صاف در آن، تا اندازه‌ای منجر به انعطاف‌پذیری این محیط گردیده است. ولی وسعت کم و خطی بودن آن همراه با نبود فرم‌های محرک و چند ظرفیتی - همچون پله‌ها، پایه ستون‌ها، سکوها و - موجب تضعیف این امر در فضا می‌باشد.



تصویر ۳-۴۰. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

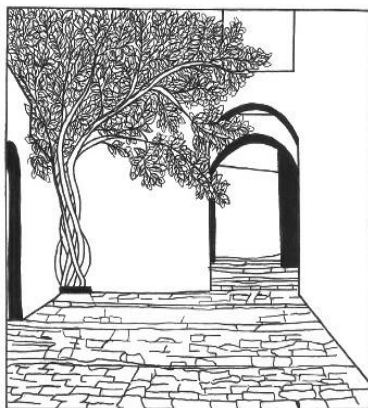


تصویر ۳-۳۹. تناسبات و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۱۱ شهر تونس، کشور تونس

این فضا که در بافتی مسکونی و در شهر تونس قرار دارد، (تصویر ۳-۴۱) در مجاورت یک معبر و مسیر دسترسی فرعی و ناهموار قرار دارد که به سبب عرض کم آن، تردد به این محیط بیشتر به صورت پیاده امکان‌پذیر می‌باشد. به واسطه‌ی احاطه‌ی این فضا توسط جداره‌هایی ساده و فارغ از اغراق و پیچیدگی‌های بی‌مورد و همچنین وجود نسبتی بیش از ۲ به ۱ میان ارتفاع به عرض آن، محصوریتی مطلوب و متناسب و با خصوصیت پویایی و حرکت در آن شکل گرفته است. علی‌رغم این موضوع طرح مستطیل شکل فضا در کنار عرض کم معبر و شکستگی‌های ایجاد شده در برخی جداره‌های آن، به میزان قابل توجهی از پویایی آن کاسته و زمینه‌ی شکل‌گیری فضایی جهت مکث و توقف‌های کوتاه مدت را مهیا نموده است. (تصویر ۳-۴۲)

وجود اجزاء و عناصر مصنوعی و طبیعی در این فضا همچون طاق‌های بالای معابر، شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌ها و بدنه‌ی ساختمان‌ها، پلاک‌های متصل به نماها و همچنین درختچه‌ی گل کاشته شده در یک زاویه‌ی آن، در کنار عرض کم و تراکم مناسب جهت حرکت افراد، موجب شکل‌گیری مقیاس و تناسبات انسانی در این محیط گردیده است. (تصویر ۳-۴۳) از سویی دیگر به واسطه‌ی وجود همین عوامل سازنده‌ی مقیاس انسانی که در مطالب قبل بیان گردید و استفاده از ترکیب رنگ‌های متنوع در اجزاء سازنده‌ی این فضا و تلفیق فضاهای مکث و خطی در آن، محیطی متباین و در عین حال خوانا را پدید آورده است.



تصویر ۳-۴۲. ترکیب فضای حرکتی و مکث
مأخذ: نگارنده

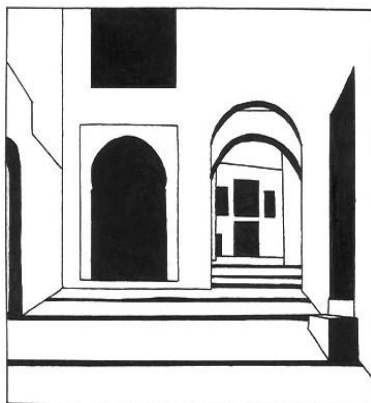


تصویر ۳-۴۱. مجاورت همسایگی در شهر تونس
مأخذ: www.pinterest.com

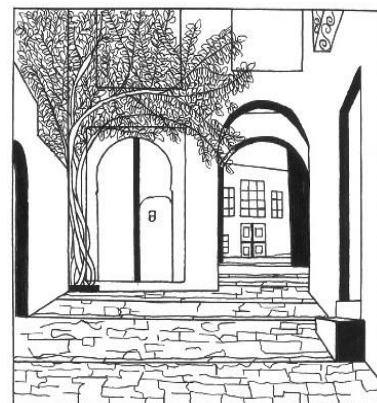
علاوه بر این، بکارگیری عناصر تعریف کننده قلمرو همچون طاق‌های بالای معابر که به عنوان یک مدخل و ورودی تعریف شده ایفای نقش می‌نمایند در کنار عقب‌نشینی در برخی جداره‌های آن و همچنین تباین میان این محیط با فضاهای پیرامون خویش، موجب ایجاد سلسله مراتب دسترسی و تفکیک حریم و قلمروی آن گردیده است.

در این فضا به سبب ایجاد رابطه‌ی مطلوب میان تناسبات اجزاء و اشکال روزنه‌ها، همچون فرم و ابعاد و اندازه‌ی مشابه و نزدیک به هم درب‌ها و معبر ورودی (تصویر ۳-۴۴) و استفاده از مصالح و ترکیب رنگی مشابه در جداره‌ها و بازشوها - همچون رنگ سفید در بدنه‌ها در ترکیب رنگ آبی درب‌ها و بازشوها یک هم‌پیوندی و ترکیب مناسبی میان واحدهای مسکونی و عناصر سازنده‌ی آن شکل گرفته است. از دیگر مواردی که موجبات تقویت این امر را فراهم آورده است نیز می‌توان به ایجاد ارتباط بصری پیوسته میان بدنه‌های احاطه کننده‌ی این فضا و جداره‌های منتهی به آن و همچنین شکل‌گیری تعادل و استحکام بصری در آن‌ها از طریق جایگذاری متوازن و متناسب بازشوها در بدنه‌ها اشاره کرد.

پرهیز از بکارگیری مبلمان‌های ثابت و گسترده در فضا و همچنین وجود برخی عناصر تفسیرپذیر همچون اختلاف سطوح، پله‌ها و شکستگی جداره‌ها در کنار استفاده از مصالح مطلوب و کف‌سازی غیرلغزنده در آن‌ها را می‌توان به عنوان عواملی جهت انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن این فضا به شمار آورد.



تصویر ۳-۴۴. فرم و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها
مأخذ: نگارنده



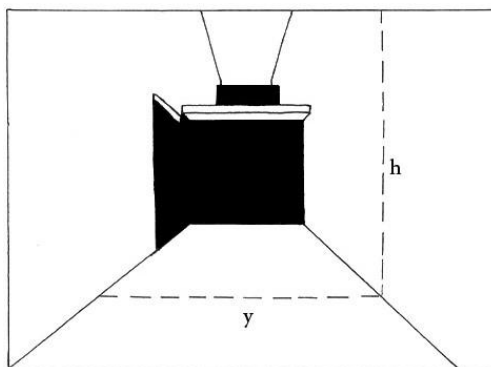
تصویر ۳-۴۳. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
مأخذ: نگارنده

۳-۲-۱۲ شهر ملبورن، کشور استرالیا

این فضا که به عنوان مکانی جهت گردهمایی‌های دوستانه و گذران اوقات فراغت ایفای نقش می‌نماید، بر روی بستری هموار و میان جداره‌هایی از ساختمان‌های مرتفع در شهر ملبورن قرار دارد. (تصویر ۳-۴۵) دسترسی به آن توسط معبری فاقد مانع و با عرضی کم که مناسب تردد افراد پیاده می‌باشد امکان‌پذیر است. علاوه بر این، به واسطه‌ی احاطه‌ی این فضا توسط بناهایی با ارتفاع نسبتاً زیاد و همچنین وسعت و عرض کم آن، موجب شکل‌گیری محصوریتی با میزان مناسب و با خصوصیت پویایی و حرکت در آن گردیده است. (تصویر ۳-۴۶)

به سبب وجود گیاهان و عناصر طبیعی در این فضا و همچنین طرح و نقاشی ترسیم شده روی جداره‌ی آن در کنار عقب‌نشینی و پیش‌آمدگی در آن‌ها، به میزان قابل توجهی باعث نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر این فضا به سمت مقیاسی انسانی می‌شود. از دیگر مواردی که موجب تقویت این امر می‌باشد، می‌توان به عرض و تراکم مناسب حرکت افراد و همچنین گلدان‌ها و کفش‌های آویزان و معلق در فضا اشاره کرد. (تصویر ۳-۴۷)

طراحی و ایجاد سکانس‌های مختلف برای فضا از طریق استفاده از انواع عناصر محصور کننده‌ی طبیعی و مصنوعی همچون دیواره‌ی ساختمان‌ها و بکارگیری گل‌های رونده و درختچه‌ها، تغییر در شکل بدنه‌ها و ایجاد



تصویر ۳-۴۶. تناسبات فضا^۱ - مأخذ: نگارنده



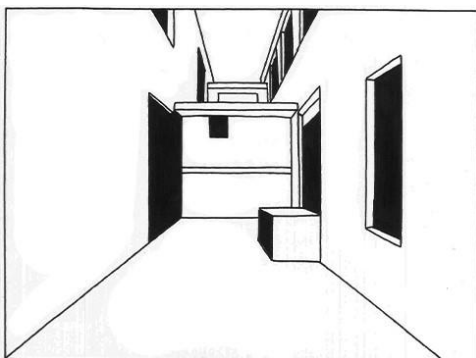
تصویر ۳-۴۵. میدانگاهی در شهر ملبورن
مأخذ: mytravelnotions.com

^۱ $\frac{h}{y} > \frac{2}{1}$ به سبب وجود نسبتی بیش از ۲:۱ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت پویایی و حرکت می‌باشد. اما به سبب بن‌بست بودن آن و عقب‌نشینی برخی جداره‌های محاط‌کننده، تا اندازه‌ای پویایی آن تعدیل و به سکون مبدل گردیده است.

عقب‌نشینی و پیش‌آمدگی در آن‌ها، استفاده از ترکیب مصالح و رنگ متفاوت در آن - همچون سطوح شیشه‌ای، آجری و چوبی با رنگ‌های تیره و روشن - همراه با اختلاف سطوح ایجاد شده، موجب شکل‌گیری یک محیطی متباین و غیریکنواخت گردیده است. علاوه‌براین، همین تباین شکل‌گرفته در محیط درکنار استفاده از لبه‌های سبز و اختلاف ترازهای ایجاد شده در آن موجب تفکیک حریم و قلمروی آن از سایر فضاهای مجاور خویش می‌گردد.

ایجاد رابطه‌ی مطلوب و مناسب میان اجزاء سازنده‌ی این فضا همچون فرم و تناسبات مستطیلی و کشیده‌ی بازشوها، پیوستگی در خطوط نماسازی و جایگذاری ساده و متوالی پنجره‌ها و روزنه‌ها و همچنین ترکیب جداره‌ها و ایجاد ارتباط بصری پیوسته بین آن‌ها، موجب شکل‌گیری یک هم‌پیوندی و هماهنگی مناسب و مستحکم در آن می‌شود. (تصویر ۳-۴۸)

مقیاس کوچک فضا، نماها و جداره‌های شفاف و بازشوهایی متعدد به آن، وجود یک معبر و مسیر هموار و بدون مانع در کنار تباین شکل گرفته در محیط موجب نفوذپذیری و افزایش وضوح و خوانایی آن گردیده است. پرهیز از مبلمان گسترده فضا و مکان‌یابی مناسب آن، طراحی و ایجاد فرم‌های محرک و تفسیرپذیر مانند پله‌ها و اختلاف سطوح درکنار استفاده از مصالح مناسب و غیرلغزنده، موجبات انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن این فضا را فراهم نموده است.



شکل ۳-۴۸. فرم و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها
مأخذ: نگارنده

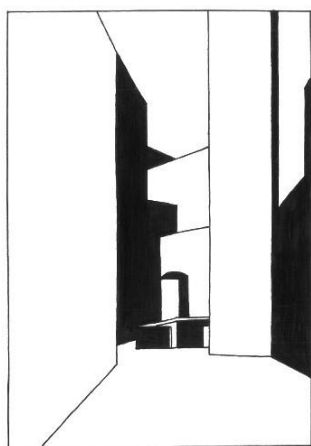


شکل ۳-۴۷. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
مأخذ: نگارنده

۳-۲-۱۳ شهر ونیز، کشور ایتالیا

این فضا که بیشتر به عنوان یک معبر و مسیر دسترسی شناخته می‌شود، در مجاورت یک بافت مسکونی و در شهر ونیز قرار دارد. طرح این فضا به صورت خطی و بر روی بستری هموار می‌باشد که همین امر موجب راحتی تردد به آن گردیده است ولی به سبب عرض کم و همچنین ویژگی‌های خاص جغرافیایی منطقه، دسترسی به این معبر عملاً به صورت پیاده امکان‌پذیر است. (تصویر ۳-۴۹)

به واسطه‌ی آنکه این فضا توسط جداره‌هایی با نسبت ارتفاع به عرض حدود ۲ به ۱ احاطه گشته و همچنین خطی و ممتد بودن آن، فضایی محصور و با قابلیت پویایی و حرکت پدید آمده است. (تصویر ۳-۵۰) ولی به سبب انفصال جداره‌ها در ابتدا و انتهای آن و همچنین عدم احاطه‌ی کامل این فضا توسط بدنه‌ی ساختمان‌های مجاور، تاندازه‌ای از میزان محصوریت آن کاسته شده است. علاوه‌براین، شکستگی و عقب‌نشینی ایجاد شده در برخی دیواره‌های بناهای اطراف، موجب پدید آمدن فضاهایی برای توقف و مکث‌های کوتاه مدت در آن شده است. تغییر در عناصر محصورکننده‌ی فضا و استفاده از گیاهان و دیواره‌ی ساختمان‌ها، شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌ها و ایجاد بالکن‌ها و اختلاف تراز در سطوح بناهای مجاور در کنار بکارگیری ترکیب رنگ و مصالح متنوع،



تصویر ۳-۵۰. طرح خطی فضای شهری
موجود، همراه با نقاط مکث - مأخذ: نگارنده



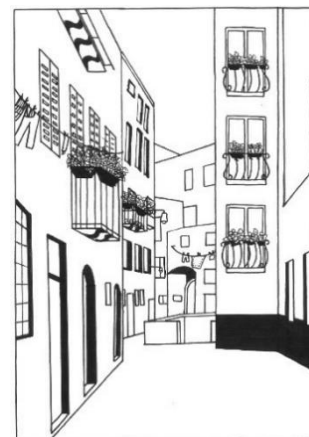
تصویر ۳-۴۹. معبر شهری در ونیز
مأخذ: www.bultannnews.com

موجب پدید آمدن محیطی متباین و غیریکنواخت گردیده است. (تصویر ۳-۵۱) از سویی دیگر، این فضا به صورت یک مجموعه کلی و منسجم فاقد عناصر تعریف‌کننده قلمرو و سلسله مراتب دسترسی می‌باشد، اما هر کدام از بناهای مجاور خویش به سبب عقب‌نشینی از معبر اصلی توانسته‌اند به میزان زیادی این سلسله مراتب دسترسی از عمومی به خصوصی را در فضای خویش ایجاد نمایند.

به واسطه‌ی وجود فرم مستطیلی و تناسبات نزدیک به هم و مشابه در بازشوها و روزنه‌ها، پیوستگی در خطوط نماسازی و همچنین ارتباط بصری پیوسته میان جداره‌ی بناهای این فضا با محیط‌های مجاور خویش در کنار مصالح متناسب با محیط و ترکیب رنگ روشن آن‌ها، موجب پدید آمدن یک هم‌پیوندی و هماهنگی مناسب و مطلوبی میان واحدهای مسکونی و عناصر سازنده‌ی آن می‌باشد. از سویی دیگر بکارگیری پنجره‌ها و بازشوهایی متوازن و با جایگذاری مناسب در آن‌ها همراه با تقسیمات داخلی ساده و مشابه در پنجره‌ها و درب‌ها، سبب ایجاد ترکیب و وحدتی مطلوب و پایدار در این محیط شده است. (تصویر ۳-۵۲) همچنین پرهیز از مبلمان گسترده فضا و طراحی و ایجاد فرم‌های محرکی همچون دست‌انداز و جان‌پناه‌های اطراف پله‌ها در کنار کف‌سازی ساده و غیرلغزنده محیط، موجب تفسیرپذیری و چندظرفیتی شدن این فضا گردیده است.



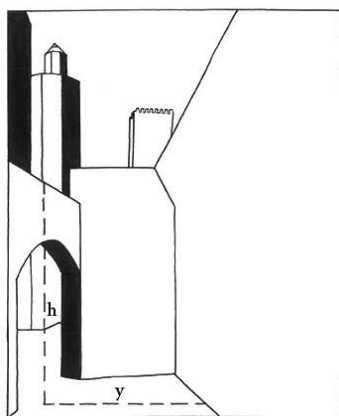
تصویر ۳-۵۲. فرم و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۵۱. عوامل سازنده تباین در فضا - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۱۴ شهر طنجه، کشور مراکش

این فضا به عنوان یک حلقه‌ی واسط میان بناهای واقع در آن و معبر اصلی می‌باشد که به صورت تلفیقی از فضاهای پویا و مکث جهت تردد و همچنین دیدارهای دوستانه و گپ و گفت‌های کوتاه ایفای نقش می‌نماید. (تصویر ۳-۵۳) به واسطه‌ی احاطه‌ی این فضا توسط جداره‌هایی ساده و فارغ از اغراق‌های بی‌مورد و همچنین وجود نسبتی نزدیک به ۱:۱ میان ارتفاع به عرض آن، محصوریتی با خصوصیت پویایی و حرکت در آن شکل گرفته است. (تصویر ۳-۵۴) از سوی دیگر عبور چندین معبر و مسیر دسترسی و تردد از آن موجب انفصال و گسستگی میان بدنه‌های پیرامون این فضا گردیده که همین امر تا اندازه‌ای موجب کاستن از میزان محصوریت آن شده است ولی به سبب وجود طاق‌های بالای معابر، این موضوع به میزان زیادی تعدیل گردیده است. عرض و تراکم مناسب جهت حرکت افراد و طراحی و ایجاد طاق‌هایی بالای معابر، - که موجب پیوستگی میان جداره‌ها و ایجاد یک پوشش و سقفی محدود برای آن می‌گردد - شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌ها، طرح و نقوش ترسیم شده بر روی بدنه‌ها و همچنین گیاهان و عناصر طبیعی موجود در فضا در کنار ارتفاع کم دیواره‌ها موجب شکل‌گیری فضایی با مقیاس و تناسبات انسانی در آن می‌شود. (تصویر ۳-۵۵)



تصویر ۳-۵۴. تناسبات فضا - مأخذ: نگارنده



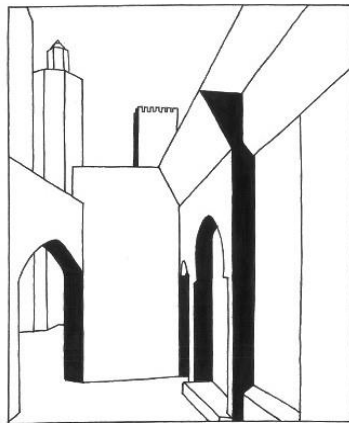
تصویر ۳-۵۳. فضای شهری واقع در شهر طنجه
مأخذ: mytravelnotions.com

۱. به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۱:۱ میان ارتفاع به سطح میدان، این فضا دارای قابلیت پویایی و حرکت می‌باشد.

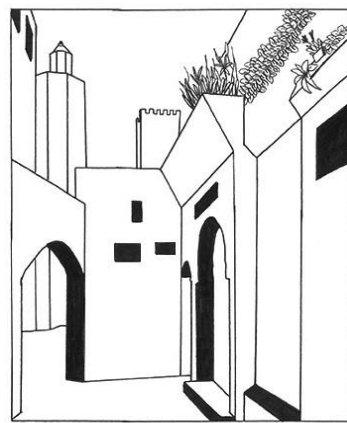
شکستگی و عقب‌نشینی‌های ایجاد شده در جداره‌ها و همچنین طرح‌ها و نقوش ترسیم شده بر روی آن‌ها در کنار تلفیق دو فضای مکث و حرکتی در آن و تزئینات بکار رفته در این فضا موجب پدید آمدن محیطی متباین و غیریکنواخت شده است. علاوه‌براین، به سبب طراحی و ایجاد طاق‌های بالای معابر و همچنین عقب‌نشینی جداره‌ها نسبت به معبر اصلی و تباین شکل‌گرفته در محیط، موجب پدید آمدن یک سلسله مراتب دسترسی و تفکیک حریم و قلمروی این فضا از محیط‌های مجاور خویش می‌باشد.

در این فضا به واسطه‌ی ترکیب نمای بناهای مجاور با جداره‌های موجود در آن و ایجاد ارتباط بصری پیوسته میان آن‌ها و همچنین رابطه‌ی مطلوب میان اجزاء و عناصر سازنده‌ی آن همچون فرم و تناسبات طاق‌های معابر و بازشوها (تصویر ۳-۵۶) و ترکیب رنگ و مصالح نزدیک به هم در کنار طراحی و ایجاد آن بر اساس اصول مشترک معماری و ارتباط با زمینه و محیط پیرامون، موجب شکل‌گیری یک هم‌پیوندی و هماهنگی مستحکم و پایدار میان واحدهای سازنده‌ی آن گردیده است.

اختلاف سطوح و شکستگی‌های موجود در جداره‌ها، وسعت و عرض مناسب محیط و همچنین مصالح با رنگ روشن و منعکس‌کننده در کنار کف‌سازی غیرلغزنده و صاف آن موجبات انعطاف‌پذیری و چندظرفیتی شدن این محیط را فراهم نموده است.



تصویر ۳-۵۶. فرم و شکل هماهنگ بازشوها و جداره‌ها - مأخذ: نگارنده



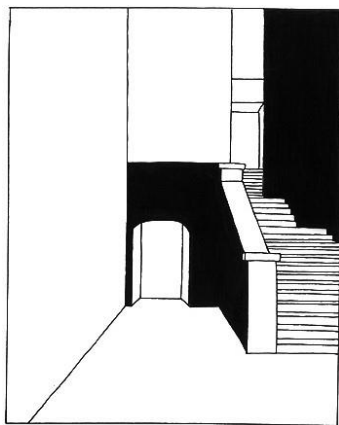
تصویر ۳-۵۵. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۱۵ شهر رم، کشور ایتالیا

این فضا به صورت یک مجاورتی از عملکردهای خدماتی و مسکونی و همچنین دارای قابلیت‌های پویایی و مکث می‌باشد که در شهر رم واقع گردیده است و با در اختیار گذاشتن تجارب حسی مختلف، مخاطب را به سوی خویش جذب می‌نماید. (تصویر ۳-۵۷)

به سبب آنکه این فضا میان جداره‌ای از ساختمان‌های نسبتاً مرتفع قرار گرفته است و همچنین عدم انفصال و گسستگی میان آن‌ها، موجب پدید آمدن محیطی با میزان محصوریت مطلوب و مناسب شده است. از سویی دیگر وجود پله‌ها و عناصر خطی موجود در این فضا در کنار محوطه‌ی باز جلوی موجب شکل‌گیری دو خصوصیت پویایی و مکث به صورت همزمان در این محیط می‌باشد.

تقسیم این فضای باز به دو بخش حرکتی و مکث و همچنین شکستگی در جداره‌ها و اختلاف ترازهای ایجاد شده در آن که موجب کاستن از ارتفاع جداره‌ها و شکل‌گیری محیطی جدید در داخل فضای قبلی می‌باشد. (تصویر ۳-۵۸) همچنین وجود عناصر مصنوعی و طبیعی همچون گلدان‌ها، گل‌های رونده، تابلوی مغازه و چراغ‌های متصل به بدنه‌ها که با ارتفاعی مناسب در این فضا نصب گردیده‌اند موجب شکل‌گیری مقیاس و تناسب انسانی در آن می‌شود. (تصویر ۳-۵۹)



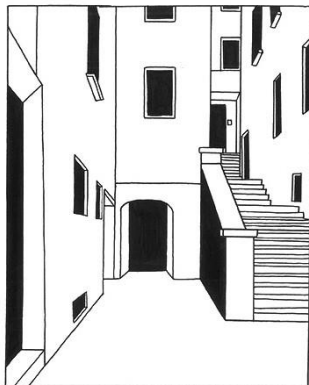
تصویر ۳-۵۸. ایجاد مقیاس کوچکتر در میان فضایی بزرگتر - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۵۷. فضای شهری واقع در رم
مأخذ: www.pinterest.it

عقب‌نشینی ایجاد شده در مقابل کافه و همچنین لبه‌های عملکردی که ناشی از تغییر سطوح و اختلاف تراز شکل گرفته در مجاورت آن می‌باشد در کنار گلدان‌ها و عناصر متحرک موجود در این فضا موجب تفکیک حریم و قلمروی آن و رعایت یک سلسله مراتب دسترسی به هر قسمت آن می‌گردد. ایجاد نماهای شفاف و بازشوهای متعدد به این فضا، تقسیم آن و ساخت محیط‌هایی با مقیاس کوچکتر در درون آن، پرهیز از استفاده‌ی گسترده از فضاهاى سرپوشیده و همچنین تباین^۱ شکل گرفته در محیط موجب نفوذپذیری و افزایش وضوح و خوانایی هر چه بیشتر آن می‌باشد.

ایجاد تعادل و استحکام بصری در نمای جداره‌های این فضا که از طریق بکارگیری متناسب و متوازن بازشوها حاصل گردیده در کنار تقسیمات داخلی مستطیل شکل آن‌ها موجب پدید آمدن یک ترکیب و وحدتی مطلوب و مناسب در این فضا شده است. (تصویر ۳-۶۰) البته استفاده از حفاظ‌ها و نرده‌های آهنی که در برخی از پنجره‌های آن بکار رفته به میزان اندکی از این وحدت و کمپوزیسیون کاسته است. همچنین، مکان‌یابی مناسب مبلمان متحرک موجود در این فضا و وجود فرم‌های تفسیرپذیری همچون پله‌ها و اختلاف سطوح مقابل بازشوها، در کنار مصالح مناسب و غیرلغزنده‌ی بکار رفته در آن موجب چند ظرفیتی شدن این فضا گردیده است.



تصویر ۳-۶۰. تناسبات و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۵۹. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

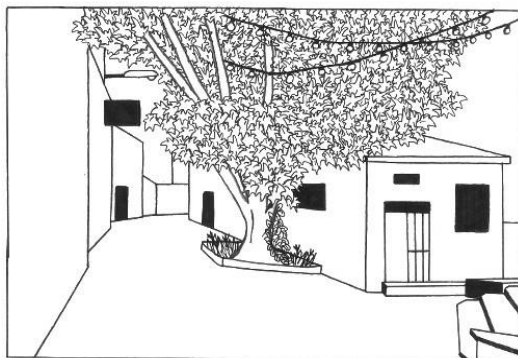
^۱ تغییر در مقیاس فضا و ایجاد محیط‌های کوچکتر در آن، تلفیق دو فضای حرکتی و مکث در این محیط، شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌ها و بدنه‌های محصورکننده و همچنین استفاده از گلدان‌ها و گل‌های رونده در کنار ترکیب رنگ و مصالح مختلف بکار رفته در آن، سبب ایجاد تباین فضایی و عدم یکنواختی در آن می‌باشد.

۳-۲-۱۶ شهر تهران، کشور ایران

این فضای باز به عنوان یک میدان کوچک شهری و متشکل از عملکردهای مسکونی، تجاری و مذهبی است که پذیرای طیف‌های متنوع مردم در تمام ساعات روز می‌باشد. (تصویر ۳-۶۱) همچنین به سبب عرض و تراکم نسبتاً مناسب معابر منتهی به این فضا، دسترسی به آن به هر دو صورت پیاده و سواره امکان‌پذیر است.

به واسطه‌ی آنکه این فضا در میان ساختمان‌هایی با ارتفاع مناسب قرار گرفته است و همچنین وسعت و عرضی که خود این میدان دارا می‌باشد در کنار عنصر درخت موجود در آن که سبب پوشش و احاطه‌ی بیشتر این فضا می‌شود، موجب پدید آمدن فضایی با میزان محصوریت مطلوب و متناسب در آن می‌باشد. علاوه‌براین، فرم و هندسه‌ی فضایی میدان و عقب‌نشینی بناهای پیرامون آن، موجب القای حس سکون و مکث در این فضا گردیده است.

ارتفاع کم جداره‌های پیرامون فضا، عناصر طبیعی و درخت موجود در آن، - که موجب پدید آمدن حصار و پوششی برای محیط شده است - پله‌ها و اختلاف سطوح بناها و همچنین ریشه‌های نصب شده در آن در کنار سقف شیروانی ساختمان‌ها، موجب شکل‌گیری یک مقیاس و تناسبات انسانی مناسبی در این میدان می‌باشد. (تصویر ۳-۶۲)



تصویر ۳-۶۲. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۶۱. فضای کوچک شهری در محله
جماران، تهران - مأخذ: www.tehrandarbast.ir

اختلاف ترازهای شکل گرفته در محیط، وجود انواع عناصر طبیعی و مصنوعی همچون درختان و گیاهان و دیواره‌ی ساختمان‌ها جهت احاطه‌ی فضا و استفاده از ترکیب رنگ و مصالح مختلف در این میدان سبب ایجاد محیطی متباین و غیریکنواخت گردیده است.

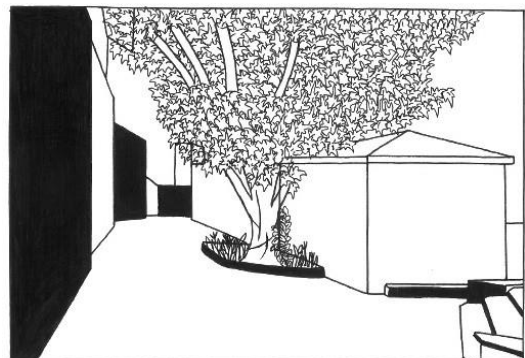
عنصر درخت موجود در این فضا با پوشش و شاخ و برگ خویش، یک ورودی تعریف شده برای آن شکل داده که تا اندازه‌ای سبب تفکیک حریم و قلمروی این میدان از فضاهای مجاور خویش می‌شود. علاوه بر این، پیچ‌ها و شکستگی‌های به وجود آمده در معابر منتهی به آن نیز موجب شکل‌گیری یک سلسله مراتب دسترسی برای این فضا شده است. (تصویر ۳-۶۳)

در این فضا به واسطه‌ی آنکه به بناها و اجزاء سازنده‌ی آن به صورت مستقل نگاه و توجه گردیده است و نه به صورت یک مجموعه‌ی منسجم و کلی و عدم توجه به جزئیات در طراحی، هم‌سو و در ارتباط با کل فضا، لذا شاهد عدم وجود هماهنگی و ترکیب مناسب میان بدنه‌ها و جداره‌های آن می‌باشیم.

عدم بکارگیری مبلمان‌های ثابت و گسترده در فضا در کنار وجود فرم‌های محرک و چند ظرفیتی همچون لبه‌های باغچه، اختلاف سطوح و پله‌های مقابل بناها و همچنین کف‌سازی غیرلغزنده و ترکیب مصالح و رنگ مناسب بکار رفته در آن موجب انعطاف و تفسیرپذیری این میدان گردیده است. (تصویر ۳-۶۴)



شکل ۳-۶۴. تفسیرپذیری و نفوذپذیری فضا
مأخذ: نگارنده

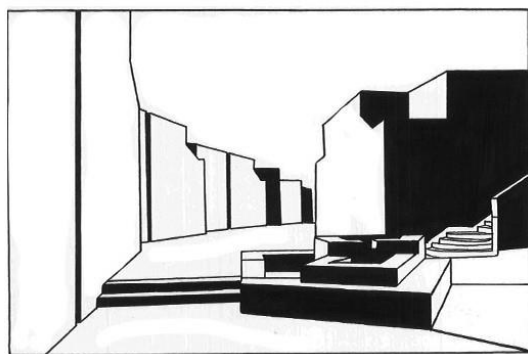


شکل ۳-۶۳. عوامل سازنده سلسله مراتب دسترسی در
فضا - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۱۷ شهر کیش، کشور ایران

این فضا که بصورت یک کوچه و مجاورت همسایگی و بر روی بستری ناهموار و با اختلاف ترازهای متعدد در شهر کیش قرار دارد (تصویر ۳-۶۵) به عنوان یک محیط تلفیقی از فضاهای حرکتی و مکث ایفای نقش می‌نماید.^۱ با این وجود به سبب خطی بودن و هندسه‌ی آن، بیشتر حس پویایی و حرکت را در مخاطب القا می‌کند. (تصویر ۳-۶۶) افزون‌براین، موضوع، دارا بودن نسبت ارتفاع به عرض مناسب و رعایت سادگی در طراحی جداره‌های آن موجب گردیده که این فضا از میزان محصوریت مطلوب و مناسبی نیز برخوردار باشد.

سایه‌بان و پیش‌آمدگی ایجاد شده در سقف بنای مجاور فضا، وجود باغچه‌ها و سکوه‌های اطراف آن و همچنین بازشوها و پنجره‌های متعدد و ایجاد نماهای شفاف رو به این فضا در کنار تقارن موجود در نمای بدنه‌های ساختمان‌های مجاور آن، سبب تقویت و نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر این محیط به سمت مقیاسی انسانی‌تر می‌شود. (تصویر ۳-۶۷)



تصویر ۳-۶۶. تلفیق فضای حرکتی و مکث
مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۶۵. مجاورت همسایگی، شهر کیش
مأخذ: www.caoi.ir

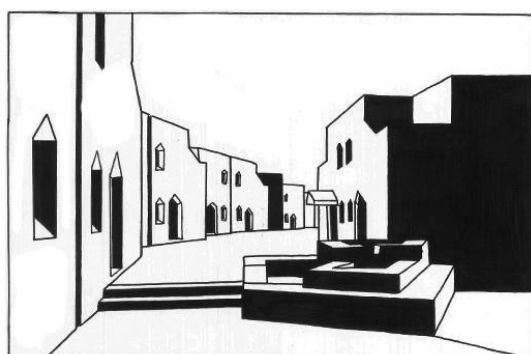
^۱ به سبب وجود تقارن در نمای جداره‌های پیرامون این فضا و همچنین استفاده از الگوی یکسان و مشابه در طراحی آن‌ها این محیط عملاً فاقد تباین و سکانس‌های مختلف فضایی می‌باشد ولی تغییر ایجاد شده در نوع فضا و ارتباط یک معبر خطی به محیطی با مقیاس بزرگتر که در میانه‌ی آن قرار دارد به میزان اندکی توانسته نوعی توالی فضایی در آن ایجاد و این محیط را از یکنواختی کامل خارج گرداند.

این فضا صرفاً به وسیله‌ی ایجاد اختلاف سطوح توانسته نوعی حریم و قلمرو برای خویش ایجاد نماید. همچنین عقب‌نشینی درب‌ها از معبر و مسیر تردد مجاور خود نیز موجب شکل‌گیری یک سلسله مراتب هرچند اندک برای بناهای پیرامون آن شده است.

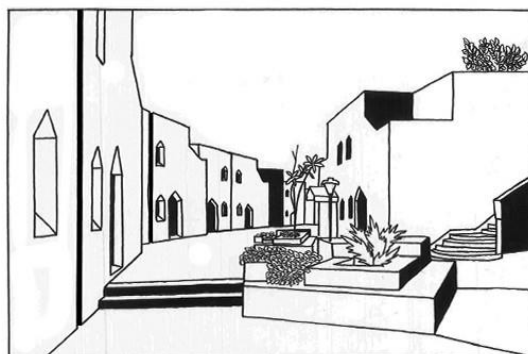
در این کوچه و معبر به واسطه‌ی ایجاد رابطه‌ی مطلوب میان اجزاء سازنده‌ی آن همچون فرم دوزنقه‌ای و تناسبات نزدیک به هم و مشابه بازشوها و روزنه‌ها، پیوستگی در خطوط نماسازی و جایگذاری متوازن و متقارن درب‌ها و پنجره‌ها، ترکیب رنگ و مصالح یکسان و نزدیک به هم، یک ترکیب و هم‌پیوندی مناسب و پایداری میان واحدهای مسکونی و عناصر سازنده‌ی آن شکل گرفته است. (تصویر ۳-۶۸) از دیگر عواملی که موجب تقویت این امر می‌باشد نیز می‌توان طراحی فضا براساس ارتباط با زمینه همچون عقب‌نشینی پنجره‌ها از جداره‌ی ساختمان‌ها به علت مسائل اقلیمی و تعدیل نور دریافتی اشاره کرد.

ایجاد نماهای شفاف و بازشوهای متعدد رو به این فضا، مسیرهای تردد دسترسی چندگانه و به صورت پلکانی و شیب‌دار در کنار طراحی ساختمان‌های مجزا و با تراکم کم و همچنین پرهیز از استفاده‌ی گسترده از فضاهای سرپوشیده سبب نفوذپذیری و خوانایی محیط گردیده است.

وجود فرم‌های محرک و تفسیرپذیر مانند پله‌ها و اختلاف سطوح و همچنین سکوه‌ای اطراف باغچه‌ها، همراه با استفاده از مصالح مطلوب و غیرلغزنده و با ترکیب رنگ مناسب موجب انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن محیط می‌شود.



تصویر ۳-۶۸. تناسبات و ترکیب بازشوها و روزنه‌ها
مأخذ: نگارنده



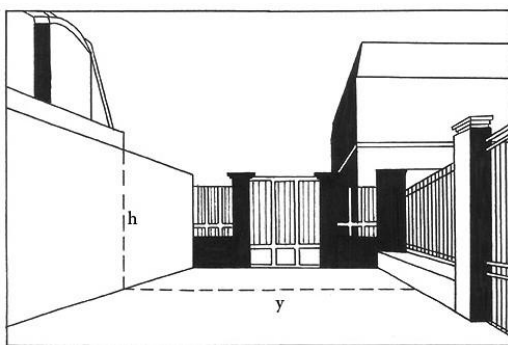
تصویر ۳-۶۷. عوامل سازنده مقیاس انسانی در فضا
مأخذ: نگارنده

۳-۲-۱۸ شهر پاریس، کشور فرانسه

این فضا به عنوان یک مجاورت همسایگی، تلاشی است برای خلق یک محیطی زیبا و در عین حال ساده و فارغ از الحاقات و پیچیدگی‌های بی‌مورد که به عنوان بستری جهت تقویت زندگی جمعی و روابط اجتماعی ایفای نقش می‌نماید. (تصویر ۳-۶۹) دسترسی به این محیط توسط یک مسیر هموار و سنگ فرش شده امکان‌پذیر می‌باشد که به سبب عرض و وسعت مناسبی که دارد، به هر دو صورت پیاده و سواره می‌توان به آن تردد نمود.

طرح کلی این فضا به شکل مستطیلی می‌باشد که توسط جداره‌هایی کوتاه و با نسبت ارتفاع به عرض نزدیک به ۱:۲ احاطه گردیده‌اند که خصوصیت ایستایی و مکث را در آن القا می‌کنند. (تصویر ۳-۷۰) علاوه بر این، استفاده از عناصر طبیعی همچون گلدان‌ها و درختچه‌های متصل به بدنه‌ها و همچنین وسعت مناسب و بکارگیری سنگ فرش‌های کوچک مقیاس در کف‌سازی محوطه در کنار ارتفاع کم و شفافیت حاصل شده در جداره‌ها که ناشی از قرار دادن نرده‌های محافظ به جای دیوار صلب می‌باشد سبب شکل‌گیری فضایی با ویژگی‌های انسانی گردیده است. (تصویر ۳-۷۱)

در این فضا به واسطه‌ی آنکه از دو نوع الگوی مختلف در طراحی واحدهای مسکونی و عناصر سازنده‌ی آن استفاده شده است لذا شاهد یک ترکیب و هم‌پیوندی قوی و مناسبی در مجموعه نمی‌باشیم. البته استفاده از



تصویر ۳-۷۰. تناسبات فضا - مأخذ: نگارنده



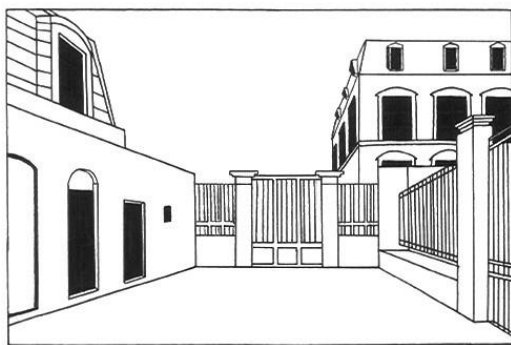
تصویر ۳-۶۹. مجاورت همسایگی در شهر پاریس
مأخذ: www.solosophie.com

۱ $\frac{h}{y} \sim \frac{1}{2}$ به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۱:۲ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت مکث و سکون می‌باشد.

جداره‌هایی شفاف که در یک سوی این فضا، توسط نرده و حفاظ‌ها ایجاد گردیده همراه با ارتفاع و تناسبات نزدیک به هم دیواره‌ها و پیوستگی و تراکم درختان و عناصر طبیعی، تا اندازه‌ای یک ارتباط و ترکیب حداقلی را در این فضا ایجاد کرده است. همچنین حریم و قلمروی این فضا صرفاً به واسطه‌ی تباین^۱ شکل گرفته نسبت به محیط‌های مجاور خویش تفکیک گردیده است و به سبب عدم استفاده از عناصر تعریف کننده قلمرو، سلسله مراتب دسترسی به این فضا تا اندازه‌ای ضعیف می‌باشد.

این مجاورت همسایگی در حکم نقطه‌ی کانونی برای بناهای پیرامون خویش می‌باشد که بازشوهای متعددی رو به آن قرار گرفته است. همچنین جداره‌های شفاف بناهای احاطه کننده و عدم پوشش و مسقف بودن این فضا موجب نفوذپذیری و خوانایی هرچه بیشتر محیط شده است. (تصویر ۳-۷۲)

همان‌طور که اشاره شد، جهت نفوذپذیری و خوانایی محیط از جداره‌های شفاف با نرده‌های محافظ استفاده گردیده است و همین امر باعث ایجاد شکستگی و اختلاف سطح در آن‌ها می‌باشد که به عنوان عناصری جهت نشست و قرار دادن اشیاء کاربرد دارد. علاوه‌براین، عدم استفاده از مبلمان‌های ثابت و گسترده در آن و بهره‌گیری از مصالح غیرلغزنده و متناسب جهت شکل‌گیری سنگ فرش فضا، موجب تفسیرپذیری و چند ظرفیتی شدن آن گردیده است.



تصویر ۳-۷۲. نفوذپذیری محیط - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۷۱. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

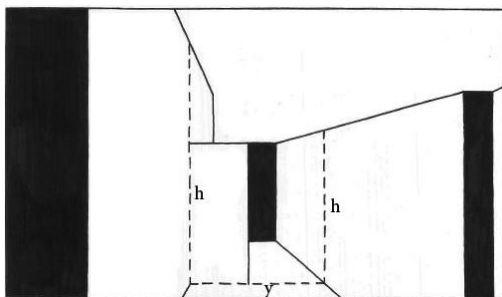
^۱ طراحی و ایجاد سکانس‌های مختلفی که برای این فضا از طریق استفاده از ترکیب رنگ و مصالح مختلفی همچون آجر، سیمان و سنگ بدست آمده در کنار شکستگی و اختلاف ارتفاع در جداره‌ها و همچنین استفاده از درختان به عنوان عناصر طبیعی و سبز همراه با دیواره‌های آجری و صلب برای پوشش این فضا موجب جلوگیری از یکنواختی و شکل‌گیری محیطی متباین در آن گردیده است.

۳-۲-۱۹ شهر تهران، کشور ایران

این مجاورت همسایگی که در محله‌ی کن و در شهر تهران قرار گرفته است (تصویر ۳-۷۳)، بر دو خصلت پویایی و مکث استوار می‌باشد که با در اختیار گذاشتن فرصت‌های مناسب جهت توقف و دیدارهای کوتاه موجب شکل‌گیری و تداوم زندگی اجتماعی در آن می‌شود.

پیرامون این فضا را ساختمان‌هایی یک طبقه احاطه کرده‌اند ولی همان‌طور که اشاره شد، عرض کم معبر و وجود گیاهان رونده روی جداره‌های آن که به صورت طبیعی موجب پوشش بیشتر فضا شده‌اند، محصوریت این مجاورت همسایگی را به میزان مطلوبی افزایش داده‌اند. (تصویر ۳-۷۴) افزون‌براین، شکستگی و عقب‌نشینی جداره‌ها از مسیر حرکتی و تردد که باعث پدید آمدن فضای مکث در کنار آن گردیده همراه با عناصر طبیعی موجود در آن موجبات ایجاد مقیاس و تناسبات انسانی را نیز فراهم آورده است. از دیگر عواملی که سبب تقویت این فضای انسانی و افزایش حس صمیمیت و تعلق به آن می‌باشد می‌توان به پنجره‌هایی با ارتفاع کم، پلاک‌های قدیمی نصب شده بر روی جداره‌ها و مقیاس کوچک فضا اشاره کرد. (تصویر ۳-۷۵)

با حرکت به سمت انتهای این فضا شاهد تغییر در مقیاس محیط و باریک و عریض شدن آن و همچنین بکارگیری انواع مختلفی از عناصر محصور کننده شامل گیاهان و دیواره‌های ساختمان‌ها در کنار ترکیب رنگ و مصالح متنوع بکار رفته در آن می‌باشیم که سبب عدم یکنواختی آن گردیده است.



تصویر ۳-۷۴. تناسبات فضا - مأخذ: نگارنده



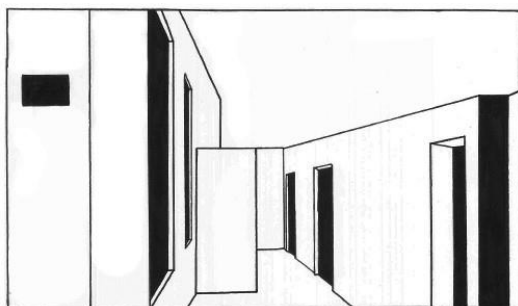
تصویر ۳-۷۳. مجاورت همسایگی در محله‌ی کن،
شهر تهران - مأخذ: www.tnews.ir

۱. $\frac{h}{y} \sim \frac{1}{1}$ به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۱:۱ میان ارتفاع به سطح این فضا، قابلیت پویایی و حرکت در آن القا شده است.

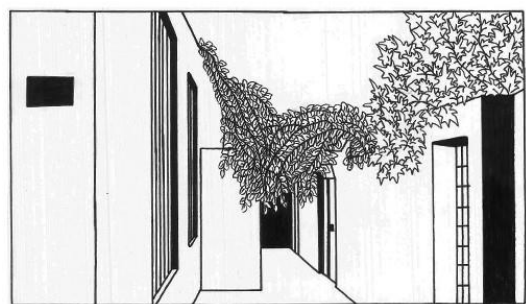
برای سازماندهی هرچه بیشتر روابط خصوصی و عمومی در این فضا با استفاده از شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌های آن و همچنین تباین ایجاد شده در محیط، یک سلسله مراتب دسترسی به آن شکل گرفته است. در این فضا به واسطه‌ی بکارگیری فرم و شکل مستطیلی و تناسبات نزدیک به هم بازشوهای آن‌ها و همچنین پیوستگی در خطوط نماسازی و ریتم مناسب در جایگذاری درب‌ها و پنجره‌ها، دارای یک تعادل و استحکام بصری نسبتاً مطلوبی در جداره‌های خویش می‌باشد. (تصویر ۳-۷۶)

بناهای ویلایی و حیاطدار یک طبقه و با ارتفاع کم و درها و پنجره‌هایی رو به فضای مجاور خویش و همچنین وجود یک مسیر هموار و بدون مانع و با نقاطی جهت توقف و مکث‌های کوتاه در کنار تباین شکل‌گرفته در آن که در مطالب قبلی بیان شد، موجب افزایش نفوذپذیری و خوانایی این فضا گردیده است. البته توجه به این نکته نیز حائز اهمیت که به سبب عرض کم این فضا و شکستگی‌های موجود در آن، تردد و دسترسی به آن صرفاً به صورت پیاده امکان‌پذیر است که همین امر تا اندازه‌ای سبب کاستن از نفوذپذیری آن می‌باشد.

همان‌طور که قبلاً اشاره گردید در این فضا به واسطه‌ی شکستگی و عقب‌نشینی‌هایی که در طول مسیر آن ایجاد گشته، نقاطی جهت مکث و توقف‌های کوتاه و دیدارهای دوستانه حاصل شده و بجز این امر، هیچ گونه فرم و شکل محرک و تفسیرپذیری در آن وجود ندارد. از سویی دیگر وسعت و عرض کم آن نیز، این چنین فرصتی را در اختیار افراد قرار نمی‌دهد.



تصویر ۳-۷۶. تناسبات بصری محیط - مأخذ: نگارنده



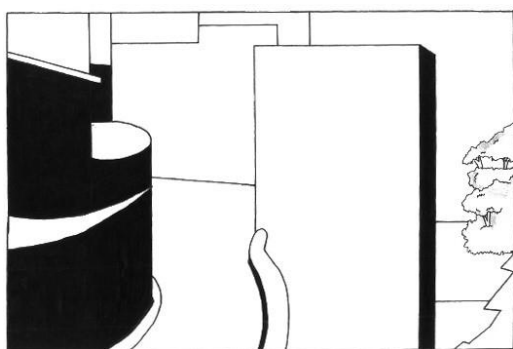
تصویر ۳-۷۵. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۲۰ شهر جوداپور، کشور هند

این فضای باز یک نوع بیانی است از معماری انسانی که به سبب ویژگی‌های سازنده‌ی خویش به صورت مولدی جهت تقویت زندگی جمعی و روابط اجتماعی ایفای نقش می‌نماید. (تصویر ۳-۷۷)

همچنین این محیط توسط بدنه‌ای از ساختمان‌های مجاور احاطه می‌شود که دو مسیر مجزا آن را قطع می‌نمایند ولی به سبب آنکه یکی از این مسیرها توسط طاقگان پوشیده شده، لذا انفصال و گسستگی قابل توجهی در آن جداره احساس نمی‌گردد و همین امر بر تقویت میزان محصوریت فضا افزوده است. از سویی دیگر عقب‌نشینی ایجاد شده در بدنه‌های آن یک فضای مکث و توقف کوچکی را برای معابر منتهی به خویش ایجاد نموده است. (تصویر ۳-۷۸)

ایجاد محیط‌های منحنی و خمیده و همچنین شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌های منتهی به آن، استفاده از فضاهای روباز و مسقف در مسیرهای منتهی در کنار تغییر در نوع فضا و ایجاد فضاهای خطی مرتبط با این میدانگاه، موجب توالی فضایی و ایجاد سکانس‌های مختلف برای آن گردیده است. (تصویر ۳-۷۹) همچنین لبه‌های عملکردی و سکوها و اختلاف ترازهای موجود در آن در کنار طاق‌های بالای معابر منتهی به این محیط به عنوان عواملی جهت حفظ حریم و ایجاد یک سلسله مراتب دسترسی به آن ایفای نقش می‌نمایند.



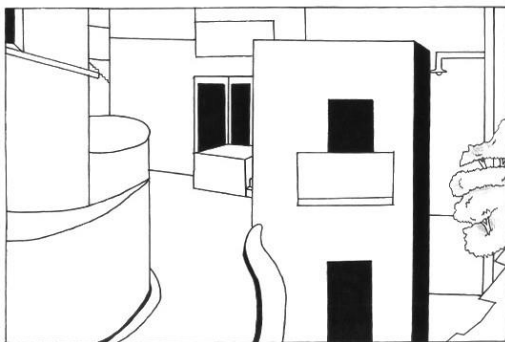
تصویر ۳-۷۸. تلفیق فضاهای حرکتی و مکث
مأخذ: نگارنده



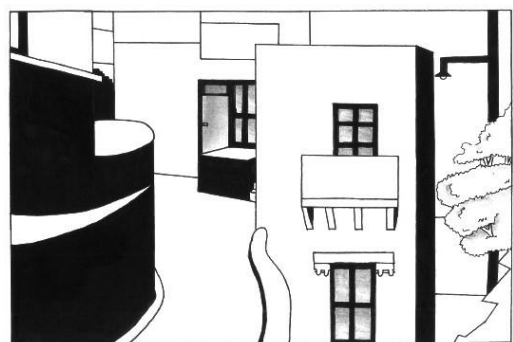
تصویر ۳-۷۷. فضای شهری در جوداپور
مأخذ: www.tripadvisor.com

بناهای پیرامون این فضا همگی دارای ویژگی‌های مشترکی می‌باشند و براساس یکسری اصول معماری مشابه شکل گرفته‌اند که این امر موجب وحدت و هم‌پیوندی مناسبی میان آن‌ها شده است. از جمله‌ی این موارد می‌توان به درب‌ها و بازشوهای مستطیلی و با تناسبات نزدیک به هم (تصویر ۳-۸۰)، ترکیب رنگ و مصالح مشابه بدنه‌ها و همچنین ارتباط و پیوستگی میان نماهای جداره‌ها در فضاهای مجاور و ارتباط بصری بین آن‌ها اشاره کرد. این محیط به عنوان فضایی میانی در ارتباط با دو مسیر و معبر هموار و بدون مانع می‌باشد که دسترسی به آن به راحتی امکان‌پذیر می‌باشد. علاوه‌براین، مقیاس کوچک فضا و بناهای پیرامون، در کنار بازشوهای متعدد به آن میزان مطلوبی از نفوذپذیری و خوانایی را برای آن ایجاد کرده است.

سکوها و اختلاف سطوح اطراف بناهای این محیط به نحوی شکل گرفته‌اند که ظرفیت استفاده‌های گوناگون و متنوع دیگری - همچون نشستن، قرار دادن اشیاء - را نیز دارا می‌باشند. علاوه‌براین، جان‌پناه اطراف مسیر منتهی به آن نیز به عنوان یک فرم متحرک و چند ظرفیتی موجبات انعطاف و تفسیرپذیری این فضا را فراهم می‌آورد. با این وجود بافت فرسوده و مصالح نامناسب موجود در آن تا اندازه‌ای موجب کاستن از سرزندگی و ویژگی‌های مطلوب و انسانی آن گردیده است.



تصویر ۳-۸۰. تناسبات بازشوها و جداره‌ها
مأخذ: نگارنده

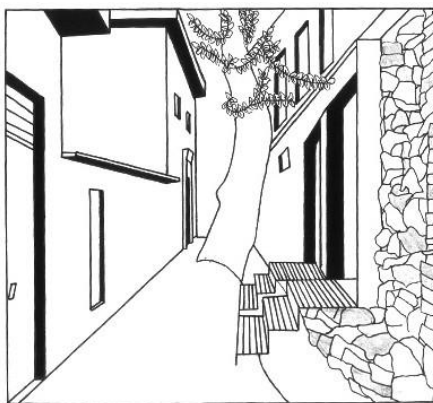


تصویر ۳-۷۹. عوامل سازنده تباین و توالی فضایی
در محیط - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۲۱ شهر تهران، کشور ایران

این فضای باز که در محله‌ی درکه‌ی شهر تهران واقع گردیده است، به صورت یک محیط خطی و پویا و معبری جهت تردد ایفای نقش می‌نماید. (تصویر ۳-۸۱) بی‌پیرایگی و سادگی آن در کنار عدم بکارگیری عناصر و الحاقات بی‌مورد و اضافی، موجب شده تا به عنوان یک فضای شهری مناسب برای اهالی و ساکنین پیرامون فضاهای مجاور خویش مطرح گردد.

از آنجا که این فضا در میان ساختمان‌های نسبتاً مرتفع قرار گرفته است و همچنین عنصر درخت موجود در وسط آن که با شاخ و برگ‌های خویش پوشش و سقفی محدودتر را ایجاد می‌کند موجب پدید آمدن میزان مناسبی از محصوریت برای آن شده است. (تصویر ۳-۸۲) علاوه بر این، درخت مرتفع وسط این فضا و عقب‌نشینی‌های ایجاد شده در بازشوهای جداره‌های پیرامون آن به عنوان عواملی جهت مکث‌های کوچک و کوتاه مدت ایفای نقش می‌نمایند و فرصت‌های توقف و گپ و گفت‌های دوستانه را فراهم می‌آورند. در راستای حرکت در طول این محیط شاهد سکانس‌های مختلفی در آن می‌باشیم که از آن جمله می‌توان به استفاده از ترکیب مصالح و رنگ‌های مختلف و متنوع، اختلاف ترازهای عملکردی به وجود آمده در جداره‌ها و تغییر در مقیاس فضا به واسطه‌ی وجود عنصر درخت موجود در مرکز آن اشاره کرد.



تصویر ۳-۸۲. محصوریت و تناسبات انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

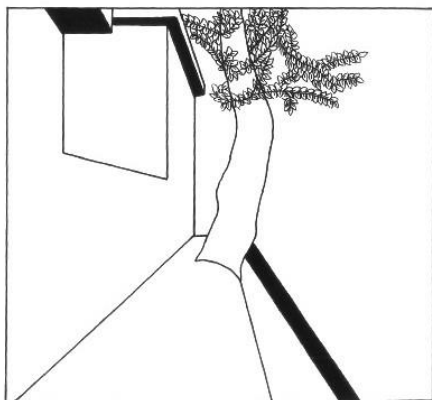


تصویر ۳-۸۱. فضای باز عمومی در محله‌ی درکه شهر تهران - مأخذ: foursquare.com

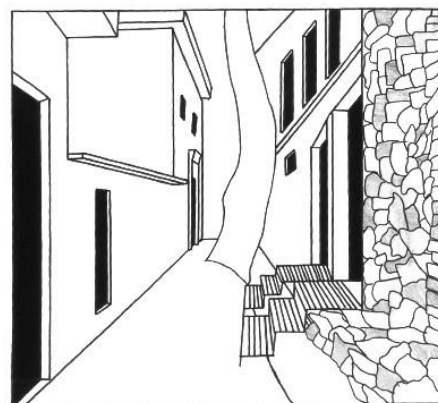
استفاده از فرم و تناسبات نزدیک به هم در بازشوها و روزنه‌های این فضا، پیوستگی در خطوط نماسازی و جایگذاری و ترکیب متناسب و متوازن بازشوها در یک سوی آن به عنوان نقاط قوت این فضا و تلاشی برای شکل‌گیری هم‌پیوندی و هماهنگی میان واحدهای سازنده‌ی خویش می‌باشد. (تصویر ۳-۸۳) ولی عدم بکارگیری ترکیب رنگ و مصالح هماهنگ و نداشتن تعادل و استحکام بصری در سوی دیگر دیواره‌ی آن موجب تضعیف ترکیب و کمپوزیسیون در جداره‌های این فضا گردیده است.

با توجه به این که ورود به این فضا به واسطه‌ی محدودیت به وجود آمده ناشی از قرار گرفتن عنصر درخت ابتدای آن صرفاً به صورت پیاده امکان‌پذیر می‌باشد و همچنین عدم شفافیت مناسب در جداره‌های این فضا، لذا نفوذپذیری آن تا اندازه‌ای ضعیف و نامطلوب می‌باشد.

درخت موجود در این فضا تنها عنصر منحصر به فرد آن می‌باشد که از فواصل دور نیز نمایان بوده و به عنوان نشانه‌ای شاخص، سبب خوانایی هر چه بیشتر محیط می‌شود. (تصویر ۳-۸۴) علاوه‌براین، تراکم کم ساختمان‌های مجاور و عدم یکنواختی و تباین شکل‌گرفته در آن نیز موجبات تقویت خوانایی و وضوح این فضا را فراهم آورده است. به سبب آنکه این محیط دارای عرضی نسبتاً کم می‌باشد و همچنین نبود فرم‌های محرک نه‌چندان زیاد در آن - تنها عنصر تفسیرپذیر این فضا پله‌های آهنی بالای جوی آب می‌باشند - لذا فاقد ویژگی انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن فضا می‌باشد.



تصویر ۳-۸۴. درخت موجود در این فضا به عنوان نشانه‌ی شاخص محلی و عامل مکث - مأخذ: نگارنده



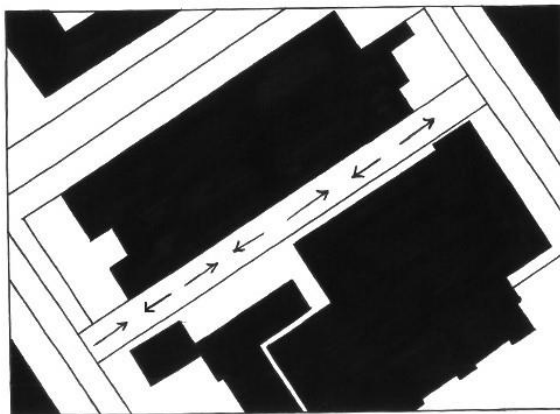
تصویر ۳-۸۳. تناسبات بصری محیط - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۲۲ شهر لندن، کشور انگلیس

این کوچه که بیشتر به عنوان یک معبر و مسیر دسترسی شناخته می‌شود، در مجاورت یک بافت مسکونی و میان دو خیابان اصلی قرار گرفته است. (تصویر ۳-۸۵) این فضا به صورت خطی و بر روی بستری هموار و بدون اختلاف تراز می‌باشد که همین امر موجب راحتی تردد به آن می‌شود.

به واسطه‌ی آنکه این فضا توسط جداره‌هایی با نسبت ارتفاع به عرض متناسب با عملکرد و ویژگی آن احاطه شده است و همچنین خطی و ممتد بودن آن، فضایی محصور و با قابلیت پویایی و حرکت پدید آمده است. (تصویر ۳-۸۶) ولی به سبب انفصال جداره‌ها در ابتدا و انتهای آن و نبود عناصر معماری تعریف کننده ورودی و قلمرو برای آن، لذا از میزان محصوریت این محیط تا اندازه‌ای کاسته شده است.

استفاده از مصالح متفاوت و با ترکیب رنگ سفید و روشن در طبقه همکف بناهای این فضا و ایجاد شکستگی و پیش‌آمدگی در آن‌ها، یک مقیاس و تناسبات کوچک در میان این محیط پدید آورده است. همچنین استفاده از گلدان‌ها و عناصر طبیعی کوتاه و چراغ‌های نصب شده در آن همراه با پنجره‌ها و بازشوهای کشیده و در ارتفاع پایین و رو به این فضا باعث پدید آمدن محیطی با ویژگی‌های انسانی گردیده است. (تصویر ۳-۸۷)



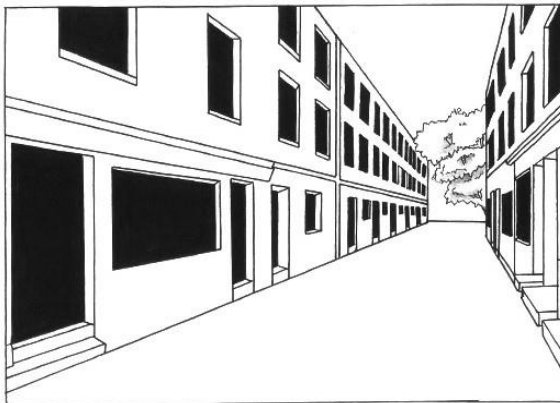
تصویر ۳-۸۶. خطی و پویایی فضای موجود
مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۸۵. فضای باز عمومی در شهر لندن
مأخذ: www.wearemunipal.co.uk

بکارگیری ترکیب ساده و شطرنجی در طراحی بازشوهای جداره‌ها و همچنین رعایت تناسبات بصری و ایجاد تعادل در طراحی نماها از طریق بکارگیری متناسب روزه‌ها و پنجره‌هایی متوازن و توجه به جزئیات در طراحی هر بخش همسو با کل مجموعه مانند تقسیمات داخلی مربع شکل همراه با عقب‌نشینی و استفاده از مصالح مشابه و ترکیب رنگ روشن در آن‌ها، سبب شکل‌گیری ترکیب و وحدتی مطلوب در سطح این فضا می‌باشد. (تصویر ۳-۸۸) به سبب بکارگیری چراغ‌های روشنایی در میان این کوچه و گلدان‌های موجود در پیرامون آن، دسترسی به این محیط صرفاً به صورت پیاپی امکان‌پذیر است که این امر موجب کاهش نفوذپذیری آن شده است. البته ایجاد نماهای شفاف و پنجره‌های متعدد رو به آن، نفوذپذیری فضا را به میزان قابل توجهی ارتقاء داده است. علاوه بر این، پرهیز از ایجاد فضاهای سرپوشیده گسترده و همچنین طراحی ساختمان‌های مجزا همراه با تباین^۱ و تنوع شکل گرفته در محیط موجب خوانایی هرچه بیشتر آن می‌شود.

عدم بکارگیری مبلمان‌های ثابت و گسترده در فضا و طراحی و ایجاد فرم‌های محرک همچون پله‌ها و اختلاف تراز و سطوح به وجود آمده پیرامون بناها در کنار کف‌سازی ساده و غیرلغزنده‌ی محیط موجب انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی شدن آن گردیده است.



تصویر ۳-۸۸. تناسبات بازشوها و جداره‌ها در محیط - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۸۷. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی در فضا - مأخذ: نگارنده

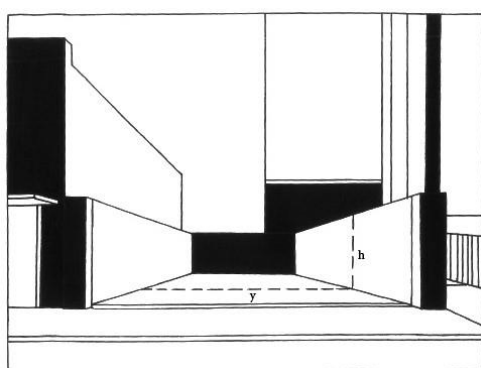
^۱ با حرکت از یک سوی این کوچه به سمت دیگر آن، شاهد تغییر در تناسبات بازشوها و پنجره‌ها و ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در آن‌ها و همچنین استفاده از ترکیب رنگ و مصالح متفاوت در بدنه‌ی بناهای آن می‌باشیم. این موارد در کنار تغییر در مقیاس فضای برخی قسمت‌های آن و احاطه توسط انواع عناصر طبیعی و مصنوعی موجب پدید آمدن محیطی متباین و غیریکنواخت شده است.

۳-۲-۲۳ شهر سائوپائولو، کشور برزیل

این محیط به عنوان فضایی برای گردهمایی‌های دوستانه و گذران اوقات فراغت در میان بافتی با تراکم زیاد و ساختمان‌های مرتفع و در مجاورت یک خیابان اصلی در شهر سائوپائولو واقع گردیده است. (تصویر ۳-۸۹) به نظر می‌رسد هدف طراحان در این فضا گذر از مقیاس‌های انبوه ماشینی و شکل‌گیری فضایی با اصول و چارچوب‌های زندگی انسانی در داخل این مقیاس و ایجاد تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی در این فضا باشد.

وجود ساختمان‌هایی نسبتاً مرتفع که در اطراف این فضا احداث گشته‌اند موجبات شکل‌گیری محیطی با مقیاس نامتوازن و نامطلوب را فراهم آورده است. اما بکارگیری جداره‌هایی با ارتفاع کمتر همراه با استفاده از درختان و عناصر طبیعی جهت احاطه‌ی آن سبب سوق فضا به سمت مقیاسی انسانی‌تر می‌شود. (تصویر ۳-۹۱) علاوه‌براین به سبب فرم مستطیلی شکل در پلان و وجود نسبتی نزدیک به ۱:۳ میان ارتفاع به عرض آن موجب گردیده که در این فضای محصور، خصوصیت سکون و مکث القا گردد. (تصویر ۳-۹۰)

به واسطه‌ی ایجاد فضایی ایستا در مجاور خیابان و مسیر حرکتی و همچنین استفاده از انواع عناصر محصور کننده طبیعی و مصنوعی همچون دیواره‌های صلب، درختان و گیاهان رونده در کنار ترکیب رنگ مصالح متفاوت آن نسبت به بناها و جداره‌های اطراف باعث پدیدآمدن یک تباین و تفاوت قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با



تصویر ۳-۹۰. تناسبات فضا - مأخذ: نگارنده



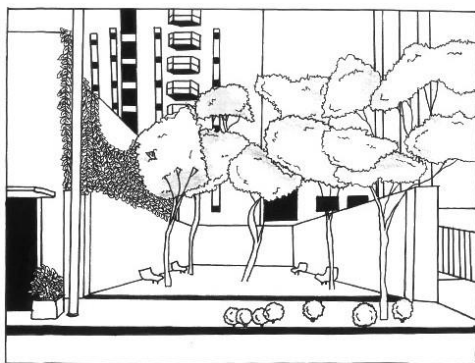
تصویر ۳-۸۹. فضای باز عمومی در شهر سائوپائولو
مأخذ: pt.foursquare.com

۱ $\frac{h}{y} \sim \frac{1}{3}$ به سبب وجود نسبتی نزدیک به ۱:۳ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط دارای قابلیت ایستایی و پایداری می‌باشد.

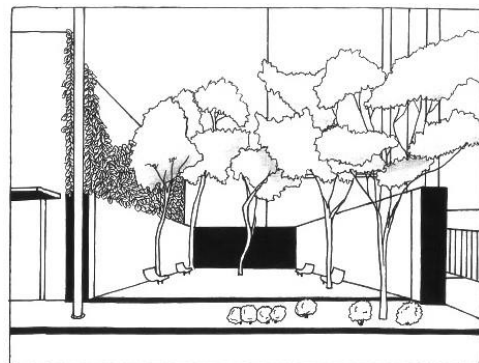
سایر فضاهای پیرامون خویش گردیده است. از سوی دیگر همین تفاوت در رنگ و مصالح و اختلاف سطح - هرچند اندک - ایجاد شده نسبت به خیابان مجاور در کنار بوته‌ها و درختان مقابل آن تا اندازه‌ای سبب تفکیک قلمرو و حفظ حریم آن شده است. (تصویر ۳-۹۲)

در طراحی بازشوها و جداره‌های بناهای پیرامون این فضا از الگوهایی با فرم و شکل‌های چهارگوش و شکسته استفاده شده است که دارای ابعاد و اندازه و تناسب نزدیک به هم و یکسانی می‌باشند. علاوه بر این، پیوستگی در خطوط نماسازی همراه با فرم و تناسب داخلی نزدیک به هم و یکسان آن، سبب شکل‌گیری یک ترکیب و کمپوزیسیون مناسب میان اجزاء و عناصر سازنده‌ی جداره‌های این میدان گردیده است. همچنین تعادل و استحکام بصری ایجاد شده در جداره‌ها که به واسطه‌ی قرار گرفتن پنجره‌ها و بازشوهای متناسب و برابر در کل سطح آن‌ها می‌باشد موجبات تقویت و ارتقاء این امر را فراهم آورده است.

به سبب عرض و وسعت مناسب فضا و همچنین عدم بهره‌گیری گسترده از مبلمان‌های ثابت در این فضا در کنار ترکیب رنگ و مصالح مطلوب بکار رفته در کف و بدنه‌های آن موجب گردیده است که این محیط توانایی انطباق با سایر فعالیت‌ها و عملکردهای دیگر را نیز دارا باشد.



تصویر ۳-۹۲. عوامل سازنده‌ی تباین و تفکیک حریم فضا - مأخذ: نگارنده



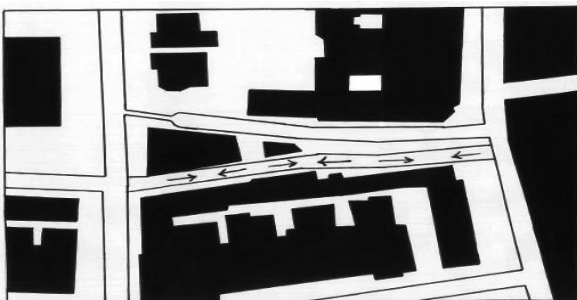
تصویر ۳-۹۱. عوامل شکل‌دهنده‌ی محصوریت فضا - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۲۴ شهر لندن، کشور انگلستان

کوچه‌ی کیانس‌میوز به عنوان یکی از چندین معبر و فضای شهری در لندن می‌باشد که توانسته بسیاری از ویژگی‌های سازنده یک محیط انسانی و سرزنده را در خود حفظ نماید و نه تنها به صورت یک مسیر ارتباطی بلکه به عنوان فضایی جهت پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و سایر فعالیت‌های انسانی مطرح گردد. (تصویر ۳-۹۳) طرح این فضا به صورت خطی و با شکستگی‌ها و انحناهای ملایمی در طول آن می‌باشد که به صورت هموار و فارغ از هرگونه مانع بوده و همین امر نیز موجبات راحتی تردد به آن را فراهم آورده است. (تصویر ۳-۹۴)

افزون‌براین، به واسطه‌ی دارا بودن نسبت ارتفاع به عرض مناسب و همچنین بهره‌گیری از انواع عناصر محدودکننده محیط همچون گیاهان رونده و پیچک و مصالح بنایی و رعایت سادگی در طراحی جداره‌های آن، از میزان محصوریت مطلوب و مناسبی برخوردار می‌باشد. از دیگر عواملی که موجب تقویت این محصوریت گردیده است می‌توان به عدم انفصال جداره‌ها به واسطه‌ی وجود طاق بالای معابر اشاره کرد که علاوه‌بر ایجاد یک ورودی شاخص سبب تفکیک حریم و قلمرو آن از سایر فضاهای مجاور خویش و خیابان اصلی نیز می‌باشد.

پیش‌آمدگی‌های ایجاد شده در جداره‌های پیرامون فضا، استفاده از گلدان‌های کوچک در مقابل بناها و گیاهان رونده روی بدنه‌ها و همچنین ارتفاع کم بازشوها و پنجره‌های رو به این فضا سبب شکل‌گیری فضایی با تناسبات انسانی گردیده است. (تصویر ۳-۹۵)



تصویر ۳-۹۴. پویایی و حرکت فضای موجود - مأخذ: نگارنده

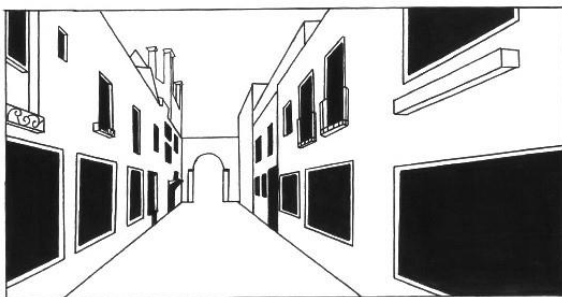


تصویر ۳-۹۳. فضای باز عمومی در شهر لندن
مأخذ: Google map.com

ایجاد توالی فضایی و طراحی سکانس‌های مختلف برای این محیط که به واسطه‌ی استفاده از انواع عناصر محصورکننده طبیعی و مصنوعی و تغییر در شکل بدنه‌ها و ایجاد شکستگی و پیش آمدگی در آن‌ها و همچنین ترکیب رنگ و مصالح مختلف به کار رفته در جداره‌ها شکل گرفته، موجب پدید آمدن محیطی متباین و غیریکنواخت گردیده است. عرض و وسعت متناسب فضا، نماهای شفاف جداره‌های پیرامون آن و پرهیز از استفاده گسترده از فضاهای سرپوشیده در کنار ایجاد بناهای مجزا و با تراکم کم و همچنین تباین شکل گرفته در آن موجب خوانایی بیشتر و نفوذپذیری آن گردیده است.

به واسطه‌ی فرم مستطیلی و تناسبات نزدیک به هم و مشابه در بازشوها و روزنه‌ها، پیوستگی در خطوط نماسازی و همچنین ارتباط بصری پیوسته میان بناهای این فضا در کنار تقسیمات داخلی شطرنجی پنجره‌ها و ترکیب مصالح متناسب با محیط و مجموعه در هر یک از بناها، موجب پدید آمدن یک هم‌پیوندی و هماهنگی مناسبی میان واحدهای مسکونی و عناصر سازنده آن می‌باشد. (تصویر ۳-۹۶)

به سبب وسعت و عرض مناسب فضا و عدم مبلمان گسترده آن و همچنین استفاده از مصالح روشن و با توانالیه مطلوب، علی‌رغم نبود فرم‌های محرک و چند ظرفیتی، این محیط دارای قابلیت انطباق با سایر عملکردها و فعالیت‌ها می‌باشد.



تصویر ۳-۹۶. ترکیب و تناسبات بازشوها و روزنه‌ها
مأخذ: نگارنده



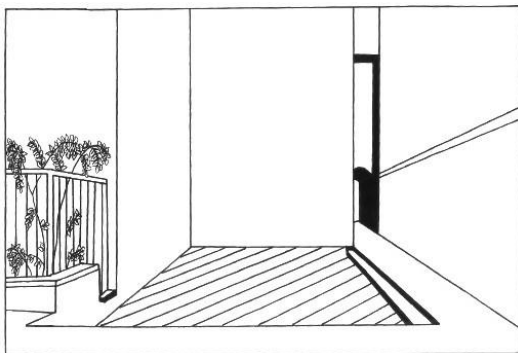
تصویر ۳-۹۵. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی
در فضا - مأخذ: نگارنده

۳-۲-۲۵ شهر فلورانس، کشور ایتالیا

این پلازا در بافتی با عملکردهای مختلف از جمله تجاری و مسکونی در شهر فلورانس واقع گردیده است. (تصویر ۳-۹۷) دسترسی به این فضا توسط دو معبر و مسیر مجزا صورت می‌گیرد که یکی از آن‌ها دارای عرض کمی بوده و از میان ساختمان‌های پیرامون این فضا می‌گذرد و لذا تردد از آن صرفاً به صورت پیاده امکان‌پذیر می‌باشد.

به سبب آنکه سه طرف این فضا را بناهایی نسبتاً مرتفع احاطه کرده‌اند لذا کیفیت محصوریت آن از میزان قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشد - البته این جداره‌های مرتفع باعث شده فضا از حالت انسانی خارج شود - همچنین اختلاف سطوح ایجاد شده در مرکز این پلازا موجب تقسیم آن به دو بخش پویا و ساکن گردیده است که بخش پویای آن مسیر گذر و بخش ساکن آن محل توقف‌های کوتاه می‌باشد. (تصویر ۳-۹۸)

وجود تقارن در جداره‌های بناهای مجاور این فضا، پرهیز از شکل‌گیری فضایی وسیع و یکسان در مرکز آن - که به سبب تقسیم این پلازا به دو بخش حرکتی و ساکن می‌باشد - و همچنین پیش‌آمدگی‌ها و سایه‌بان‌های بالای درب‌ها و پنجره‌های مغازه‌ها که پوشش و سقفی محدود برای فضا ایجاد می‌نمایند، در کنار گلدان‌ها و عناصر طبیعی، همگی موجب پدید آمدن یک مقیاس انسانی مطلوب در این فضا شده است. (تصویر ۳-۹۹)



تصویر ۳-۹۸. تلفیق و مجاورت فضاهای حرکتی و مکث - مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۹۷. پلازای شهری واقع در فلورانس
مأخذ: www.rete.comuni-italiani.it

در این میدان به وسیله‌ی ایجاد شکستگی و پیش‌آمدگی در جداره‌ها، ترکیب فضاهای روباز و بسته که ناشی از بکارگیری پوشش و ساباط‌های بالای معابر منتهی به آن می‌باشد و همچنین بکارگیری خیابان‌ها و فضاهای خطی منتهی به آن همراه با استفاده از تنوع رنگی مناسب مصالح بکار رفته در آن‌ها توانسته فضایی متباین و غیریکنواخت را ایجاد نماید.

در طراحی بازشوها و روزنه‌های جداره‌های این فضا از الگویی با فرم و شکل مستطیلی و در برخی موارد در ترکیب با فرم‌های منحنی و طاقگان بهره‌گیری شده است که این امر در درب‌ها، و پنجره‌ها و همچنین بالای معابر آن نمایان بوده و دارای ابعاد و اندازه و تناسبات نزدیک به هم و یکسانی می‌باشد. (تصویر ۳-۱۰۰) علاوه-براین، پیوستگی در خطوط نماسازی و ریتم مناسب در جایگذاری پنجره‌ها و بازشوها همراه با فرم و تناسبات داخلی نزدیک به هم و یکسان آن‌ها سبب شکل‌گیری یک هم‌پیوندی و هماهنگی قوی میان اجزا و عناصر سازنده‌ی جداره‌های این میدان گردیده است. از سویی دیگر مقیاس کوچک فضا و همچنین جداره‌های شفاف پیرامون آن در کنار تباین شکل گرفته در محیط و عدم استفاده از فضاهای سرپوشیده و گسترده موجب افزایش وضوح و خوانایی آن نیز می‌باشد.



تصویر ۳-۱۰۰. ترکیب و تناسبات بازشوها و روزنه‌ها
مأخذ: نگارنده



تصویر ۳-۹۹. عوامل سازنده مقیاس و تناسبات انسانی
در فضا - مأخذ: نگارنده

۳-۳ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فضاهای شهری فارغ از کارکرد و عملکردی که در سطح شهرها ایفا می‌نمایند دارای یک نقطه‌ی تلاقی و وجه اشتراک پررنگ و برجسته‌ای می‌باشند که همان ارتباط مستقیم و مستمر با شهروندان است. بنابراین کیفیت و مطلوبیت فضاهای شهری به عنوان یک عامل اساسی دخیل در کیفیت زندگی افراد و تمایل ایشان برای حضور در فضاهای باز و انجام وظایف اجتماعی خویش شناخته می‌شود. یکی از وجوه اساسی شکل دهنده و تقویت کننده‌ی این کیفیت، ابعاد کالبدی آن‌هاست که به عنوان نمود عینی و اولین برخورد مخاطب با فضا شناخته می‌شود.

در این فصل تعدادی فضای باز کوچک مقیاس شهری از سراسر نقاط جهان جمع‌آوری و نقش مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی در آن‌ها مورد سنجش و مطالعه قرار گرفت. آنچه از تحلیل و بررسی این محیط‌های شهری بدست آمده نشان می‌دهد هر اندازه این فضاها از اصول و معیارهای کالبدی - انسانی بیشتری پیروی کرده باشند زمینه‌ی ارتباط نزدیک‌تر با افراد و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی میان آن‌ها را در خود فراهم می‌کنند. با توجه به اینکه این معیارها به طور همزمان، هم به فضاهای باز و عمومی و هم به توده‌های پیرامون آن‌ها توجه نموده‌اند بنابراین نزدیک‌تر شدن هر چه بیشتر محیط‌ها و فضاهای شهری به این اصول، سبب دریافت بهتری از فضا توسط مخاطب می‌گردد. این امر به تعبیر توسلی ناشی از "گاهی/از فضا" یا شناخت کامل آن توسط سازنده یا سازندگان می‌باشد.

موضوع دیگری که در تحلیل و ارزیابی‌های این فصل به شکلی ملموس خود را نشان داد، امکان ترکیب و ادغام شدن این مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده فضاهای شهری سرزنده و انسانی با سایر عوامل و ویژگی‌های محیط و بستر جغرافیایی منطقه‌ی قرارگیری در آن می‌باشد. به تعبیر دیگری می‌توان گفت طراحان و سازندگان آن‌ها، این اصول و معیارها را به نوعی در اثر و طرح خویش شخصی‌سازی نموده و همین امر موجب گشته تا در عین وجود این مؤلفه‌ها در آن‌ها هیچ دو طرح و فضایی به شکل یکسان درنیامده‌اند.

از دیگر نتایجی که در تحلیل این فضاهای شهری می‌توان به آن اشاره نمود حضور پررنگ و مؤثر برخی از این معیارها و اصول کالبدی سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی در ساختار این فضاهاست. محصوریت یکی از این عوامل می‌باشد که در فضاهای مورد مطالعه به شکلی مناسب بکار گرفته شده و از میزان مطلوبی نیز برخوردار می‌باشد. این مؤلفه غالباً توسط جداره‌ها و بدنه‌های ساختمان‌های پیرامون فضاهای شهری پدید آمده که در برخی موارد نیز به واسطه‌ی حضور عناصر طبیعی همچون درختان تقویت گردیده است.

مقیاس و تناسبات انسانی نیز به دو شکل در این فضاها خود را نشان می‌دهد؛ نخست به واسطه‌ی نسبت ارتفاع به عرض مطلوب فضا و دیگری استفاده از عناصر طبیعی و مصنوعی همچون المان‌ها، درختان و عناصر سبز و همچنین توجه حداکثری به جزئیات طراحی فضا که سبب نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر آن‌ها به خصلت‌ها و ویژگی‌های انسانی شده است.

تباین فضایی عامل دیگری است که بیشتر به علت تغییر در مقیاس و نوع فضا و ایجاد دو فضای پویا و ایستا در امتداد هم، شکستگی و عقب‌نشینی در بدنه‌ها، استفاده از مصالحی با رنگ و بافت متنوع و همچنین بهره‌گیری از انواع عناصر محصورکننده فضا همچون بدنه‌ای از ساختمان‌ها، درختان و عناصر سبز شکل گرفته است. این امر در کنار ایجاد پیچ‌ها و اختلاف سطوح در این فضاها موجب شکل‌گیری و تقویت سلسله مراتب دسترسی و تفکیک حریم و قلمروی آن‌ها نیز گردیده است.

همچنین نفوذپذیری و ترکیب و وحدت مناسب فضاها از دیگر مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی موجود در آن‌ها می‌باشند که همراه با سایر اصول و معیارهای بیان شده، قالب و ساختار کلی فضاهای شهری مورد مطالعه را شکل می‌دهند. این معیارها دارای کاربرد بیشتری بوده و همین مسأله موجب تعمیم‌پذیری و همه‌جانبه بودن آن‌ها می‌باشد. از سویی دیگر با توجه به آنکه ویژگی‌های مورد اشاره در محیط‌هایی متنوع و متفاوت به لحاظ مقیاس، عملکرد، اقلیم و خصوصیت پویایی و مکث تکرار گردیده است، لذا چنین می‌توان نتیجه گرفت که این معیارها فراگیراند.

فصل ۴: یافته‌های پژوهش

۴-۱ مقدمه

شاهرود به عنوان یکی از شهرهای با قدمت و پیشینه‌ای طولانی، مانند دیگر شهرهای مهاجرپذیر، به سبب افزایش جمعیت و تعداد وسایل نقلیه ناگزیر به تغییر و تحول گشته است. این تحول و دگرگونی به نحویست که امروزه آپارتمان‌ها و فضاهای شهری بزرگ جایگزین بناها و محیط‌های انسانی کوچک مقیاس شده‌اند. بررسی و ارزیابی فضاهای باز کوچک مقیاس این شهر که مردم به طور مداوم و روزانه از آن‌ها استفاده می‌نمایند و نتیجه‌ی سال‌ها تغییر و تحول کالبدی و کارکردی فضاهای شهری می‌باشد، نشان دهنده‌ی قابلیت‌ها و نقاط قوت و ضعف این گونه فضاها در زندگی و تعاملات اجتماعی شهروندان است. در انتخاب محیط‌ها و فضاهای شهری شاهرود سعی بر آن بوده تا مجموعه‌ای حاصل گردد که دربردارنده‌ی خصوصیات و کیفیات انسانی مرتبط با آن باشد و بتواند خود را به عنوان گونه‌ای متمایز از فضاهای یک شکل و فاقد حیات و سرزندگی امروزی در سطح شهر معرفی نمایند. برای دستیابی به این هدف، دامنه‌ی پژوهش به تمامی مناطق و محلات سطح شهر گسترش پیدا کرد. علت این امر محدودیت‌ها و موانع ناشی از تنوع و تعداد این فضاها در هر یک از محلات سطح شهر است. در این فصل ابتدا فضاهای شهری شاهرود به شکل کلی و فارغ از کارکردها و کالبد خویش معرفی می‌گردند. در ادامه به معرفی فضاهای شهری کوچک مقیاس و برخوردار از خصلت‌های انسانی پرداخته و سپس به طبقه‌بندی آن‌ها مبادرت شده است. در دسته‌بندی فضاهای شهری تلاش بر این بود تا محیط‌هایی که از لحاظ ویژگی‌های عملکردی و کالبدی مشابه می‌باشند در یک گروه قرار گیرند. این طبقه‌بندی تا حد امکان کوچک مقیاس و متنوع است؛ به نحوی که دیگر هیچ‌گونه وجه تمایز اساسی میان اعضای آن دیده نمی‌شود. علاوه بر این، با استفاده از اصول و معیارهای کالبدی بدست آمده از مطالعات کتابخانه‌ای، هرکدام از این گروه‌ها مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته و ویژگی‌های کالبدی و معماری آن‌ها تدوین گردیده است. در تحلیل و ارزیابی این فضاها علاوه بر معیارهای کالبدی ویژگی جمع‌پذیری و تعاملات اجتماعی به عنوان یکی از کارکردها و نقش‌های اصلی و برجسته‌ی فضاهای شهری، متناسب با خصلت هر فضا مورد توجه جدی قرار گرفته است.

۴-۲ معرفی شهر شاهرود

شاهرود به عنوان یکی از شهرهای مهم و پر جمعیت استان سمنان با ارتفاعی نزدیک به ۱۳۸۰ متر از سطح دریا، در شمال شرقی آن واقع گردیده است. (فردوسی و بابائی، ۱۳۹۷: ۸) وضعیت توپوگرافی این شهر به طور قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر ارتفاعات شمالی آن می‌باشد به‌طوری که از شمال به جنوب به تدریج از ارتفاع آن کم می‌شود. (عامری، ۱۳۹۳: ۸۰) علاوه بر این، باد غالب شاهرود از سمت شمال شرق می‌وزد که بعد از آن به ترتیب بادهای جنوب غرب، جنوب و شمال قرار دارند. (سرکرده‌یی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۸) همچنین بهره‌گیری از پلان‌های متراکم و فشرده، به حداقل رساندن سطوح خارجی نسبت به حجم مورد پوشش، استفاده از مصالح مطلوب و با ظرفیت حرارتی مناسب و بکارگیری بام‌های مسطح و نگهداری برف بر روی آن‌ها به عنوان عایق حرارتی از جمله ویژگی‌های معماری بومی منطقه می‌باشد. افزون بر این، یکی از ضروریات اصلی و تمایل افراد در این مناطق به استفاده از حرارت ناشی از تابش آفتاب در ساختمان در فصل زمستان است که البته این امر تا حدودی تحت تأثیر باد و سرمای ناشی از وزش آن بر جداری بناها قرار می‌گیرد. (عامری، ۱۳۹۳: ۸۰، به نقل از کسمائی، ۱۳۸۲)

براساس شواهد و مدارک موجود، هسته‌ی اولیه‌ی شهر شاهرود به سبب مسائل دفاعی و نظامی بر روی تپه‌های کم ارتفاع در دامنه‌ی کوه شمالی و غربی آن احداث گردید و به تدریج و با افزایش امنیت و ایجاد تأسیسات خدماتی، رفاهی و تجاری رشد و توسعه یافت. (شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۲۷)

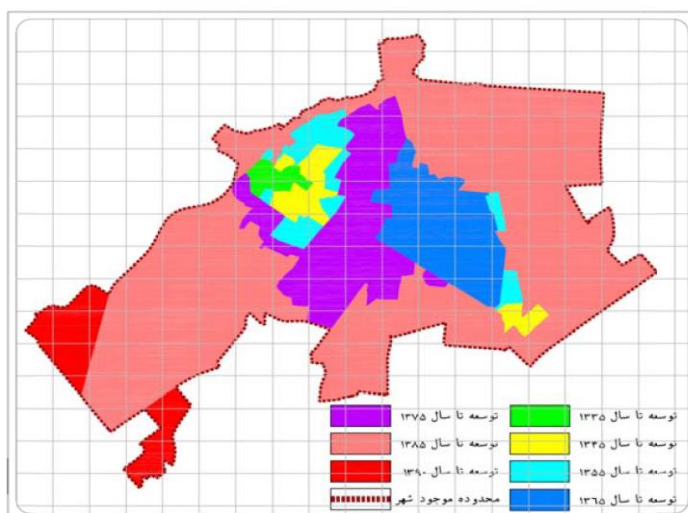
برخورداری از ویژگی‌های ممتاز جغرافیایی و طبیعی و همچنین وجود کاروانسراها و چاپارخانه‌ها به عنوان مراکز مهم یکجانشینی در کنار خاک مناسب و آب فراوان، موقعیت مناسبی را برای گسترش و رشد آبادی شاهرود و تشکیل شهر در قرون هفتم و هشتم ایجاد کرد. همچنین احداث مسجد جامع در بخش شمالی آن طی قرون نهم و دهم هجری نیز نقش مهم و سازنده‌ای را در روند توسعه‌ی شهر ایفا نمود. اندکی بعد از احداث مسجد جامع و به منظور حفاظت از سکنه، قلعه ولووا ایجاد گردید. براین اساس محدوده‌ی محله‌ی بیدآباد فعلی به عنوان کهن‌ترین بخش بافت قدیم شهر محسوب می‌گردد. (همان: ۳۲ و ۲۹)

علاوه بر موارد مذکور، همانند دیگر شهرها در شاهرود نیز بازارها نقش سازنده‌ای را در رشد و توسعه‌ی آن ایفا نمودند. بازار قدیم این شهر که در امتداد خیابان مزار و تا محله‌ی شبدری را شامل می‌شود دارای حمام‌ها و تیمچه‌های متعددی پیرامون خویش بوده است. (فردوسی و بابائی، ۱۳۹۷: ۱۰) مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته بر روی شهر شاهرود در اوایل دوره‌ی قاجار نشان می‌دهد که این شهر به سبب برخورداری از یک موقعیت منحصر به فرد و قرارگیری در شاهراه ارتباطی به خراسان و گرگان و مسیر زیارتی کاروان‌ها و مردم دیگر نقاط و همچنین رونق اقتصادی و صادرات محصولات کشاورزی همچون پنبه در کنار تبدیل این شهر به عنوان انبار کالای شرق توانست به سرعت توسعه و پیشرفت نماید. (خسروبیگی و قنبری‌مله، ۱۳۹۷: ۳۱) با گسترش روابط تجاری و رشد جمعیت، نیاز به مراکز خدماتی و سکونتی در آن بیشتر احساس می‌شد بنابراین شهر در جهاتی که موانع گسترش نداشت رشد نمود و بازار جدید آن نیز در محل امروزی احداث گردید. در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۲۴ خیابان‌های ایستگاه و تهران بعد از احداث فلکه‌ی مرکزی شهر ساخته شدند. ایجاد این خیابان‌ها بستر مناسبی را برای توسعه‌ی خطی شهر ایجاد کرد. در این زمان کوچه باغ‌ها و نه‌رهای بسیاری وجود داشته که خیابان‌ها و ورودی‌های شهر در امتداد آن‌ها شکل می‌گرفتند. همچنین محله‌ی باغزندان و قلعه نوروزخان و قلعه حاجی نیز در بیرون از بافت شهر قرار داشتند که حد فاصل آن‌ها را باغ‌ها، درختان و اراضی زراعی پوشانده‌اند. (فردوسی و بابائی، ۱۳۹۷: ۱۱-۱۰)

طی دهه‌های اخیر، با افزایش تعداد اتومبیل‌ها و توجه هرچه بیشتر به ایجاد زمینه‌ای برای تردد مناسب سواره‌رو، بافت کالبدی شهر دچار تغییر و تحول و دگرگونی‌های فراوانی گردید. با گسترش ساخت و سازهای اطراف بافت شهر و همچنین احداث شرکت ذغالسنگ البرز شرقی در ضلع غربی جاده‌ی تهران، از سال ۱۳۴۶ شاهرود از یک شهر کوچک به شهری متوسط و در حال توسعه تبدیل گردید. (همان: ۱۲-۱۱)

سیمای کالبدی شاهرود در دوران معاصر شامل دو بخش بافت قدیم و بافت جدید و نوساز می‌باشد. (تصویر ۱-۴) بافت قدیمی شهر که به سبب کوچه‌های باریک و پر پیچ و خم، بناهای خشت و گلی، مغازه‌های کوچک و ساده و خانه‌هایی با اصول معماری بومی و غیرمرتفع قابل تمایز است شامل محلات قلعه ولی‌آباد، محله‌ی قلعه

سنگ، محله‌ی بیدآباد، سرچهار سوق و کوچه‌ی شریعت می‌باشد. نزدیک به هفتاد سال پیش نیز کوچه‌ی شبدری، کوچه‌ی مصلی و کوچه‌ی حمام نمره و همچنین محله‌ی بین‌النهرین به این بخش از شهر افزوده شدند. قسمت‌های نوساز شاهرود هم که به سبب توسعه‌ی آن و با استفاده از فناوری‌های جدید احداث گردیدند دارای یک طرح و برنامه‌ی مدون و از پیش طرح شده می‌باشند که از کوچه‌های عریض و ساختمان‌هایی با نمای آجر و سنگ و آپارتمان‌های چندین طبقه تشکیل شده است. این قسمت‌ها خود به دو بخش تقسیم می‌شود که یکی از میدان امام به طرف شمال تا پل سرچشمه و از سمت مشرق تا پل باغزندان می‌باشد. بخش دیگر نیز شهرک‌هایی‌ست که طی چند ساله اخیر ساخته شده‌اند و شامل شهرک بهشتی، فرهنگیان، شهرک دانشگاه، البرز، انقلاب، شهرک بهارستان، ولیعصر و... می‌باشند که دارای تأسیسات و شبکه بهداشتی، درمانی و فرهنگی بوده و خیابان‌ها و معابر متعدد و وسیعی در آن‌ها ایجاد گردیده است. (شفیعی، ۱۳۷۸: ۲۱۹-۲۱۸)



تصویر ۱-۴ سیر تکامل محلات و هسته‌های اولیه‌ی شهر شاهرود (مأخذ: فردوسی و بابائی، ۱۳۹۷)

۴-۳ فضاهای باز عمومی شهری شاهرود

فضاهای باز عمومی به عنوان یکی از مراکز مهم و تأثیرگذار در شهرها طی ادوار مختلف از گذشته تا امروز همواره مورد توجه بوده‌اند. این فضاها بستری برای وقوع بسیاری از حوادث و رخدادهاى شهر، همچون برگزاری مراسم، جشن‌ها، آیین‌های ملی و مذهبی، برپایی بازارها و داد و ستد، شکل‌گیری حرکت‌های سیاسی - اجتماعی، نمایش‌ها و گذران اوقات فراغت محسوب می‌گردند. (کنیرش، ۱۳۹۴: ۲) افزون‌براین، آن‌ها به عنوان رابطی میان اجزاء سازنده‌ی یک شهر ایفای نقش می‌نمایند (همچون معابر و گذرها) و زمینه‌ی تقویت هرچه بیشتر تماس‌ها و روابط اجتماعی افراد با یکدیگر را فراهم می‌آورند.

شهر شاهرود به سبب دارا بودن برخی ویژگی‌های مهم و تأثیرگذار توانست به سرعت توسعه یابد و هم‌سو با این رشد و گسترش کالبد شهر، تعدادی زیادی از فضاهای عمومی شهری نیز در آن احداث گردد. ردپای این فضاها در محلات بیدآباد و قلعه ولی که هسته‌ی اصلی و اولیه شکل‌گیری شاهرود می‌باشند بیشتر دیده می‌شود. (فردوسی و بابائی، ۱۳۹۷: ۱۰)

این فضاها به سبب آن‌که هم‌سو با سیر تکامل شهر توسعه یافته‌اند، برخلاف فضاهای باز امروزی، واجد ارزش‌ها و ویژگی‌های معماری و کالبدی محیط‌های شهری سرزنده و انسانی می‌باشند. طی گذر زمان و با تغییرات صورت گرفته در کالبد شهرها و تأثیر نیروها و عوامل مختلف بر آن‌ها، برداشت و درک افراد از مفهوم فضاهای شهری دچار دگرگونی گردیده است. شاهرود نیز از این تغییر و تحولات مستثنا نبوده و پذیرای شکل جدیدی از فضاهای شهری در کالبد خویش می‌باشد که در کنار فضاهای به‌جای مانده از گذشته، سیمای کلی آن را تشکیل می‌دهد.

به‌طور کلی فضاهای باز شهری در شاهرود را می‌توان به چهار گروه اصلی شامل معابر و مسیرهای حرکتی، میداین شهری با عملکردهای مختلف، پارک‌ها و توده‌های سبز محلی و شهری و همچنین رودخانه و یا کانال عبوری از میان آن تقسیم کرد.

یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی فضاهای شهری شاهرود وجود عناصر طبیعی و درختان کهنسال در آن‌ها می‌باشد به طوری که این عناصر به عنوان محور اصلی و یا عاملی جهت تقویت کیفیت و خوانایی محیط ایفای نقش می‌نمایند. البته براساس مدارک و اسناد موجود این امر ریشه در گذشته‌ی شهر دارد به طوری که برخی از این درختان به جای مانده از باغات و مزارع انبوه پیرامون آن بوده‌اند (تصویر ۳-۴ و ۴-۲) که با گسترش شهر به داخل حریم آن راه یافته‌اند.

۴-۳-۱ معابر و مسیرهای تردد و حرکتی

مسیرها به عنوان یکی از عناصر اصلی زیربنایی در ساختار کلی یک شهر مطرح می‌باشند. آن‌ها در ذهن شهروندان به عنوان خطوطی تجلی می‌یابند که موجبات شکل‌گیری ارتباط و اتصال میان اجزای مختلف یک شهر را فراهم می‌آورند. از مسیرها که غالباً به شکل خیابان‌ها، گذرهای فرعی، بن‌بست‌ها و کوچه‌ها در سطح شهر خود را نشان می‌دهند به عنوان یکی از گسترده‌ترین فضاهای شهری یاد می‌شود. همچنین آن‌ها نمود ظاهری تحولات اجتماعی و اقتصادی شهرها نیز می‌باشند. (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۱۸)



تصویر ۳-۴. عکس هوایی شهر شاهرود؛ تاریخ عکسبرداری ۱۳۳۵ ه.ش (مأخذ: شریعت‌زاده، ۱۳۷۱)



تصویر ۴-۲. باغات و مزارع اطراف شاهرود؛ تاریخ عکسبرداری ۱۹۳۵ میلادی (مأخذ: شریعت‌زاده، ۱۳۷۱)

در شاهرود به سبب توسعه‌ی شهر تغییرات اساسی و بنیادینی در شکل‌گیری و ایجاد معابر و مسیرهای ترددی به وجود آمد به نحوی که در حال حاضر آن‌ها را می‌توان به دو بخش بزرگراه‌ها، بلوارها، خیابان‌ها و کوچه‌های از پیش طرح شده و معابر فرعی، کوچه‌های بن‌بست و گذرهایی با توسعه‌ی طبیعی و با هندسه‌ی غیرمنتظم تقسیم نمود. بخش نخست که بیشتر در قسمت‌های نوساز شهر قرار گرفته‌اند شامل خیابان‌های ۲۲ بهمن، فردوسی، خیابان تهران، خیابان شهید مدنی، بلوار آزادی، بلوار عدالت، بزرگراه علامه مجلسی و می‌باشند که غالباً به صورت یک فضای شهری با مقیاس و ویژگی‌های سواره خود را نشان می‌دهند. همچنین این معابر، آشفته، پرازدحام و یکنواخت می‌باشند که مخاطب را ترغیب به عبور و تردد سریع و بدون مکث از آن‌ها می‌نمایند. بخش دیگر این فضاها که در بافت‌های قدیمی و با پیشینه‌ی زیاد شهر همچون محلات بیدآباد، شبدری، باغزندان و قلعه واقع گردیده‌اند براساس مقیاس انسانی و عملکردها و نیازهای او شکل گرفته و به تعبیر پاکزاد "دارای معانی و عملکردهای متنوعی بوده و همواره می‌توانند پذیرای زندگی جمعی باشند" (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۱۹)

۴-۳-۲ میادین شهری با عملکردهای مختلف

میدان‌ها در گذشته به عنوان فضاهای باز و وسیعی شناخته می‌شدند که دارای محدوده‌ای معین و با محصوریت مناسب بوده که در تقاطع مسیرها و گذرها قرار می‌گرفتند و دارای کاربردهای مختلفی نیز بوده‌اند. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۸۲) تغییر و تحولات شهرها موجب شکل‌گیری راه‌های شهری وسیع و گسترده و تبدیل میادین شهری به فلکه گردیده است. این دگرگونی در کارکرد میادین درست برخلاف کاربردهای پیشین عمل می‌کند زیرا فلکه‌ها محل توزیع و تفرق و میادین محل تجمع و گردهمایی می‌باشند. (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۳۹) بررسی ساختار کلی و نظام فضاهای شهری شاهرود، هم در بافت قدیم و هم نوساز نشان می‌دهد که شهر با سه نوع میدان با کارکردهای متنوع و در مقیاس‌های متفاوت سازماندهی شده است. نخست میادین شهری‌ست که غالباً جهت هدایت ترافیک سواره‌رو و کاستن از هرج و مرج ناشی از تردد خودروها در محل تقاطع‌ها و چهارراه‌ها احداث گردیده‌اند. این فضاها دارای عناصر سبز، آب‌نما، عناصر تزئینی، مجسمه و تندیس افراد و شخصیت‌ها

می‌باشند. در این دسته از میادین (همچون میدان‌های جمهوری، ولایت، بسیج، خبرنگار و الغدیر) اولویت اصلی با خودروها بوده و جایگاه انسان و مقیاس انسانی در آن‌ها کم‌رنگ می‌باشد.

گروه دوم از میادین شهری (همچون میدان آزادی و هفتم‌تیر) علاوه بر ویژگی‌های دسته‌ی نخست به سبب داشتن برخی خصوصیات متمایز کننده همچون استفاده از عناصر طبیعی و درختان و همچنین هندسه و وسعت مناسب، جهت گذراندن اوقات فراغت و استراحت شهروندان و مسافران نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. سومین گروه که به شکل میدانچه‌های محلی و درون بافت مسکونی قرار گرفته‌اند علاوه بر نقش ارتباطی و مرکز محله، به عنوان تکایای روباز بوده که در دو طبقه احداث گردیده‌اند.^۱ این فضاها (همانند تکیه بیدآباد، قلعه‌ولی و تکیه بازار) فاقد سقف می‌باشند اما گاهی اوقات با استفاده از سازه‌های چادری روی آن‌ها را می‌پوشانند. از سوی دیگر، به واسطه‌ی قرار گرفتن آن‌ها در تقاطع معابر و گذرهای منتهی به محلات مجاور خود و همچنین عدم وجود درب و یا مانعی در ورودی آن‌ها، باقی ایام سال نقش ارتباطی و مرکز محله را برای ساکنین پیرامون خویش ایفا می‌نمایند.

۴-۳-۳ پارک‌ها و توده‌های سبز محلی و شهری

فضاهای سبز موجود در شهرها به عنوان یکی از تأثیرگذارترین بخش‌های محیط‌های شهری به‌شمار می‌روند. این فضاها و به خصوص پارک‌ها و بوستان‌های شهری نه تنها دارای قابلیت‌های زیست‌محیطی و اکولوژیکی بوده بلکه کارکردهای غیرمستقیم اجتماعی، روانی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کیفیت زندگی شهروندان می‌گذارند. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۸ و ۱۵۱) این پارک‌ها و توده‌های سبز نیز همانند میدان‌های ترافیکی به صورتی مدون و از پیش طرح شده شکل گرفته و توسعه یافتند. به طور معمول این فضاها

^۱ از گذشته تا امروز، در ایوان طبقه‌ی بالای این تکایا بانوان و در طبقه‌ی همکف، آقایان مستقر می‌شوند که در ایام شهادت اهل بیت (ع) و به ویژه در ماه محرم به تعزیه و عزاداری می‌پردازند.

یکی از این مراسمات که همه ساله در روز پنجم ماه محرم و در تکیه‌ی بازار (تکیه‌ی زنجیری) برگزار می‌گردد آیین «طوق بندان» یا «یاعباس، یاعباس» می‌باشد که شهرت ملی دارد و در آن هیئت‌های مذهبی و مردم از تمام محلات شهر به تکیه‌ی بازار آمده و به نوحه و مرثیه برای علمدار لشکر امام حسین (ع)، حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) می‌پردازند.

فاقد هرگونه ویژگی و قابلیت معماری و کالبدی برجسته‌ای می‌باشند که یا در مقیاس کلان شهری و یا به صورت محلی به ایفای نقش می‌پردازند.

۴-۳-۴ رودخانه و کانال شاهرود

این رودخانه که از قسمت‌های جنوبی شاهکوه، حد فاصل تاش و مجن نشأت می‌گیرد بعد از اتصال به چند رشته‌ی فرعی دیگر و مشروب کردن زمین‌های کشاورزی پشت بسطام به سمت شهر شاهرود ادامه‌ی مسیر داده و بعد از گذر از آن به دشت کویر ختم می‌گردد. (شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۲۰) مسیل و مسیر ابتدایی این رودخانه خیابان فردوسی فعلی بوده که خود به انشعابات و شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شد. یکی از آن‌ها به خیابان تهران، یکی مصلی و دیگری به کوچه‌ی راه دیزج، جریان می‌یافت. (شفیعی، ۱۳۷۸: ۵۴) در حال حاضر این رودخانه فقط در مواقع سیلاب و بارندگی، آب نسبتاً مناسبی در آن جریان دارد.^۱ علاوه‌براین، پل سرچشمه‌ی شاهرود نیز به طول ۸۰ و عرض ۸ متر که در دوران پهلوی اول احداث شده در جایگاه یکی از فضاهای عمومی شهری بر روی رودخانه‌ی شاهرود به ایفای نقش می‌پردازد. (دیوسالار و همکاران، ۱۳۹۴: ۵)

این رودخانه نیز همانند سایر فضاهای شهری از آسیب‌های ناشی از ساخت و ساز و گسترش روزافزون شهر در امان نبوده و با ایجاد دو خیابان ساحلی (شمالی و جنوبی) و آفتاب در دو سوی آن، عملاً کارکرد خویش را به عنوان یک مکان تفریحی و با قابلیت جذب شهروندان و مردم جهت نشستن و استراحت و همچنین گذران اوقات فراغت از دست داده و به محلی برای تجمع و تخلیه‌ی زباله‌ها و نخاله‌ی ساختمانی تبدیل گردیده است.

^۱ امروزه با توجه به تسری بافت‌های مسکونی به درون حریم اصلی رودخانه، انشعابات مختلف آن از میان رفته و مسیر فعلی این رودخانه از میان خیابان‌های ساحلی و آفتاب می‌گذرد که در نهایت به کویر ختم می‌شود.

۴-۴ فضاهای کوچک مقیاس شهری و انواع آن در شاهرود

هدف این پژوهش شناخت فضاهای کوچک مقیاس شاهرود و نقش آن در شکل‌گیری و تقویت تعاملات و روابط اجتماعی میان مردم می‌باشد. بنابراین دسته‌بندی فضاهای باز در این مقیاس به صورت خرد، کوچک و هم‌سو با اصول و ویژگی‌های معماری و کالبدی شهر می‌باشند. در این فضاها برخلاف فضاهای شهری کلان مقیاس، افراد از روی اجبار یا اختیار، به صورت پیوسته از آن‌ها استفاده می‌نمایند.^۱ بنابراین کیفیت و یا عدم مطلوبیت آن‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رضایت شهروندان دارد. از سوی دیگر، این فضاها می‌توانند به واسطه‌ی برخورداری از برخی خصوصیات و ویژگی‌های کالبدی و کارکردی مطلوب و مناسب و همچنین فراهم نمودن زمینه‌ی حضور شهروندان در آن‌ها موجب افزایش معاشرت‌پذیری و تقویت تعاملات اجتماعی میان ایشان گردند.

برای دسته‌بندی فضاهای کوچک مقیاس شهری که هم در امتداد دسته‌بندی‌های فضاهای باز بوده و هم دارای ویژگی‌های مشترک میان اجزاء خویش باشند، آن‌ها را براساس برخی ویژگی‌ها و معیارهای کلی فضاهای شهری همچون ایستایی و پویایی، سواره‌رو و یا پیاده‌رو بودن، وجود عناصر سبز و طبیعی در آن‌ها، قابلیت شکل‌دهی به روابط و تعاملات اجتماعی میان افراد و همچنین روباز و یا پوشیده بودن، مورد ارزیابی قرار داده و سپس فضاهای با خصلت مشترک را طبقه‌بندی کردیم. لذا به ده گروه و دسته رسیدیم که خود از چندین زیرگروه تشکیل می‌شوند. این گروه‌ها شامل آستانه‌های ورودی، پله‌های شهری و محلی، درختان و عناصر سبز تقسیم و جدا کننده‌ی فضا، عناصر سبز احاطه کننده فضا، عناصر سبز با قابلیت توقف و مکث، عناصر سبز روی لبه‌ها و دیوارها، کوچه‌های بن‌بست با قابلیت توقف و مکث، کوچه‌های بن‌بست بدون قابلیت توقف، معابر و مسیرهای ممتد و باز بدون قابلیت توقف و همچنین معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت توقف می‌شوند.

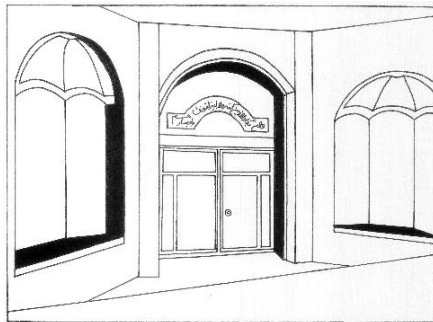
^۱ رجوع شود به فصل دوم، صفحه ۲۳ مبحث انواع فعالیت افراد در فضاهای شهری

۴-۴-۱ مفاصل و آستانه‌های ورودی

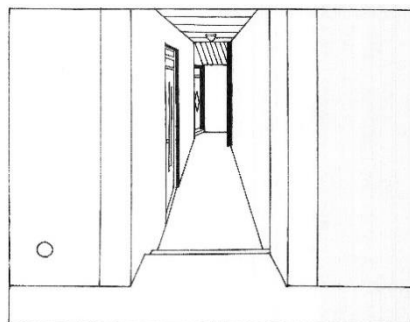
امروزه با از میان رفتن بسیاری از کارکردها و اجزاء و عناصر فضاهای ورودی، تنها مفهومی که از آن به جای مانده تفکیک دو فضای بیرون و درون ساختمان‌ها و بناهای معماری و شهری به وسیله‌ی یک مانع قابل کنترل (درب) می‌باشد. این درحالی‌ست که آستانه‌های ورودی در واقع تلاشی برای ایجاد محیطی متشکل از ویژگی‌های هر دو گونه‌ی فضا (بیرون و درون) و مفصلی برای ارتباط مناسب میان آن دو می‌باشد نه تیغه‌ای برای تفکیک آن‌ها. (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۳) این گونه فضاها می‌باید به عنوان مکانی جهت تغییر مسیر حرکت و ورود به بناها و همچنین توقف و مکث در جلوی آن‌ها ایفای نقش کنند. علاوه‌براین، آن‌ها باید به واسطه‌ی ویژگی‌های کالبدی و کارکردی خویش فضاهای معماری و شهری را از معابر مجاور خود متمایز نمایند. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۷۰) یکی از مسائل و مشکلات بخش‌های نوساز شاهرود نبود هیچ گونه عنصر تعریف کننده قلمروی بناها و ارتباط ناگهانی آن‌ها با معبر و مسیر مجاور خود است.

مفاصل و آستانه‌های ورودی با ایجاد سلسله مراتب دسترسی میان فضای داخلی بناها و محیط‌های بیرونی سبب حفظ حریم و تفکیک قلمروی هریک از آن‌ها می‌گردند. همچنین وجود برخی اجزاء و عناصر کالبدی همچون پیرنشین‌ها در پیرامون این مفاصل به تقویت تماس‌ها و ارتباطات اجتماعی بهره‌برداران و ساکنین منجر می‌گردد. به طور کلی مفاصل و آستانه‌های ورودی در شهر شاهرود را براساس ویژگی‌های کارکردی و یا کالبدی می‌توان به سه دسته‌ی ورودی‌های روباز و نامسقف، (نقشه ۴-۱) و ورودی‌های مسقف و پوشیده شده (نقشه ۴-۲) و همچنین آستانه‌ها و مفاصل دارای فرم‌های چندظرفیتی جهت نشستن (نقشه ۴-۳) تقسیم نمود که هرکدام خصوصیات منحصر به فرد خود را دارا می‌باشند. این ورودی‌ها فارغ از کارکرد و موقعیت قرارگیری در شهر، به صورت یکسان از ویژگی‌ها و اصول کالبدی معماری و شهرسازی مطلوب و مناسب بهره‌مند نمی‌باشند. در این میان آستانه‌هایی که طی چند دهه‌ی اخیر و به خصوص در بافت‌های نوساز شهر شکل گرفته‌اند کمترین استفاده را از این معیارها نموده و فضاهای ورودی را تا حد یک مانع و درب تنزل داده‌اند.

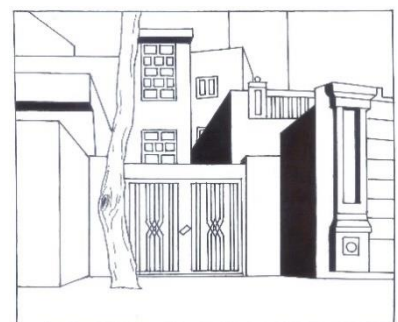
در بین آستانه‌های ورودی، دو دسته‌ی ورودی‌های روباز و مسقفی که هیچ‌گونه عنصر ثانویه‌ی دیگری در کالبد و ساختار معماری آن‌ها وجود ندارد، صرفاً به عنوان یک فضای انتقالی میان درون و بیرون عمل می‌نمایند. (تصویر ۴-۴) این فضاها کوچک و فضای ورودی به یک خانه بوده و یا وسیع و مورد استفاده‌ی چند بنا قرار می‌گیرد. در مورد دوم آن‌ها به مثابه یک هشتی عمل کرده و افراد پس از ورود به این فضاها می‌توانند به بنای مورد نظر دسترسی پیدا کنند. (تصویر ۴-۵) دسته‌ی سوم ورودی‌ها دارای برخی اجزاء و عناصر چند ظرفیتی هستند که می‌توان در موقعیت‌های مختلف استفاده‌های متنوعی از آن‌ها نمود. این گروه از ورودی‌ها علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های برشمرده شده برای دسته‌های قبل به سبب وجود فرم‌های محرک و چند ظرفیتی در کالبد خویش، دارای کارکردهای فرهنگی و اجتماعی می‌باشند. (تصویر ۴-۶) از جمله‌ی این عملکردها می‌توان به نشستن و جمع شدن افراد در پیرامون ورودی و ایجاد تعاملات اجتماعی و همچنین تقویت روابط همسایگی و حس تعلق به محیط زندگی اشاره کرد.



تصویر ۴-۶. آستانه‌های ورودی دارای فرم‌های چند ظرفیتی و تفسیرپذیر^۱ مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۵. آستانه‌های مسقف و پوشیده شده- مأخذ: نگارنده

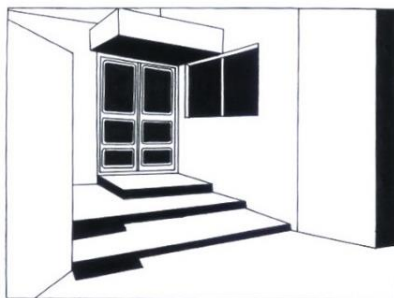


تصویر ۴-۴. آستانه‌های ورودی روباز و نامسقف مأخذ: نگارنده

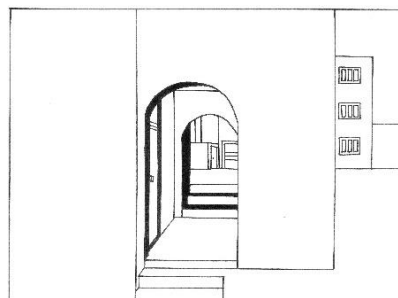
^۱ پیش‌آمدگی ایجاد شده در نمای بناها در کنار وجود پله‌ها، سکوها و پیرنشین‌ها در برخی ورودی‌ها به عنوان عناصری چند ظرفیتی و تفسیرپذیر و همچنین عاملی محرک جهت حضور و نشستن افراد و ساکنین، موجب تقویت ابعاد اجتماعی آستانه‌های ورودی گردیده است.

در میان دسته‌های فضاهای ورودی، نمونه‌هایی که دارای عقب‌نشینی مناسبی از معبر مجاور خویش بوده و یا در میانه و انتهای یک کوچه‌ی بن‌بست قرار گرفته‌اند به سبب احاطه‌ی آن‌ها توسط جداره‌ی بناهای پیرامون دارای میزان محصوریت نسبتاً مناسبی می‌باشند. (تصویر ۴-۷) علاوه‌براین، به واسطه‌ی پیش‌آمدگی و شکستگی‌های بالای درب‌ها و ورودی‌ها از تناسبات و مقیاس انسانی مطلوبی نیز برخوردارند. از سوی دیگر، ویژگی عملکردی این فضاها در کنار هندسه و فرم کالبدیشان موجب القای خصوصیت مکث و سکون در آن‌ها گردیده است.

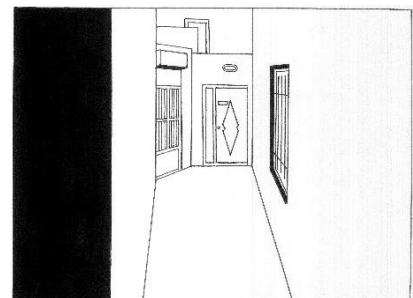
تغییر در مقیاس فضا که ناشی از انتقال افراد از معابر و گذرهای وسیع حرکتی به فضایی با ابعاد مشخص و محدود می‌باشد و همچنین ایجاد ایجاد عقب‌نشینی و پیش‌آمدگی در بدنه‌ها در کنار تغییر در روشنایی فضا (که در ورودی‌های سرپوشیده به روشنی نمایان است) سبب شده تا فضاهای ورودی دارای تباین نسبتاً مناسبی با فضاهای پیرامون خود باشند. (تصویر ۴-۸) شکستگی و عقب‌نشینی از معبر اصلی و ایجاد اختلاف سطح نسبت به آن که به واسطه‌ی پله‌های تعبیه شده در این فضا لحاظ گشته در کنار تفاوت در مصالح و بافت ورودی‌ها، موجب شکل‌گیری سلسله مراتب دسترسی و تفکیک حریم و قلمروی آن‌ها نسبت به معبر مجاور گردیده است. (تصویر ۴-۹)



تصویر ۴-۹. عوامل سازنده‌ی سلسله مراتب دسترسی در ورودی‌ها- مأخذ: نگارنده



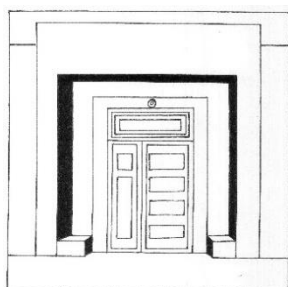
تصویر ۴-۸. تغییر در مقیاس و نوع فضا در ورودی‌ها- مأخذ: نگارنده



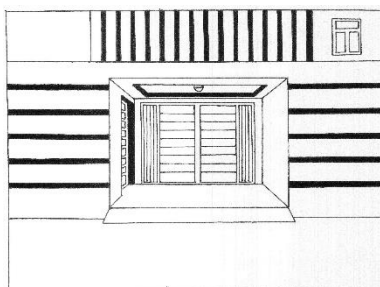
تصویر ۴-۷. عقب‌نشینی آستانه‌های ورودی از معبر اصلی و احاطه توسط بناهای مجاور- مأخذ: نگارنده

مفهوم نفوذپذیری در فضاهای ورودی با سایر محیط‌های شهری تا حدودی متفاوت می‌باشد. لازمه‌ی نفوذپذیری در یک ورودی عدم تفکیک مطلق و کامل عرصه‌های دو طرف آن می‌باشد به طوری که بتوانند در هم نفوذ نمایند. تداوم فعالیت‌ها و عناصر کالبدی از یک عرصه به عرصه‌ی دیگر، تغییر تدریجی آن‌ها و بکار رفتن نشانه‌ها و جلوه‌های بصری از هر دو عرصه می‌توانند در تقویت این امر نقش بسزایی را ایفا نمایند. (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۶) در بیشتر ورودی‌های سرپوشیده‌ای که نوعی عقب‌نشینی به درون را نسبت به معبر مجاور خود دارند، این ویژگی رعایت شده و افراد به یکباره از فضای عمومی به خصوصی منتقل نمی‌شوند. (تصویر ۴-۱۰) همچنین ارتباط بصری میان گذرها و آستانه‌های ورودی نیز به این امر کمک نموده است به نحوی که افراد عرصه‌های مختلف را به راحتی مشاهده نموده و از هم دیگر متمایز می‌نمایند که این امر تا اندازه‌ای خوانایی فضا را نیز تأمین می‌نماید. (تصویر ۴-۱۱)

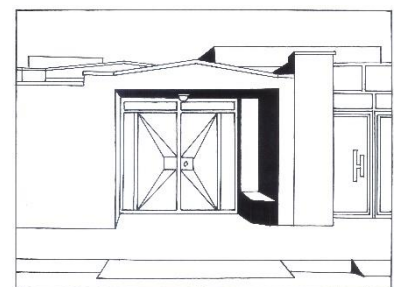
یکی از نقش‌های اصلی فضاهای ورودی، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آن‌ها می‌باشد، به نحوی که علاوه بر قابلیت حرکت و پویایی، زمینه را برای توقف و مکث افراد نیز فراهم می‌آورند. در میان آستانه‌های ورودی شاهرود، برخی با دارا بودن اجزاء و عناصر ثانویه و یا اولیه‌ی نشستن، محیط مناسبی را برای جمع شدن و شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی افراد فراهم نموده و به این ترتیب محیطی انعطاف‌پذیر و چند ظرفیتی را ایجاد می‌نمایند. (تصویر ۴-۱۲)



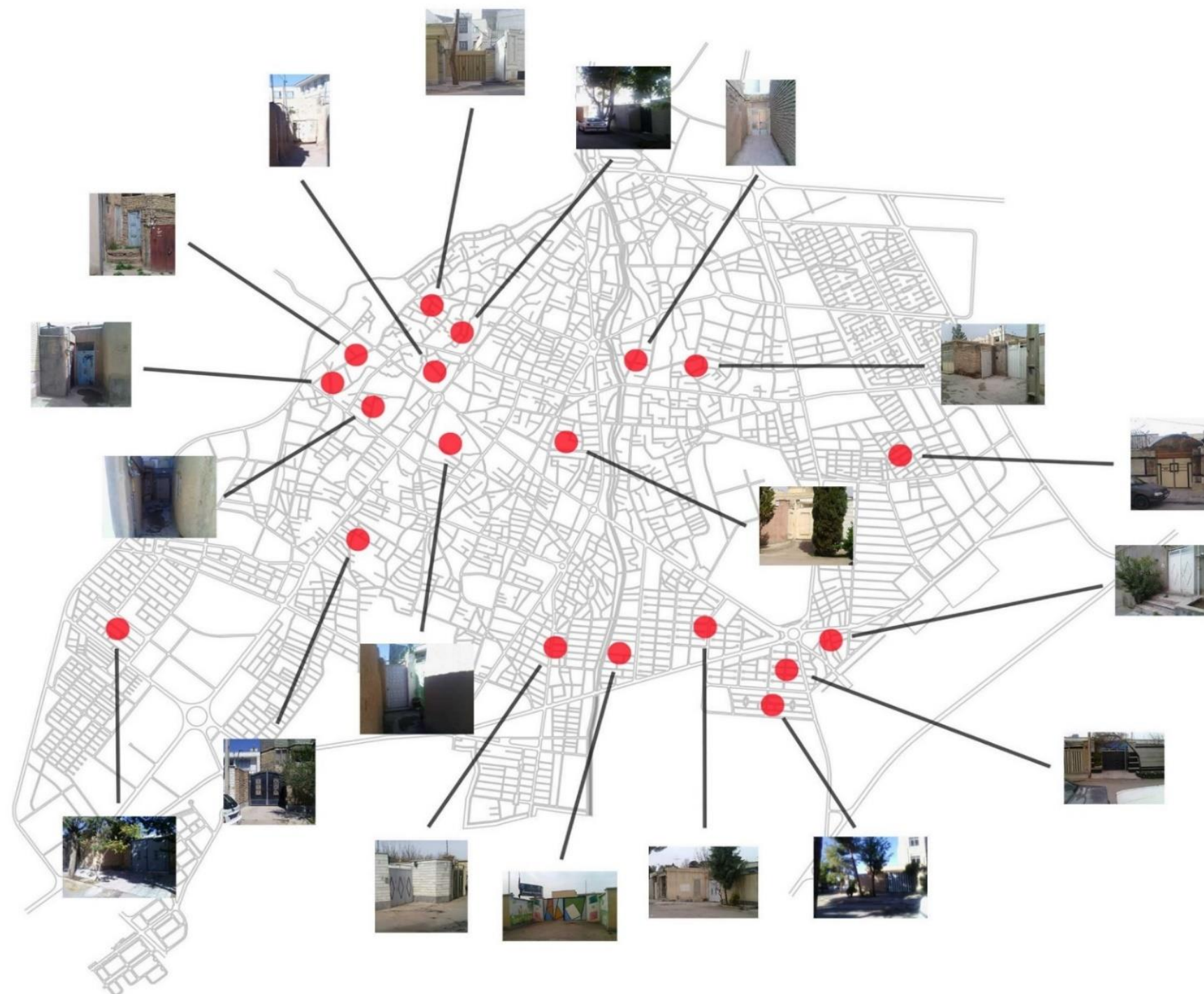
تصویر ۴-۱۲. بکارگیری عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۱۱. ارتباط بصری مناسب میان ورودی و معبر مجاور - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۱۰. شکستگی و عقب‌نشینی در فضاهای ورودی - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۱. آستانه‌های ورودی روباز و نامسقف - مأخذ: نگارنده



نقشه ۲-۴. آستانه‌های ورودی مسقف و بدون عناصر تفسیرپذیر و چند ظرفیتی - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۳. آستانه‌های ورودی همراه با فرم‌های تفسیرپذیر - مأخذ: نگارنده

۴-۲-۴ پله‌های شهری و محلی

در میان انواع مختلف فضاهای شهری، پله‌ها جزء منحصر به فردترین آن‌ها می‌باشند. برخلاف دیگر فضاها که در سطح گسترش یافته‌اند پله‌ها در ارتفاع رشد نموده‌اند، همچنین در سایر محیط‌های شهری که تحت سلطه‌ی خودروها می‌باشند این فضاها مختص به حرکت افراد پیاده‌اند. در این جا منظور از پله صرفاً یک عنصر کالبدی ساده جهت ارتباط و جابه‌جایی افراد نمی‌باشد. در سطح شهرها پله‌ها نیز همانند سایر فضاهای باز عمومی منحصر به ساعات مشخصی در شبانه روز نبوده و قابل استفاده برای تمام افراد و گروه‌های سنی و اجتماعی شهروندان است. علاوه‌براین، به عنوان یک فضای شهری چند عملکردی قابلیت ایجاد تعاملات اجتماعی در مقیاس‌های مختلف را نیز دارا می‌باشد. (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۴۱۴)

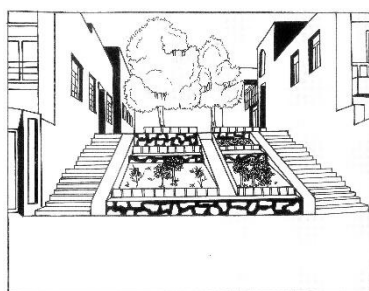
در شاهرود این نوع از فضاهای شهری بیشتر در بخش‌های شمال و شمال‌غربی شهر که دارای پستی و بلندی و اختلاف تراز زیادی می‌باشد به چشم می‌خورند. از جمله‌ی این مناطق می‌توان به محلات بیدآباد، چمران و همچنین خیابان فردوسی اشاره نمود. (نقشه ۴-۴) نوع عملکرد و کارکرد پله‌ها در شهر، بیشتر تحت تأثیر بستر قرارگیری و کاربری‌های پیرامون آن‌ها می‌باشد. پله‌های موجود در فضاهایی همچون پارک بلوار و پارک آبشار که یک فضای سبز و با قابلیت بهره‌برداری عمومی توسط شهروندان و مسافران جهت تفریح و گذراندن اوقات فراغت می‌باشد در مقیاس شهری و در نقش‌های ارتباطی و اجتماعی ایفای نقش می‌نمایند. آن‌ها علاوه‌بر دسترسی افراد به سطوح مختلف به نوعی محلی برای تجمع و نشستن آن‌ها و گپ و گفت شهروندان نیز می‌باشند. در مقابل برخی پله‌ها همچون پله‌های بکار رفته در محلات و خیابان‌های فرعی که در مقیاس محلی و با قابلیت بهره‌برداری گسترده توسط ساکنین و مجاورین آن‌ها شکل گرفته‌اند و به ایفای نقش‌های ارتباطی و یا ارتباطی-اجتماعی می‌پردازند، ناشی از ویژگی‌های منحصر به فرد و همچنین مقیاس کوچک و عرض کم آن‌ها می‌باشد.

به طور کلی، بیشتر پله‌های محلی شاهرود به سبب احاطه توسط بناهای پیرامون از میزان محصوریت نسبتاً مطلوب و مناسبی برخوردار می‌باشند. (تصویر ۴-۱۳) همچنین آن‌ها به واسطه‌ی خصلت خویش به شکل فضایی پویا و در برخی موارد همراه با عناصری جهت توقف و مکث می‌باشند.

مقیاس کوچک آن‌ها و عدم وجود خصلت‌ها و خصوصیات سازنده‌ی یک محیط غیریکنواخت و متنوع (همچون تغییر در شکل جداره‌ها، نوع و مقیاس فضا و همچنین بکارگیری ترکیب رنگ و مصالح مختلف) در این فضاها موجب شکل‌گیری یک تباین ضعیف و ناچیز در جداره‌های مجاور آن‌ها گردیده است. در این پله‌ها به واسطه‌ی باز شدن پنجره‌ها و یا درب‌های پیرامون و همچنین قرار گرفتن در مجاورت معابر اصلی و قابل رؤیت بودن توسط عابران همراه با استفاده از مصالح کف‌سازی غیرلغزنده و مناسب موجب شکل‌گیری یک نفوذپذیری نسبتاً مطلوب و مناسب در آن‌ها گردیده است. (تصویر ۴-۱۴) با این وجود، به سبب نداشتن رمپ و مسیر شیب‌دار در مجاورت خویش (به جز در موارد معدود) به مقدار و میزان کمی از نفوذپذیری آن‌ها کاسته شده است. (تصویر ۴-۱۵)



تصویر ۴-۱۵. عدم وجود رمپ و مسیر شیب‌دار در مجاورت فضاها - مأخذ: نگارنده



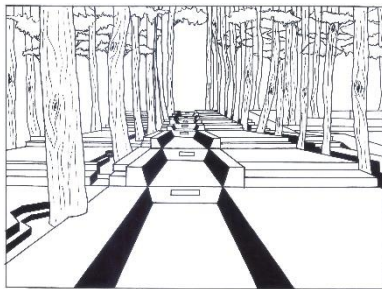
تصویر ۴-۱۴. رؤیت و نفوذپذیری بصری مناسب محیط‌ها - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۱۳. محصوریت فضا به واسطه‌ی جداره‌ی بناهای پیرامون - مأخذ: نگارنده

دارا بودن عرض مناسب و یا قرار گرفتن دو ردیف پله در نزدیکی هم و همچنین وجود سکوها و یا محل‌هایی برای توقف و مکث در کنار عناصر پله موجب گشته تا آن‌ها علاوه بر کارکرد اصلی خود، به عنوان محلی برای توقف و نشستن افراد و ایجاد ارتباط و تعامل میان آن‌ها نیز مورد بهره‌برداری قرار گیرند. (تصویر ۴-۱۶)

همان‌طور که اشاره شد پله‌هایی با قابلیت ایفای نقش در مقیاس شهری در شاهرود بسیار کم و منحصر به محلات بیدآباد و اطراف آن و همچنین خیابان فردوسی است. این نوع پله‌های شهری به لحاظ خصوصیات و ویژگی‌های سازنده همانند پله‌های محلی عمل می‌نمایند و تنها در برخی قسمت‌ها دارای تفاوت‌های محسوسی با آن‌ها می‌باشند^۱ از جمله‌ی این تفاوت‌ها می‌توان به تباین فضایی آن‌ها اشاره کرد. پله‌های شهری به سبب نوع موقعیت قرارگیری و زمینه‌ی خاص خود تجربیات متفاوتی را به لحاظ دید و منظر، روشنایی و نوع فضا در اختیار افراد قرار می‌دهند. (تصویر ۴-۱۷) همچنین وجود عناصر طبیعی همچون درختان و جریان آب در آن‌ها موجب تقویت غنای حسی و سرزندگی این نوع از فضاهای شهری و تمایل بیشتر شهروندان برای استفاده و حضور در آن‌ها گردیده است. (تصویر ۴-۱۸)

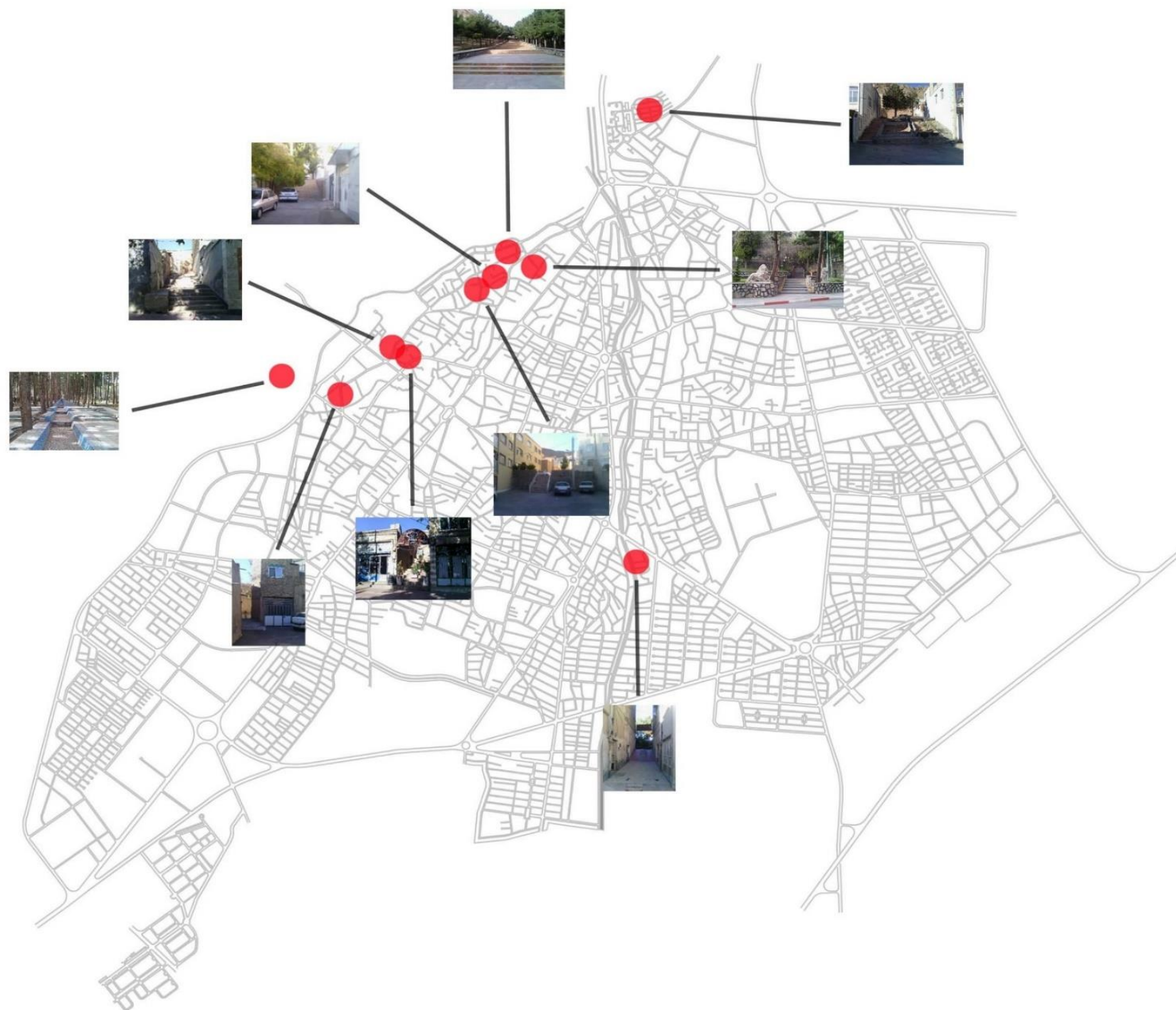


تصویر ۴-۱۸. عوامل تقویت کننده‌ی غنای حسی فضا- مأخذ: نگارنده

تصویر ۴-۱۷. مؤلفه‌های سازنده‌ی سکانس‌های مختلف در فضا- مأخذ: نگارنده

تصویر ۴-۱۶. بکارگیری فرم‌ها و عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر در فضا - مأخذ: نگارنده

^۱ برخلاف پله‌های محلی که توسط بدنه‌های صلب بناهای پیرامون محصور گردیده‌اند، این فضاها در برخی موارد به شکل ترکیبی از درختان و عناصر مصنوعی و یا به طور کامل توسط عناصر طبیعی و سبز محصور شده‌اند که این امر علاوه بر ایجاد محصوریتی نسبتاً مطلوب و مناسب، موجب تقویت غنای حسی محیط نیز گردیده است.



نقشه ۴-۴. پله‌های شهری و محلی شاهرود - مأخذ: نگارنده

۴-۳-۴ درختان و عناصر سبز

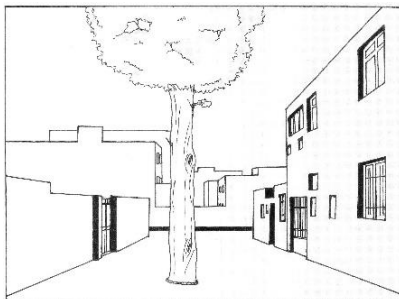
نقش فضای سبز در معماری و طراحی شهرهایی که بافت متراکم و پیوسته داشتند با کارکرد امروزی آن بسیار متفاوت است. آلودگی هوا، فقدان فضاهای سبز و مناظر طبیعی و دوری افراد از طبیعت در دوره‌ی معاصر موجب عدم توازن میان انسان و طبیعت گردیده است. در این شرایط، مردم و طراحان با استفاده از احداث فضاهای سبز خطی و منفرد در کنار خیابان‌ها و معابر سعی در کم کردن این فاصله دارند. این در حالی‌ست که در گذشته حتی آن‌هایی نیز که به کار کشاورزی و زراعت مشغول نبودند به نحوی با طبیعت ارتباط داشتند زیرا شهرها کوچک و دارای مقیاس انسانی بود و پیرامون آن‌ها نیز مزارع و باغ‌های متعددی وجود داشت. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۵)

فضاهای سبز علاوه بر تأثیرات زیست‌محیطی که دارند در بهبود شرایط روحی و روانی و تکامل شخصیت انسان‌ها نیز مؤثر می‌باشند. این فضاها معمولاً محیط مناسبی برای فاصله گرفتن از دغدغه‌های روزمره و رسیدن به آرامش می‌باشند. (صادقی‌پی، ۱۳۹۱: ۶۸) علاوه بر این، درختان و عناصر سبز طبیعی نقش دیگری را نیز در سطح شهر ایفا نموده و به فضاهای شهری هویت می‌بخشند.

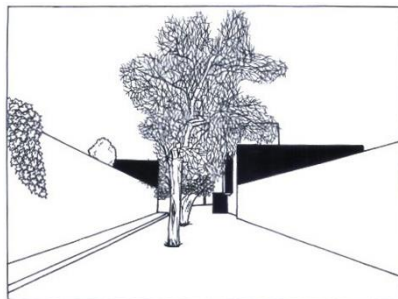
تفاوت میان انواع درختان موجود در محیط‌های شهری و یا قرار داشتن یک درخت در فضایی خاص و یا حتی نحوه‌ی هرس کردن آن‌ها می‌تواند سبب تمایز معابر و خیابان‌ها شود، عاملی جهت خوانایی باشد و یا در موقعیت یک نشانه‌ی شهری قرار گیرد. (محمودی و علیمردانی، ۱۳۹۵: ۴۶) در شهر شاهرود حضور و نقش درختان و عناصر طبیعی بسیار پر رنگ می‌باشد. فارغ از پارک‌ها، بوستان‌ها و توده‌های سبز که در مقیاس کلان شهری و یا در سطح یک محله و شهرک مسکونی ایفای نقش می‌نمایند، درختان و عناصر طبیعی شاهرود را براساس نوع کارکرد و یا محل قرارگیری، می‌توان به چهار گروه درختان و عناصر سبز تقسیم و جداکننده‌ی فضا، عناصر سبز احاطه‌کننده‌ی فضا، عناصر سبز با قابلیت توقف و مکث و عناصر سبز روی لبه‌ها و جداره‌ها تقسیم کرد. در برخی از فضاهای شهر نیز این موارد به گونه‌ای با یکدیگر ترکیب شده و یا یک عنصر طبیعی و سبز همزمان چند کارکرد داشته و بیش از یک نقش را ایفا می‌نماید.

۴-۳-۱ درختان و عناصر سبز تقسیم و جداکننده‌ی فضا

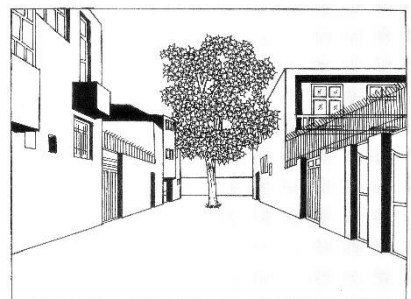
به صورت کلی این دسته از فضاهای شهری یا در قالب معبر و مسیری ممتد و باز بوده و یا کوچه‌ای که به واسطه‌ی ویژگی‌های کالبدی و یا کارکردی خود صرفاً به گذری جهت تردد بدل گردیده است. (نقشه ۴-۵) اغلب این فضاها به صورت خطی بوده و عدم ایجاد شکستگی و گشایش در میانه‌ی آن‌ها، موجب القای حس پویایی و حرکت در فضا می‌گردد. با این وجود، به واسطه‌ی احاطه توسط بناهایی با ارتفاع نسبتاً مناسب و مقیاس انسانی و همچنین وجود درختان در میانه‌ی آن (که سبب تقسیم فضا و ایجاد نقاطی برای مکث و توقف گردیده) به میزان کمی از این ویژگی کاسته است. (تصویر ۴-۱۹) این فضاها نتوانسته‌اند به شکلی مناسب و از طریق ایجاد سکانس‌های مختلف (به واسطه‌ی چشم‌اندازها، تراکم ساختمانی، الگوی بناها) نوعی توالی فضایی و عدم یکنواختی در طول مسیر را برای مخاطب تداعی کنند. (تصویر ۴-۲۰) همچنین آن‌ها به جهت خطی و یکنواخت بودن و عدم برخورداری از مؤلفه‌هایی جهت تعریف و تفکیک قلمروی خود از فضاهای دیگر (همچون استفاده از رنگ و مصالح متنوع، لبه‌های عملکردی و شکستگی در جداره‌های خود) فاقد یک سلسله مراتب دسترسی مناسب و قوی نیز می‌باشند. تنها وجه تمایز این فضاها با محیط‌های مجاور همان درختان میانه‌ی فضا می‌باشد که به عنوان نشانه‌ای خاص و شاخص نیز برای آن معبر و فضای شهری ایفای نقش می‌نمایند و در کنار مقیاس کوچک و عدم مسقف و پوشیده بودن این فضاها موجبات وضوح و خوانایی محیط را نیز فراهم آورده است. (تصویر ۴-۲۱)



تصویر ۴-۲۱. درختان و عناصر طبیعی به عنوان نشانه‌ای شاخص - مأخذ: نگارنده



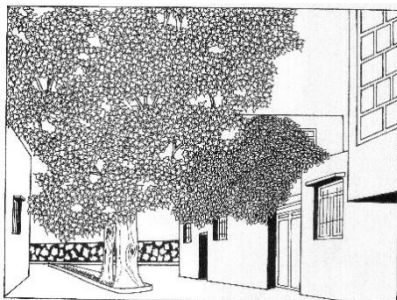
تصویر ۴-۲۰. طرح خطی فضای شهری موجود همراه با درختان در میانه‌ی آن - مأخذ: نگارنده



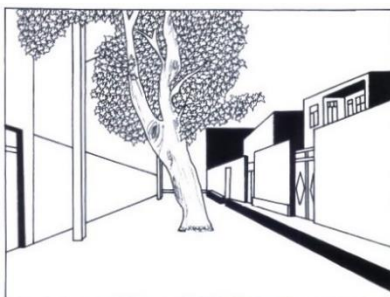
تصویر ۴-۱۹. تقسیم فضا به دو بخش توسط درختان و عناصر طبیعی - مأخذ: نگارنده

به واسطه‌ی نبود رابطه‌ی مناسب میان مصالح، فرم و شکل بناهای مجاور، لذا این فضاها فاقد یک هم‌پیوندی و ترکیب مناسب میان واحدهای پیرامون خود می‌باشند به طوری که فقط می‌توان به فرم مستطیلی بازشوها و روزنه‌های ساختمان‌ها و واحدهای معماری احاطه‌کننده‌ی آن‌ها اکتفا نمود. (تصویر ۴-۲۲) پنجره‌ها و روزنه‌های متعدد رو به این فضاها و همچنین مسیرها و معابری صاف و فاقد شکستگی و انحنا در آن‌ها موجب روئیت و نفوذپذیری بصری مناسب این فضاها گردیده است. علاوه‌براین، عرض متناسب و قابلیت تردد همزمان برای پیاده و سواره در کنار تقسیم مسیر به دو قسمت حرکتی و عدم تداخل در عبور و مرور افراد، موجب دسترسی مناسب و مطلوب آن‌ها نیز گردیده است. (تصویر ۴-۲۳)

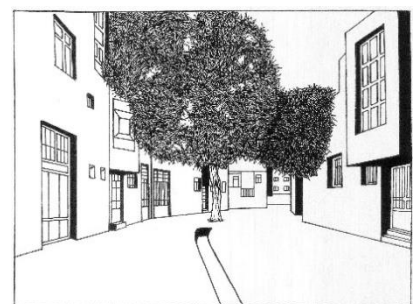
در اینجا یک پیوند و درهم تنیدگی میان عناصر کالبدی و درختان موجود در میانه‌ی آن‌ها شکل گرفته است به نحوی که هر کدام مکمل دیگری می‌باشند. درختان در این فضاها به عنوان مراکز تمرکز و نقطه‌ی کانونی آن‌ها عمل کرده و با ایجاد سایه‌اندازی و تقویت غنای محیط، فضایی جهت توقف و مکث‌های کوتاه اطراف خویش ایجاد می‌نمایند. (تصویر ۴-۲۴) با این وجود نمی‌توان این گروه از فضاهای شهری شاهرود را در زمره‌ی محیط‌های جمع‌پذیر به‌شمار آورد زیرا علاوه‌بر خصوصیت پویایی و حرکت، نقش فرم‌ها و عناصر محرک و چند ظرفیتی نیز در آن‌ها کمرنگ می‌باشد.



تصویر ۴-۲۴. سایه‌اندازی و تقویت غنای حسی فضا توسط درختان - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۲۳. نفوذپذیری مناسب فضا - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۲۲. فرم و تناسبات مستطیلی و نزدیک به هم روزنه‌ها و بازشوها - مأخذ: نگارنده

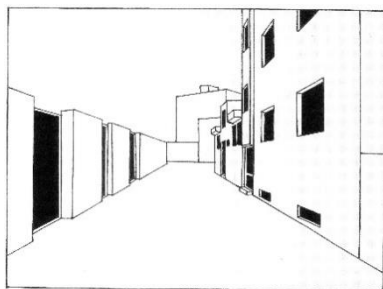


نقشه ۴-۵. درختان و عناصر سبز تقسیم کننده‌ی فضا - مأخذ: نگارنده

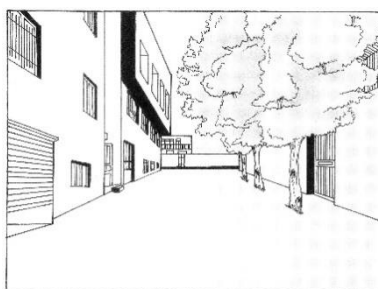
۴-۳-۲ عناصر سبز احاطه‌کننده فضا

برخی فضاهای شهری شاهرود فارغ از نوع کارکرد و عملکردشان توسط بدنه‌ای از درختان و عناصر طبیعی محصور و احاطه می‌گردند. (نقشه ۴-۶) در این گونه فضاها عناصر طبیعی نقش مکمل را ایفا نموده و موجب تقویت محصوریت و شکل‌گیری یک مقیاس و تناسبات انسانی می‌شود. (تصویر ۴-۲۵) همچنین به سبب خطی بودن معابر و نبود هیچ‌گونه میدانچه و یا گشایشی در میانه‌ی آن‌ها این فضاها دارای خصوصیت پویایی و حرکت نیز می‌باشند. (تصویر ۴-۲۶) از آنجا که این معابر و مسیرها یکنواخت بوده و هیچ‌گونه تغییری در مقیاس فضا، شکل بدنه‌ها و نوع آن‌ها صورت نپذیرفته است، تباین فضایی در آن‌ها ملموس و محسوس نیست. همچنین مخاطب بجز تنوع در جداره‌های احاطه‌کننده‌ی فضا و بکارگیری عناصر طبیعی و مصنوعی به صورت هم‌زمان، وجه تمایز مشخصی را میان این گروه از فضاهای شهری با محیط‌های مجاور خویش تجربه نمی‌کند.

بکارگیری مصالح نامتناسب و ناهمگن در جداره‌ها و همچنین عدم تعادل و استحکام بصری مطلوب در نماها (که ناشی از جایگذاری نامتوازن و نامتناسب بازشوها و پنجره‌های آن‌ها می‌باشد) علی‌رغم استفاده از فرم‌های مستطیل شکل در بازشوها، موجب پدیدآمدن یک ترکیب و وحدت نامطلوب و ضعیف میان اجزاء سازنده‌ی این فضاها گردیده است. (تصویر ۴-۲۷)



تصویر ۴-۲۷. بکارگیری فرم‌های مستطیلی در بازشوهای جداره‌های پیرامون - مأخذ: نگارنده



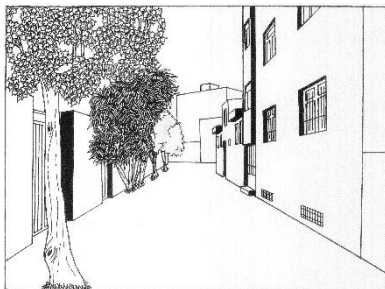
تصویر ۴-۲۶. طرح خطی و ممتد فضا مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۲۵. درختان موجود در فضا به عنوان عوامل تقویت‌کننده‌ی محصوریت آن - مأخذ: نگارنده

علاوه بر این، عرض و وسعت متناسب فضا، بازشوها و پنجره‌های متعدد رو به آن‌ها، دید مناسب و رؤیت‌پذیری این فضاها به واسطه‌ی قرارگرفتن در مجاورت تردد و حرکت سواره و پیاده و همچنین وجود معابری صاف، هموار و بدون مانع در آن‌ها موجب برخورداری از یک نفوذپذیری مطلوب و مناسب گردیده است. (تصویر ۴-۲۸) این موارد در کنار پرهیز از استفاده‌ی گسترده از فضاهای سرپوشیده و ایجاد بناهایی مجزا و با تراکم کم، زمینه‌ی وضوح و خوانایی هرچه بیشتر آن‌ها را نیز فراهم نموده است. (تصویر ۴-۲۹)

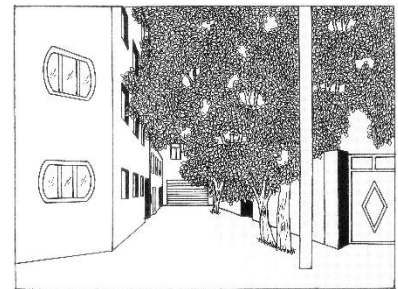
به طور کلی به دلیل نوع کارکرد فضا و محل قرارگیری عناصر سبز و درختان در آن‌ها، نمی‌توان این دسته از فضاهای شهری را محیط‌هایی جمع‌پذیر و با قابلیت تجمع افراد معرفی کرد. البته وجود درختان و عناصر طبیعی در آن‌ها موجب پدیدآمدن محیطی با خصوصیات انسانی و متعادل جهت توقف و مکث‌های کوتاه گردیده است. (تصویر ۴-۳۰)



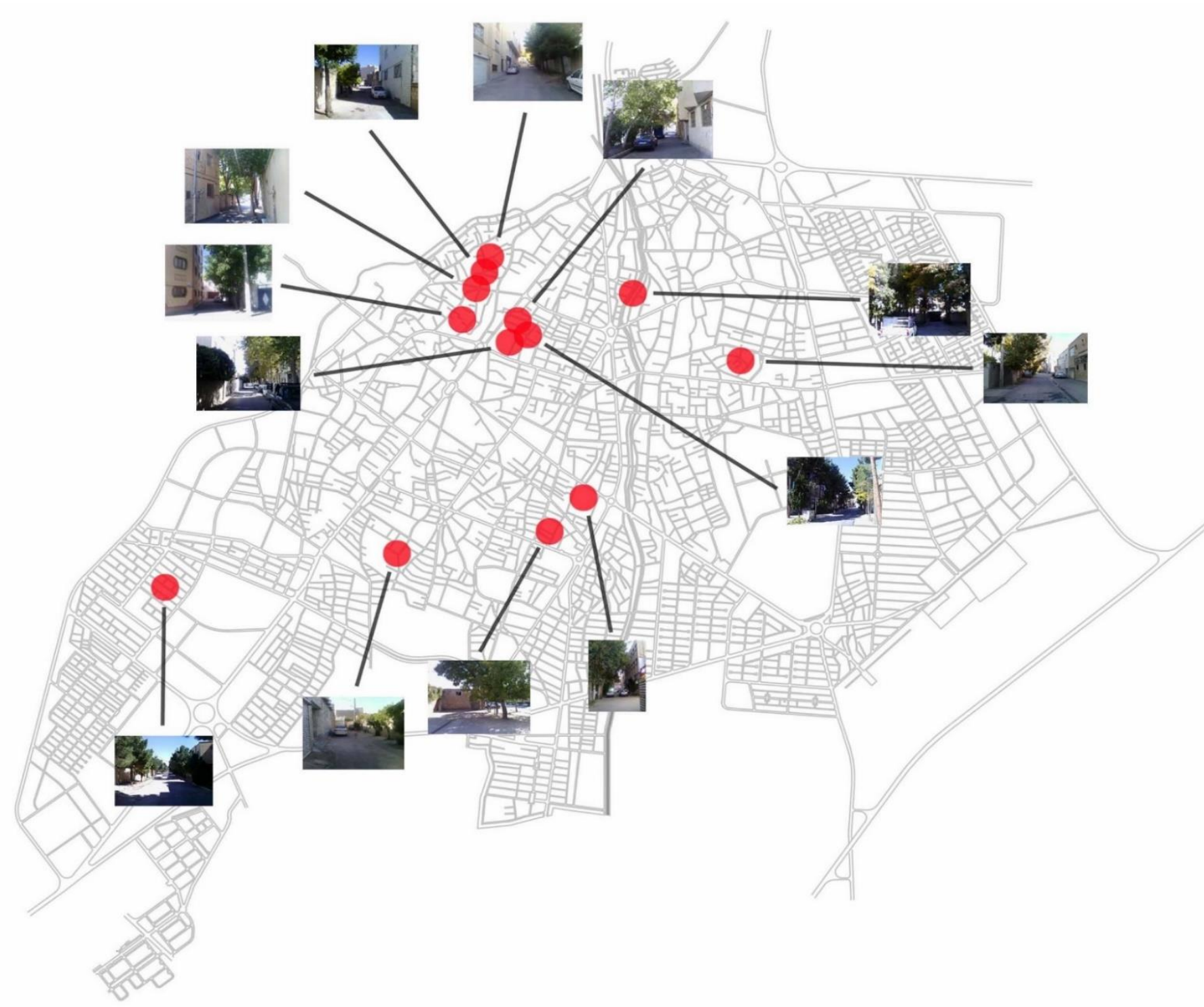
تصویر ۴-۳۰. درختان به عنوان عوامل تقویت کننده‌ی خصلت‌های انسانی فضا - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۲۹. عوامل سازنده‌ی وضوح و خوانایی فضا - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۲۸. نفوذپذیری مناسب فضا - مأخذ: نگارنده



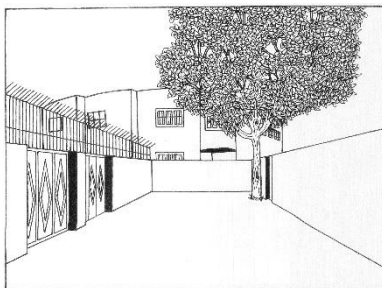
نقشه ۴-۶. عناصر سبز احاطه‌کننده فضا - مأخذ: نگارنده

۴-۳-۳-۳ درختان و عناصر سبز با قابلیت توقف و مکث

در این دسته از فضاهای شهری نقش عناصر طبیعی و سبز در شکل دادن و تقویت تعاملات و روابط اجتماعی بسیار پررنگ می‌باشد. زیرا آن‌ها یا خود به عنوان عامل اصلی در ایجاد این امر ایفای نقش می‌کنند و یا در تلفیق با سایر عناصر و فرم‌های محرک و تفسیرپذیر به تقویت آن کمک شایانی می‌نمایند. همچنین این فضاهای سبز نیز براساس فرم، تنوع و محل قرارگیری خود به چهار گروه دیگر تقسیم می‌شوند.

۴-۳-۳-۴ درختان منفرد با خصلت توقف‌های کوتاه در کوچه‌های بن‌بست

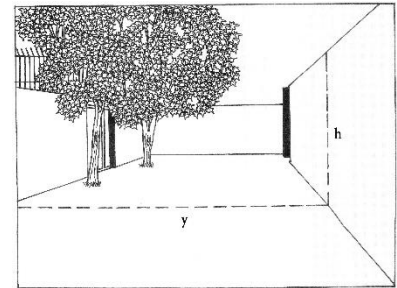
این دسته از فضاهای شهری که اکثراً کوچه‌هایی بن‌بست می‌باشند به عنوان یک مجاورت همسایگی با قابلیت ایجاد توقف‌های کوتاه و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی میان افراد، بر روی بستری نسبتاً هموار و در میان بافتی مسکونی واقع گردیده‌اند. (نقشه ۴-۷) دسترسی به این فضاها توسط معبری صاف و با عرض مناسب و به هر دو صورت پیاده و سواره امکان‌پذیر می‌باشد. (تصویر ۴-۳۱) همچنین احاطه‌ی آن‌ها توسط جداره‌هایی ساده و با نسبت ارتفاع به عرض مطلوب همراه با هندسه‌ی مستطیل شکل و وجود درختان و عناصر سبز و طبیعی به عنوان محرک، سبب گشته تا این محیط‌ها واجد خصوصیت مکث و توقف نیز گردند. (تصویر ۴-۳۲) علاوه بر این، تباین ضعیف این فضاها که عکس‌العملی است به عدم بکارگیری عناصر متنوع و مختلف جهت احاطه‌ی محیط، یکنواختی در نوع فضا و بناهایی با الگوی یکسان به عنوان نکته‌ای حائز اهمیت مطرح می‌باشد. (تصویر ۴-۳۳)



تصویر ۴-۳۳. تباین اندک و ضعیف میان اجزاء سازنده‌ی فضا- مأخذ: نگارنده



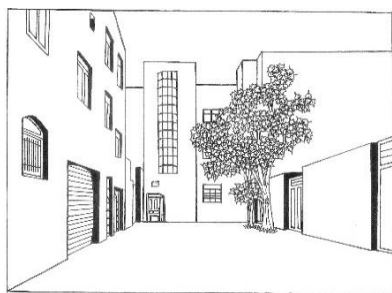
تصویر ۴-۳۲. درختان به عنوان عاملی محرک جهت توقف و مکث- مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۳۱. وسعت و عرض مناسب فضا- مأخذ: نگارنده

به سبب عدم وجود عناصر تعریف کننده قلمرو و حریم و همچنین خطی بودن و نبود هیچ گونه پیچ و یا انحنایی در آن ها دارای ضعف اساسی می باشند. (تصویر ۴-۳۴) این امر در بناهای مجاور نیز به شکل چشم گیری نمایان است. در چنین محیط هایی به خصوص در شهرهای از پیش طرح نشده و با توسعه ی طبیعی طی چند دهه ی اخیر به سبب نگاه منفرد و مجزا به هریک از بناها و ساختمان های احاطه کننده ی آن ها شاهد یک پیوند و ترکیب مناسب میان واحدهای مسکونی و عناصر سازنده ی آن نیستیم و در این زمینه تنها به استفاده از فرمها و تناسبات نزدیک به هم در بازشوها و درب های آن می باید بسنده نمود.

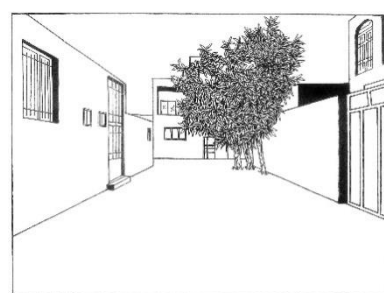
وجود درخت و عناصر طبیعی در یک زاویه ی این فضاها نه فقط به عنوان عاملی جهت تقویت غنای حسی فضا بلکه به صورت نشانه ای شاخص در تلفیق با سایر عوامل همچون رؤیت پذیری و مقیاس کوچک آن ها موجبات وضوح و خوانایی آن ها را نیز فراهم آورده است. (تصویر ۴-۳۵) از سوی دیگر، درختان موجود در این فضاها با استفاده از سایه اندازی و تعدیل شرایط محیط به عنوان عنصری محرک سبب گردیده اند فضایی که می توانست صرفاً جهت عبور و مرور و تردد افراد مورد استفاده قرار گیرد تبدیل به محلی برای توقف های کوتاه و دیدارهای دوستانه ی همسایگان گردد. (تصویر ۴-۳۶)



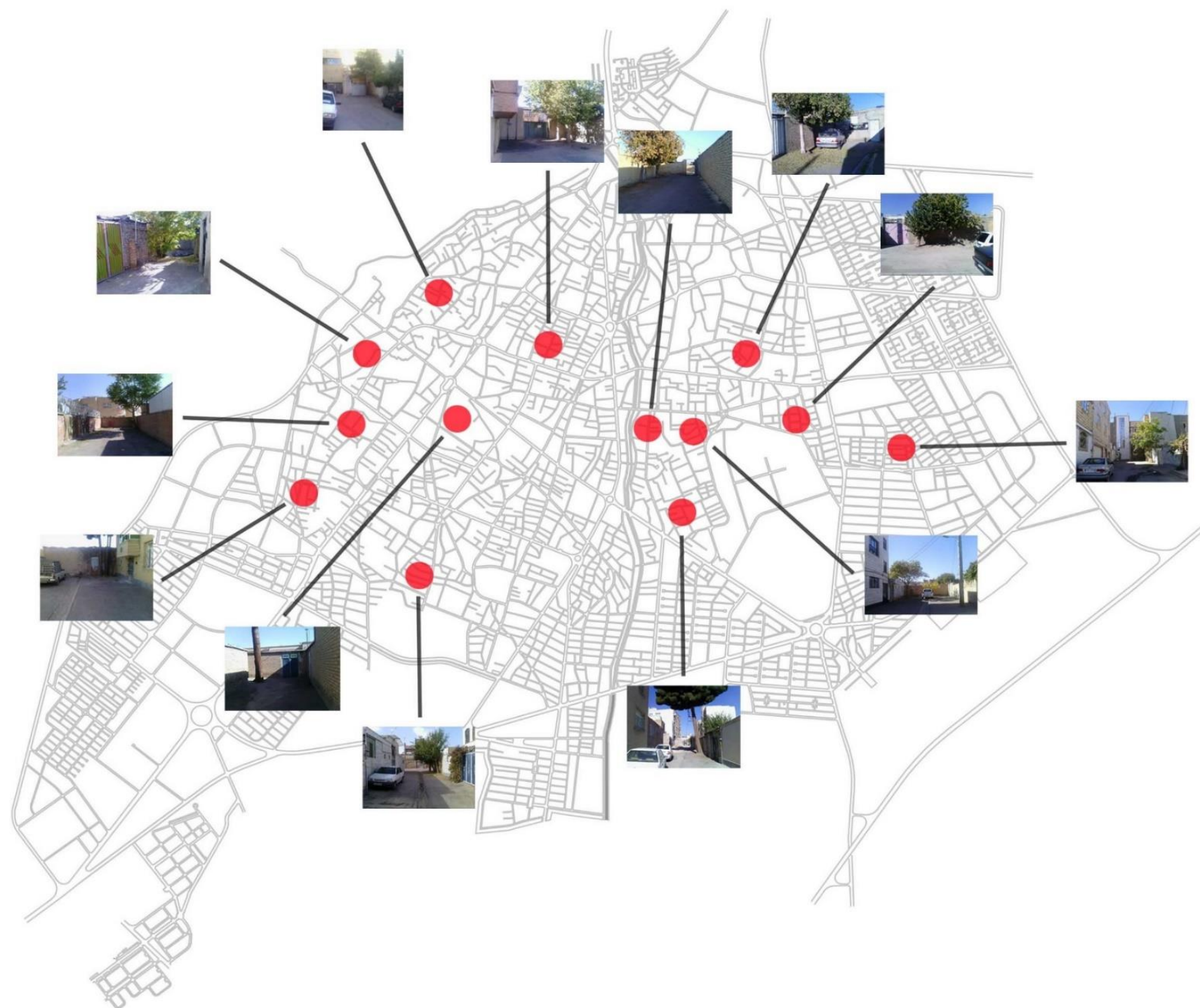
تصویر ۴-۳۶. توقف های کوتاه در مجاورت فضا - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۳۵. درختان به عنوان نشانه ی شاخص محلی - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۳۴. عدم وجود عوامل سازنده ی سلسله مراتب دسترسی به فضا - مأخذ: نگارنده

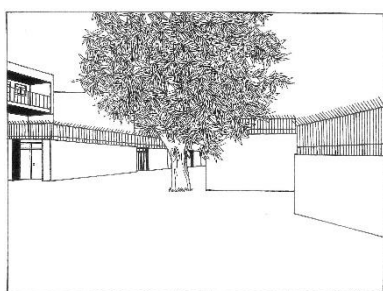


نقشه ۴-۷. درختان منفرد با خصلت توقف‌های کوتاه در کوچه‌های بن‌بست - مأخذ: نگارنده

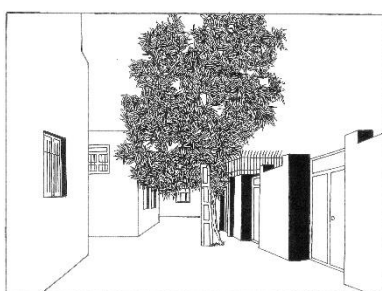
۴-۳-۳-۲ درختان منفرد با خصلت توقف‌های کوتاه در مجاورت مسیرها و معابر

این گروه از فضاهای شهری به صورت خطی و در بعضی موارد با شکستگی و انحنای ملایمی در طول آن‌ها شکل گرفته‌اند. (نقشه ۴-۸) با توجه به اینکه معابر و مسیرهای موجود در این محیط‌ها و همچنین کف‌سازی آن‌ها به شکل صاف، هموار و فارغ از هرگونه مانعی بوده لذا این امر موجبات راحتی حرکت و تردد در آن‌ها را فراهم آورده است. (تصویر ۴-۳۷) محصوریت این فضاها به واسطه‌ی آن‌که یا در میان بناهایی با نسبت ارتفاع به عرض زیاد و یا ساختمان‌هایی با نسبت بسیار کم واقع شده‌اند از میزان قابل قبولی برخوردار نیست.^۱ همچنین این فضاها فاقد ویژگی‌ها و ابعاد انسانی سازنده‌ی فضا همچون استفاده از انواع عناصر محصورکننده، عقب‌نشینی و پیش‌آمدگی در نماها و رعایت سادگی در طراحی جداره‌ها و بناهای پیرامون خود نیز می‌باشند.

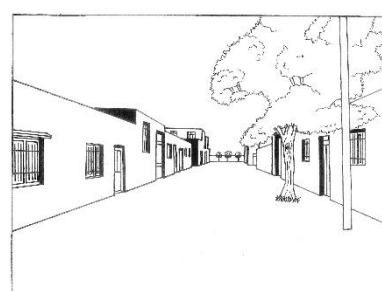
از آن‌جا که به واسطه‌ی خصلت‌های فضایی و ویژگی‌های بناها و جداره‌های آن‌ها محیطی تقریباً یکسان و یکنواخت ایجاد گشته، بنابراین تباین و تنوع آن اندک و صرفاً به تفاوت در رنگ، بافت مصالح و شکستگی در خط آسمان بناهای مجاور آن‌ها محدود می‌شود. (تصویر ۴-۳۸) از سوی دیگر این فضاها به واسطه‌ی نوع عملکرد و خطی بودن و همچنین نداشتن عناصری جهت تعریف قلمروی خویش و تفکیک آن از فضاهای دیگر فاقد یک سلسله مراتب دسترسی مناسب و قوی نیز می‌باشند. (تصویر ۴-۳۹)



تصویر ۴-۳۹. عدم وجود عناصر تعریف کننده حریم و قلمرو در فضا - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۳۸. تباین اندک و ضعیف موجود در این محیط‌ها - مأخذ: نگارنده

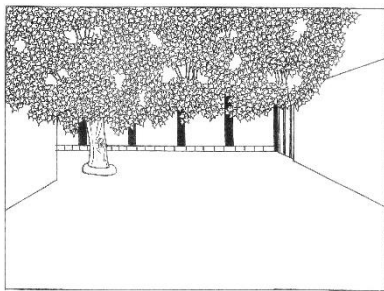


تصویر ۴-۳۷. طرح خطی و هموار فضاهای شهری - مأخذ: نگارنده

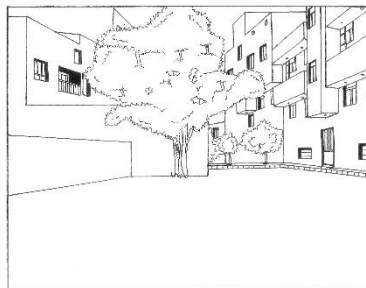
^۱ البته در برخی موارد نیز به واسطه‌ی نسبت ارتفاع و عرض مناسب فضا، محصوریت آن‌ها از میزان قابل قبولی برخوردار بوده که تعدادشان بسیار محدود می‌باشد.

چنین فضاهایی به سبب خصوصیات کارکردی و کالبدی و نبود نماهای فعال پیرامون خود فاقد برخی از معیارها و ویژگی‌های موجود در سایر فضاهای شهری می‌باشند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به عدم ترکیب و وحدت مناسب در جداره‌ها و بناهای پیرامون و احاطه‌کننده خویش اشاره کرد. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر در این فضاها عدم هم‌پیوندی و ارتباط مطلوب میان واحدهای مسکونی و احاطه‌کننده‌ی آن‌ها می‌باشد که به سبب بکارگیری مصالح گوناگون و ناهمگن، استفاده از فرم و الگوهای ساختمانی مختلف و همچنین وجود بازشوهایی نامتوازن در آن‌ها به وجود آمده است. (تصویر ۴-۴۰)

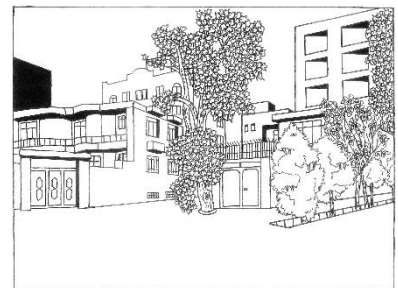
از دیگر ویژگی‌ها و خصوصیات مؤثر و سازنده‌ی این فضاها می‌توان به مسیرهای هموار و بدون مانع همراه با نفوذپذیری آن‌ها و همچنین وجود عنصر درخت به عنوان یک نشانه‌ی مشخص برای این فضاها و حتی بناهای اطراف آن‌ها اشاره کرد. (تصویر ۴-۴۱) این عوامل موجب گردیده تا از تقلیل و تبدیل شدن آن‌ها به یک معبر و محیطی با عملکرد حرکتی و بدون هیچ‌گونه نشانه‌ای از زندگی و حیات جمعی انسانی به محیطی با قابلیت ایجاد توقف و مکث‌های کوتاه برای شهروندان و اهالی آن بدل گردد. (تصویر ۴-۴۲)



تصویر ۴-۴۲. درختان موجود در فضا به عنوان نشانه‌ای شاخص و عامل مکث^۱ - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۴۱. رؤیت و نفوذپذیری مناسب فضا - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۴۰. عدم هم‌پیوندی و هماهنگی مناسب میان بناهای مجاور - مأخذ: نگارنده

^۱ درختان موجود در این فضاها با ایجاد سایه‌اندازی، بهبود شرایط محیط و ایفای نقش به عنوان یک نشانه‌ی محلی شاخص موجبات توقف و مکث‌های کوتاه ساکنین و شهروندان را در آن‌ها فراهم می‌نمایند.

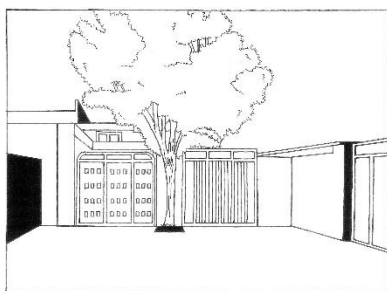


نقشه ۴-۸. درختان منفرد با خصلت توقف‌های کوتاه در مجاورت مسیرها و معابر - مأخذ: نگارنده

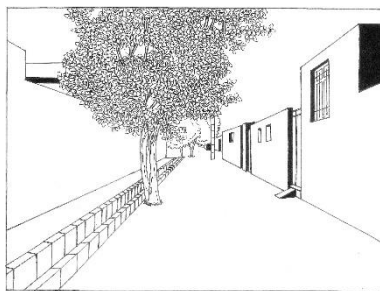
۴-۳-۳-۳-۳ درختان عمودی و منفرد همراه با عناصر چند ظرفیتی جهت نشستن

این گروه از فضاهای شهری به لحاظ ویژگی‌های سازنده‌ی خویش مشابه دو دسته‌ی قبل بوده و صرفاً در مسأله‌ی قابلیت جمع‌پذیری و شکل دادن به روابط اجتماعی میان افراد با آن‌ها متفاوت می‌باشند. (نقشه ۴-۹) در این نمونه‌ها وجود عوامل تفسیرپذیر و چند ظرفیتی همچون پله‌ها، سکوها و اختلاف تراز به خوبی با درختان و عناصر طبیعی موجود در آن‌ها ترکیب شده و یک فضای جمعی و پاتوقی را برای گردهمایی همسایگان و دوستان ایجاد می‌نمایند. (تصویر ۴-۴۳)

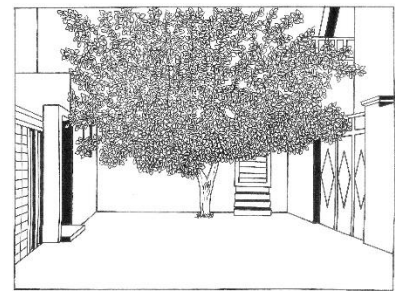
علی‌رغم دارا بودن خصوصیت پویایی و حرکت که در این معابر به سبب نوع کاربری و شکل فضا پدید آمده است، وجود عناصر محرک همراه با بهبود شرایط محیطی، تقویت غنای حسی فضا و سایه‌اندازی که توسط درختان و عناصر سبز موجود در آن‌ها ایجاد گردیده موجبات شکل‌گیری یک پاتوق و محیطی با خصلت مکث و توقف‌های طولانی‌تر را در مجاورت این معابر فراهم آورده است. (تصویر ۴-۴۴) در این فضاها عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر و همچنین درختان و عناصر طبیعی و سبز به گونه‌ای با یکدیگر تلفیق شده‌اند که حذف یک عامل، سبب خارج شدن فضا از ویژگی اصلی خود می‌باشد. علاوه‌براین موارد، درختان به عنوان نشانه‌ای برای همسایگان و اهالی نیز ایفای نقش می‌نمایند و وجه تمایز محیط‌های جمع‌پذیر با دیگر بخش‌های معبر و عاملی جهت تقویت حس تعلق و دلبستگی افراد به فضا نیز به‌شمار می‌آیند. (تصویر ۴-۴۵)



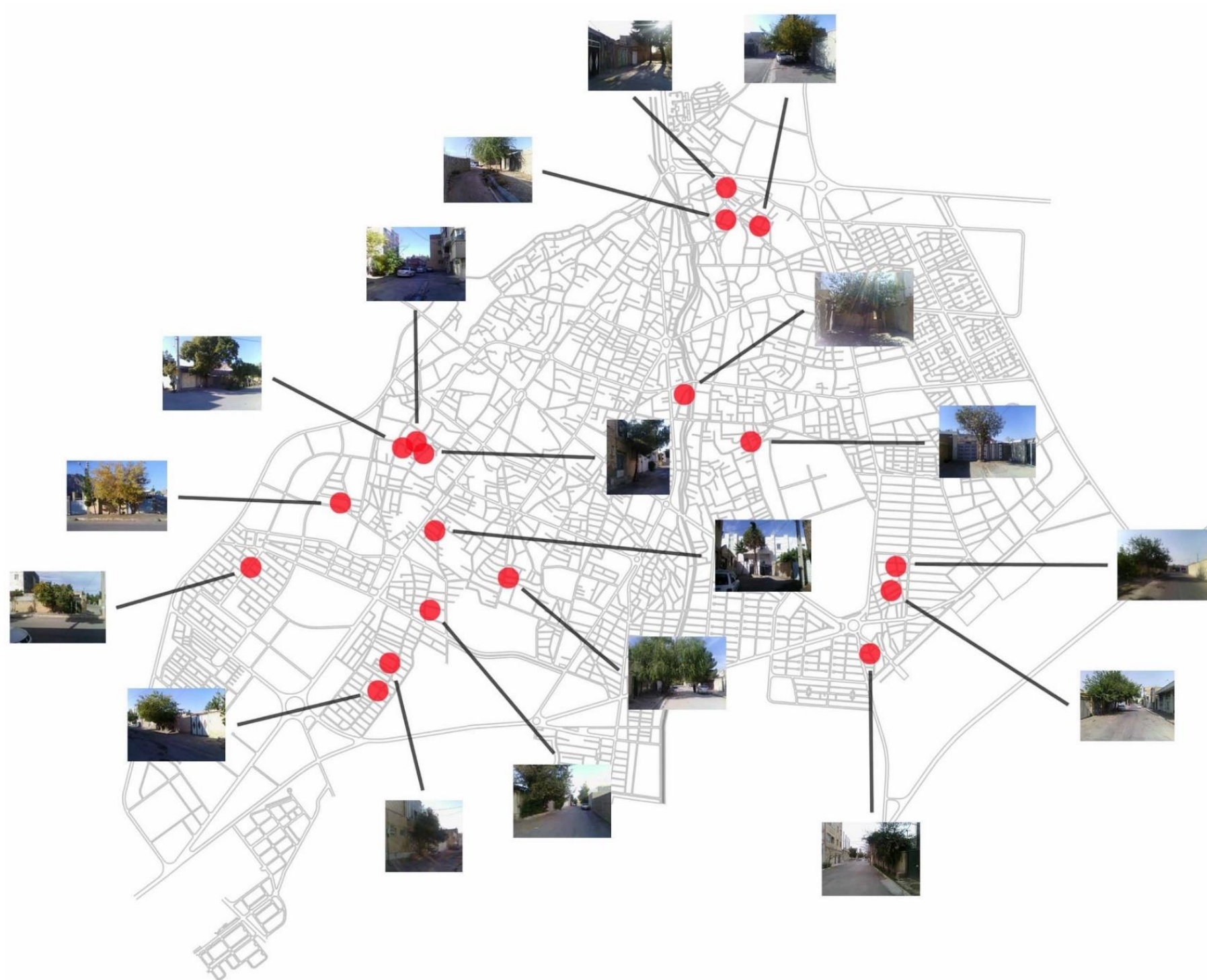
تصویر ۴-۴۵. درخت موجود در فضا به عنوان نشانه‌ای شاخص برای محیط - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۴۴. تلفیق فضای حرکتی با عوامل محرک و جمع‌پذیر - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۴۳. نقش عناصر چند ظرفیتی در جمع‌پذیری فضا - مأخذ: نگارنده

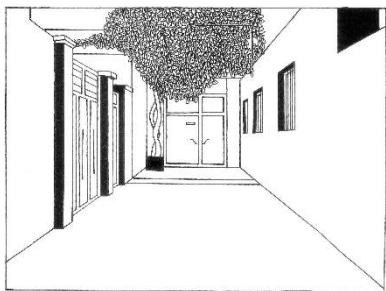


نقشه ۹-۴. درختان عمودی و منفرد همراه با عناصر چند ظرفیتی جهت نشستن - مأخذ: نگارنده

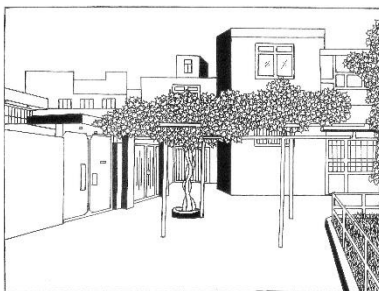
۴-۳-۳-۴-۴ درختچه‌ها و عناصر طبیعی با قابلیت توقف و مکث

درختان و عناصر طبیعی و سبز در سطح فضاهای شهری پذیرای نقش‌های مختلفی می‌باشند که یکی از آن‌ها به عنوان مکانی برای توقف و مکث افراد در مقابل بناها و واحدهای مسکونی است. (نقشه ۴-۱۰) برخلاف درختان عمودی و منفرد، این گروه از عناصر سبز به سبب توسعه‌ی افقی گسترده‌ای که در سطح فضا دارند علاوه بر کارکردهای پیشین به عنوان یک آستانه‌ی ورودی نیز برای بناها و ساختمان‌های مقابل خویش عمل می‌نمایند و دارای خصوصیات و وجوه مشترک زیادی با مفاصل ورودی می‌باشند. (تصویر ۴-۴۶)

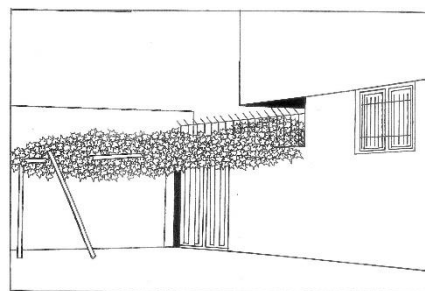
احاطه‌ی این فضاها توسط درختان و عناصر طبیعی افقی و همچنین پیش‌آمدگی بالای درب ورودی بناهای معماری و ساختمان‌ها که مکانی مسقف برای آن‌ها پدید آورده است موجب شکل‌گیری مقیاس و تناسب انسانی در این فضاها می‌باشد. (تصویر ۴-۴۷) از سویی دیگر ویژگی عملکردی آن‌ها در کنار هندسه و وسعتشان موجب القای خصوصیت مکث و سکون در آن‌ها گردیده است. (تصویر ۴-۴۸)



تصویر ۴-۴۸. ایجاد فضایی با قابلیت مکث و توقف برای ساکنین - مأخذ: نگارنده



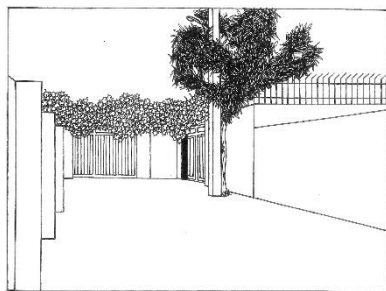
تصویر ۴-۴۷. ایجاد مقیاسی کوچکتر در میان فضایی بزرگتر - مأخذ: نگارنده



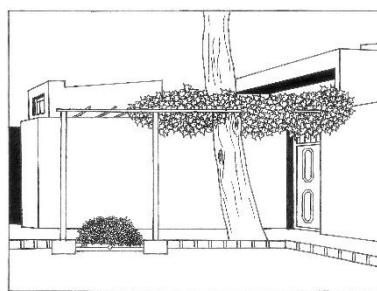
تصویر ۴-۴۶. نقش درختچه‌های افقی به عنوان یک آستانه‌ی ورودی - مأخذ: نگارنده

در این فضاها، پوشش و چارچوبی که توسط این عناصر ایجاد شده و همچنین اختلاف سطح نسبت به معبر مجاور آن‌ها در کنار تغییر در شکل و خصلت محیط موجب پدید آمدن یک حریم و سلسله مراتب دسترسی به بناها و ساختمان‌های مجاور خود شده است. (تصویر ۴-۴۹)

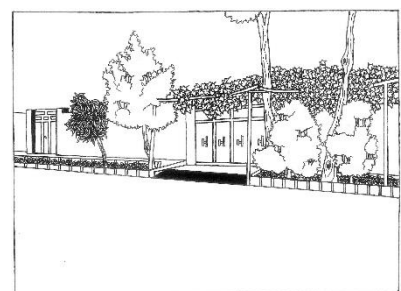
مقیاس کوچک فضا، کف‌سازی‌های هموار و بدون مانع و همچنین رؤیت‌پذیری آن‌ها همراه با قابلیت ایفای نقش به عنوان یک نشانه‌ی خاص و مشخص برای بنای مقابل خویش و فضای شهری قرار گرفته در آن، موجب نفوذپذیری و خوانایی هرچه بیشتر آن‌ها گردیده است. (تصویر ۴-۵۰) در این فضاها وجود درختچه‌ها و عناصر طبیعی و سبز افقی که سبب تعدیل شرایط محیط و تقویت وجوه انسانی آن می‌گردند در ترکیب با عناصر ثانویه نشستن همچون لبه‌های باغچه‌ها، سکوها و اختلاف تراز موجب تمایل افراد برای توقف و مکث و یا گذراندن اوقات فراغت و همچنین گپ و گفت با همسایگان می‌شود. این امر موجب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و افزایش حس تعلق ساکنین به آن‌ها می‌گردد. (تصویر ۴-۵۱)



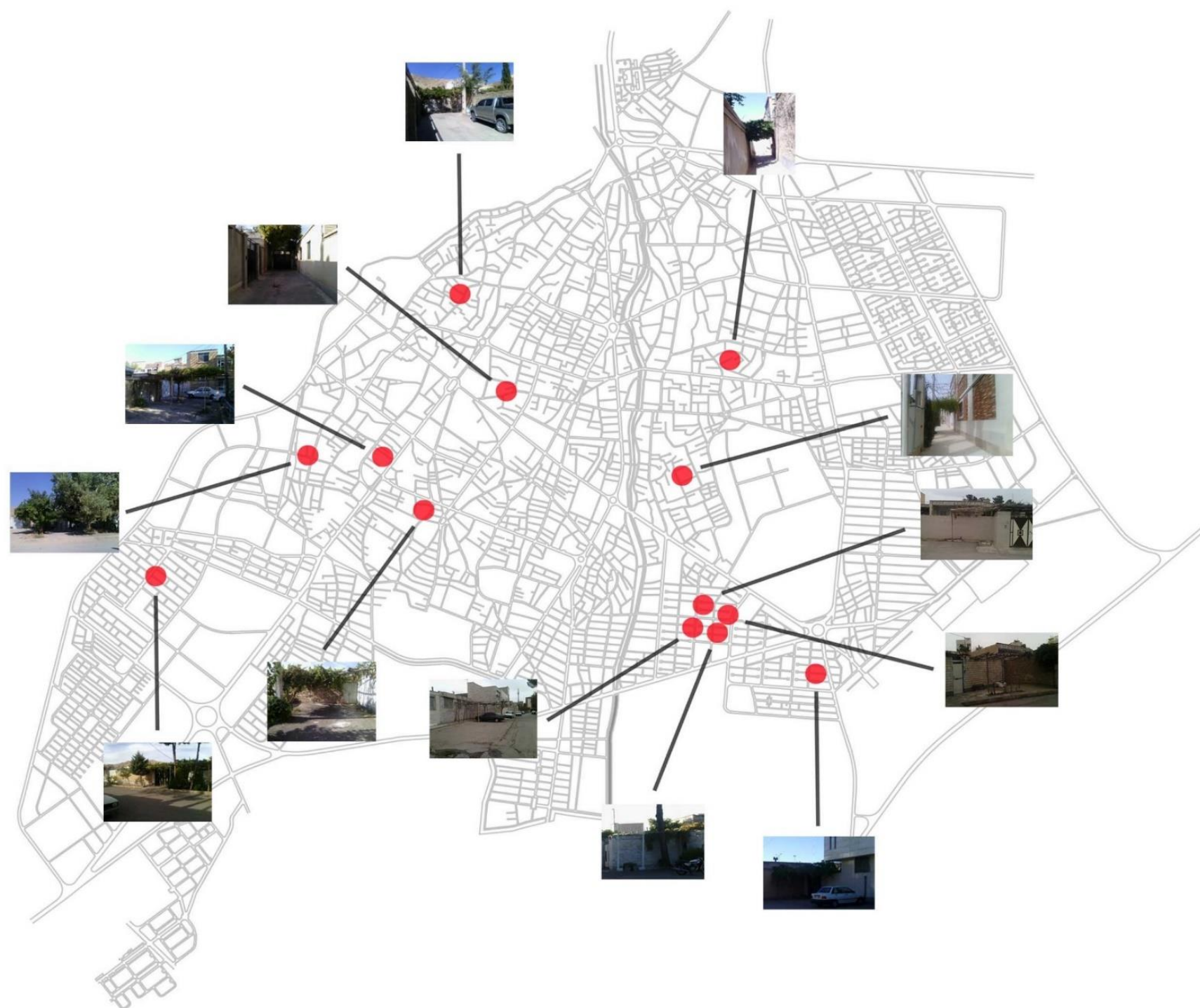
تصویر ۴-۵۱. سایه‌اندازی و تعدیل شرایط محیط توسط عناصر طبیعی - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۵۰. عناصر طبیعی موجود در فضا به عنوان یک نشانه‌ی شاخص - مأخذ: نگارنده



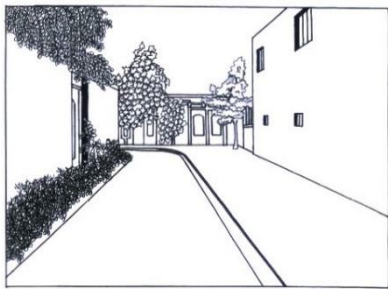
تصویر ۴-۴۹. تفکیک حریم و ایجاد سلسله مراتب دسترسی به بنای مجاور - مأخذ: نگارنده



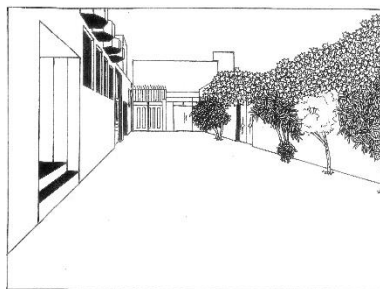
نقشه ۴-۱۰. درختچه‌ها و عناصر طبیعی با قابلیت توقف و مکث - مأخذ: نگارنده

۴-۳-۴ عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیوارها

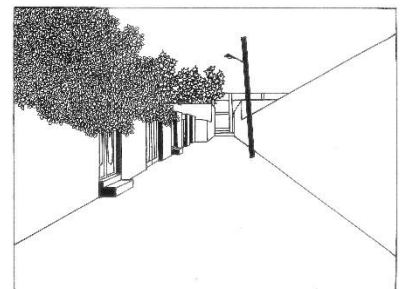
برخلاف دسته‌های پیشین فضاهای سبز و عناصر طبیعی که خود به صورت مستقل دارای کارکرد اصلی و منحصر به فرد بودند، این گروه از فضاهای سبز نقش مکمل و تقویت کننده فضاهای شهری را دارند. این نوع از عناصر طبیعی با توجه به شرایط و به واسطه‌ی قرارگیری در موقعیت‌های مختلف، نقش‌های متفاوتی را می‌پذیرند. براین اساس، این دسته خود به دو گروه عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیوارها در معابر باز و ممتد (نقشه ۴-۱۱) و عناصر سبز روی لبه‌ها در کوچه‌های بن‌بست (نقشه ۴-۱۲) تقسیم می‌شوند. آن‌ها دارای ویژگی‌های مشترک زیادی می‌باشند و تنها عامل تفاوت در آن‌ها نوع عملکرد و کاربریشان است. (تصویر ۴-۵۲ و ۴-۵۳) به صورت کلی به سبب احاطه‌ی این فضاها توسط جداره‌های ساختمان‌ها و بناهای پیرامون و همچنین ارتفاع مناسب آن‌ها که ناشی از طبقات کم و تراکم مناسب واحدهای مسکونی است از محصوریت قابل قبولی برخوردار می‌باشند. (تصویر ۴-۵۴) علاوه بر این، عناصر طبیعی و سبز متصل به بدنه‌های این فضاها علاوه بر متعادل نمودن فضا و کاستن از صلبیت آن‌ها در کنار بازشوها و پنجره‌هایی در ارتفاع پایین و عرض و تراکم مناسب جهت حرکت پیاده، ابعاد انسانی آن را نیز به میزان کمی ارتقاء بخشیده است.



تصویر ۴-۵۴. مؤلفه‌های سازنده‌ی محصوریت و مقیاس انسانی در فضا- مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۵۳. عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیوارها در کوچه‌های بن‌بست- مأخذ: نگارنده

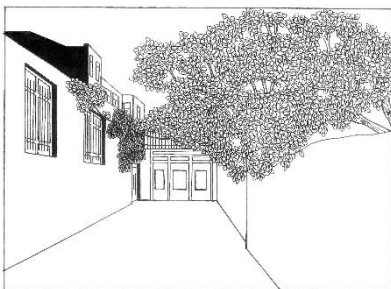


تصویر ۴-۵۲. عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیوارها در معابر ممتد و باز - مأخذ: نگارنده

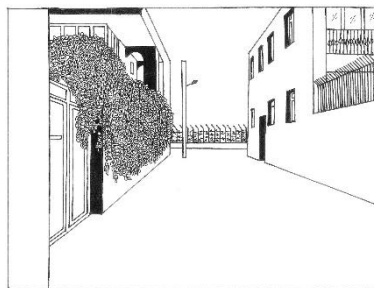
در این گروه از فضاهای سبز مانند برخی دیگر از فضاهای شهری کوچک مقیاس به دلیل نبود خصوصیات سازنده‌ی یک محیط غیریکنواخت و متنوع (همچون تغییر در شکل جداره‌ها، مقیاس فضا و عناصر محصور کننده‌ی چندگانه) مخاطب دریافتی از تباین و تنوع محسوس در آن‌ها را ندارد. با این وجود، به سبب عناصر سبز روی بدنه‌ها و یا مجاور دیوارها و همچنین فرم و مصالح مختلف بناها و واحدهای مسکونی احداث شده در آن‌ها (که اکثراً به صورت ترکیبی نامناسب می‌باشند) مردم و شهروندان تفاوت اندکی را در طول این فضاها احساس می‌نماید. (تصویر ۴-۵۵)

به دلیل ویژگی‌های عملکردی و کالبدی این فضاها، تفکیک حریم و قلمرو و همچنین ایجاد یک سلسله مراتب دسترسی مناسب به آن‌ها به درستی صورت نگرفته است. البته این موضوع در ساختمان‌ها و بناهای پیرامون آن نیز مشهود می‌باشد و به جز تعداد بسیار محدودی که به واسطه‌ی عقب‌نشینی و اختلاف سطح با معبر مجاور خویش به این امر دست یافتند مابقی فاقد سلسله مراتب دسترسی مناسب می‌باشند. (تصویر ۴-۵۶)

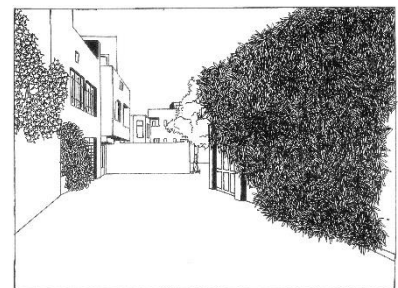
بکارگیری مصالح نامناسب و ناهمگن در جداره‌ها، نبود ارتباط و پیوستگی مناسب میان بناهای پیرامون این فضاها و همچنین شکل‌گیری بدنه‌هایی صلب و فارغ از ویژگی‌ها و اصول معماری مشترک در آن‌ها (همچون عدم طراحی بر اساس ارتباط با زمینه و بافت معماری و شهری اطراف) موجب پدید آمدن یک هم‌پیوندی و هماهنگی نامطلوب و ضعیف میان اجزاء سازنده‌ی این فضاها گردیده است. (تصویر ۴-۵۷)



تصویر ۴-۵۷. عدم هم‌پیوندی و هماهنگی مناسب میان بناهای مجاور- مأخذ: نگارنده



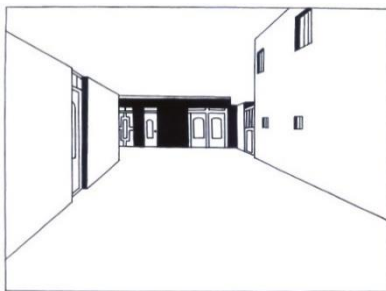
تصویر ۴-۵۶. طرح خطی و فارغ از سلسله مراتب دسترسی فضاهای شهری- مأخذ: نگارنده



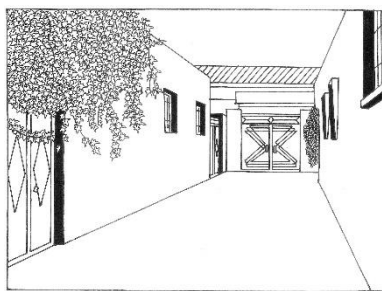
تصویر ۴-۵۵. عوامل سازنده‌ی تباین در محیط مأخذ: نگارنده

مقیاس کوچک این فضاها و طراحی و ایجاد پنجره‌ها و روزنه‌هایی رو به آن‌ها باعث افزایش قابلیت رؤیت‌پذیری این معابر و محیط‌های شهری گردیده است. (تصویر ۴-۵۸) علاوه بر این، مسیرهای صاف، هموار و بدون اختلاف سطوح متعدد در کنار عدم پوشش گسترده و مسقف نمودن آن‌ها و همچنین وجود عناصر سبز و طبیعی مجاور جداره‌های این فضاها به عنوان یک نشانه‌ی خاص و شاخص، موجب تقویت نفوذپذیری و خوانایی آن‌ها گردیده است. (تصویر ۴-۵۹)

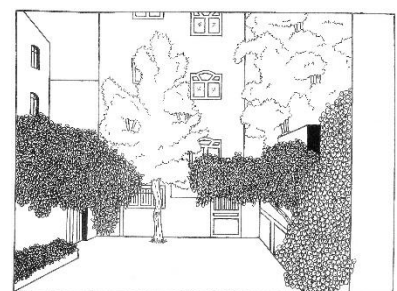
در این گروه از فضاها، شهری علی‌رغم اینکه عناصر طبیعی و سبز، موجب تقویت غنای حسی فضا و خوانایی آن می‌گردد اما به صورت کلی نمی‌توان آن‌ها را در زمره‌ی فضاهایی با قابلیت جمع‌پذیری به‌شمار آورد.^۱ این امر به دلیل ویژگی‌های کالبدی و کارکردی این فضاها همچون نبود فرم‌های محرک و تفسیرپذیر، عرض نامتناسب و همچنین یکنواخت بودن و عدم شکستگی و عقب‌نشینی در آن‌ها می‌باشد. (تصویر ۴-۶۰)



تصویر ۴-۶۰. عدم وجود عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر در فضا- مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۵۹. عناصر طبیعی و سبز به عنوان نشانه‌ای محلی و عامل خوانایی محیط- مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۵۸. عوامل تقویت‌کننده‌ی نفوذپذیری فضا - مأخذ: نگارنده

^۱ البته در مواردی محدود و به دلیل وجود عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر، ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌ها و یا عرض و وسعت مناسب فضا، محیط قابلیت فراهم نمودن زمینه‌ی مطلوب جهت تقویت روابط و تعاملات اجتماعی میان افراد را دارا می‌باشد.



نقشه ۴-۱۱. عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیوارها در معابر باز و ممتد - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۱۲. عناصر سبز روی لبه‌ها و مجاور دیواره‌ها در کوچه‌های بن‌بست - مأخذ: نگارنده

۴-۴-۴ گذرها و کوچه‌های بن‌بست

شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی در شهرهایی که دارای بافت متراکم و پیوسته همراه با رشد طبیعی و ارگانیک هستند منجر به پدید آمدن معابری بن‌بست برای تأمین دسترسی افراد به چندین بنا و واحد مسکونی و معماری دیگری گردید که طول این معابر از چندین متر تا چند ده متر و بیشتر می‌رسد. (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۲۶)

معمولاً نوع چیدمان و جایگذاری بناها در بافت شهرها سبب مسدود و بسته شدن یک مسیر و معبر در آن‌ها می‌گردد. به همین جهت بن‌بست‌ها فضاهایی بودند که با برخورداری از یک فرم و قالب کالبدی مشخص به راحتی شناخته می‌شدند. به بیان دیگر بن‌بست‌ها صرفاً به مسیری که حرکت را با مانع غیرقابل عبور مواجه نمایند اطلاق نمی‌گشت، درحالی که امروزه طراحان و برنامه‌ریزان حوزه‌های شهری و ترافیک با ایجاد جوی آب، اختلاف ارتفاع و بکاربردن حصارهای موقت سعی در بن‌بست نمودن کوچه‌ها می‌نمایند. این امر شاید از دیدگاه کارشناسان حوزه‌ی ترافیک بن‌بست تلقی شود اما نمی‌توان از منظر یک فضای شهری آن را بن‌بست به‌شمار آورد. (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۲۴۴)

کوچه‌های بن‌بست در واقع برخی از خصوصیات و کارکردهای آستانه‌های ورودی را نیز در ساختار خویش دارند. آن‌ها به عنوان یک فضای بینابینی و نیمه‌خصوصی میان معبر و خیابان اصلی و بناها و واحدهای معماری پیرامون خویش ایفای نقش می‌نمایند. فضای بینابینی همچون غشاء یک سلول مسئولیت دریافت، تغییر، تبدیل و تحول داده‌ها را دارد. آن‌ها با استفاده از مبانی و اصول حاکم بر روابط فضایی بر نحوه‌ی سازماندهی فضایی مجموعه‌ها و محیط‌های معماری تأثیر می‌گذارند و در ادامه نیز فضاهای معماری به واسطه‌ی خصوصیات و ویژگی‌های خود در توسعه و تکامل فضاهای بینابینی مؤثر می‌باشند. (بلیلان‌اصل و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸) از آن‌جا که شهر شاهرود دارای یک رشد و توسعه‌ی طبیعی و از پیش طرح نشده می‌باشد، از این نوع فضاهای شهری به طور گسترده و وسیع در ساختار خویش بهره‌مند گردیده است. این فضاها نیز خود از نظر کارکردهای اجتماعی و پتانسیل شکل‌دادن به روابط و تعاملات میان افراد به دو دسته‌ی کوچه‌های بن‌بست با قابلیت جمع‌پذیری و مکث و کوچه‌های بن‌بست بدون قابلیت توقف تقسیم می‌شوند.

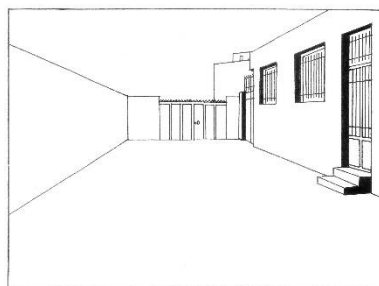
۴-۴-۱ کوچه‌های بن‌بست با قابلیت توقف و مکث

این گروه از فضاهای شهری از نظر نوع توقف و مکث به دو دسته‌ی توقف‌های کوتاه (نقشه ۴-۱۳ و ۴-۱۴) و مکث‌های طولانی و یا پاتوق (نقشه ۴-۱۵ و ۴-۱۶) تقسیم می‌شوند. این تفاوت ناشی از تنوع در کالبد آن‌ها و اجزاء و عناصر موجود در این فضاها می‌باشد. همچنین آن‌ها به سبب قرارگیری در میان بافتی با جداره‌هایی از ساختمان‌های با نسبت ارتفاع به عرض مناسب از میزان محصوریت مطلوبی برخوردار می‌باشند. (تصویر ۴-۶۱) البته در برخی موارد نیز این نسبت به شکلی است که فضا از مقیاس انسانی خارج شده که این امر بیشتر در بخش‌های نوساز شهر خود را نشان می‌دهد.

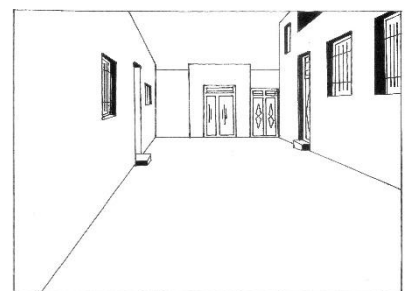
به طور کلی تباین فضایی و ایجاد سلسله مراتب دسترسی در این فضاها به علت عدم تغییر محسوس در مقیاس، نوع و شکل فضا و همچنین نبود مؤلفه‌های سازنده‌ی آن‌ها (همچون ساباط‌ها، پیچ‌ها و شکستگی در مسیر ورود به آن‌ها) از میزان اندک و ناچیزی برخوردار می‌باشد.^۱ (تصویر ۴-۶۲) علی‌رغم این موضوع، مقیاس کوچک بناها و جداره‌های پیرامون و همچنین باز شدن روزنه‌ها و پنجره‌های متعدد رو به این فضاها در کنار قابلیت تردد برای همه‌ی شهروندان که ناشی از مسطح و هموار بودن آن‌ها می‌باشد این گروه از فضاهای شهری را دارای نفوذپذیری مطلوب و مناسبی کرده است. (تصویر ۴-۶۳)



تصویر ۴-۶۳. مؤلفه‌های تقویت کننده‌ی نفوذپذیری - مأخذ: نگارنده



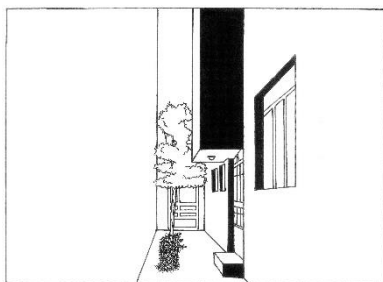
تصویر ۴-۶۲. تباین ضعیف فضاهای شهری موجود - مأخذ: نگارنده



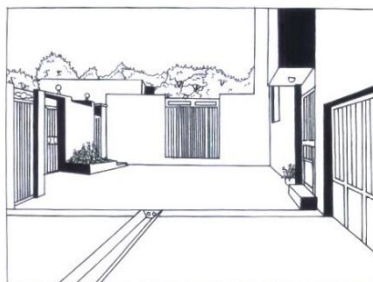
تصویر ۴-۶۱. محصوریت مناسب و تناسبات انسانی محیط - مأخذ: نگارنده

^۱ البته به شکل موردی و در برخی نمونه‌ها، این موارد در این فضاها بکار گرفته شده و موجب تقویت تباین و ایجاد سلسله مراتب دسترسی مناسب به آن‌ها گردیده است که تعدادشان بسیار کم می‌باشد.

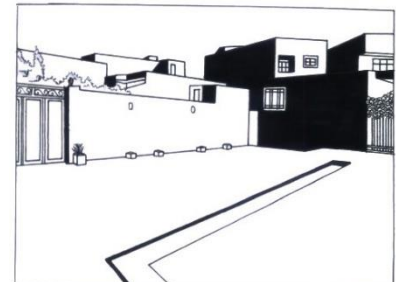
طراحی ساختمان‌های مجزا و با تراکم فضایی کم و پرهیز از استفاده‌ی گسترده از فضاهای سرپوشیده و عدم مسقف بودن آن‌ها و همچنین تنوع در بناها و ساختمان‌های مجاور که ناشی از تفاوت در مصالح، فرم و کالبد آن‌ها می‌باشد موجب وضوح و خوانایی نسبتاً مناسب این فضاهای شهری گردیده است. (تصویر ۴-۶۴) علاوه بر این، به واسطه‌ی وجود بناها و ساختمان‌هایی فاقد نظم، ترتیب و ارتباط متناسب میان اجزاء و عناصر سازنده‌ی خود، شاهد نوعی ناهماهنگی در کالبد، فرم، رنگ و مصالح نماها و بدنه‌های احاطه کننده‌ی این فضاها می‌باشیم. وجود فرم‌های محرک همچون پله‌ها، سکوها و اختلاف ترازهایی که در این فضاها موجود می‌باشد موجب شکل‌گیری قابلیت مناسب برای تجمع و گردهمایی همسایگان و افراد ساکن در بدنه‌های مجاور این کوچه‌های بن‌بست شده است. (تصویر ۴-۶۵) در این میان، وسعت فضا به عنوان عامل محدود کننده‌ی این جمع‌پذیری مطرح می‌باشد. (تصویر ۴-۶۶) این امر به دلیل نقش پررنگ آن در شکل‌گیری توقف‌های کوتاه و سطحی (وسعت کم) و یا مکث‌های طولانی و پاتوق (وسعت مناسب) در سطح این فضاها می‌باشد. عامل دیگر یعنی هندسه‌ی فضا و شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌های پیرامون نیز موجب پدید آمدن فضایی برای توقف و مکث در میان کوچه‌ای خطی و یکنواخت می‌گردد و به عنوان مرکز واحد همسایگی ایفای نقش می‌نماید. این عامل گاهی اوقات در ترکیب با موارد قبل بوده و دارای برخی فرم‌ها و اجزاء چند ظرفیتی همچون پله‌ها و سکوها می‌باشد که موجب تقویت کارکرد و عملکرد آن می‌گردد.



تصویر ۴-۶۶. وسعت فضا به عنوان عاملی محدود کننده در جمع‌پذیری آن - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۶۵. وجود فرم‌های محرک و تفسیرپذیر در محیط - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۶۴. وضوح و خوانایی مناسب فضا - مأخذ: نگارنده



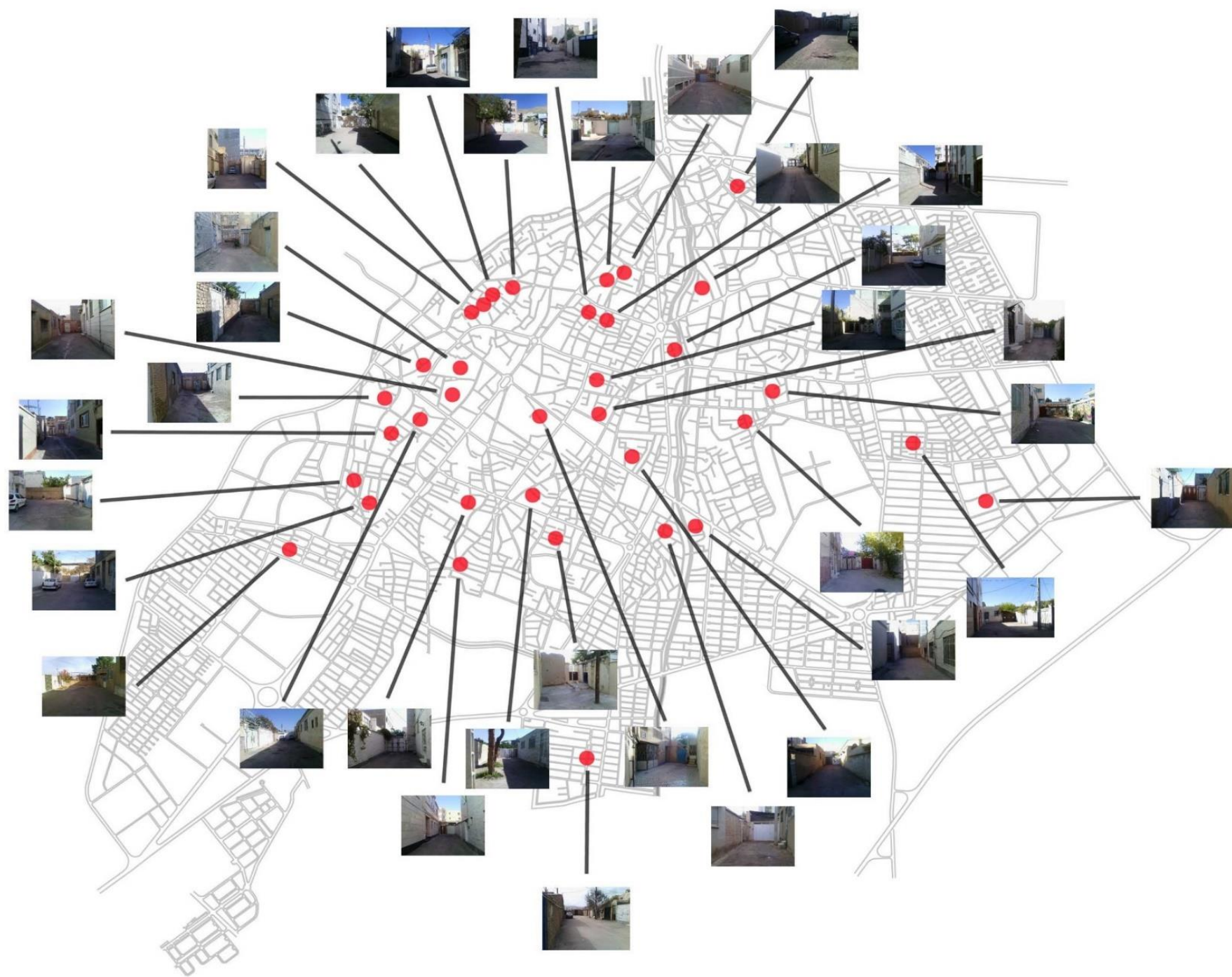
نقشه ۴-۱۳. کوچه‌های بن‌بست با قابلیت توقف‌های کوتاه ناشی از فرم‌های محرک و چند ظرفیتی - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۱۴. کوچه‌های بن‌بست با قابلیت توقف‌های کوتاه ناشی از هندسه فضا و شکستگی در جداره‌ها - مأخذ: نگارنده



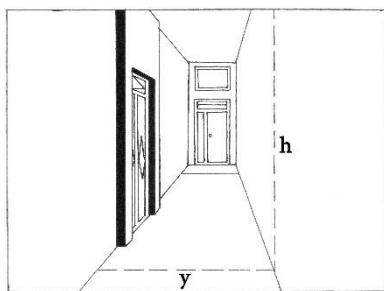
نقشه ۴-۱۵. کوچه‌های بن‌بست با قابلیت توقف‌های طولانی و جمع‌پذیری ناشی از هندسه فضا و شکستگی جداره‌ها - مأخذ: نگارنده



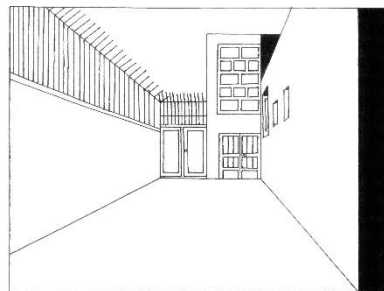
نقشه ۴-۱۶. کوچه‌های بن‌بست با قابلیت توقف‌های طولانی و جمع‌پذیری ناشی از فرم‌های محرک و وسعت مناسب فضا - مأخذ: نگارنده

۴-۴-۲ کوچه‌های بن‌بست بدون قابلیت توقف و مکث

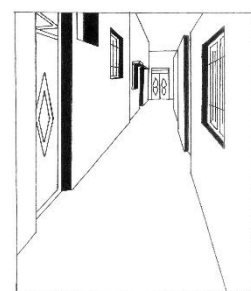
این دسته از فضاهای شهری نیز به لحاظ ویژگی‌های کالبدی، مشابه موارد مطرح شده برای گروه قبل می‌باشند با این تفاوت که نقش عوامل جمع‌پذیر و فرم‌های محرک در آن‌ها بسیار کم‌رنگ و توانایی شکل‌دادن به تعاملات و ارتباطات اجتماعی میان افراد را ندارند. (تصویر ۴-۶۷) آن‌ها صرفاً معبر و مسیری برای حرکت و تردد شهروندان می‌باشند. (تصویر ۴-۶۸) علی‌رغم این موضوع، برخلاف کوچه‌های باز و غیر بن‌بست که به فضایی رابط و میانبر بین دو خیابان و معبر پیرامون خود تبدیل شده‌اند این کوچه‌ها اغلب مورد استفاده‌ی ساکنین و مجاورین خویش قرار می‌گیرند. بنابراین، این امر موجب افزایش حس تعلق و مسؤولیت‌پذیری افراد نسبت به محل زندگی‌شان گردیده است. البته این امر نیز به سبب وسعت و کارکرد این فضاها به دو دسته‌ی کوچه‌های بن‌بست با قابلیت تردد سواره (نقشه ۴-۱۷) و کوچه‌های بن‌بست با قابلیت حرکت پیاده (نقشه ۴-۱۸) تقسیم می‌گردد. از آن‌جا که نسبت ارتفاع به عرض فضاهایی که قابلیت تردد پیاده را دارند تا حدودی زیاد می‌باشد بنابراین از مقیاس انسانی خارج و به معابری باریک و با کمترین بهره از نور طبیعی تبدیل شده‌اند.^۱ (تصویر ۴-۶۹)



تصویر ۴-۶۹. نسبت ارتفاع به عرض زیاد کوچه‌های بن‌بست پیاده‌رو^۲ مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۶۸. طرح خطی و صاف فضای شهری موجود - مأخذ: نگارنده



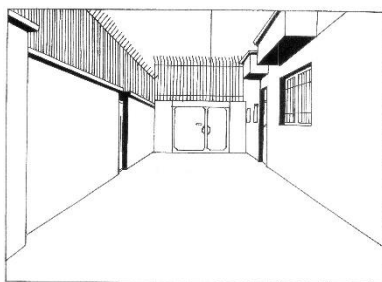
تصویر ۴-۶۷. عدم وجود فرم‌ها و عناصر محرک و چند ظرفیتی در فضا- مأخذ: نگارنده

^۱ در این مورد نمی‌توان از تأثیر نیروهای اقلیمی و طبیعی در تشکیل این فرم از فضاهای شهری اجتناب ورزید و آن‌ها را نادیده گرفت زیرا به سبب شرایط جغرافیایی منطقه، بافت شهر به خصوص در محلات و هسته‌های اولیه‌ی آن فشرده و متراکم می‌باشد که این مسئله در شهرهای دیگری همچون یزد نیز تکرار گردیده است.

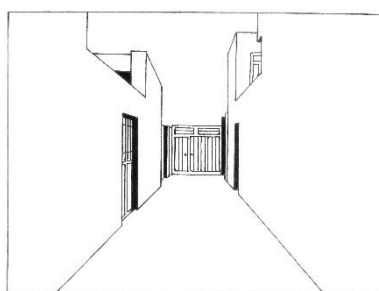
^۲ $\frac{h}{y} \geq \frac{2}{1}$ به سبب وجود نسبتی بیش از ۲:۱ میان ارتفاع به سطح فضا، این محیط‌ها دارای محصوریت زیاد و با خصلت حرکت و پویایی می‌باشند.

وجه تمایز دیگر این کوچه‌های بن‌بست، نفوذپذیری و خوانایی آن‌ها می‌باشد. در کوچه‌های پیاده‌رو به دلیل عرض کم، تردد افراد با وسیله‌ی نقلیه تا درب منازل امکان‌پذیر نبوده و در نتیجه دسترسی مناسب برای سالمندان و معلولین فراهم نیست. این امر در کوچه‌های سواره‌رو تا اندازه‌ای رعایت شده است و افراد و ساکنین می‌توانند تا درب منازل خود حرکت نمایند. همچنین به واسطه‌ی وجود بازشوها و روزنه‌های نسبتاً مناسب رو به آن‌ها و رؤیت‌پذیری از بناهای اطراف، این فضاها دارای نفوذپذیری بصری نسبتاً مطلوبی می‌باشند. (تصویر ۴-۷۰)

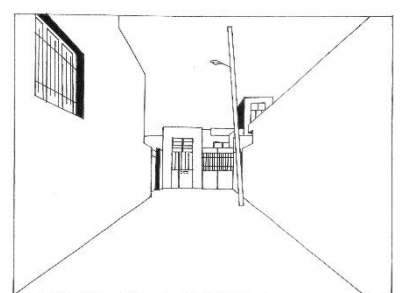
از سوی دیگر، به سبب عرض نامتناسب فضا، جداره‌های صلب و ممتد و همچنین عدم تباین مناسب و یا نبود نشانه‌های شاخص در ابتدای ورود به آن‌ها از وضوح و خوانایی قابل قبولی از دید مخاطب برخوردار نمی‌باشند. (تصویر ۴-۷۱) همان‌طور که اشاره شد یکی دیگر از تفاوت‌های مهم و اساسی این گروه از کوچه‌های بن‌بست با دسته‌های دیگر عدم انعطاف‌پذیری و چندطرفیتی بودن آن‌ها می‌باشد. این امر ناشی از وسعت کم و همچنین نبود فرم‌های محرک و یا عناصر اولیه و ثانویه نشستن در آن‌هاست که موجب ترغیب افراد به عبور و تردد از آن‌ها گردیده است. (تصویر ۴-۷۲)



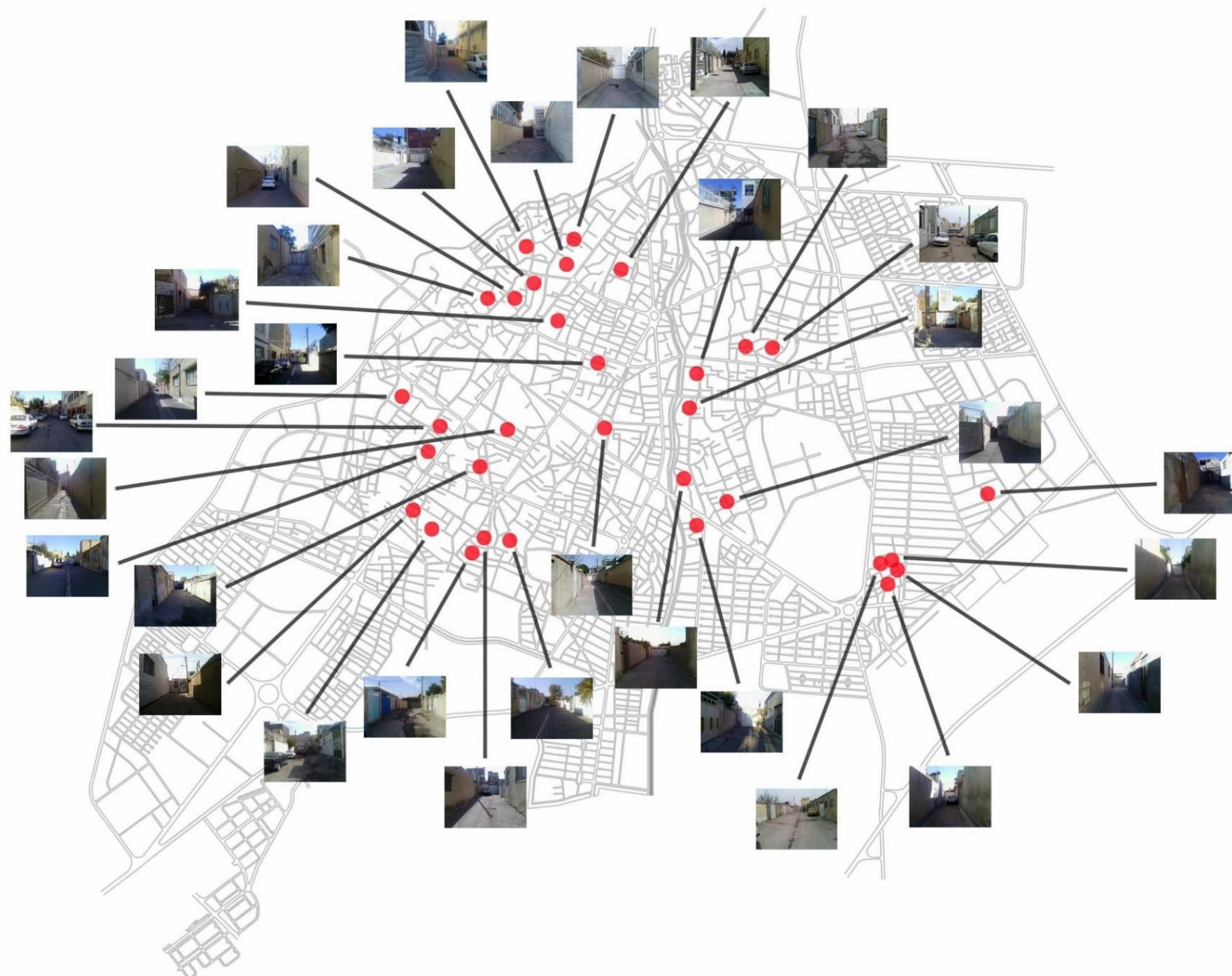
تصویر ۴-۷۲. فضای پویا و بدون قابلیت توقف و مکث - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۷۱. عدم وجود تباین و خوانایی مناسب محیط - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۷۰. نفوذپذیری مناسب فضا - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۱۷. کوچه‌های بن‌بست سواره‌رو بدون قابلیت توقف و مکث - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۱۸. کوچه‌های بن‌بست پیاده‌رو بدون قابلیت توقف و مکث - مأخذ: نگارنده

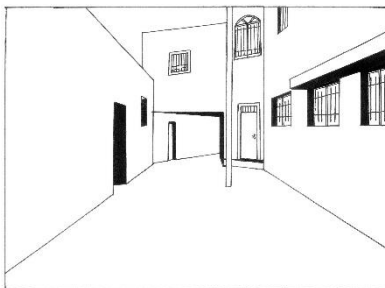
۴-۴-۵ معابر و خیابان‌ها

از ابتدای شکل‌گیری شهرها به عنوان یکی از اجتماعات یکجانشینی انسان‌ها، فضاهایی به وجود آمد که ارتباطات و تعاملات میان افراد مختلف در آن‌ها به وقوع می‌پیوست. معابر شهری علاوه بر آنکه نقش تسهیل عبور و مرور و تردد شهروندان را ایفا می‌کردند به عنوان بخشی از فضاهای شهری جهت تقویت تماس‌ها و پیوندهای اجتماعی میان ایشان نیز به‌شمار می‌رفتند. اما امروزه تنها تعداد محدودی از آن‌ها را می‌توان به عنوان خیابان‌های زیست‌پذیر در نظر گرفت. (اسکندرافشار و محمودی‌راد، ۱۳۸۸: ۳۸) تعریف یک خیابان به عنوان فضای شهری با مفهومی که این محیط به صورت کانالی برای حرکت و تردد خودروها در نظر گرفته می‌شود متفاوت است. این امر به دلیل تفاوت میان ویژگی‌ها و ارزش‌های بصری خیابان‌هایی با قابلیت عبور و مرور اتومبیل‌ها و مسیرهایی-ست که صرفاً به حرکت پیاده تعلق می‌گیرد. امروزه بیشتر توجه طراحان و برنامه‌ریزان حوزه‌ی ترافیک به حل مشکلات حرکت سواره متمرکز گردیده است و همه جا پیچ و خم‌ها، انحنایها و شکستگی‌های معابر به نفع حرکت اتومبیل‌ها اصلاح می‌شود و نقش رهگذران و افراد پیاده در آن‌ها بسیار ضعیف و کمرنگ می‌باشد. (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱: ۴۷) افزون‌بر موارد مطرح شده، امروزه کوچه‌ها نقش میانبر بین دو خیابان دیگر را ایفا می‌نماید و سبب ترغیب سواره‌رو به عبور از خویش می‌شوند. نتیجه‌ی این امر نیز تنزل این معابر محلی در حد یک مجرای عبور و مرور و عدم حس تعلق افراد و ساکنین و تضعیف پیوندها و روابط اجتماعی می‌گردد. (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۲۴۴-۲۴۵)

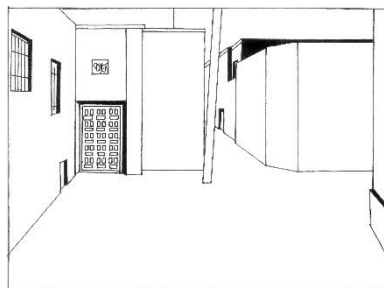
به صورت کلی و فارغ از نوع بافت و زمینه‌ی قرارگیری و همچنین بدون در نظر گرفتن خیابان‌ها و بزرگراه‌های اصلی و وسیع شهر، معابر و مسیرهای شاهرود را می‌توان برحسب کارکردهای اجتماعی و خصلت جمع‌پذیری به دو گونه‌ی معابر و مسیرهایی با قابلیت توقف و مکث و همچنین معابر و مسیرهایی بدون قابلیت توقف و مکث تقسیم نمود.

۴-۴-۵-۱ معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت توقف و مکث

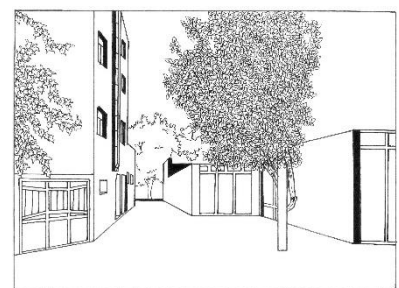
فضاهای خطی و پویا فارغ از سواره‌رو و یا پیاده‌رو بودن، به سبب القای حس حرکت و نبود هیچ گونه شکستگی و یا نقطه‌ی توقفی در آن‌ها مخاطب را ترغیب به عبور سریع می‌نمایند. حال اگر عرض این معبر و مسیر کم باشد سرعت تردد را نیز افزایش می‌دهد. با توجه به این موضوع، شکل گرفتن این گونه فضاها در محیط‌هایی با عملکرد مسکونی موجب عدم ارتباط و پیوند میان همسایگان و ساکنین در آن محل می‌گردد. در صورتی که در مجاورت آن‌ها فضاها و یا اجزاء و عناصری جمع‌پذیر و تفسیرپذیر و همچنین مکان‌هایی برای توقف و مکث عابرین و یا ساکنین ایجاد شود می‌توان بر خاصیت خطی و پویایی این فضاها غلبه کرده و محیطی متعادل را پدید آورد. (تصویر ۴-۷۳) این دسته از فضاهای شهری از نظر کارکردهای اجتماعی همانند کوچه‌های بن‌بست و مجاورت‌های همسایگی با قابلیت جمع‌پذیری، به دو گروه مسیرها و معبری با قابلیت توقف‌های کوتاه (نقشه ۴-۴-۱۹ و ۴-۲۰) و همچنین مسیرها و گذرهایی با خصلت و ویژگی مکث‌های طولانی و پاتوق (نقشه ۴-۲۱ و ۴-۲۲) تقسیم می‌شوند. آن‌ها دارای خصوصیات مشابه و یکسانی بوده و وجه تمایز و تفاوت آن‌ها در وسعت فضا، نوع کارکرد و فرم کالبدیشان می‌باشد. (تصویر ۴-۷۴) به طور کلی، فارغ از نوع کارکرد آن‌ها در شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی، احاطه‌ی این فضاها توسط جداره‌ی ساختمان‌های مجاور و همچنین نسبت ارتفاع به عرض مناسب آن‌ها، محصوریتشان را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. (تصویر ۴-۷۵)



تصویر ۴-۷۵. محصوریت مناسب به واسطه‌ی احاطه توسط بناهای پیرامون - مأخذ: نگارنده



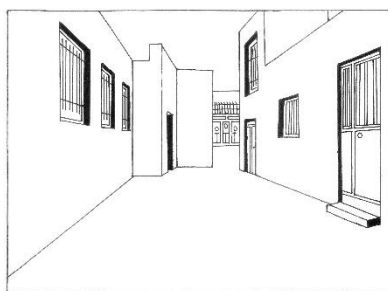
تصویر ۴-۷۴. عقب‌نشینی از معبر اصلی به عنوان محرکی جهت توقف و مکث - مأخذ: نگارنده



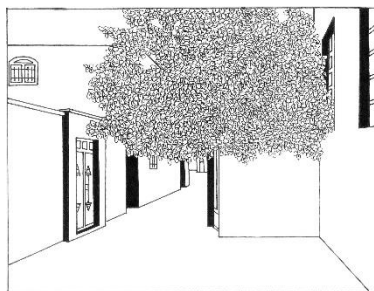
تصویر ۴-۷۳. مؤلفه‌های سازنده‌ی فضاهای جمع‌پذیر - مأخذ: نگارنده

در این فضاها به واسطه‌ی طول زیاد، تغییر در مقیاس محیط و ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌های آن‌ها همراه با تراکم و الگوهای مختلف ساختمانی، سکانس‌های مختلفی برای مخاطب تداعی گشته و محیطی متباین و غیریکنواخت ایجاد می‌گردد. (تصویر ۴-۷۶) همچنین پیچ‌ها و شکستگی‌هایی که در طول جداره‌های پیرامون آن‌ها ایجاد شده در کنار تغییر در مقیاس و عرض فضا در ابتدای این معابر، موجب شکل‌گیری یک سلسله مراتب دسترسی و تعریف مناسب حریم و قلمروی آن‌ها گردیده است. (تصویر ۴-۷۷)

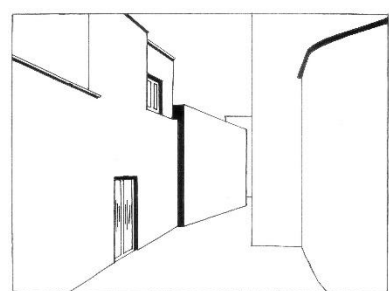
ایجاد بازشوها و روزنه‌های متعدد از ساختمان‌ها و بناهای پیرامون به سمت به این معابر که موجب رؤیت‌پذیری آن‌ها گردیده در کنار مسیرهای هموار و با عرض مناسب سبب تقویت و ارتقاء کیفیت نفوذپذیری این گونه فضاها شده است. (تصویر ۴-۷۸) با این وجود در معابری که دارای انحنا و پیچ در ابتدا و یا میانه‌ی خویش می‌باشند به سبب قابل پیش‌بینی نبودن فضا برای افراد و همچنین نداشتن یک نشانه‌ی شاخص شهری از وضوح و خوانایی نسبتاً کمی برخوردار می‌باشند.



تصویر ۴-۷۸. رؤیت و نفوذپذیری بصری مناسب فضا- مأخذ: نگارنده

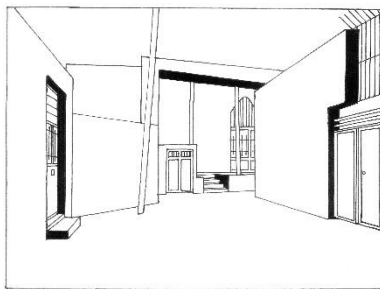


تصویر ۴-۷۷. سلسله مراتب دسترسی ایجاد شده ناشی از شکستگی در جداره‌ها- مأخذ: نگارنده

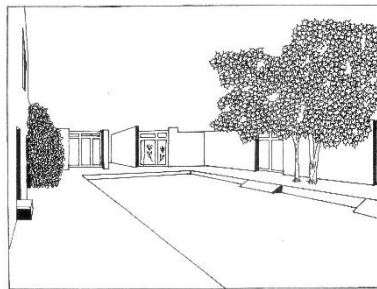


تصویر ۴-۷۶. عوامل سازنده‌ی سکانس‌های مختلف در محیط - مأخذ: نگارنده

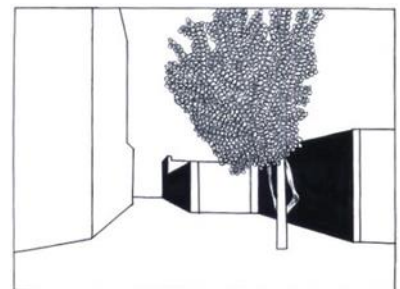
در این فضاها، استفاده از فرم‌های محرک و چند ظرفیتی و همچنین نوع هندسه و شکستگی‌های ایجاد شده در آن‌ها، محیط‌هایی جمع‌پذیر و منعطف را شکل داده و تا حدودی از پویایی و حرکت مطلق فضا کاسته شده است. (تصویر ۴-۷۹) فرم‌های محرک و تفسیرپذیری که در این فضاها بکار رفته شامل پله‌های مقابل بناها، سکوها، اختلاف تراز و سطوح ایجاد شده توسط لبه‌های باغچه‌ها و همچنین عناصر طبیعی همچون درختان و گل‌های رونده می‌باشد. این عناصر با ایجاد فضایی مطبوع و مناسب سبب جذب افراد برای نشستن و مکث‌های کوتاه و یا طولانی و در نتیجه ایجاد روابط اجتماعی میان همسایگان و یا عابرین و رهگذران می‌گردد. (تصویر ۴-۸۰) علاوه بر این، شکستگی و عقب‌نشینی از معبر حرکتی و ایجاد یک گوشه‌ی خلوت و جدا از تردد افراد که امکان مشاهده‌ی فعالیت‌ها و حرکت آن‌ها نیز فراهم باشد موجب تمایل عابرین و رهگذران برای استراحت‌های کوتاه و یا پاتوقی برای ساکنین و اهالی آن کوچه و معبر می‌گردد. (تصویر ۴-۸۱)



تصویر ۴-۸۱. تلفیق فضاهای حرکتی و مکث در محیط - مأخذ: نگارنده



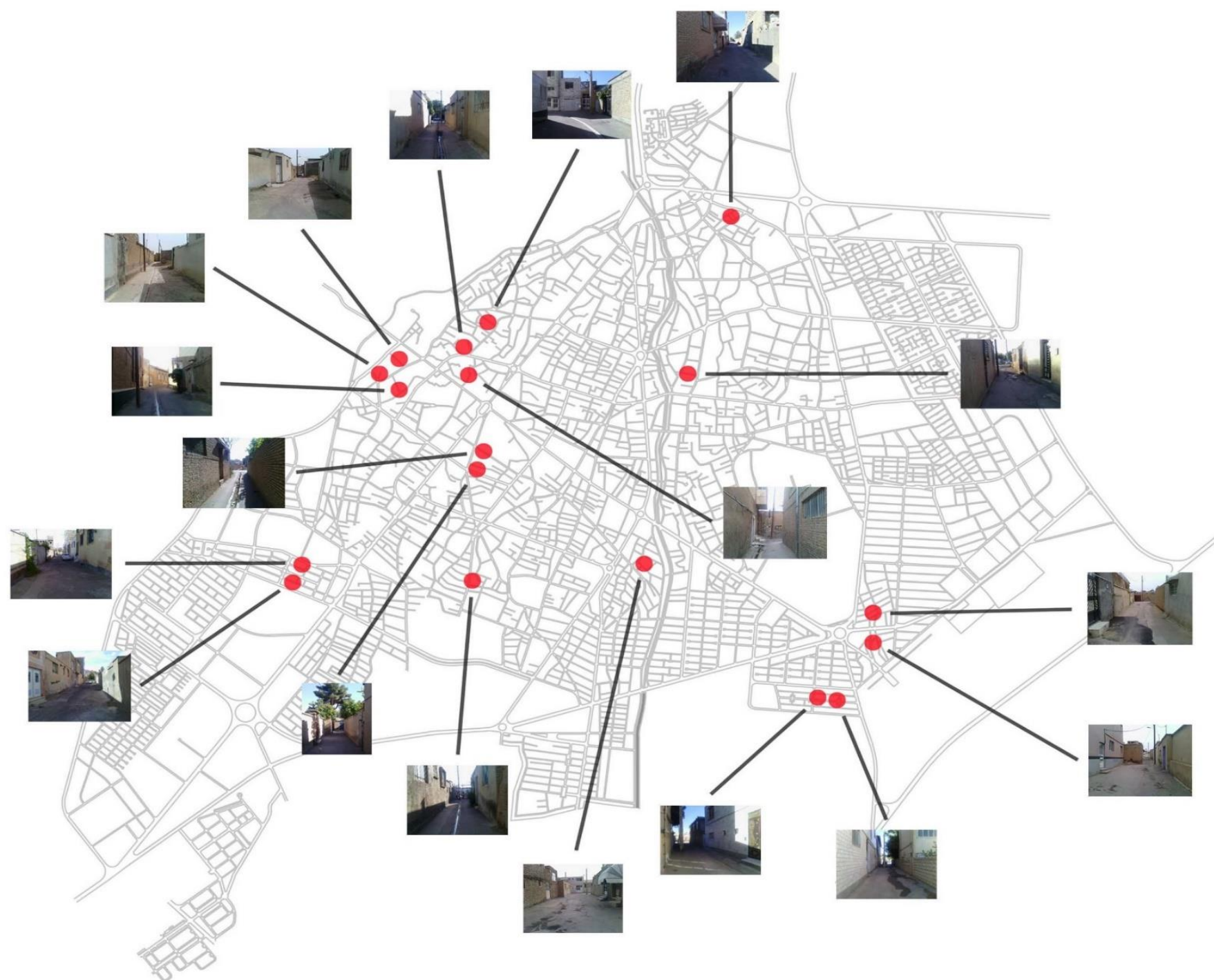
تصویر ۴-۸۰. ایجاد فرصت‌هایی جهت مکث و توقف توسط عناصر محرک و تفسیرپذیر - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۷۹. تعدیل پویایی فضا به واسطه‌ی فرم و هندسه‌ی آن - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۱۹. معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت توقف و مکث‌های کوتاه ناشی از شکستگی جداره‌ها و عقب‌نشینی از معبر اصلی - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۲۰. معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت توقف و مکث‌های کوتاه ناشی از وجود عناصر و فرم‌های محرک و چند ظرفیتی - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۲۱. معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت جمع‌پذیری و توقف‌های طولانی ناشی از شکستگی جداره‌ها و عقب‌نشینی از معبر اصلی - مأخذ: نگارنده



نقشه ۴-۲۲. معابر و مسیرهای ممتد و باز با قابلیت جمع‌پذیری و توقف‌های طولانی ناشی از وجود عناصر و فرم‌های محرک و چند ظرفیتی - مأخذ: نگارنده

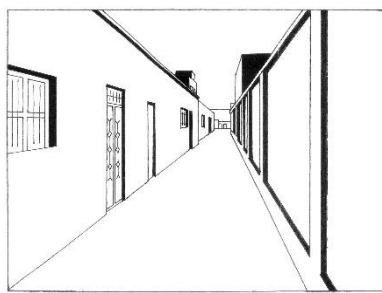
۴-۵-۲ معابر و مسیرهای ممتد و باز بدون قابلیت توقف و مکث

گروه دیگر از خانواده‌ی معابر و خیابان‌ها، مسیرهای ممتد و باز بدون قابلیت توقف و مکث برای عابرین و ساکنین مجاور خود است. (نقشه ۴-۲۳) این دسته از فضاهای شهری به لحاظ ویژگی‌های کالبدی دارای خصوصیات و ویژگی‌های مشابه زیادی با گروه قبل می‌باشند. علی‌رغم این امر، نقش عوامل جمع‌پذیر و فرم‌های محرک در آن‌ها کمرنگ است و عملاً به فضایی جهت تردد و حرکت افراد بدل شده‌اند به طوری که تأثیر چندانی در تقویت روابط و تعاملات اجتماعی میان شهروندان ندارند. (تصویر ۴-۸۲) البته ذکر این مطلب نیز ضروری می‌باشد که به واسطه‌ی وسعت و عرض کمی که این فضاها دارند اهالی و ساکنین آن‌ها ناگزیر به عبور از کنار یکدیگر شده که این خود موجب آشنایی و شناخت همسایگان و افزایش حس تعلق افراد به این فضاها می‌گردد.

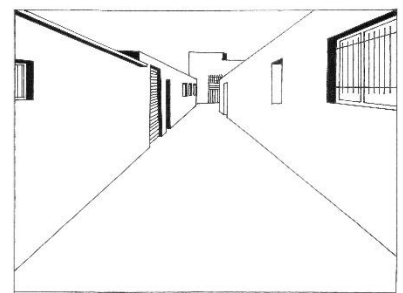
نسبت ارتفاع به عرض مناسب این فضاها در کنار عدم وجود عناصر و فرم‌هایی جهت توقف و مکث در آن‌ها، موجبات شکل‌گیری فضایی محصور و با خصوصیت حرکت و پویایی را فراهم آورده است. (تصویر ۴-۸۳) وجه تمایز دیگر این معابر و مسیرها با دسته‌های قبل وضوح و خوانایی آن‌ها می‌باشد. نبود شکستگی و عقب-نشینی‌های گسترده و متعدد و همچنین بازشوها و پنجره‌های رو به آن‌ها، این گونه فضاها را از قابلیت پیش‌بینی و رویت‌پذیری نسبتاً مطلوبی برخوردار کرده است.^۱ (تصویر ۴-۸۴)



تصویر ۴-۸۴. رویت و نفوذپذیری بصری مناسب فضاها - مأخذ: نگارنده



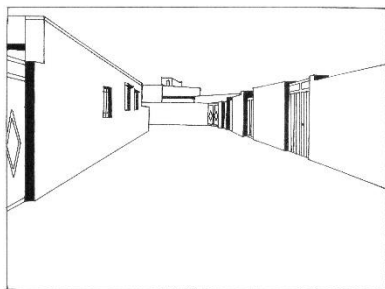
تصویر ۴-۸۳. طرح خطی و پویایی فضاهای شهری - مأخذ: نگارنده



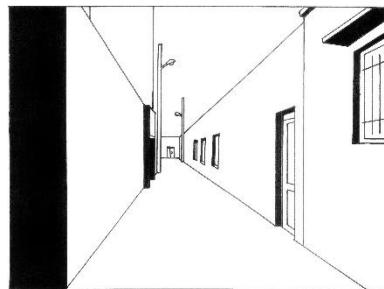
تصویر ۴-۸۲. عدم وجود فرم‌ها و عناصر محرک و چند ظرفیتی در محیط - مأخذ: نگارنده

^۱ در موارد محدودی نیز این امر به خوبی در آن‌ها صادق نمی‌باشد که به علت انحنا و پیچ و خم‌های بعضاً تندی است که وجود دارد و البته تعداد این گونه فضاها نیز بسیار اندک می‌باشد.

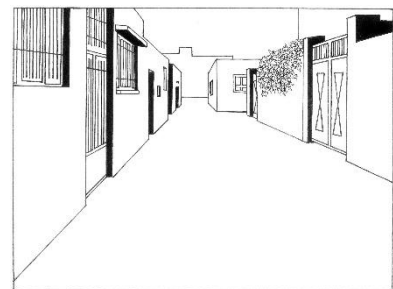
در معابر و مسیرهایی که قابلیت توقف و مکث داشتند وجود پیچ‌ها و شکستگی در طول جداره‌های پیرامون و همچنین تغییر در مقیاس و عرض فضا در ابتدای ورود به آن‌ها موجب پدید آمدن یک سلسله مراتب دسترسی و تعریف مناسب حریم آن‌ها گردیده است. در این دسته از فضاهای شهری برخلاف گروه قبل، به سبب نبود این خصوصیات و ویژگی‌ها در آن‌ها شاهد عدم شکل‌گیری این خصلت و تعریف مناسب حریم و قلمروی آن‌ها می‌باشیم. (تصویر ۴-۸۵) یکی دیگر از تفاوت‌های مهم و اساسی این گروه، عدم قابلیت جمع‌پذیری و چند ظرفیتی بودن آن‌هاست که ناشی از نبود هندسه و فرم‌های محرک و تفسیرپذیر (تصویر ۴-۸۶) و یا عناصر اولیه و ثانویه نشستن (تصویر ۴-۸۷) در این فضاها می‌باشد.



تصویر ۴-۸۷. عدم وجود عناصر چند ظرفیتی و تفسیرپذیر - مأخذ: نگارنده

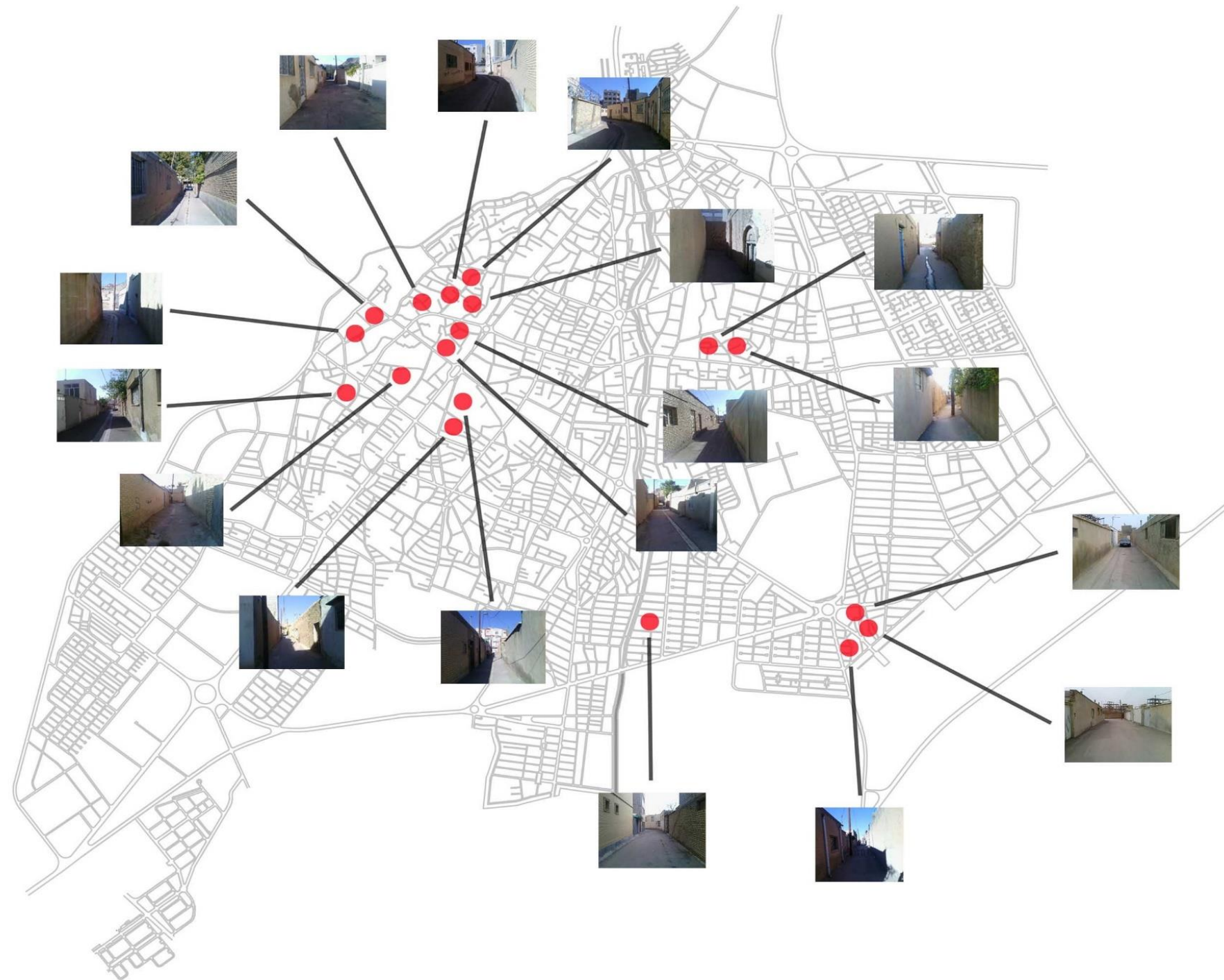


تصویر ۴-۸۶. عدم وجود فرم و هندسه‌ی محرک جهت توقف و مکث - مأخذ: نگارنده



تصویر ۴-۸۵. سلسله مراتب دسترسی ضعیف به این فضاها - مأخذ: نگارنده

^۱ علی‌رغم این موضوع، به واسطه‌ی ارتفاع مناسب جداره‌ها و بناهای پیرامون این فضاها و خط آسمان متوازن آن‌ها، ایجاد پنجره‌ها و بازشوهایی با تناسب نزدیک به هم و در ارتفاع کم، شکل‌گیری بناهایی مجزا و با تراکم کم و همچنین رعایت سادگی در طراحی نماهای آن‌ها، شاهد پدید آمدن فضاهایی با مقیاس و خصلت‌های انسانی در آن‌ها می‌باشیم.



نقشه ۴-۲۳. معابر و مسیرهای ممتد و باز بدون قابلیت توقف و مکث - مأخذ: نگارنده

۴-۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فضاهای باز شهری کوچک مقیاس به عنوان عرصه‌هایی جمعی که زمینه‌ی وقوع بسیاری از رویدادهای شهری و فعالیت‌های انسانی را در بستر خویش ممکن می‌سازند نقش مهم و قابل ملاحظه‌ای را در پویایی و سرزندگی شهرها ایفا می‌کنند. همچنین از آن جا که این فضاها به شکلی مستمر و پیوسته توسط شهروندان و به خصوص ساکنین و مجاورین خود مورد استفاده قرار می‌گیرند به عنوان محیط‌هایی جهت شکل‌گیری و تقویت روابط و تعاملات اجتماعی نیز تعریف می‌شوند. به طور کلی آنچه که این فضاها را واجد خصلت‌های جمع‌پذیری می‌کند و زمینه را برای حضور افراد در آن‌ها فراهم می‌نماید مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و ابعاد سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی‌ست که متناسب با نوع و کارکرد هر فضا در آن‌ها تجلی می‌یابد.

شهر شاهرود با توجه به پیشینه و رشد و توسعه‌ی طبیعی و از پیش طرح نشده‌ی خود دارای بسیاری از این فضاهای شهری کوچک مقیاس و انسانی می‌باشد که گذر زمان و تغییر و تحولات شهر چندان تأثیر قابل توجهی بر آن‌ها نگذاشته و به شکلی مطلوب و مناسب میان توده و فضا تعادل و توازن برقرار نموده‌اند. در این فصل ابتدا فضاهای شهری کوچک مقیاس شاهرود را براساس ویژگی‌های مشترک کالبدی و کارکردی خویش طبقه‌بندی نموده و سپس به تحلیل و ارزیابی هر گروه و دسته پرداختیم و نقش مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی را در آن‌ها مورد مطالعه قرار دادیم.

با توجه به تحلیل و بررسی فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود می‌توان گفت آنچه بیش از همه در این محیط‌ها نمایانگر بوده، قابلیت و پتانسیل بالقوه‌ی موجود در آن‌ها برای شکل‌گیری و تقویت جمع‌پذیری و تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد که در هر فضا با توجه به ویژگی‌ها و خصلت‌های خویش به نوعی تداعی یافته و البته در برخی نیز به سبب عملکرد و خصوصیات آن‌ها این امر نمود پیدا نکرده است. نکته‌ی مهم و قابل ملاحظه‌ی دیگری که در این بخش حاصل گردید کاربرد گسترده و وسیع عناصر طبیعی و درختان در شکل دادن به فضاهای شهری شاهرود می‌باشد به نحوی که تعداد قابل توجهی از طبقه‌بندی فضاها را به خود اختصاص داده و یا حول محور آن‌ها پدید آمده‌اند. از جمله‌ی این کارکردها می‌توان به تعدیل و تبدیل فضاهای

خطی و پویا به محیط‌هایی با قابلیت مکث و توقف‌های کوتاه و یا طولانی مدت، تقویت فضاهای ایستا در تلفیق با فرم‌های محرک و تفسیرپذیر موجود در آن و همچنین ایجاد یک محور قوی در معابر و فضاهای خطی با قابلیت تردد سواره و یا پیاده و القای حس حرکت در افراد اشاره نمود. همچنین از دیگر مواردی که با استفاده از تحلیل و بررسی فضاهای شهری موجود در این فصل بدست آمد می‌توان به حضور قابل ملاحظه و مؤثر برخی از معیارها و اصول کالبدی سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی در ساختار آن‌ها اشاره کرد که به عنوان نقطه‌ی تلاقی و مشترک فضاهای شهری شاهرود در اکثر آن‌ها بکار رفته است. مقیاس و تناسب انسانی یکی از این عوامل می‌باشد که به دو شکل در این فضاها خود را نشان می‌دهد؛ نخست به واسطه‌ی تراکم و عرض مناسب آن‌ها و دیگری استفاده از عناصر طبیعی و سبز همچون درختان، درختچه‌ها و گیاهان رونده که علاوه بر احاطه‌ی فضا و پوشش مناسب برای آن، سبب نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر این محیط‌ها به خصلت‌ها و ویژگی‌های انسانی شده است.

وضوح و خوانایی این فضاها نیز بیشتر به علت طراحی ساختمان‌هایی مجزا و با تراکم کم، پرهیز از استفاده‌ی گسترده از فضاهای سرپوشیده و همچنین وجود درختان و عناصر طبیعی به عنوان نشانه‌ی شاخص محلی برای آن‌ها می‌باشد. این امر در کنار ایجاد روزه‌ها و بازشوهای متعدد رو به این فضاها و همچنین مسیرهای هموار و با کف‌سازی مناسب، موجب شکل‌گیری و تقویت رؤیت و نفوذپذیری آن‌ها نیز شده است.

انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی بودن فضا نیز عامل دیگری است که به شکلی مناسب و مطلوب در این محیط‌ها قابل مشاهده است. این مؤلفه بیشتر به واسطه‌ی طراحی و ایجاد فرم‌های محرک و چند ظرفیتی، پرهیز از مبلمان گسترده‌ی فضا و همچنین در نظر گرفتن وسعت و اندازه‌ی هر فضا متناسب با کارکرد آن‌ها پدید آمده است که در برخی موارد نیز به واسطه‌ی حضور عناصر طبیعی تقویت گردیده است. به طور کلی از آن‌جا که این معیارها دارای کاربرد بیشتری در سطح شاهرود بوده و در محیط‌هایی متنوع و متفاوت به لحاظ عملکرد و خصوصیت پویایی و مکث تکرار گردیده‌اند، لذا می‌توان از آن‌ها به عنوان مؤلفه‌ها و عوامل اصلی سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی در شاهرود نام برد.

فصل ۵: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۵-۱ مقدمه

کیفیت و مطلوبیت فضاهای باز کوچک مقیاس به عنوان یکی از عوامل اصلی ترغیب شهروندان به حضور در محیط‌های بیرون از خانه و زمینه‌ساز شکل‌گیری مراودات و تماس‌های اجتماعی میان آن‌ها شناخته می‌شود. این امر موجب رشد و تکامل شخصیت اجتماعی شهروندان، افزایش حس تعلق آن‌ها نسبت به محیط زندگی خود و همچنین تقویت پیوندها و روابط اجتماعی میان مردم می‌گردد. پژوهش حاضر درصدد دستیابی به کیفیت فضاهای باز جمعی کوچک مقیاس از طریق بکارگیری مجموعه‌ای از اصول و معیارهای کالبدی‌ست که عمومیت داشته و فارغ از هرگونه وابستگی به عوامل سرزمینی، قابلیت تعمیم‌پذیری به عناصر معماری فضا را داشته باشند. مقصود دیگر آن نیز استفاده از این مؤلفه‌ها جهت سنجش و ارزیابی فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود و نقش آن‌ها در شکل‌گیری و تقویت تعاملات اجتماعی میان شهروندان می‌باشد.

در این فصل ابتدا به صورت مختصر به معرفی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و ضرورت انجام آن در میان مردم و شهروندان مبادرت ورزیده و سپس نقش فضاهای باز و عناصر کالبدی به عنوان زمینه و بستر وقوع این تماس‌ها و روابط میان افراد در آن را مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه به بیان تأثیر کیفیت اجزاء و عناصر سازنده‌ی این فضاها در حضورپذیری و تقویت تعامل میان مردم پرداخته می‌شود. سپس شاخصه‌ها و اصول سازنده‌ی فضاهای باز کوچک مقیاس و ویژگی‌های منحصر به فرد و تفاوتشان با سایر اصول و معیارهایی که پیرامون شکل‌گیری این گونه فضاها شناخته می‌شود معرفی می‌گردند. در نهایت نیز نتایج و یافته‌های تحقیق پیرامون بررسی‌های میدانی صورت گرفته در سطح شهر شاهرود و همچنین سنجش و ارزیابی فضاهای شهری گردآوری شده از سراسر جهان با بهره‌گیری از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های بدست آمده از مطالعات پایه، بیان شده‌اند. همچنین با مقایسه‌ی نتایج حاصل از تحلیل نمونه‌موردی‌های صورت گرفته در فصل سوم و نمونه‌های بدست آمده از مطالعات میدانی و فضاهای کوچک مقیاس شاهرود، نقش این مؤلفه‌ها و شاخص‌های کالبدی بدست آمده در شکل دادن به تعاملات و روابط اجتماعی میان مردم مورد ارزیابی واقع می‌گردند.

۵-۲ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انسان‌ها فارغ از هر فرهنگ و ویژگی جغرافیایی که در آن رشد کرده و قرار دارند، دارای مجموعه‌ای از نیازهای ثابت و یکسان می‌باشند. یکی از مهم‌ترین این نیازها، برقراری روابط و تعاملات اجتماعی با دیگران است. این امر علاوه بر اینکه موجبات مرتفع شدن بسیاری از نیازهای بنیادین انسان را فراهم می‌آورد، با تقویت پیوندهای میان آن‌ها سایر نیازهای اساسی او مانند حس تعلق و دوست داشتن، امنیت و خودشکوفایی را نیز برطرف می‌نماید. همچنین، از دیگر مزایای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی میان افراد می‌توان به پدید آمدن و ایجاد محیط‌هایی مبتنی بر خرد جمعی و تقویت حیات مدنی در جوامع انسانی اشاره کرد.

تعاملات اجتماعی فعالیتی چند بعدی است که نه تنها وابسته به ویژگی‌های فردی و شخصیتی انسان بلکه متأثر از فرهنگ، شرایط اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و کالبدی زمینه‌ی خود نیز می‌باشد. طی دهه‌های اخیر با توسعه‌ی شهرها و گسترش آپارتمان‌نشینی و همچنین ایجاد فضاهای شهری وسیع و اتومبیل محور شاهد کمرنگ شدن هرچه بیشتر نقش آن می‌باشیم. این امر تا جایی پیش‌رفته است که امروزه عدم شناخت همسایگان و نداشتن روابط با آن‌ها به عنوان یک ارزش شناخته می‌شود. افزون‌براین، با توسعه‌ی روزافزون وسایل ارتباط جمعی در عصر حاضر، زمینه‌ی شکل‌گیری روابط و تماس‌های اجتماعی میان مردم را از فضاهای شهری به فضاهای مجازی منتقل کرده است. مجموع این موارد سبب تضعیف پیوندها و همچنین کاهش حس تعلق و مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به محیط زندگی خویش گردیده است.

فضاهای باز به عنوان محیطی که شهروندان در آن‌ها حضور پررنگ و تأثیرگذاری را از خود نشان می‌دهند، می‌توانند زمینه‌ی تحقق تعاملات و تماس‌های اجتماعی میان افراد را فراهم نمایند. از گذشته تاکنون این فضاها وظایف و کارکردهای مختلفی را برعهده داشتند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به برپایی مراسم و جشن‌ها، داد و ستد، تبادل اخبار، عبور و مرور و تردد، دیدارهای دوستانه و گپ و گفت میان همسایگان اشاره کرد. در این میان فضاهای باز کوچک مقیاس به عنوان بخشی از فضاهای شهری که از آستانه‌های ورودی تا گذرها و مجاورت‌های همسایگی را شامل می‌شوند و به شکلی مستقیم و بی‌واسطه با افراد در ارتباطاند نقش مؤثرتری را ایفا می‌نمایند.

در این فضاها به واسطه‌ی خصوصیات کالبدی و کاربردی‌شان و نزدیکی هرچه بیشتر به محیط زندگی و همچنین خصلت‌های انسانی افراد، بهره‌برداران درک متفاوت‌تری را از آن‌ها نسبت به سایر فضاها و شهری تجربه می‌نمایند. به همین منظور مطلوبیت و یا عدم مطلوبیت آن‌ها تأثیری مستقیم در جذب مخاطبان و تقویت روابط تعاملات اجتماعی میان آن‌ها می‌گذارد.

چگونگی حضور افراد در فضاها و نحوه‌ی استفاده‌ی آن‌ها از این فضاها و همچنین تأثیری که بر شکل‌گیری روابط و تماس‌های اجتماعی میان مردم می‌گذارند را می‌توان مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. در این ارزیابی، نقش عناصر کالبدی سازنده‌ی این مکان‌ها به سبب آنکه به عنوان وجه عینی و نمود ظاهری آن‌ها و اولین برخورد مخاطب با فضاست مؤثر و مهم می‌باشد.

فضاهای باز جمعی سرزنده و انسانی واجد برخی اصول و معیارهای کالبدی می‌باشند که ساختار کلی آن‌ها را شکل می‌دهند. این مؤلفه‌ها در ترکیب با سایر عواملی که مبتنی بر شرایط مکانی و زمانی آن‌هاست قالب فضا را پدید می‌آورند.

همان‌گونه که در فصول قبل نیز بیان شد در این پژوهش سنجش و ارزیابی فضاها و باز کوچک مقیاس شاهرود با بهره‌گیری از اصول و معیارهای کالبدی بدست آمده از آرا و نظریات اندیشمندان این حوزه و همچنین نقش و میزان کاربرد این شاخصه‌ها در آن‌ها مورد نظر بوده است. شهر شاهرود، هم‌سو با بسیاری از شهرهای امروزی، به واسطه‌ی افزایش جمعیت و میزان تردد خودروها ناگزیر به تغییر و تحولات گسترده گردیده است. این امر موجب گشته تا نقش فضاها و باز کوچک مقیاس در شهر کمرنگ و جای آن را پارک‌ها و توده‌های سبز وسیع، معابر و مسیرهای حرکتی سواره‌رو متعدد و میدان‌های ترافیکی گسترده پرکنند. به همین منظور جهت دستیابی به مجموعه‌ای جامع از فضاها و باز کوچک مقیاس شهر شاهرود، دامنه‌ی پژوهش به تمامی محلات و بافت‌های شهری شاهرود گسترش پیدا کرد. جهت گزینش نمونه‌ها نیز فارغ از هرگونه عملکرد و کارکردی که برای آن در نظر گرفته شده است سعی گردید فضاها و انتخاب شده از خصلت‌ها و ویژگی‌های انسانی برخوردار

بوده و کمترین تأثیر را از آسیب‌های ناشی از رشد خودروها و تغییر مقیاس محیط‌های شهری متحمل شده باشند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و شواهد و مطالب بدست آمده از این پژوهش، می‌توان نتایج حاصل از آن را به دو دسته تقسیم نمود که هر کدام در پاسخ به بخشی از اهداف تحقیق می‌باشد:

۱. مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای باز سرزنده و انسانی و نقش آن‌ها در حضورپذیری افراد

در این فضاها و ایجاد روابط و تعاملات اجتماعی میان آن‌ها

۲. نحوه و میزان کاربرد این شاخصه‌ها در فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود

براساس مطالعات انجام شده، اصول و معیارهای کالبدی سازنده‌ی فضاهای باز کوچک مقیاس شامل محصوریت فضا، مقیاس و تناسبات انسانی، تباین فضایی، حریم و قلمرو، هم‌پیوندی و هماهنگی بناها و عناصر شهری، نفوذپذیری، وضوح و خوانایی محیط، ترکیب (کمپوزیسیون) و وحدت، انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی بودن فضا و در نهایت مصالح مناسب می‌باشند. بکارگیری این اصول به ساخت و شکل‌گیری فضاهای مطلوب و با امکان شکل‌دادن و تقویت تعاملات اجتماعی منجر خواهد شد.

این مؤلفه‌ها دارای دو ویژگی مهم و قابل ملاحظه می‌باشند که آن‌ها را از سایر موارد مشابه متمایز می‌نمایند. نخست آنکه این معیارها ثابت بوده و در طول زمان و به شکلی گسترده تحت تأثیر تغییر و تحولات حاصل از رشد و توسعه‌ی تکنولوژی و صنعت و یا تغییر سبک زندگی مردم قرار نگرفته و قابلیت انطباق با آن را دارا می‌باشند. ویژگی برجسته‌ی دیگر آن‌ها عدم وابستگی اساسی به عوامل فرهنگی، جغرافیایی و سرزمینی می‌باشد؛ به‌نحوی که هرچه نقش این عوامل در شکل‌گیری این مجموعه از ویژگی‌های سازنده‌ی فضاهای باز سرزنده و انسانی کم‌رنگ باشد دامنه‌ی بکارگیری آن‌ها بیشتر می‌گردد.

علاوه‌براین، درباره‌ی نقش این عوامل در حضورپذیری افراد در فضاهای باز کوچک مقیاس و ایجاد روابط و تعاملات اجتماعی میان آن‌ها باید گفت که به طور کلی فعالیت مردم در این فضاها (که به شکلی پیوسته و مستمر با آن‌ها در ارتباط می‌باشد) به سه دسته‌ی فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی تقسیم می‌شود. فارغ

از فعالیت‌های اجباری که شهروندان تحت هر شرایطی ناگزیر به انجام آن‌ها می‌باشند و کمترین وابستگی را به محیط بیرون دارند سایر فعالیت‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای متضمن کیفیت و مطلوبیت فضاهای شهری می‌باشند. مطلوبیت فضاهای باز نیز خود ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد که از مهم‌ترین‌شان به کیفیت کالبدی آن‌ها می‌توان اشاره کرد. اساساً فارغ از خصوصیات روحی و شخصیتی افراد، فضاهای فاقد کیفیت، زمینه‌ای برای حضور و توقف را ندارند و فرصت مناسبی برای تجربه‌ی ارتباطات انسانی را فراهم نمی‌کنند. اصول و معیارهای بدست آمده با تقویت و ارتقاء ابعاد کالبدی و وجه عینی فضا و نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر آن‌ها به خصلت‌های انسانی، افراد را ترغیب به حضور در محیط می‌نمایند و با فراهم نمودن بستر برخورد و آشنایی ایشان با یکدیگر سبب شکل‌گیری سایر فعالیت‌ها از جمله تعاملات اجتماعی میان آن‌ها را فراهم می‌آورند.

یکی دیگر از دستاوردهای این پژوهش، نحوه‌ی حضور و نقش این اصول و معیارها در تقویت کیفیت کالبدی محیط و افزایش تعاملات اجتماعی میان شهروندان در فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود می‌باشد. با توجه به رشد و توسعه‌ی چشم‌گیر شهر طی سال‌های گذشته، شاهد گستردگی و تنوع فضاهای باز کوچک مقیاس در آن هستیم که ناشی از تفاوت‌های کالبدی و کارکردی آن‌ها می‌باشد. به همین منظور جهت ارزیابی هرچه بهتر فضاها و ایجاد چارچوب و ساختاری مناسب در مسیر تحلیل و بررسی آن‌ها، این فضاها را براساس خصلت‌ها و ویژگی‌های مشترک خود به گروه‌های مختلفی طبقه‌بندی کردیم که هر کدام از چندین زیر گروه تشکیل می‌شود.

نتایج تحلیل و ارزیابی مفاصل و آستانه‌های ورودی شهر شاهرود بر نقش پررنگ و مؤثر برخی معیارها و اصول کالبدی فضاهای شهری سرزنده و انسانی در ساختار آن‌ها تأکید می‌کند. مقیاس و تناسبات انسانی یکی از این مؤلفه‌ها می‌باشد که به واسطه‌ی احاطه توسط جداره‌هایی با ارتفاع مناسب، پیش‌آمدگی‌های بالای درب‌ها و بازشوها و همچنین استفاده از عناصر طبیعی و سبز در آن‌ها ایجاد گردیده است. سلسله مراتب دسترسی و تفکیک حریم و قلمروی این فضاها نیز به سبب شکستگی و عقب‌نشینی از معبر اصلی، اختلاف سطح نسبت به آن و تفاوت در مصالح و بافت ورودی‌ها خود را نشان می‌دهد. این امر در کنار تغییر در مقیاس و روشنایی این

مفاصل و آستانه‌های ورودی که ناشی از انتقال افراد از معابر و گذرهایی با عرض زیاد به فضاهایی با ابعاد مشخص و دارای پیش‌آمدگی و یا شکستگی در کالبد خود می‌باشند موجب شکل‌گیری تباین نسبتاً مناسبی با محیط‌های پیرامون گردیده است. نفوذپذیری بصری و خوانایی فضا نیز عامل دیگری است که بیشتر به علت عدم تفکیک مطلق عرصه‌های دو طرف ورودی‌ها و تداوم فعالیت‌ها و عناصر کالبدی از یک عرصه به عرصه‌ی دیگر و همچنین ارتباط بصری میان گذرها و آستانه‌های ورودی ایجاد گردیده است.

مجموع عوامل مطرح شده به عنوان مؤلفه‌های تقویت‌کننده‌ی این فضاها در کنار وجود عناصر چند ظرفیتی و محرک همچون سکوه‌های پیرنشین، پله‌ها و اختلاف سطوح در آن‌ها، محیط مطلوب و مناسبی را برای جمع‌شدن و نشستن افراد و ساکنین مجاور و در نتیجه افزایش تعاملات اجتماعی میان آن‌ها فراهم نموده است. مقایسه‌ی ویژگی‌های بکار رفته در مفاصل و آستانه‌های ورودی شهر شاهرود و نمونه‌های گردآوری شده از سراسر نقاط جهان، هم‌بستگی و تشابه بالای میان مؤلفه‌های موجود در آن‌ها را به روشنی نشان می‌دهد. در این فضاها نیز شاخصه‌هایی چون مقیاس و تناسبات انسانی، خوانایی و نفوذپذیری، سلسله مراتب دسترسی و تفکیک حریم و قلمروی فضا و همچنین بهره‌گیری از فرم‌ها و عناصر محرک و چند ظرفیتی سبب تقویت کیفیت کالبدی آن‌ها می‌شود. این امر با ترغیب و تشویق مردم به حضور در این فضاها موجب افزایش روابط و پیوندهای اجتماعی میان آن‌ها گردیده است.

پله‌های شهری و محلی گروه دیگری از فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود می‌باشند. این محیط‌ها به سبب برخورداری از برخی خصلت‌ها و ویژگی‌های سازنده‌ی فضاهای شهری سرزنده و انسانی توانسته‌اند به عنوان یک فضای چند عملکردی، جمع‌پذیر و با قابلیت ایجاد روابط و تعاملات اجتماعی میان شهروندان ایفای نقش نمایند. به واسطه‌ی احاطه‌ی این فضاها توسط بناهای پیرامون و یا جداره‌ای از درختان و عناصر طبیعی دارای میزان محصوریت نسبتاً مطلوب و مناسبی می‌باشند. نفوذپذیری بصری مؤلفه‌ی دیگری است که به عنوان یکی از عوامل اصلی افزایش احساس امنیت مردم در محیط‌های شهری شناخته می‌شود. این امر به واسطه‌ی بازشوها و پنجره‌های متعدد رو به آن‌ها و یا قرار گرفتن در مجاورت معابر اصلی و قابل رؤیت بودن توسط عابران و رهگذران ایجاد

گردیده است. انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی بودن این فضاها نیز به دو شکل خود را نشان می‌دهد؛ نخست به واسطه‌ی وجود سکوها و یا محل‌هایی برای توقف و مکث در کنار عناصر پله و دیگری وسعت و عرض این فضاها که متناسب با نوع کارکرد و عملکرد آن‌ها در نظر گرفته شده است. این عوامل همراه با حضور پر رنگ عناصر طبیعی و سبز (که سبب تقویت غنای حسی و سرزندگی آن‌ها می‌شود) موجب گشته تا آن‌ها علاوه بر کارکرد اصلی خود به عنوان محلی برای توقف و نشستن افراد و ایجاد ارتباط و تعامل میان آن‌ها نیز مورد استفاده قرار گیرند. همچنین با تحلیل و بررسی نمونه‌های مشابه داخلی و خارجی، مشخص شد که شاخصه‌ها و عواملی که موجب تقویت کیفیت این فضاها و افزایش حضورپذیری شهروندان در آن‌ها گردیده است به طور قابل ملاحظه‌ای هم‌پوشانی زیادی با مؤلفه‌های بکار رفته در پله‌های شهری و محلی شاهرود دارند. این عوامل شامل محصوریت، مقیاس و تناسبات انسانی، رؤیت و نفوذپذیری بصری، هم‌پیوندی و هماهنگی میان عناصر سازنده و همچنین انعطاف‌پذیری و چند ظرفیتی بودن فضا می‌باشند.

گذرها و کوچه‌های بن‌بست از جمله فضاها با کوچک مقیاس در شهر شاهرود هستند که دارای فراوانی نسبتاً زیادی در سطح آن می‌باشند. این امر به دلیل رشد و توسعه‌ی طبیعی و از پیش طرح نشده‌ی شهر و همچنین بافت متراکم و پیوسته آن است. به همین منظور شاهد حضور پررنگ و مؤثر برخی از اصول و معیارهای کالبدی سازنده‌ی فضاها و شهری سرزنده و انسانی در ساختار آن می‌باشیم. محصوریت یکی از مؤلفه‌هایی است که به شکلی گسترده در این فضاها بکار گرفته شده و از میزان نسبتاً مطلوبی نیز برخوردار می‌باشد. این عامل غالباً توسط جداره‌ها و بدنه‌هایی با نسبت ارتفاع به عرض مناسب پدید آمده که در برخی موارد نیز به واسطه‌ی حضور عناصر طبیعی و سبز همچون درختان تقویت گردیده است. این موارد در کنار ایجاد عرض و تراکم مناسب حرکت پیاده سبب شکل‌گیری فضاهایی با خصلت‌ها و مقیاس انسانی گردیده است.

نفوذپذیری عامل دیگری است که به سبب مقیاس کوچک بناها و ساختمان‌های پیرامون و همچنین باز شدن روزنه‌ها و پنجره‌های متعدد رو به این فضاها در کنار قابلیت تردد آسان و بدون مانع برای شهروندان ایجاد گردیده است. علاوه بر این، وضوح و خوانایی نسبتاً مناسب این فضاها از دیگر مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کالبدی

موجود در آنهاست که همراه با سایر اصول و معیارهای بیان شده موجبات شکل‌گیری و افزایش کیفیت و مطلوبیت این فضاها را فراهم می‌نمایند. این موارد به عنوان عوامل اصلی ترغیب شهروندان به حضور در آنها همراه با وجود فرم‌های محرک و تفسیرپذیر همچون پله‌ها، سکوها، اختلاف سطوح و همچنین هندسه و وسعت فضا موجب شکل‌گیری قابلیت‌های مناسب برای تجمع و نشستن همسایگان و افراد ساکن در بناهای مجاور آنها گردیده است.

نتایج تحلیل و بررسی گذرها و کوچه‌های بن‌بست گردآوری شده از سراسر جهان نشان می‌دهد که اصول و مؤلفه‌هایی مانند محصوریت، مقیاس و تناسبات انسانی، هم‌پیوندی و هماهنگی بناها و عناصر شهری، خوانایی و نفوذپذیری، انعطاف‌پذیری و همچنین تباین فضایی نقش پررنگ و مؤثری را در آنها ایفا می‌نمایند. این موارد به عنوان عوامل اصلی تقویت فضاها را باز کوچک مقیاس و افزایش حضورپذیری آنها شناخته می‌شوند. مقایسه‌ی مؤلفه‌های بکار رفته در این فضاها با کوچه‌ها و گذرهای شهر شاهرود نشان دهنده‌ی هم‌پوشانی و ویژگی‌های مشترک بسیاری میان آنها می‌باشد.

معايير و مسیرهای پیوسته و باز نیز بخش دیگری از فضاها را شهری کوچک مقیاس شاهرود می‌باشند که علاوه بر تردد و عبور و مرور مردم و شهروندان به عنوان یک فضای باز با قابلیت جمع‌پذیری و تقویت پیوندها و مراودات میان آنها نیز ایفای نقش می‌نمایند. محصوریت به عنوان یکی از عواملی می‌باشد که در این فضاها به شکلی مناسب بکار گرفته شده و موجب افزایش کیفیت کالبدی آنها می‌گردد. این امر غالباً توسط جداره‌ها و بدنه‌های ساختمان‌های مجاور و همچنین نسبت ارتفاع به عرض آنها پدید آمده و در برخی موارد وجود عناصر طبیعی و سبز نیز آن را تقویت کرده است.

در این فضاها به واسطه‌ی طول زیاد، تغییر در مقیاس محیط و ایجاد شکستگی و عقب‌نشینی در جداره‌های آنها همراه با تراکم و الگوهای مختلف ساختمانی شاهد شکل‌گیری تباین و توالی فضایی مناسب و مطلوب می‌باشیم. رؤیت و نفوذپذیری عامل دیگری است که بیشتر به علت ایجاد بازشوها و روزنه‌های متعدد در ساختمان‌ها و بناهای مجاور و همچنین عرض و وسعت مناسب آنها ایجاد گردیده است. این موارد در کنار فرم‌های محرک و

تفسیرپذیری که در این فضاها بکار رفته است سبب ترغیب مردم و شهروندان به حضور در آن‌ها و افزایش مرادوات و تعاملات اجتماعی میان آن‌ها گردیده است. همچنین آنچه که از تحلیل و ارزیابی نمونه‌ها و فضاهای شهری مشابه از سراسر نقاط جهان بدست آمد، بر نقش پررنگ و مؤثر مؤلفه‌هایی چون محصوریت، مقیاس و تناسبات انسانی، تباین فضایی، هم‌پیوندی و هماهنگی، وضوح و خوانایی و همچنین نفوذپذیری در تقویت و بهبود کیفیت کالبدی و کارکردی آن‌ها تأکید می‌نماید. این امر بیانگر هم‌بستگی و هم‌پوشانی بالا میان عوامل بکار رفته در این محیط‌ها و فضاهای شهری شاهرود می‌باشد.

به طور کلی چنین می‌توان نتیجه گرفت که اغلب مؤلفه‌های کالبدی سازنده‌ی فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود که منجر به شکل‌گیری مکان‌هایی سرزنده و انسانی می‌گردند به شکلی گسترده و کامل‌تر در نمونه‌های گردآوری شده از سراسر نقاط جهان نیز نقش پررنگ و مؤثری دارند. این امر بیانگر فرامنطقه‌ای بودن این مؤلفه‌ها و همچنین ایفای نقش آن‌ها در سطحی مناسب و فارغ از هرگونه موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. موضوع دیگری که در این تحلیل و ارزیابی‌ها خود را نشان داد امکان ترکیب و ادغام این اصول و معیارها با سایر عوامل و ویژگی‌های محیط و بستر جغرافیایی موجود در آن می‌باشد. این امر سبب گردیده تا در عین وجود این مؤلفه‌ها در ساختار کالبدی آن‌ها (فضاهای باز کوچک مقیاس شاهرود و نمونه‌های گردآوری شده از سراسر جهان) هیچ دو فضایی به شکل یکسان نباشد.

مراجع

۱. ارژمند، محمود و خانی، سمیه (۱۳۹۱)، نقش خلوت در معماری خانه ایرانی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۷
۲. اسکندرافشار، بهزاد و محمودی‌راد، مژگان (۱۳۸۸)، مفاهیم و اصول برنامه‌ریزی خیابان ویژه، فصلنامه آبادی، سال نوزدهم، شماره ۶۳
۳. بلیلان‌اصل، لیدا، اعتصام، ایرج و اسلامی، سیدغلامرضا (۱۳۹۰)، نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره‌ی فضایی بافت‌های تاریخی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی هویت شهر، سال پنجم، شماره ۸
۴. بنتلی، ای‌ین، الکک، آلن، مورین، پال، گلین، سومک و اسمیت، گراهام (۱۳۹۸)، محیط‌های پاسخده، ترجمه: مصطفی بهزادفر، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
۵. پارسی، حمیدرضا (۱۳۸۱)، شناخت محتوای فضای شهری، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۱۱
۶. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۳)، راهنمای طراحی فضاهای شهری، چاپ هفتم، تهران: انتشارات شهیدی
۷. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهیدی
۸. ترکمان، احمد، قائد، مجتبی و شستوب، سوگل (۱۳۹۶)، پاتوق، فضای جمعی شهری و معماری و محل تعاملات اجتماعی و فرهنگی (نمونه موردی شهر برازجان)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره ۳۱
۹. توسلی، محمود (۱۳۹۵)، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. توسلی، محمود (۱۳۹۵)، قواعد و معیارهای طراحی فضای شهری، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۱۱. توسلی، محمود و بنیادی، ناصر (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری؛ فضاهای شهر و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
۱۲. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۹۴)، شهرسازی شهروندگرا، ترجمه: محمد احمدی نژاد، چاپ چهارم، اصفهان: انتشارات خاک
۱۳. چپمن، دیوید (۱۳۸۶)، آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان ساخت، ترجمه: شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
۱۴. حسینی، سیدهادی، رفیعی، غزاله و جوادیان، سیدحمید (۱۳۹۵)، تحلیلی بر آسیب‌شناسی طراحی فضاهای سبز عمومی در مناطق شهری (مطالعه موردی: پارک ارم شهر سبزوار)، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، شماره ۳، دوره هجدهم
۱۵. خانیان، شیمیا (۱۳۹۴)، پایان‌نامه ارشد؛ بررسی نقش فضای مکت و طراحی و توسعه آن در افزایش تعاملات اجتماعی در محله با ارزش ایرانی (نمونه‌موردی: محله آقاجانی بیگ شهر همدان)، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
۱۶. خسروبیگی، هوشنگ و قنبری‌مله، زهرا (۱۳۹۷)، ساختار اقتصادی و اجتماعی شاهرود در نیمه‌ی اول عصر قاجار، پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱
۱۷. دانشپور، سیدعبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶)، فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، نشریه‌ی علمی - پژوهشی باغ نظر، شماره ۱
۱۸. دورک، داناپی (۱۳۹۶)، برنامه‌دهی معماری: مدیریت اطلاعات برای طراحی، ترجمه: سید امیرسعید محمودی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۱۹. دیوسالار، اسدالله، شکری فیروزجاه، پری و فردوسی، سجاد (۱۳۹۴)، ایده‌ها و الگوهای باززنده‌سازی مسایل‌ها و رودخانه‌های شهری (مطالعه موردی: رودخانه‌ی شاهرود)، فصلنامه انسان و محیط‌زیست،

شماره ۳۵

۲۰. رحیمی‌ساردو، مجید (۱۳۹۹)، فضای سبز شهری و نقش آن در زندگی مردم، پژوهش‌نامه اورمزد،

شماره ۵۱

۲۱. سالاری‌فر، مهیا و معصومی، مسیح‌اله (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر عوامل کالبدی - محیطی طراحی فضاهای باز شهری بر ارتقای امنیت اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر سبزوار، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال هشتم، شماره ۳۰

۲۲. سرکرده‌یی، الهام، ثقفی، محمودرضا و نصرالهی، فرشاد (۱۳۹۷)، بررسی عملکرد گلخانه جبهه جنوبی بر میزان کاهش اتلاف حرارت در آپارتمانی در شهر شاهرود، نشریه علمی - پژوهشی معماری و شهرسازی ایران، دوره ۹، شماره ۱۵

۲۳. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲)، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران

۲۴. شریعت‌زاده، سیدعلی اصغر (۱۳۷۱)، فرهنگ مردم شاهرود، چاپ اول، ناشر: مؤلف

۲۵. شفیعی، محمدعلی (۱۳۷۸)، تاریخ جامع شهرستان شاهرود، چاپ اول، ناشر: مؤلف

۲۶. شکیبامنش، امیر و حکیمی، یاسمین (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر رؤیت‌پذیری فضای کالبدی بر رفتار عابران پیاده در میادین شهری با کمک تحلیل‌های مبتنی بر آیزویست سه‌بعدی؛ مطالعه‌ی موردی سبزه میدان تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۲۵

۲۷. شهیدی، شراره (۱۳۹۶)، پایان‌نامه‌ارشد؛ شناسایی عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری، پروژه عملی: رایه الگوی پیشنهادی محله در شهرستان بابلسر، مؤسسه آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی طبری
۲۸. صادقی‌پی، ناهید (۱۳۹۱)، ارتقای فضاهای سبز به فضاهایی سرزنده برای شهر، دو فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی صفا، شماره ۵۷
۲۹. صبرنجی، شینا (۱۳۹۶)، گونه‌شناسی فضاهای باز عمومی مدینه در دو شهر فاس و مکناس، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال پنجم، شماره ۱۷
۳۰. طالبی، ژاله (۱۳۸۳)، روابط اجتماعی در فضاهای شهری، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۴
۳۱. عامری، منیره (۱۳۹۳)، پایان‌نامه ارشد: شهر دوستدار کودک (طراحی فضای عمومی کودک (میدان شهری) در شاهرود با تأکید بر امنیت و حیات اجتماعی کودکان)، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی شاهرود
۳۲. علیمردانی، مسعود، مهدی‌نژاد، جمال‌الدین و افهمی، طلیعه (۱۳۹۴)، رشد کیفی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی (نمونه‌موردی خیابان احمدآباد مشهد)، دو فصلنامه‌ی هنرهای کاربردی، شماره ۱۷
۳۳. عینی‌فر، علیرضا (۱۳۷۹)، عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۸
۳۴. فردوسی، سجاد و بابائی، یاور (۱۳۹۷)، تحلیلی بر روند رشد جمعیت و رشد فیزیکی شاهرود، مجله‌ی بررسی‌های آمار رسمی ایران، سال ۲۹، شماره ۱
۳۵. فلاح، محمدصادق و کلامی، مریم (۱۳۸۷)، تأثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۲

۳۶. فلاحت، محمدصادق و شهیدی، صمد (۱۳۹۴)، نقش مفهوم توده - فضا در تبیین مکان معماری،

فصلنامه علمی - پژوهشی باغ نظر، سال دوازدهم، شماره ۳۵

۳۷. فیروزگر، زهره (۱۳۹۵)، پایان نامه ارشد؛ طراحی مجتمع مسکونی با تأکید بر ارتقاء کیفی تعاملات

اجتماعی در عرصه فضای باز و نیمه باز عمومی، پردیس دانشگاهی، گروه معماری، دانشگاه گیلان

۳۸. قلمبردزفولی، مریم و نقی زاده، محمد (۱۳۹۳)، طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات

اجتماعی (مطالعه موردی: بلوار بین محله‌ای)، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی هویت شهر، سال هشتم،

شماره ۱۷

۳۹. کارمونا، متیو، هیت، تیم، اک، تنر و تیسدل، استیون (۱۳۹۴)، مکان‌های عمومی، فضاهای شهری:

ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه: فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی، چاپ

سوم، تهران: انتشارات دانشگاه هنر

۴۰. کریر، راب (۱۳۹۴)، فضای شهری، ترجمه: خسرو هاشمی نژاد، چاپ سوم، اصفهان: نشر خاک

۴۱. کنیرش، یورگن (۱۳۹۲)، میدان‌های شهری، معماری و طراحی فضاهای باز، ترجمه: فریدون قریب،

چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

۴۲. گل، یان (۱۳۹۴)، شهر انسانی، ترجمه: علی غفاری و لیلا غفاری، چاپ دوم، تهران: انتشارات علم

معمار

۴۳. گل، یان (۱۳۹۶)، زندگی میان ساختمان‌ها کاربرد فضاهای جمعی، ترجمه: علی اکبری، فرشته

کرمیان و نسترن محرابی، چاپ اول، تهران: انتشارات پرهام نقش

۴۴. گلکار، کورش (۱۳۸۷)، محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار،

فصلنامه علوم محیطی، سال پنجم، شماره ۴

۴۵. گلکار، کورش (۱۳۸۲)، از تولد تا بلوغ طراحی شهری، نشریه علمی - پژوهشی صفا، دوره ۱۳،

شماره ۳۶

۴۶. لنگ، جان (۱۳۹۸)، آفرینش نظریه‌ی معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه:

علیرضا عینی‌فر، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

۴۷. محمودی، حمید و علیمردانی، مسعود (۱۳۹۵)، جایگاه درخت نخل در ارتقای کیفیت‌های بصری و

آسایش اقلیمی پیاده‌راه‌های ساحلی (نمونه موردی: پیاده‌راه‌های ساحلی بوشهر)، نشریه معماری و

شهرسازی پایدار، سال چهارم، شماره ۱

۴۸. مصیب‌زاده، علی و نجاتی، پوریا (۱۳۹۴)، رنسانس نگرشی جدید بر شهر و شهرسازی با تأکید بر

شکل‌گیری آرمانشهر، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز

۴۹. مظفر، فرهنگ، فیضی، محسن و اسدپور، علی (۱۳۹۲)، رویکردهای معاصر در پژوهش‌های محیطی

فضاهای باز شهری، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۶، شماره ۲۱

۵۰. موریس، جیمز (۱۳۶۸)، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، ترجمه: راضیه رضازاده، چاپ اول،

تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران

۵۱. میرزابابایی، احسان (۱۳۹۵)، پایان‌نامه‌ارشد؛ برنامه‌دهی الگوهای طراحی فضای باز عمومی با

رویکرد سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: میدان تجریش)، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی،

دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

۵۲. نژادابراهیمی، احد، فرشچیان، امیرحسین و خوشرخ، پیمان (۱۳۹۶)، بررسی چهارچوب نظری

فضاهای شهری و تأثیرات نیروهای موجود در شکل‌گیری شهر (بانگرس زیباشناختی)، فصلنامه

علمی تخصصی معماری سبز، سال سوم، شماره ۹

۵۳. نوذری، شعله (۱۳۸۳)، رهنمودهای طراحی فضاهای باز مسکونی، دو فصلنامه علمی - پژوهشی

صفه، شماره ۳۹

۵۴. نوربری شولتز، کریستیان (۱۳۹۸)، مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، ترجمه: محمود امیریار

احمدی، چاپ نهم، تهران: نشر آگه

۵۵. وایت، ویلیام (۱۳۹۲)، زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک، ترجمه: مسعود اسدی محل چالی،

چاپ اول، تهران: انتشارات آرمان شهر

۵۶. هرتزبرگر، هرمن (۱۳۹۴)، درس‌هایی برای دانشجویان معماری، ترجمه: بهمن میرهاشمی و بهروز

خباز بهشتی، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب وارث

۵۷. هدمن، ریچارد و یازوسکی، اندرو (۱۳۸۱)، مبانی طراحی شهری، ترجمه: راضیه رضازاده و مصطفی

عباس‌زادگان، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران

۵۸. یوسف‌زاده‌اربط، حسن (۱۳۹۵)، بررسی نقش فرهنگ و زبان در ارتباط میان فرهنگی، نشریه‌ی

علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی، اجتماعی، سال هفتم، شماره ۴

سایت‌های اینترنتی

1. www.bultanneews.com
2. www.caoi.ir
3. www.foursquare.com
4. www.Googlemap.com
5. www.locationscout.net
6. www.mytravelnotions.com
7. www.ozinchina.com
8. www.pinterest.com

9. www.qantas.com
10. www.reddit.com
11. www.rete.comuni-italiani.it
12. www.shuhang.bitcron.com
13. www.solosophie.com
14. www.tehrandarbast.ir
15. www.tripadvisor.com
16. www.tripsavvy.com
17. www.tnews.ir
18. www.wearemunicipal.co.uk

Abstract

Regardless of the environment and geographical context in which human beings have been brought up and lived, they have a set of constant and permanent needs and requirements, the most crucial of which is to establish relationships and social interactions with others. Small-scale open spaces, as places that have a close and intimate connection with people and citizens, will be able to establish the foundation of these interactions and social contacts between them. This study has been conducted by the aim of obtaining the components and physical criteria of vivacious and lively and human open spaces and the extent of their use and role of enhancing social interactions between people in Shahrood as a case study. Therefore, first of all, library resources were used to identify and classify the views and opinions of experts about the principles and physical criteria for the construction of human open spaces. Then, by active observation and gathering of images of spaces, the sociability of small open spaces in the samples was determined. Finally, by explaining and describing the factors affecting the creation of social interactions in such settings, the role of physical factors and their function was evaluated. The results of this study focus on the components such as confinement, human scale and proportions, clarity and readability, as well as flexibility and use of stimulant and interpretable forms in the physical structure of small-scale open spaces of Shahrood and creating acceptability and people involvements. Other results of this study include high correlation and overlap between the characteristics and principles used in small-scale open spaces of Shahrood and case studies gathered from around the world. This indicates the trans-regional nature of these principles and criteria and their role in an appropriate level, which is regardless of any territorial or cultural affiliations and dependencies

Keywords: Social Interactions, Small scale open spaces, Shahrood, Physical Components, Collectability



Shahrood University of
Technology

Faculty of Architectural Engineering and Urbanism

M.Sc.Thesis in Architectural Engineering

**Architecture for public life; Investigating
the effect of small-scale public open spaces on
social relations and interaction between
citizens
(Case Study: Small-Scale Open Spaces of Shahrood)**

By: Reza Fatehi

Supervisor:
Dr.Hamidreza Atlasbaf

September 2021